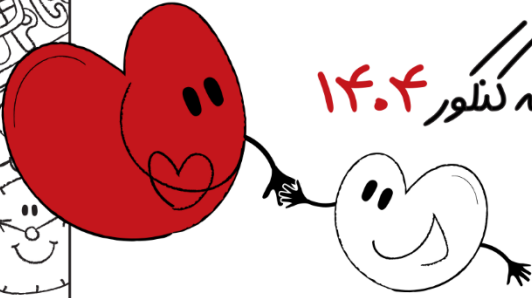


با  بیا تام لند

جزوه

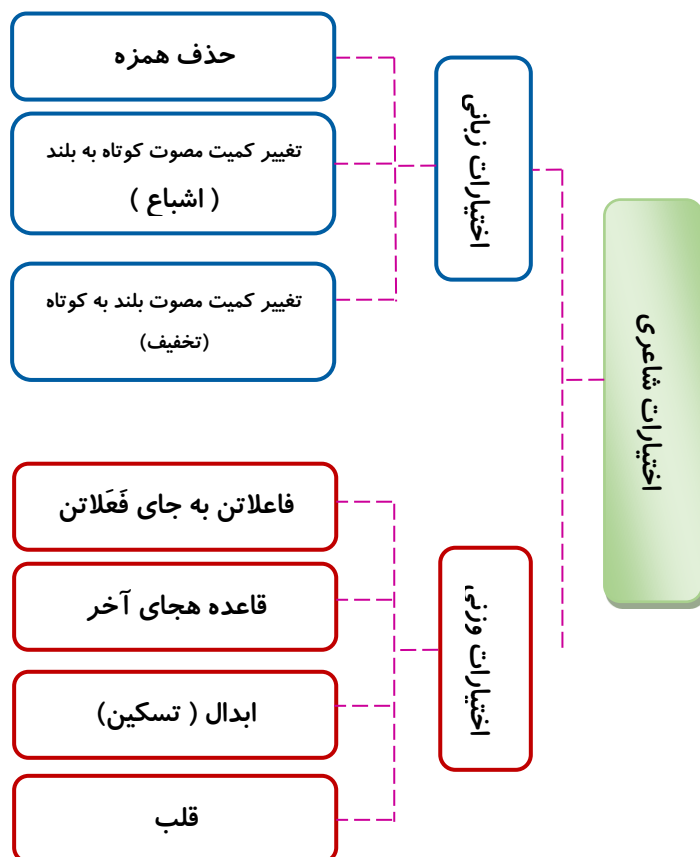
دوره سالانه نئور ۱۴۰۴



علوم و فنون جامع



فصل چهارم اختیارات شاعری



گفتیم وزن شعر فارسی مبتنی بر تساوی هجاهاست. هم از نظر کمی و هم کیفی. یعنی نه تنها این که تعداد هجاهای مصراعها یکسان است، بلکه ترتیب قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند در تمام مصراعها هم یکسان است. مثلاً وقتی فردوسی اولین مصراع شاهنامه را بر وزن «U/-- U/-- U/--U» سرود، مجبور شد کل شاهنامه را بر همین وزن بسراید. و یا وقتی مولانا مصراع اول مثنوی معنوی را بر وزن «U/-- U/-- U/--U» گفت، کل پنجاه و دو هزار مصراع را بر همین ترتیب هجایی سرود. همان طور که تصور می کنید، این رعایت و هماهنگی چیزی در حد معجزه است و معجزه هم از بشر امروزی ساقط است. لذا اختیاراتی به شاعران اجازه می دهد تا در شرایط خاص از این وزن ها و چیدمان هجایی خارج شوند و در مقابل هجای کوتاه، هجای بلند بیاورند و بالعکس.

اختیارات شاعری در محل و یا در حالتی است که گوش فارسی زبانان، آن اختلاف را خیلی خارج از وزن نمی داند و استفاده از آن باعث بر هم خوردن نظم آوایی و شنیداری نمی شود. به مجموعه اختیاراتی که شاعران از آن ها استفاده می کنند تا شعرشان از وزن خارج نشود «اختیارات شاعری» می گویند. اختیارات شاعری به دودسته تقسیم می شوند:

۱- اختیارات زبانی ۲- اختیارات وزنی

اختیارات زبانی:

اختیاراتی است که شاعر در صورت نیاز، با نحوه تلفظ، در کیفیت هجاها تغییری ایجاد می کند و هجای بلند را به هجای کوتاه و هجای کوتاه را به هجای بلند، نزدیک می کند.





اختیارات زبانی دودسته است: الف) حذف همزه ب) تغییر کمیت مصوت‌ها

الف) حذف همزه:

در زبان و شعر فارسی معمولاً همزه در ابتدای کلمات، تلفظ نمی‌شود ولی گاهی بنا به ضرورت به تلفظ درمی‌آید باید دقت شود که در صورت تلفظ نکردن همزه، آن را در آوانویسی هم ننویسیم. مثلاً به این مصرع حافظ توجه کنید:

« من از افسون چشمت مست و او از بوی گیسویت »

در مصرع فوق چهار واژه‌ی « از »، « افسون »، « او » و « از » در آغاز دارای همزه هستند اما همزه‌ی اولین « از » بعد از واژه « من » هنگام خواندن تلفظ نمی‌شود و به این صورت خوانده می‌شود: **مَ / اَنَز** اما چنان‌که می‌بینید همزه سه واژه بعدی هنگام خواندن شعر تلفظ می‌شود پس ما، تنها در اتصال « من » به « از » در ابتدای مصرع، اختیار « حذف همزه » داریم.

مثال‌های پیشتر:

بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود	کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود
زمین به اختر میمون و طالع مسعود	شد از خروج ریاحین چو آسمان روشن
ولی چه سود که در وی نه ممکن است خلود	جهان چو خلد برین شد به دور سوسن و گل
سحر که مرغ در آید به نغمه‌ی داوود	چو گل سوار شود بر هوا سلیمان وار
هر آنچه می طلبد جمله باشدش موجود	بود که مجلس حافظ به یمن تربیتش

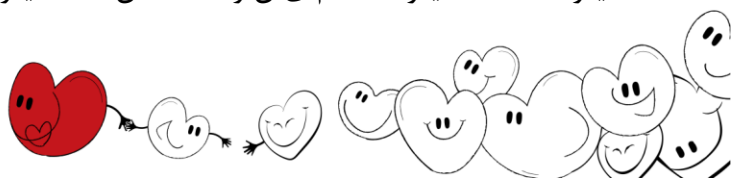
توجه: همان‌طور که می‌بینید در قسمت‌های مشخص شده « حذف همزه » صورت می‌گیرد.

توجه: در موارد زیر (و موارد مشابه) **همزه و مصوت بعداز آن**، هر دو حذف می‌شوند.

دانا است ⇐ داناست (د ا ن ا + ء ـ س ت = داناست)

خوبی است ⇐ خوبیست (خ و ب ی + ء ـ س ت = خوبیست)

مینو است ⇐ مینوست (م ی ن و + ء ـ س ت = مینوست)





توجه: گاهی اوقات حذف کردن یا حذف نکردن همزه تأثیری در نوشتن عروض آن ندارد (این نکته به «ن» ساکن بعد از مصوت بلند مربوط است).

ای ساربان آهسته ران، کارام جانم می‌رود	وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود
به خوناب شفق در دامن شام	به خون آلوده ایران کهن دید
خونُ آ لو دِ ←	خو نا لو دِ
U _ _ _	U _ _ _
ای ساربانُ آهسته رانُ ←	ای سارِ با نا هسته ران
_ U _ _	_ U _ _

توجه: این حذف همزه در واقع ذاتی زبان است و در حالت عادی و معیار و غیر شعری نیز حذف می‌شود و در اصل اختیار مخصوص شاعری نیست. ولی عروضیان و کتاب درسی آن را اختیار شاعری گفته‌اند. در زبان‌های دیگر نیز این همزه و صدا حذف می‌شود.

I am... = I'm ...

it is ... = it's ...

ب) تغییر کمیت مصوت‌ها تغییر کمیت مصوت‌ها به شاعر این امکان را می‌دهد که در صورت نیاز با بیشتر کشیدن مصوت کوتاه، آن را به مصوت بلند تبدیل کند، (تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع مقابل یکسان کند) و یا با کمتر کشیدن مصوت بلند، آن را به مصوت کوتاه تبدیل کند (تا هجای بلند یک مصراع را با هجای کوتاه مصراع مقابل، یکسان کند).

تغییر کمیت مصوت‌ها دو نوع است:

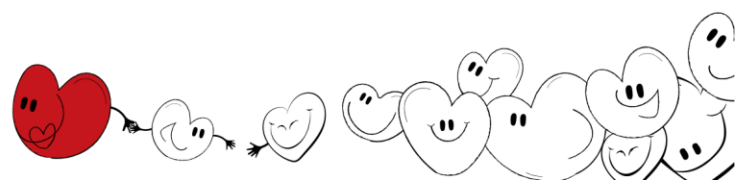
۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند) (اشباع)

۲- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه) (تخفیف)

۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

گاهی به ضرورت وزن شعر ناچار می‌شویم یک هجا کوتاه (دو حرفی) را به یک هجای بلند (سه حرفی) تبدیل کنیم به این کار «تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند» یا «اشباع» می‌گویند.

به سخن دیگر شاعر می‌تواند در صورت نیاز، مصوت کوتاه را بلندتر و کشیده‌تر تلفظ کند تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع دیگر یکسان کند. این اختیار شاعری نیز، جزء پرکاربردترین اختیارات شاعری است.





نکته ۱: برای اشباع همیشه

یا مصوت کوتاه « e » به مصوت بلند « ee » بدل می شود

یا مصوت کوتاه « o » به مصوت بلند « oo » تبدیل می شود

تذکر: اشباع در مورد تبدیل شدن مصوت کوتاه « a » به مصوت بلند « aa » کاربرد ندارد و اگرگاهی می بینیم در شعری لازم است هجای آخر واژه ی « نه » (na) اشباع شود ، به این علت است که در قدیم قید نفی « نه » را به صورت « نه » (ne) تلفظ می کردند که گاهی به ضرورت وزن به (nee) اشباع می شد.

نکته ۲: اشباع هیچ گاه در هجای آغازین یا وسطِ واژه صورت نمی گیرد و همیشه **هجای پایانی** یک واژه امکان اشباع دارد

مثال: خوشا شیراز و وضع بی مثالش خداوندا نگه دار از زوالش

خُ	شا	شی	را	زُ	وَص	عِ	بی	مِ	ثا	لَش
U	-	-	-	U	-	U	-	U	-	-
مَ	فا	عی	نُن	مَ	فا	عی	نُن	فَ	عو	نُن
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
خُ	دا	وَن	دا	نِ	گه	دا	رَز	زِ	وا	لَش

حذف همزه

همزه

همان طور که در الگوی هجایی دو مصراع مشخص است، نوع هجای هفتم در مصراع اول با مصراع دوم متفاوت است. اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» به شاعر این امکان را می دهد تا **مصوت کوتاه پایانی کلمه** را در صورت نیاز، بلند تلفظ کند که به این کار «**اشباع**» می گویند.

مثال: روز وصل دوستداران یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد

رو	زِ	وَص	لِ	دوس	ت	دا	را	یا	د	باد
-	U	-	U	-	U	-	-	-	U	-
فا	عِ	لا	تُن	فا	عِ	لا	تُن	فا	عِ	نُن
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
یا	د	با	دا	رو	زِ	گا	را	یا	د	باد

حذف همزه





مثال: تو کجایی تا شوم من چاکرت؟ چارقت دوزم کنم شانه سرت

رَت	ک	چا	من	وَم	شَ	تا	یی	جا	کُ	تَ
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	U
لُن	ع	فا	تُن	لا	ع	فا	تُن	لا	ع	فا
-	U	U	-	-	U	-	-	-	U	-
رَت	سَ	نِ	شا	نَم	کُ	زَم	دو	قَت	رُ	چا

اشباع (pointing to the 'U' in the first row, 11th column)

اشباع (pointing to the 'U' in the second row, 2nd column)

مثال: گفتم آر عریان شود او در عیان نه تو مانی نه کنارت نه جهان

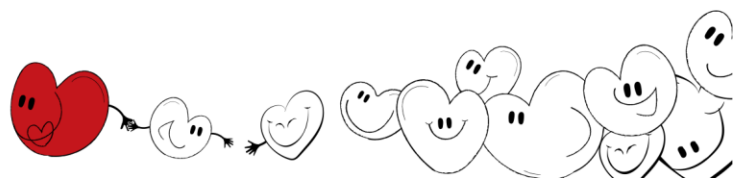
حذف همزه

گُف	تَ	مَر	عُر	یَار	شَ	وَد	او	دَر	عَ	یَار
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
فا	ع	لا	تُن	فا	ع	لا	تُن	فا	ع	لُن
-	U	-	-	-	U	-	-	U	U	-
نَ	تُ	ما	نی	نَ	کِ	نا	رَت	نَ	جَ	ها

اشباع (pointing to the 'U' in the second row, 10th column)

اشباع (pointing to the 'U' in the second row, 9th column)

اشباع (pointing to the 'U' in the second row, 8th column)





نکته بسیار مهم: گاه شاعر در دو هجای روبه روی هم از این اختیار شاعری استفاده می‌کند. در این صورت، تشخیص اختیار شاعری دشوار می‌شود. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

به خون گرکشی خاک من، دشمن من بجوشد گل اندر گل از گلشن من

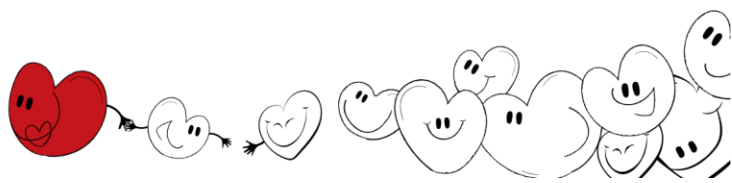
بِ	خون	گَر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دَش	مَ	نِ	مَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
فَ	عَو	فَ	عَو	فَ	عَو	فَ	عَو	فَ	عَو	فَ	عَو
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
بِ	جو	شَد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

در تقطیع فوق، در نگاه اول، با توجه به عدم ناهماهنگی و یکسانی هجاها، تصور می‌شود که از اختیار شاعری استفاده نشده است، ولی با توجه به وزن کلّ مصراع و ارکان دیگر متوجه می‌شویم، در هجای یکی مانده به آخر، در هر دو مصراع، از اختیار شاعری بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه استفاده شده است.

بِ	خون	گَر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دَش	مَ	نِ	مَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
فَ	عَو	فَ	عَو	فَ	عَو	فَ	عَو	فَ	عَو	فَ	عَو
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
بِ	جو	شَد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

اشباع (نِ) حذف همزه (نِ) حذف همزه (نِ) حذف همزه (نِ)

توجه: دقت کنیم قاعده «OW» که در ابتدای جزوه در مورد آن بحث کردیم را با اختیاز اشباع اشتباه نگیریم.





۲- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (تخفیف)

گاهی به ضرورت وزن شعر ناچار می شویم یک هجا بلند (سه حرفی) را به یک هجای کوتاه (دو حرفی) تبدیل کنیم به این کار «تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه» یا «تخفیف» می گویند. برای تخفیف همیشه درست برعکس اشباع عمل می کنیم و مصوت بلند «ای» را به مصوت کوتاه «ـِ» و مصوت بلند «او» را به مصوت کوتاه «ـُ» تبدیل می کنیم

تخفیف نیز مانند اشباع، فقط در هجای آخر واژه امکان پذیر است.

نکته ۱:

تخفیف در تبدیل «ـَ» به «آ» امکان پذیر نیست.

نکته ۲:

مثال: در دام فتاده آهویی چند محکم شده دست و پی در بند

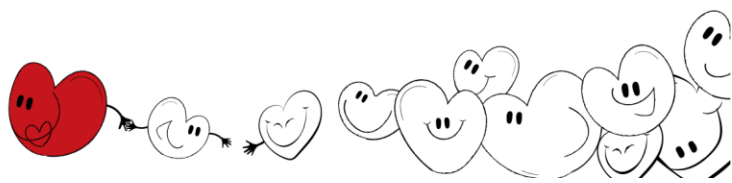
در	دا	م	ف	تا	د	ء	هو	بی	چند	هجا آخر
—	—	U	U	—	U	—	+	—	—	
							هـُ			
مَف	عو	لُ	مَ	فا	عِ	نُن	فَ	عو	نُن	
مُس	تَف	عِ	لُ	فا	عِ	نُن	فَ	عو	نُن	
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	
مُح	گم	شُ	دِ	دَس	تُ	پا	ی	دَر	بند	هجا آخر

هجاهای ستون هشتم دو مصراع با هم اختلاف دارند. پیش از این آموختیم با بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه پایانی

کلمه (اشباع)، می توانیم هجای کوتاه را به هجای بلند تبدیل کنیم، اما در این مثال

اولاً؛ با توجه به وزن شعر «مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ» این اجازه را نداریم، ثانیاً؛ واج «ی» اصلاً مصوت نیست که بلند تلفظ کنیم تا هجای کوتاه را با هجای بلند برابر کنیم! اما اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، این اختیار را به ما می دهد که در صورت آمدن «او» یا «ای» دقیقاً قبل از صامت «ی»، آن مصوت بلند را، کوتاه تلفظ کنیم

(تخفیف دهیم) که در جدول فوق با رنگ صورتی مشخص شده است





مثال: به چشم و ابروی جانان سپرده ام دل و جان بیا بیا و تماشای طاق و منظره کن

بِ	چَش	مُ	ءَـبَ	رِو	یِ	جَا	نَا	سِ	پُرِ	دِ	ءَـمَ	دِ	لُ	جَا
U	-	U	-	U ⁺ رِو	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
مَ	فَا	عِ	نُ	فَ	عِ	لَا	تُنْ	مَ	فَا	عِ	نُ	فَ	عِ	نُ
U ⁺ بِ	-	U ⁺ بِ	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
بِی	یَا	بِی	یَا	ءُ	تَ	مَا	شَا	یِ	طَا	قُ	مَنْ	ظَا	رِ	کَنْ

تخفیف → (رو)
← (بِ) انقبَل ی
← (بِ) انقبَل ی

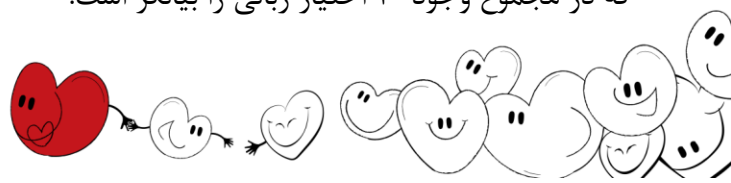
همانطور که می بینیم هجای چهارم مصرع اول تخفیف و هجای اول و سوم مصرع دوم داری قاعده ii قبل ی می باشند ما در این بیت یک اختیار تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه داریم. (قاعده ii قبل Y ، اختیار شاعری به حساب نمی آید)

مثال: خدا را رحمی ای منعم که درویش سر کویت دری دیگر نمی داند رهی دیگر نمی گیرد

خُ	دَا	رَا	رَحِ	مِی	بِی	مُنْ	عِمْ	کِ	دَرِ	وِی	شِ	سَ	رِ	کُو	یَتِ
U	-	-	-	U ⁺ مِی	-	-	-	U	-	-	U	-	U	-	-
مَ	فَا	عِی	نُ	مَ	فَا	عِی	نُ	مَ	فَا	عِی	نُ	مَ	فَا	عِی	نُ
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
دَ	رِی	دِی	گَرِ	نِ	مِی	دَا	نَدِ	رَ	هِی	دِی	گَرِ	نِ	مِی	گِی	رَدِ

تخفیف → (مِی)
← (شِ) اشباع
← (رِ) اشباع
← (دَ) حذف همزه

همان طور که در جدول بالا مشخص است مصرع اول یک اختیار تخفیف ، یک حذف همزه و دو اشباع دارد که در مجموع وجود ۴ اختیار زبانی را بیانگر است.





نکته: مصوت بلند «او»، در کلمات تک هجایی «بو، رو، جو، مو و...» هیچگاه کوتاه نمی‌شود و به صورت «بُ، جُ، مُ، و...» در نمی‌آید به جز کلمه «سو» که در صورت اضافه شدن به کلمه‌ای دیگر (مانند: سوی من)، ممکن است مشمول این اختیار شاعری شود و به صورت «سوی: سِی» تلفظ شود.

۲- اختیارات وزنی:

اختیاراتی است که گوش آنها را حس می‌کند ولی ایراد نمی‌شمارد. اختیارات زبانی، اختیاراتی در نحوه تلفظ بود ولی اختیارات وزنی اختیاراتی در تغییر هجاهاست. اختیارات وزنی ۴ نوع هستند.

۱- اختیار هجای آخر مصراع ۲- اختیار فاعلاتن به جای فَعَلَاتُنْ

۳- ابدال (تسکین) ۴- قلب

۱) بلند بودن هجای پایان مصراع و نیم مصراع در اوزان دو لختی یا دُوری

شاعر اختیار دارد در هجای آخر مصراع از هجای دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی، یا پنج حرفی به میل خود استفاده کند اما این هجاها در آخر مصرع‌ها فقط یک هجای بلند محسوب می‌شوند. به سخنی دیگر شاعر از هر هجایی که مایل باشد می‌تواند در آخر مصراع استفاده کند و ما فقط برای آن، یک علامت هجای بلند «—» می‌گذاریم و بس. (این اختیار را پیشاپیش در جزوه فراگرفته بودیم و اعمال می‌کردیم.)

آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو

مثال: ماه و پروین از خجالت رخ فرو پوشد اگر

چون اهل زبان نه ای، چه تدبیر کنم؟

مثال: من شرح غمت به صد زبان خواهم گفت

گناه بخت پریشان و دستِ کوتاه ماست

مثال: اگر به زلفِ دراز تو دست ما نرسد

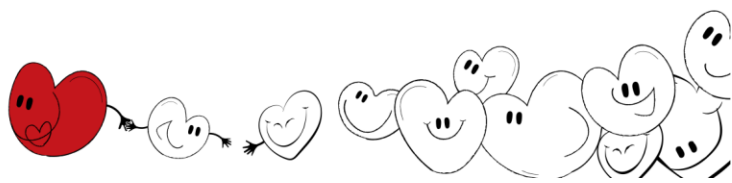
صورتی دارد ولی جانیش نیست

مثال: هر که را صورت نبندد سر عشق

که مرگ من نمی‌ارزد به غصه خوردن تو

مثال: خدا کند که نفهمی غمت چه با من کرد

پس هر وقت هجای پایانی مصراع، کوتاه یا کشیده بود، شاعر از این اختیار شاعری استفاده کرده است. و در علامت گذاری هجاها، باید برای آنها هجای بلند «—» قرار بدهیم.





۲) آوردن فاعلاتن به جای فَعَلَاتِن

هرگاه شاعر برای سرودن شعری وزنی را انتخاب کند که با «فَعَلَاتِن» شروع شود، مختار است که فقط در رکن اول مصراع، به جای «فَعَلَاتِن» از «فاعلاتن» استفاده کند. این اختیار در رکن اول اوزان زیر صورت می‌گیرد:

- ۱ - فَعَلَاتِن مَفَاعِلِن فَعَلْن
۲ - فَعَلَاتِن فَعَلَاتِن فَعَلْن
۳ - فَعَلَاتِن فَعَلَاتِن فَعَلَاتِن فَعَلْن
۴ - فَعَلَاتِن فَعَلَاتِن فَعَلَاتِن فَعَلَاتِن فَعَلْن

نکته ۱: تاکید می‌شود این اختیار فقط در رکن اول مصراع‌ها امکان‌پذیر است و نه در سایر رکن‌ها.

نکته ۲: این اختیار فقط در آوردن «فاعلاتن» به جای «فَعَلَاتِن» صادق است و عکس آن جایز نیست یعنی شاعر نمی‌تواند به جای «فاعلاتن»، «فَعَلَاتِن» بیاورد.

سوال: اگر در ابتدای هر مصرعی رکن «فاعلاتن» آمده بود، حتما اختیار «فاعلاتن» به جای «فَعَلَاتِن» داریم؟؟؟؟؟ پاسخ: خیر!!!

نکته ۳: هرگاه در ابتدای مصرعی رکن «فاعلاتن» آمده باشد:

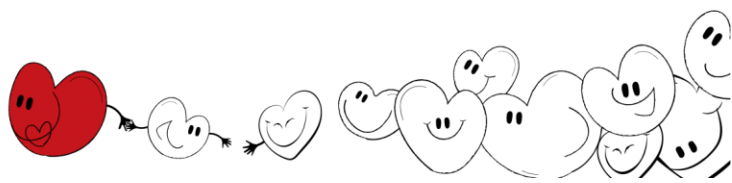
- ۱- اگر بلافاصله بعد از رکن فاعلاتن هجای کوتاه «U» آمده بود، اختیار فاعلاتن به جای فَعَلَاتِن داریم
۲- اگر بلافاصله بعد از رکن فاعلاتن هجای بلند «-» آمده بود، اختیار فاعلاتن به جای فَعَلَاتِن نداریم

مثال: بنده وار آمدم به زنهارت که ندارم سلاح پیکارت **حذف همزه**

بِن	دِ	وَا	رَا	مَ	دَم	بِ	زِن	هَا	رَت
-	U	-	-	U	-	U	-	-	-
فَا	ع	لَا	تُن	مَ	فَا	عِ	لُن	فَع	لُن
U	U	-	-	U	-	U	U	-	-
کِ	نَ	دَا	رَم	سِ	لَا	حِ	پِی	کَا	رَت

فاعلاتن به جای فَعَلَاتِن

همان‌طور که می‌بینید شاعر در رکن اول مصراع اول به جای «فَعَلَاتِن»، «فاعلاتن» آورده است و بلافاصله بعد از آن هجای کوتاه «U» آمده است پس در آنجا اختیار فاعلاتن به جای فَعَلَاتِن داریم.





مثال: نتوانست فراموش کند خاطره را هر که از دست تو یک قطره می ناب گرفت

نَ	تَ	وَ	نِ	تَ	فَ	رَا	مُو	شَ	کُ	نَدَ	خَا	طِ	رِ	رَا
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
فَا	عَ	لَا	تُنْ	فَاعَ	لَا	تُنْ	فَاعَ	لَا	تُنْ	فَاعَ	لَا	تُنْ	فَاعَ	لَا
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
هر	ک	ء	ز	دَس	ت	ت	یک	جُر	ع	م	ی	ب	گ	رِفت

اشباع

فَاعِلَاتِنَ به جای فَعْلَاتِنَ

هجاى آخر

همان طور که می بینید شاعر در رکن اول مصراع دوم به جای

«فَعْلَاتِنَ»، «فَاعِلَاتِنَ» آورده است و بلافاصله بعد از آن هجای کوتاه «U» آمده است پس در آنجا اختیار فاعلاتن به جای فَعْلَاتِنَ داریم.

مثال: ناز پرورده ای و درد نمی دانی چیست گریه ی ممتد یک مرد نمی دانی چیست

نَا	زَ	پَر	وَر	دِ	ءَا	یِ	دِر	دِ	نِ	مِی	دَا	نِی	چِیست	
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	-	-	
فَا	عَ	لَا	تُنْ	فَاعَ	لَا	تُنْ	فَاعَ	لَا	تُنْ	فَاعَ	لَا	تُنْ	فَاعَ	لَا
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-	-
مَر	یِ	یِ	مُم	تَ	دِ	پِک	مَر	دِ	نِ	مِی	دَا	نِی	چِیست	

اشباع

فَاعِلَاتِنَ به جای فَعْلَاتِنَ

تَخْفِيف

هجاى آخر





نکته: همان‌طور که می‌بینید ممکن است در ابتدای هر دو مصرع یک بیت از اختیار فاعلاتن به‌جای فَعَلاتن استفاده شود و حتی در دل این اختیار می‌تواند اختیار اشباع یا تخفیف یا حذف همزه نیز وجود داشته باشد

(۳) ابدال (تسکین)

شاعر می‌تواند به‌جای دو هجای کوتاه «UU» کنار هم، یک هجای بلند «—» بیاورد. مثلاً به‌جای رکن فَعَلَن «UU—»، شاعر می‌تواند فَع لَن «— —» بیاورد.

مثال: به‌جای سرو بلند ایستاده بر لب جوی چرا نظر نکنی یار سرو بالارا

بِ	جَا	یِ	سَر	وِ	بُ	لَن	دِی	سِ	تَا	دِ	بَر	لَ	بِ	جَوِی
U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
مَ	فَا	عِ	لُن	فَ	عَ	لَا	تُن	مَ	فَا	عِ	لُن	فَ	عَ	لُن
مَ	فَا	عِ	لُن	فَ	عَ	لَا	تُن	مَ	فَا	عِ	لُن	فَ	عَ	لُن
U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—	—	—
چِ	رَا	نَ	ظَر	نَ	کُ	نِی	یَا	رِ	سَر	وِ	بَا	لَا	—	رَا

حذف همزه (دست‌نویس)

هجای آخر (دست‌نویس)

ابدال (دست‌نویس)

نکته: هر چند به‌جای دو هجای کوتاه در رکن‌های فَعَلاتن «UU—»، «مُفَعَلِن —UU—» و «مُسْتَفَعِلُ

—UU—» هم این اختیار شاعری دیده شده است و به صورت مَفَعولُن «— — —» در می‌آیند، اما اغلب کاربرد آن در رکن فَعَلِن «—UU» است که در پایان مصرع می‌آید و به رکن فَع لَن «—» تبدیل می‌شود.

مثال: چه خبر دارد از پیاده، سوار او همی تازد و تو می‌تازی

چِ	خَ	بَر	دَا	رَ	دَز	پِ	یَا	دِ	سِ	وَار
U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
فَ	عَ	لَا	تُن	مَ	فَا	عِ	لُن	فَ	عَ	لُن
فَا	عِ	لَا	تُن	مَ	فَا	عِ	لُن	فَ	عَ	لُن
—	—	—	—	U	—	U	—	—	—	—
عَاوِ	هَ	مِی	تَا	زَ	دُ	تُ	مِی	تَا	—	زِی

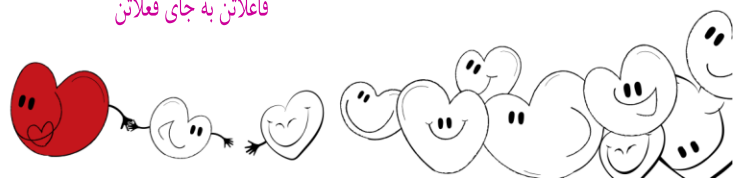
حذف همزه (دست‌نویس)

هجای آخر (دست‌نویس)

ابدال (دست‌نویس)

اشباع (دست‌نویس)

فاعلاتن به جای فَعَلاتن (دست‌نویس)





نکته: اگر مصرعی با «فاعلاتن»، «فَعَلَاتُن» یا «مفاعِلُن» شروع شده بود، سه هجای پایانی مصراع ها را نگاه می‌کنیم، اگر سه هجای پایانی مصرعی «-» بود، در هجا یکی مانده به آخر آن مصراع، ابدال صورت گرفته است.

نکته: هرگاه تعداد هجاهای دو مصراع با هم برابر نبود، به احتمال زیاد این اختیار شاعری به کار رفته است.

نکته: این اختیار شاعری هم بسیار پر کاربرد است (مخصوصاً در تبدیل فَعِلُن به فَع لُن) و ممکن است در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

نکته: اوزان شعر فارسی به گونه‌ای است که معمولاً بیش از ۲ هجای کوتاه و بیش از ۴ هجای بلند کنار هم نمی‌آید، پس اگر غیر از این دیدیم به احتمال زیاد اختیار شاعری داریم. (البته اگر درست تقطیع کرده باشیم!)

۴) قلب:

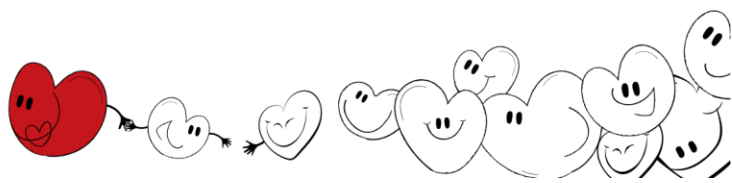
هرگاه شاعر مایل باشد می‌تواند جای دو هجای کوتاه و بلند را عوض کند؛ یعنی به جای «U-»، «-U» بگوید و یا برعکس، که به آن اختیار شاعری «قلب» می‌گویند اما باید توجه داشت که این اختیار تنها می‌تواند بین دو هجای آغازین رکن‌های «مُفْتَعِلُن» و «مفاعِلُن» رخ بدهد.

مثال: کسیت که پیغام من به شهر شروان برد یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

کیس	ت	ک	پی	غا	م	مَن	ب	شَه	ر	شِر	وا	ب	رَد
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-
-	U	U	-	-	U	-	U	U	U	-	-	U	-
پک	س	خ	نَز	مَن	ب	دانه	مَر	د	س	سُ	دانه	ب	رَد

حذف همزه

وزن این شعر «مُفْتَعِلُن فاعِلُن ، مُفْتَعِلُن فاعِلُن» است. ولی شاعر طبق اختیار شاعری قلب، در رکن سوم مصراع اول به جای مُفْتَعِلُن «UU-»، مفاعِلُن «-U-U» آورده است.





مثال: قصه چه خوانم به من آن کرد دوست که دشمن انگشت به دندان گرفت

قص	ص	چ	خا	نم	ب	م	ن	گر	د	دوست
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
ک	دش	م	نن	گش	ت	ب	دن	دا	گ	رفت
U	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-

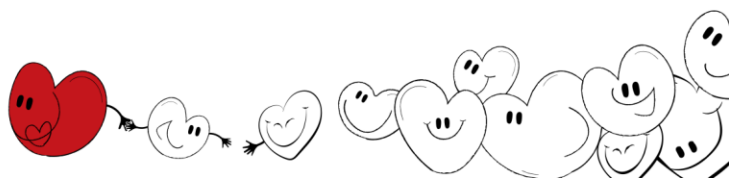
حذف همزه (pointing to 'ن' in 'نم' and 'ا' in 'دا')

هجای آخر (pointing to 'دوست' and 'رفت')

وزن این شعر «مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ» است. ولی شاعر طبق اختیار شاعری قلب، در رکن اول مصراع دوم به جای مُفْتَعِلُنْ «- UU-» ، مفاعِلُنْ «- U-U» آورده است.

توجه: قلب در اغلب اوقات دراوزان زیر ممکن است دیده شود نه سایر وزن ها:

- ۱- مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن
- ۲- مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
- ۳- مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن
- ۴- مفتعلن مفتعلن فاعلن





فصل پنجم اوزان همسان و ناهمسان و وزن شعر نو

قبلاً آموختیم که ارکان عروضی یا پایه‌های آوایی یک مصراع، به دو روش سماعی و دسته‌بندی هجاها به دست می‌آید. و همچنین دیدیم بر این مبنا ۳ نوع وزن حاصل می‌شود: اوزان همسان تک‌پایه‌ای، اوزان همسان دولختی (دُوری) و اوزان ناهمسان. و همچنین وزن ابیاتی را بررسی کردیم، حال به نکات تکمیلی آن می‌پردازیم

الف - اوزان همسان تک‌پایه‌ای

ابیاتی هستند که تمام ارکان عروضی آن‌ها از یک رکن ساخته شده باشد.

در اوزان همسان ممکن است یک هجا از آخرین رکن، حذف شده و رکن آخر به صورت مَحذوف آمده باشد.

ارکانی که وزن همسان می‌سازند و رکن مَحذوف آن‌ها را در جدول زیر مشاهده می‌کنید.

۱	فاعلاتن	— U —	فاعِلن	— U —
۲	مفاعیلن	— — U	فَعولُن	— — U
۳	فَعَلاتن	— — U U	فَعَلن	— U U
۴	فَعولُن	— — U	فَعَل	— U
۵	مُفَعَلن	— U U —	فاعِلن	— U —

توجه: مُفَعَلن (— U U —) پس از حذف هجای آخر به مُفَع (— U U) تبدیل می‌شود، ولی چون «ع» هجای پایان مصراع است، دوباره به هجای بلند تبدیل می‌شود و رکن مُفَعَل (— U —) به دست می‌آید. از طرفی چون «مُفَعَل» «با فاعِلن» از نظر وزنی برابر است، از رکن یا پایه آوایی «فاعِلن» استفاده می‌شود که به گوش آشنا تر است.

۱	گر من از عهدت بگردم ناجوانمردم نه مردم	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
۲	عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن
۳	خاک بر سر کن غم ایام را	فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن
۴	نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند	فَعَلاتن فَعَلاتن فَعَلاتن فَعَلاتن
۵	همه آفاق گرفت و همه اطراف گشاد	فَعَلاتن فَعَلاتن فَعَلاتن فَعَلن
۶	مَنگر در هنر و عیب کسان	فَعَلاتن فَعَلاتن فَعَلن
۷	ای یوسفِ خوش نام ما خوش می روی بر بام ما	مُسْتَفَعَلن مُسْتَفَعَلن مُسْتَفَعَلن مُسْتَفَعَلن
۸	اشک روان هر سحری از دلم آرد خبری	مُفَعَلن مُفَعَلن مُفَعَلن مُفَعَلن
۹	بر شِکرت جمع مگس ها چراست	مُفَعَلن مُفَعَلن فاعِلن
۱۰	مرا مهر سیه چشمان ز دل بیرون نخواهد شد	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
۱۱	دل از من برد و روی از من نهان کرد	مفاعیلن مفاعیلن فَعولُن
۱۲	سلامی چو بوی خوش آشنایی	فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن
۱۳	ز گهواره تا گور دانش بجوی	فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعَل



**(ب) اوزان همسان دو لختی (دوری):**

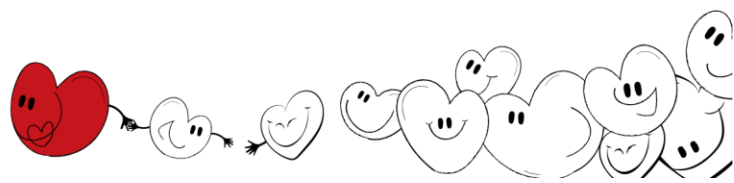
ابیاتی هستند که هر مصراع آنها ۴ رکن دارد و از نظر شکل ظاهری به صورت (Y X ، Y X) هستند یعنی رکن اول آنها در رکن سوم، و رکن دوم آن ها در رکن چهارم تکرار می‌شود. و از نظر آوایی، مکثی میان هر مصراع وجود دارد و هر مصراع را به دو پاره یا لخت تبدیل می‌کند. این ابیات را همسان دولختی یا دوری می‌گویند.

مهم ترین اوزان دو لختی (دوری)

مَفْعُولُ فاعِلَاتِن ، مَفْعُولُ فاعِلَاتِن مستفعلن فعولن ، مستفعلن فعولن	۱ گر گویمت که سروی ، سرو این چنین نباشد
مَفْعُولُ مَفَاعِلِن ، مَفْعُولُ مَفَاعِلِن مستفعلُ مفعولُن ، مستفعلُ مفعولُن	۲ ما را که تو منظوری ، خاطر نرود جایی
مُفْتَعِلِن فاعِلِن ، مُفْتَعِلِن فاعِلِن مفتعلن مفاعِلن ، مفتعلن مفاعِلن	۳ قطره ی باران ما ، گوهر یکدانه شد
مُفْتَعِلِن مَفَاعِلِن ، مُفْتَعِلِن مَفَاعِلِن فَع لُن فَعولُن ، فَع لُن فَعولُن	۴ بی همگان به سر شود ، بی تو به سر نمی‌شود
مستفعلن فَع ، مستفعلن فَع	۵ کز سگ نیاید ، زیبا نوایی
فَعَلَاتُ فاعِلَاتِن ، فَعَلَاتُ فاعِلَاتِن مَفَاعِلِن فَعولُن ، مَفَاعِلِن فَعولُن	۶ متناسب است و موزون ، حرکات دلفریبت
مَفَاعِلِن فَعولُن ، مَفَاعِلِن فَعولُن	۷ ستون این سرایی ، ز در برون چرایی

نکته مهم: توجه کنیم که قاعده هجای آخر ، در هجای پایانی رکن دوم هر مصراع اوزان دوری نیز اعمال می‌شود

نکته مهم: بعضی از اوزان دوری را با توجه به نوع رکن بندی، می‌توان به دو شیوه بیان کرد مثلاً: « مَفْعُولُ فاعِلَاتِن ، مَفْعُولُ فاعِلَاتِن » را می‌توان به صورت « مستفعلن فعولن ، مستفعلن فعولن » رکن بندی و بیان کرد.

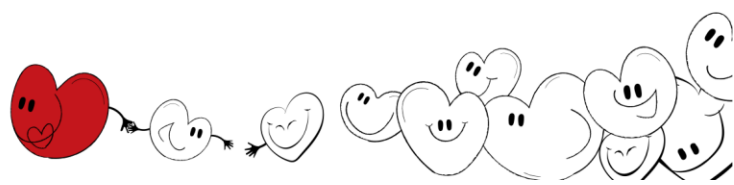




ج) اوزان ناهمساز

ابیاتی که هیچ نظم خاصی در میان هجاهای آنها دیده نمی‌شود. یعنی اگر هجاهای آنها را رکن بندی کنیم، هیچ نظم خاصی آن‌ها دیده نمی‌شود ولی در مجموع آهنگ و ریتم دلنشینی دارند و اتفاقاً در بعضی از این اوزان، نسبت به اوزان همسان، اشعار بیشتری سروده شده است. این اوزان ۹ مورد می‌باشند.

۱	سخنانی شنیده ام که می‌پرس	فَعَلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ
۲	این درد مرا دوا که داند	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۳	هر دل که ز خویشتن فنا گردد	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۴	آری جواب مسئله دشوار است	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ
۵	راز درون پرده ز رندان مست پرس	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ فَاعِلُنْ
۶	تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۷	دیوانه شدم مگر حماقت بکنم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعَلُ (وزن رباعی)
۸	عمر نبود آنچه غافل از تو نشستیم	مَفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مَفْتَعِلُنْ فَعُ
۹	که این عجزه عروس هزار داماد است	مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ





وزن شعر نیمایی: شعر کلاسیک ما غالباً مبتنی بر تساوی هجایی مصراع‌ها بود و نیمایوشیج برای رهایی از تنگنایهای عروضی، شکل جدیدی از وزن را ایجاد کرد تا بهتر بتواند به محتوای شعر – که نیاز روز جامعه بود – بپردازد. **نیمای قید و شرط تساوی هجاهای دو مصراع را برداشت** و دست شاعر را در سرودن شعر باز گذاشت؛ بی آنکه از زیبایی موسیقایی شعر قدیم بکاهد برای نمونه در شعر زیر:

باغ بی برگی

خنده اش خونی است اشک آمیز

جاودان بر اسبِ یال افشان زردش می چمد در آن

پادشاه فصل‌ها پاییز

— / — — U —

با غِ بی برگی

فَاعِلَاتُنْ فَع

— / — — U — / — — U — خنِ دِ اشِ خو نیسِ تَشِ کا میز

فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَع

— — U — / — — U — / — — U — / — — U — جاوِ دانِ برِ آسِ بِ یا لَفِ شانِ زَر

دَشِ می چَ مَدِ درِ آن

فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَع

— / — — U — / — — U —

پا دِ شاهِ فَصلِ ها پا ییز

فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَع

همان‌طور که می بینید شاعر در مصراع‌ی ۱ فاعلاتن، در مصراع دیگر ۲ فاعلاتن و در مصراع دیگر ۴ فاعلاتن آورده است. در واقع در شعر نیمایی ممکن است کوتاهی و بلندی مصراعها و تعداد هجاهای برابر نباشد. اما امکان تغییر وزن وجود ندارد. مثلاً شاعر نمی‌تواند یک مصراع را بر وزن «فاعلاتن» بسراید و مصراع دیگر را بر وزن «مفاعیلن».





توجه: کوتاه و بلندی مصراع های یک شعر در شعر کهن و کلاسیک ما نیز سابقه داشته است. برای نمونه به شعر زیر که در قالب «مستزاد» سروده شده است، توجه کنید:

هر لحظه به شکلی بت عیار بر آمد	دل برد و نهان شد
هر دم به لباس دگران یار بر آمد	گه پیر و جوان شد
گه نوح شد و کرد جهانی به دعا غرق	خود رفت به کشتی
گه گشت خلیل و به دل نار بر آمد	آتش، گل از آن شد
یوسف شد و از مصر فرستاد قمیصی	روشنگر عالم
از دیده یعقوب چو انوار بر آمد	تا دیده عیان شد
حقاً که هم او بود که اندر ید بیضا	می کرد شبانی
در چوب شد و در صفت مار بر آمد	زان فخر کیان شد
می گشت دمی چند بر این روی زمین او	از بهر تفرّج
عسبی شد و برگنبد دوار بر آمد	تسبیح کنان شد
بالجمله هم او بود که می آمد و می رفت	هر قرن که دیدی
تا عاقبت آن شکل عرب وار بر آمد	دارای جهان شد
منسوخ چه باشد؟ نه تناسخ به حقیقت	آن دلبر زیبا
شمشیر شد و در کف کرّار بر آمد	قتال زمان شد
نی نی که هم او بود که می گفت انالحق	در صوت الهی
منصور نبود آن که بر آن دار بر آمد	نادان به گمان شد
رومی سخن کفر نگفته است و نگوید	منکر مشویدش
کافر بود آنکس که به انکار بر آمد	از دوزخیان شد





فصل ششم نام گذاری اوزان

در نظام قدیم، نام گذاری اوزان شعر از مباحث مهم و سخت کنکور بود؛ اما در کتاب‌های جدید به صورت بسیار مختصری به آن اشاره شده است و در تنها کنکور سراسری و در چند امتحان نهایی که از این کتاب طرح گردید، سؤالات بسیار آسانی مطرح شد. با این وجود ممکن است این آسان بودن سؤالات فقط مختص همین سال‌های اول باشد.

واحد شعر فارسی مصراع است ولی برای نامگذاری، «بیت» واحد و ملاک نامگذاری است.

هر مصراع شعر فارسی ۲، ۳ یا ۴ رکن دارد. در نتیجه هر بیت ۴، ۶ یا ۸ رکن می‌شود.

شعر فارسی چهار رکن اصلی دارد:

فاعلاتن (رمل) مفاعیلن (هزج)
مستفعلن (رجز) فعولن (مقارب)

(اگر در یک بیت ۸ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بحر..... مثنی سالم)
 اگر در یک بیت ۶ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بحر..... مسدس سالم و به ندرت اگر در یک بیت ۴ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بحر..... مربع سالم
 در قسمت جای خالی نام رکنی را می‌آوریم که در شعر آمده است.
 به نام اوزان زیر دقت کنید:

خسته ی تیغ فراقم سخت مشتاقم به غایت / ای صبا آخر چه گردد گر کنی یکدم عنایت	
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	بحر رمل مثنی سالم
ای یار ناسامان من از من چرا رنجیده ای / وی درد و ای درمان من از من چرا رنجیده ای	
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	بحر رجز مثنی سالم
اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را / به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را	
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	بحر هزج مثنی سالم
مکن حافظ از جور دوران شکایت / چه دانی تو ای بنده کار خدایی	
فعولن فعولن فعولن فعولن	بحر مقارب مثنی سالم

توجه: ممکن است یک هجا از رکن پایانی حذف شده باشد. در این صورت به جای سالم، **محدوف** می‌نویسیم.

شعر زیر از چهار بار «فاعلاتن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» درآمده است، لذا نام آن «بحر رمل مثنی محدوف» است.

بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت





شعر زیر نیز از چهار بار «فَعُولُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعَل» درآمده است و نام آن «بَحْر مَتَقَارِب مَثْمَن مَحذوف» است.

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

شعر زیر از سه بار «مَفَاعِلُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن» در آمده است و چون «مَفَاعِلُ» با «فَعُولُن» هم وزن است، از «فَعُولُن» استفاده می کنیم که به گوش آشنا تر است. لذا وزن بیت زیر «مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن فَعُولُن» می باشد و نام آن «بَحْر هَزَج مُسَدَّس مَحذوف» است.

به دریا بنگرم دریا تو بینم به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

شعر زیر از سه بار «فَاعِلَاتُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن» در آمده است و نام آن «بَحْر رَمَل مُسَدَّس مَحذوف» است.

خوش تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

نکته: با توجه به درس نامه بسیار مختصر کتاب و با توجه به اوزان محدود کتاب، قاعدتاً نباید وزنی غیر از این ۸ وزن فوق در کنکور بیاید. در ذیل این ۸ وزن را با دسته بندی متفاوت مشاهده می فرمائید.

۱	فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن	بَحْر رَمَل مَثْمَن سالم
۲	فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن	بَحْر رَمَل مَثْمَن مَحذوف
۳	فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن	بَحْر رَمَل مُسَدَّس مَحذوف
۴	مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن	بَحْر رَجَز مَثْمَن سالم
۵	مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن	بَحْر هَزَج مَثْمَن سالم
۶	مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن فَعُولُن فَعُولُن	بَحْر هَزَج مُسَدَّس مَحذوف
۷	فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن	بَحْر مَتَقَارِب مَثْمَن سالم
۸	فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعَل	بَحْر مَتَقَارِب مَثْمَن مَحذوف

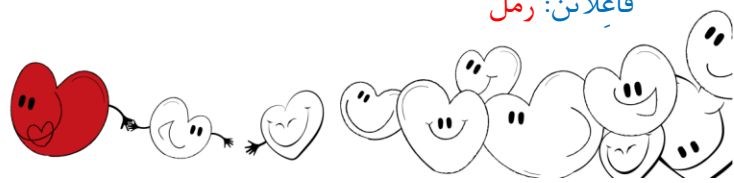
پس می توان گفت:

۱- با توجه به این که واحد نام گذاری شعر فارسی، به تبعیت از عروض عربی «بیت» است، تعداد ارکان یک مصراع را می شماریم و آن را ضرب در ۲ می کنیم و با توجه به اینکه کمترین مصراع ۲ رکن و بیشترین مصراع ۴ رکن دارد، تعداد ارکان یک بیت ۴ (مربع)، ۶ (مُسَدَّس) یا ۸ (مَثْمَن) می باشد.

۲- با توجه به درس نامه کتاب، نام اوزانی را از شما می خواهند که در یک بحر سروده شده باشد. یعنی ابیاتی که وزن همسان دارند. و ارکان آن ها یکی از چهار رکن اصلی است.

مَفَاعِلُن: هَزَج

فَاعِلَاتُن: رَمَل





مُسْتَفْعِلُنْ: رَجْر

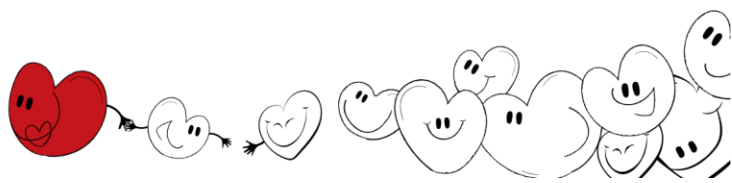
فَعُولُنْ: مُتَقَارِب

۳- اگر رکن پایانی مصراع به همین صورت باشد از لفظ «سالم» در پایان نام وزن استفاده می‌شود.

۴- اگر ارکان پایانی مصراع‌ها یک هجا کمتر از رکن اصلی داشت و به صورت مَحذوف بود، در پایان نام وزن از واژه «مَحذوف» استفاده می‌شود.

فاعلاتن ← فاعِلُنْ (مَحذوف) مفاعیلن ← فَعُولُنْ (مَحذوف) فَعُولُنْ ← فَعَلْ (مَحذوف)

توجه: مُسْتَفْعِلُنْ رُکنِ مَحذوف ندارد.





فصل هفتم قافیه

یکی از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

در مبحث قافیه به موارد مقابل می‌پردازیم: ۱ - قافیه ۲ - ردیف ۳ - حروف قافیه ۴ - قواعد قافیه ۵ - قافیه درونی ۶ - ذوقافیتین ۷ - قافیه در شعر نو

۱- **قافیه:** واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک است و در پایان هر دو مصراع یا مصراع‌های دوم بعضی از قوالب شعری قرار می‌گیرند.

تو معروفی به دل بردن مونا لیزا به لبخندش
درخت میوه را پر بار خواهد کرد پیوندش
نه قولش قول خواهد شد نه سوگند است سوگندش
چنان شعری که می‌ماند به خاطر آخرین بندش
شبیه حال مردی شاهد اعدام فرزندان

به تو خو کرده‌ام مانند سربازی به سربندش
مرا سر بار خود می‌بینی و دیگر نمی‌بینی
به دنیا اعتباری نیست این حاجی بازاری
به غیر از رفتنت چیزی اگر هم بوده یادم نیست
چه حالی داشتیم با رفتنت؟ سربسته می‌گویم

۲- **ردیف:** کلمه یا کلماتی که بعد از **واژه قافیه**، عیناً (از نظر لفظ و معنا) تکرار می‌شود.

چه باید گفت با آنکس که می‌دانی نمی‌ماند
برای غصه خوردن نیز دندان نمی‌ماند
برای دست‌های تنگ ایمانی نمی‌ماند
به ما وقتی بیفتد دور، دامانی نمی‌ماند
که فردا از من دیوانه دیوانی نمی‌ماند

تو خواهی رفت دیگر حرف چندان نمی‌ماند
همین امروز داغی بر دلم بنشان که در پیری
اگر دستم به ناحق رفته در زلف تو معذورم
اگر اینگونه خلقی چنگ خواهد زد به دامت
بخوان از چشم‌های لال من امروز شعرم را

توجه: کلمات یکسان در پایان ابیات، اگر معنای متفاوت داشته باشند «ردیف» محسوب نمی‌شوند و خود «قافیه» می‌باشند.

به مُرده نپردازد از حرص خویش
خود

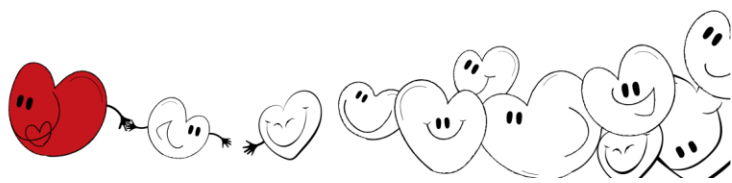
مثال: غم خویش در زندگی خور که خویش
خویشاوندان

می رسد از غیب چون آب روان
جاری

مثال: در وجود آدمی جان و روان
روح و روان

لب از تشنگی خشک بر طرف جوی
جوی آب

مثال: دلارام در بر دلارام جوی
جست و جو کن





۳- حروف قافیه: حرف یا حروف مشترکی که در پایان واژه‌های قافیه می‌آید.

« ما گدایان خیلِ سلطانیم شهر بندِ هوایِ جانانیم »

« انیم » در بیت فوق حروف مشترک واژه‌های قافیه است.

توجه: قافیه ممکن است الحاقیاتی (حروفی غیر اصلی) داشته باشد که جزء خود کلمه نباشند و به واژه‌ی قافیه اضافه شده باشند. مانند «یم» در بیت فوق.

به این وابسته‌ها و حروفی که به اصل واژه قافیه، اضافه شده‌اند «حرف الحاقی» می‌گویند.

به حروف مشترک خودِ واژه‌های قافیه «حروف اصلی» می‌گویند.

به مجموع این دو (حروف اصلی و حروف الحاقی)، «حروف مشترک» قافیه می‌گویند.

«حرف روی» معمولا آخرین حرف اصلی کلمه قافیه است.

« آرزویم بود و با خلقی بیانش کرده‌ام وای بر من! آرزوی دیگرانش کرده ام »

حروف مشترک: « انش »

واژه‌های قافیه: بیانش، دیگرانش

حروف اصلی: « ان »

حروف الحاقی: « ـَ ش »

حرف روی: « ن »

ردیف: کرده ام

۴- قواعد قافیه: حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه شدن دو واژه، تابع دو قاعده است. (قواعد قافیه، مهمترین قسمت مبحث قافیه است.)

قاعده ۱: کلمات مختوم بهد « ا » باهم ، قافیه هستند و کلمات مختوم به « او » باهم ، قافیه هستند.

مختوم به « ا »: دریا ، خدا ، انحنای ، پا ، فردا ، استثنا و.....

مختوم به « او »: جارو ، گیسو ، مو ، النگو ، آهو و.....

صانع پروردگار ، حی توانا

مثال: اول دفتر به نام ایزد دانا

ردیف: ندارد

واژه‌های قافیه: « دانا » و « توانا »

حروف مشترک: « نا »

حروف الحاقی: « ا » حروف اصلی:

« ان »

قاعده: ۱

نمی یارم گذر کردن به هر سو

مثال: من از دست کمانداران ابرو

ردیف: ندارد

واژه‌های قافیه: « ابرو » و « سو »

حروف مشترک: « و »

حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: « و » قاعده: ۱





قاعده ۲: آخرین مصوت به بعد دو واژه یکی باشد (یک مصوت با یک یا دو صامت بعد از خود، قافیه می‌سازد)
اگر واژه‌های قافیه به مصوت‌های بلند «ا» و «و» (یعنی قاعده ۱) ختم نشوند، حروف اصلی باید در مصوت پایانی و صامت‌های بعد از آن یکسان باشند، تا دو کلمه بتوانند هم قافیه شوند.

مثال: رفتی و نمی شوی فراموش می آیی و می روم من از هوش

ردیف: ندارد

واژه‌های قافیه: «فراموش» و «هوش»

حروف مشترک: «اوش»

حروف الحاقی: ندارد

حروف اصلی: «اوش»

قاعده: ۲

همان طور که مشاهده می‌شود حروف مشترک «اوش» می‌باشد، یعنی یک مصوت و یک صامت بعد آن، یکسان هستند.

شب فراق که داند که تا ساحر چند است؟ مگر کسی که به زندانِ عشق، دربند است

ردیف: «است»

واژه‌های قافیه: «چند» و «بند»

حروف مشترک: «ند»

حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: «ند»

قاعده: ۲

همان طور که ملاحظه می‌شود، حروف مشترک «ند» می‌باشد. یعنی یک مصوت و دو صامت بعد آن، یکسان هستند.

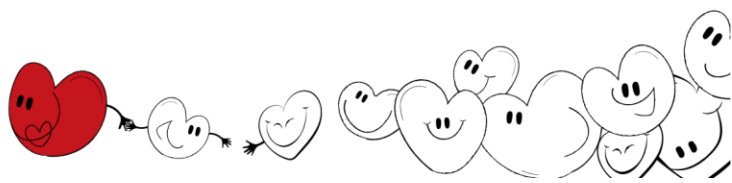
نکته: در قاعده ۲، مصوت هر دو واژه قافیه باید یکسان باشد، ولی اگر واژه‌های قافیه الحاقی داشته باشند، مصوت می‌تواند متفاوت باشد. چنانچه در مثالزیر مصوت‌های قافیه سازِ واژه‌های قافیه متفاوت است.

آمدمت که بنگرم، باز نظر به خود کنم سیر نمی‌شود نظر، بس که لطیف منظری

گفتم اگر نبینمت، مهر فراموشم شود می‌روی و مقابلی، غایب و در تصوری

۵- قافیه درونی: بعضی شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصرع‌ها نیز قافیه می‌آورند.

مردم بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم





در بیت فوق، قافیه‌های الزامی برای شعر دو واژه «**خنده**» و «**پاینده**» می‌باشند. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، مصراع اول را ۲ پاره کرده است و با آوردن واژه «**زنده**» یک قافیه درونی و غیرضروری ساخته است.

به ابیاتی از غزل زیبای سعدی توجه کنید.

ای ساربان آهسته ران، کارام **جانم** می‌رود
من مانده‌ام **مهجور** از او، بیچاره و **رنجور** از او
گفتم به نیرنگ و **فسون**، پنهان کنم ریش **درون**
محمل بدار ای **ساروان**، تندی مکن با **کاروان**
او می‌رود **دامن‌کشان**، من زهر تنهایی **چشان**
و آن دل که با خود داشتیم، با **دلستانم** می‌رود
گویی که نیشی **دور** از او، در **استخوانم** می‌رود
پنهان نمی‌ماند که **خون**، بر **آستانم** می‌رود
کز عشق آن سرو **روان**، گویی **روانم** می‌رود
دیگر می‌پرس از من **نشان**، کز دل، **نشانم** می‌رود

در شعر فوق واژه‌ی «**جانم، دلستان، استخوانم، آستانم، روانم و نشانم**» قافیه می‌باشند. سعدی برای افزودن موسیقی شعر، علاوه بر قافیه‌های فوق، کلمات دیگری را با یکدیگر هم‌قافیه کرده است که الزامی بر آن نبوده است. این قافیه‌های غیر ضروری را «**قافیه درونی**» می‌گویند.

توجه: کتاب‌های نظام جدید، قافیه درونی و قافیه میانی را یکسان در نظر گرفته و با عنوان «قافیه درونی» آورده‌اند.

۶ - **ذوقافیتین:** بعضی از شاعران برای افزودن موسیقی شعر، دو کلمه پایانی هر دو مصراع را هم قافیه کرده‌اند. این ابیات را «**ذوقافیتین**» می‌گویند.

مثال: ای از مکارم تو شده در **جهان خیر** / افکنده از سیاست تو **آسمان سپر**

مثال ۲: گزید از غنیمت **ظرایف بسی** / کزان سان نبیند **طرایف کسی**

برای سالم بودن قافیه مثال ۱، وجود دو واژه‌ی «**خبر**» و «**سپر**» کافی بود. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، واژگان قبلی آنها (جهان و آسمان) را نیز هم قافیه کرده است.

توجه: قافیه اصلی در ابیات ذوقافیتین، واژه‌های آخری مصراع هاست (یعنی؛ **خبر و سپر**)

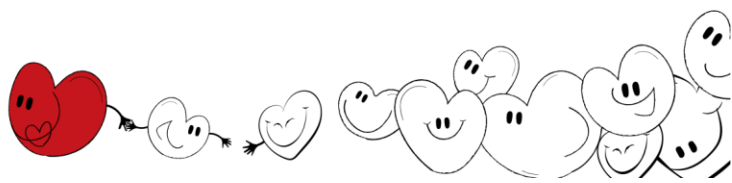
نکته: قافیه مبحثی شنیداری است ولی **شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد**. لذا هم‌قافیه کردن

کلماتی مانند: «**سلاح و سیاه**» «**نشاط و حیات**» «**جواز و حفاظ**» و ... صحیح نمی‌باشد.

توجه: نکته فوق در قوانین قدیمی و سوالات کنکور مورد توجه است و امروزه شاعران معاصر این قاعده را نقض کرده‌اند و

این کلمات را هم قافیه به حساب می‌آورند.

مثال نقض: بی بیرق و بی **سلاح** باید برسد / این مشک به **خیمه‌گاه** باید برسد





۷- قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع یا سطر قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

مثال:

خشک آمد کشتگاه من

در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند: "می‌گیرند روی ساحل نزدیک

سوگواران در میان **سوگواران**"

قاصد روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد **باران**؟

بر بساطی که **بساطی** نیست

در درون کومه‌ی تاریک من که ذره‌ای با آن **نشاطی** نیست

و جدار دنده‌های نی به دیوار اتاقم دارد از خشکیش می‌ترسد

- چون دل یاران که در هجران **یاران** -

قاصد روزان ابری، داروگ! کی می‌رسد **باران**؟

(نیما یوشیج)

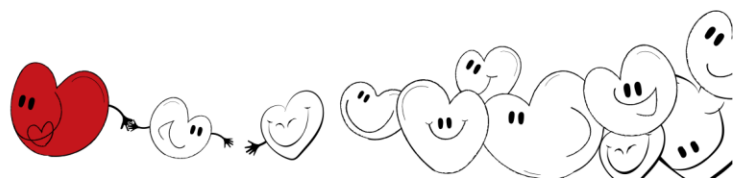
نکته بسیار مهم: در اشعار شاعران بزرگ و مطرح ما - به جز موارد بسیار محدود - هیچگاه واژگان قافیه، غلط به کار نرفته‌اند. در مبحث قافیه، گاه با قافیه‌هایی مواجه می‌شویم که تصور می‌شود، غلط می‌باشند! ولی باید دقت داشت که این واژگان در قدیم تلفظ دیگری داشته‌اند و شاعر با توجه به تلفظ زمان خود، دو واژه را هم‌قافیه کرده است. چنانچه سعدی دو واژه «شش» و «خوش» را که تلفظ قدیم آن‌ها «شَش» و «خَش» بوده، در شعر زیر هم‌قافیه کرده است.

در آن سالی که ما را بخت، **خوش** بود ز هجرت ششصد و پنجاه **شش** بود

یا مثلاً قرائت صحیح این ابیات معروف اینگونه است:

۱- میازار موری که دانه **کش** است که جان دارد و جان شیرین خوش (**خَش**) است

۲- بگفتا دوری از مه نیست درخور (**درخَر**) بگفت آشفته از مه دور **بهتر**





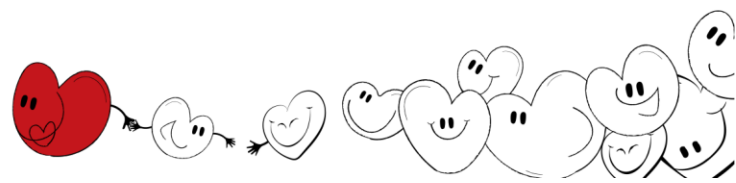
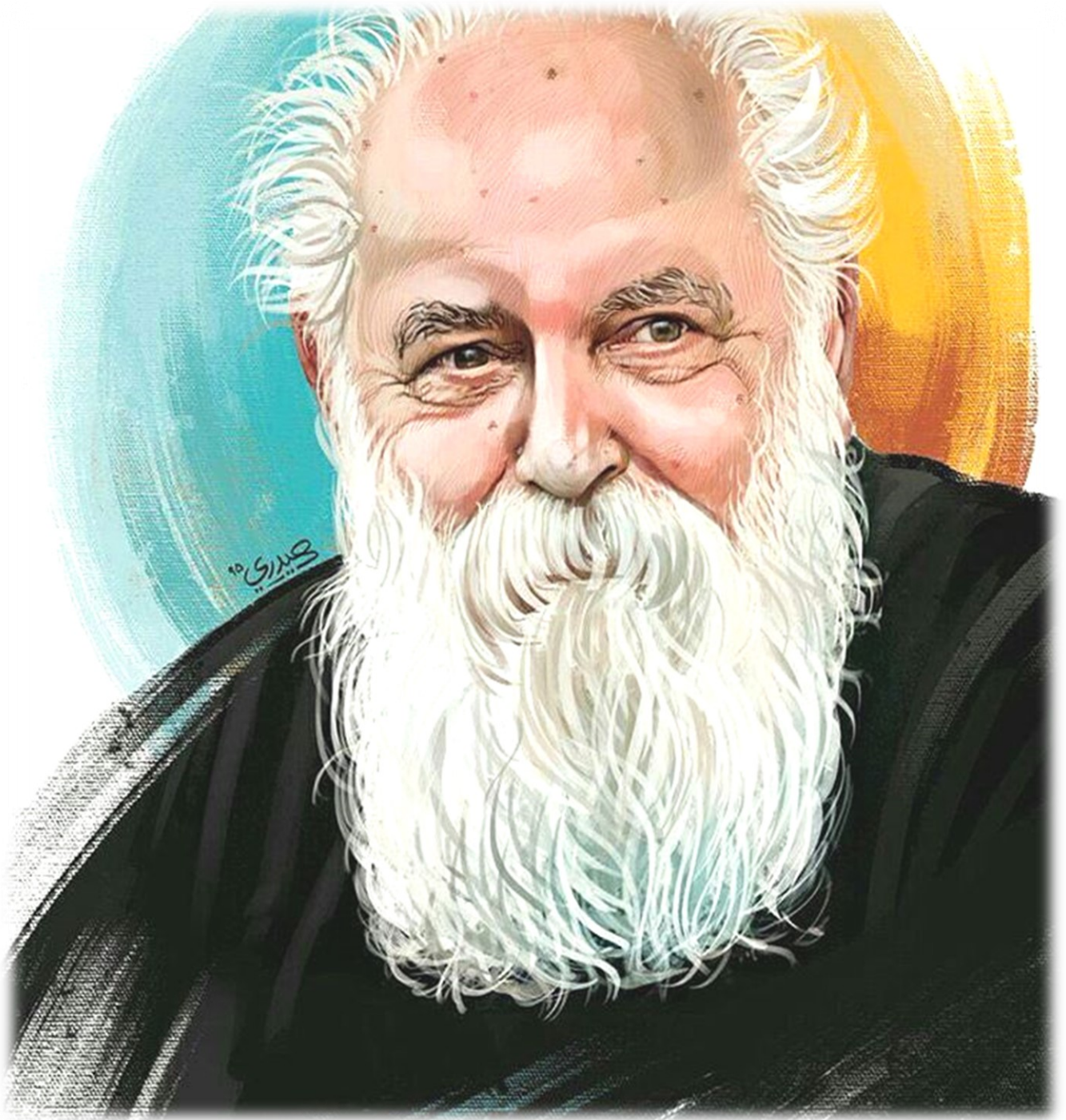
تمرین: ابیات زیر همگی از شاعران مطرح زبان فارسی است. با ذکر دلیل بگویید به چه علت قوافی این ابیات دارای عیب است.

- ۱- همی ریخت بطریق خونِ سِرِشک همی رخ پر از آب و دل پر ز رَشک (فردوسی)
- ۲- در رَحِمِ پیدا نباشد هند و تُرک چون که زاید بیندش زار و سِتُرگ (مولوی)
- ۳- که خواهد شد بگویید ای رفیقان رفیق بی کسان یار رقیبان (حافظ)
- ۴- گفت بشنو گر نباشم جای لُطف سر نهادم پیشِ اژدر های عُنْف (مولوی)
- ۵- نرنجم ز خصمان اگر بر تَپند کز این آتش پارسی در تَبند (سعدی)





آرایه های ادبی





آرایه های ادبی

آرایه های ادبی در یک نگاه کلی به دو بخش بیان (یا صور خیال) و بدیع تقسیم می شود.

بیان (صور خیال)

آرایه هایی را می گویند که کار تصویرسازی و مخیل کردن شعر را بر عهده دارند و در سطح کنکور موارد زیر را شامل می شود.

بیان

تشبیه: تشبیه کامل، تشبیه بلیغ (تشبیه بلیغ اسنادی و تشبیه بلیغ اضافی یا اضافه تشبیهی)

استعاره: استعاره مصرّحه، استعاره مکنّیه (اضافه ای استعاری، تشخیص)

مجاز: با علاقه های شباهت، محلّیه، کلیّه، جزئیّه و لازمیّه، آلت و ...

کنایه

نماد

بدیع

آرایه هایی را می گویند که موسیقی لفظی و معنوی را افزایش می دهند. بدیع به دو دسته **بدیع لفظی** و **بدیع معنوی** تقسیم می شود.
بدیع لفظی: آرایه هایی هستند که موسیقی لفظی کلام را افزایش می دهند و یکسانی یا مشابهت لفظی به وجود می آورند. مثلاً دو کلمه «دست و مست» از نظر معنایی با هم ارتباطی ندارند ولی **تلفظ** آنها شبیه به هم است و این **تلفظ** مشابه، صدای یک نواختی دارد و موسیقی کلام را افزایش می دهد. بدیع لفظی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می شود.

بدیع لفظی

تکرار، واج آرابی، سجع، جناس و اشتقاق.

موازنه و ترصیع نیز دو آرایه بدیع لفظی هستند که مخصوص رشته انسانی اند.

بدیع معنوی: آرایه هایی هستند که با توجه به روابط معنایی کلمات و عبارات حاصل می شوند و یک نوع موسیقی معنوی ایجاد می کنند. مثلاً وقتی «گل و باغ و شبنم» را در شعری به کار می بریم، این کلمات از نظر لفظی مشابهتی با هم ندارند، ولی **از نظر معنایی** در ارتباط هستند و یک هماهنگی در ذهن شنونده ایجاد می کنند که سبب لذت ادبی می شود، این کارکرد را بدیع معنوی می گویند. بدیع معنوی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می شود.

بدیع معنوی

حسن آمیزی، حسن تعلیل، پارادوکس، تضاد، ایهام و ایهام تناسب، اسلوب معادله، تلمیح، تضمین، مراعات نظیر، لف و نشر، اغراق، مثل و تخلص.



**تشبیه**

تشبیه مهم‌ترین بخش بیان یا صور خیال است. تشبیه هنگامی است که شاعر دو چیزی را که در اصل به هم شبیه نیستند، به هم تشبیه کند. مثلاً «تو ماه هستی» تشبیه است، اما «تو یار غمگسار هستی» تشبیه نیست، زیرا واقعیت است. ابتدایی‌ترین و کامل‌ترین تشبیه ۴ رکن دارد: «مشبه، ادات تشبیه، مشبه‌به، وجه‌شبه». ولی شاعران برای خیال‌انگیز کردن کلام، گاهی ادات تشبیه یا وجه شبه یا هر دوی آن‌ها را حذف می‌کنند و از تشبیه فقط مشبه و مشبه‌به باقی می‌ماند.

بلم آرام چون قویی سبک‌بار	به نرمی بر سر کارون همی‌رفت
مشبه: بلم (قایق)	مشبه‌به: قو
ادات تشبیه: چون	وجه شبه: به نرمی رفتن
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم	ورت به دست نیاید، چو سرو باش آزاد
مشبه: (تو)	مشبه‌به: نخل
ادات تشبیه: چو	وجه شبه: کریم و بخشیدن بودن
قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون	شرم
مشبه	مشبه‌به
وجه‌شبه	ادات تشبیه

تشبیه بلیغ: هرگاه از ارکان تشبیه، فقط مشبه و مشبه‌به آمده باشد آن تشبیه را، تشبیه بلیغ می‌گویند. تشبیه بلیغ به دو شکل می‌آید.

تشبیه بلیغ اسنادی: مشبه + مشبه‌به + فعل اسنادی: تو دریا هستی، تو کوهی، سروی
 تشبیه بلیغ اضافی «اضافه تشبیهی»: مشبه‌به + - یا ی + مشبه: آتش هجران، کمند زلف

***توجه:** اضافه تشبیهی، در محدود مواردی به صورت «مشبه + - یا ی + مشبه‌به» می‌آید. یعنی مشبه، جلوتر از مشبه‌به می‌آید. مانند: لب لعل و قد سرو، روی ماه...

***توجه:** درک تشبیه بلیغ، نسبت به تشبیه کامل، سخت‌تر است، در کنکور نیز بیشتر از تشبیه بلیغ استفاده می‌کنند.

هر چند زمین‌گیر بود دانه‌ی امید	دست گرم ابر گهربار بلند است
تا خار غم عشقت، آویخته در دامن	کوتاه‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها
این عشق آتشی است که جان مرا گرفت	داغی به دل نهاد و دلم زان نشان گرفت
تو بهاری، تو بُتی، آتش جانی، سروی	من همان خاک رهم، آتش عشقت کفتم

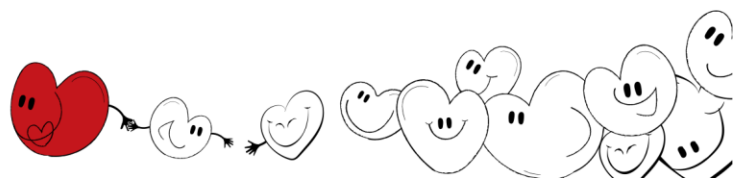
ادات تشبیه: چو، چون، همچو، مثل، مانند، نظیر، به‌سان، به کردار، شبیه، به گونه‌ای که، آن‌سان که، به شیوه‌ی، به طرز، و ... و فعل‌های «مانستن، ماند، گویی و گفتم» و موارد مشابه نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند.

***نکته:** تشبیه ممکن است به صورت یک واژه‌ی مشتق (وندی) و با پسوندهای شابهت مانند: «وش، گون، وار، سا، آسا و ...» آمده باشد.

از سوی خانه بیامد خواجه‌اش بر دکان بنشست، فارغ، خواجه‌وش

***نکته:** تشبیه ممکن است به صورت یک واژه‌ی مرکب آمده باشد که قسمت دوم، مشبه و قسمت اول مشبه‌به می‌باشد. مانند: سیمین‌تن، سروقد، شاه‌خصلت، درویش‌مسلك، گدامنش و ...

به زیورها بیاریند وقتی خوبرویان را تو سیمین‌تن چنان خوبی، که زیورها بیارایی





وقتی که چاره‌ی دل عشاق می‌کنی درد مرا به نیم **شکرخنده** چاره کن

***نورچه:** «چو» یا «چون» اگر معنای «وقتی یا وقتی که یا زیرا که» بدهند، ادات تشبیه نیستند و تشبیه نمی‌سازند.

چون نداری ناخن درنده تیز با ددان آن به، که کم گیری ستیز
چو آگاه شد دختر گزدهم که سالار آن انجمن گشت کم

***نکته:** تشبیه و مخصوصاً اضافه تشبیهی در نثر نیز بسیار به کار می‌رود.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و **خوان نعمت** بی دریغش همه جا کشیده.
فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و **دایه‌ی ابر بهاری** را فرموده تا بناتِ نبات در مهد زمین پیورده. درختان را به خلعت نوروزی **قبای سبز ورق** در برگرفته و **اطفال شاخ** را به قدوم موسم ربیع **کلاه شکوفه** بر سر نهاده.

باران رحمت: رحمت خداوند مانند باران گسترده است.

خوان نعمت: نعمت خداوند مانند سفره پهن شده است.

فرآش باد صبا: باد صبا مانند فرآش (فرش گستراننده) در خدمت بود ...

دایه‌ی ابر بهاری: ابر بهاری مانند یک دایه در پرورش بود ...

بناتِ نبات: نباتات (گیاهان) مانند دختران، زیبا بودند و ...

مهد زمین: زمین مانند یک گهواره آرام است و ...

قبای سبز ورق: ورق (برگ) مانند قبا و پیراهن بر تن شاخه‌ها بود ...

اطفال شاخ: شاخه‌ها مانند کودکان ...

کلاه شکوفه: شاخه‌ها، شکوفه‌هایی مانند کلاه بر سر گذاشتند ...

***نورچه:** مشبه، گاه ضمیر محذوف است که از فعل دریافت می‌شود.

خروشان و جوشان به کردار موج فراز آمدند از کران فوج فوج

(آن‌ها) به کردار موج خروشان و جوشان جمع شدند.

مشبه ادات تشبیه مشبه‌به وجه شبه

چون سیل ز پیچ و تاب صحرا می‌رفت همراه سحر، به فتح فردا می‌رفت

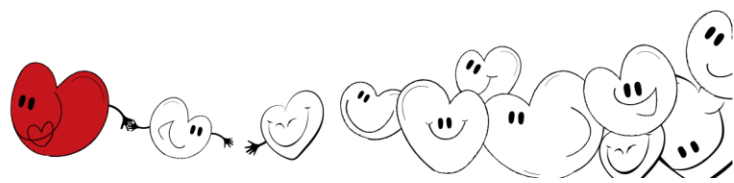
(او) چون سیل از پیچ و تاب صحرا می‌رفت.

مشبه ادات مشبه‌به وجه شبه

***نکته:** در اضافه تشبیهی ممکن است واژه‌ای بین مشبه‌به و مشبه بیاید. در ترکیب «قبای سبز ورق»، «ورق» به «قبا» تشبیه شده است. و «سبز» صفت مشبه‌به است. در واقع «قبای ورق» اضافه‌ی تشبیهی است.

استعاره

استعاره در لغت یعنی «به عاریت گرفتن و قرض گرفتن» اما در اصطلاح ادبی، آرایه‌ای است که یک واژه در معنای واژه‌ی دیگر به کار می‌رود. مثلاً بگوئیم «سرو» و منظورمان «معشوق» باشد.





✱ **توجه:** این تعریف مشابهتی به مجاز دارد و درست هم هست. زیرا **استعاره در واقع، مجازی است** که رابطه بین واژه‌ی آمده و واژه‌ی مدّ نظر «شبهت» است. به هر حال **استعاره، هم از راه مجاز قابل فهم است، هم از راه تشبیه.** که در این بخش از راه تشبیه به آن پرداخته‌ایم.

✱ **توجه:** قبل از این که وارد بحث شویم ذکر این نکته ضروری است که دو نوع استعاره وجود دارد. **استعاره مصرّحه (آشکار) و استعاره مکنیه (پنهان).** منظور از استعاره، معمولاً استعاره مصرّحه است. اما اگر در کنکور به نوع آن اشاره نشده باشد، استعاره مصرّحه و یا مکنیه را استعاره می‌گیریم.

۱- استعاره مصرّحه

گفتیم که استعاره از تشبیه حاصل می‌شود و هرگاه شاعر از ارکان تشبیه، فقط **مشبّه به** را بیاورد **استعاره مصرّحه** می‌شود.

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند
شاعر برای خلق مصراع اول، ابتدا در ذهن خود این تشبیه را ساخته است:

مشبّه معشوق من که مانند **سرو** راست قامت و بلندقامت است چرا...
مشبّه ادات تشبیه **مشبّه به** وجه شبه

سپس از این تشبیه فقط **مشبّه به** را خارج کرده و در شعر به کار برده است. این کار را **استعاره مصرّحه یا با تخفیف «استعاره»** می‌گویند. سؤالی که پیش می‌آید این است که از کجا بدانیم «سرو»، مشبّه به یک تشبیه است و در معنای اصلی خود به کار نرفته است؟ پاسخ راحت است. زیرا وجود کلمه «چمان» به معنی «رونده» اعلام می‌دارد که «سرو» در معنای واقعی خود به کار نرفته است. مثلاً در عبارت «من سروی دیدم» ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که «سرو» استعاره از «معشوق» است. چون هیچ **قرینه‌ای** وجود ندارد که ما را از معنای وضع‌شده و قاموسی برای «سرو» منصرف کند. اما در ترکیب «سرو چمان» واژه‌ی «چمان» نشانه‌ای (قرینه‌ی **صارفه**) است که ما را از معنای اصلی «سرو» منصرف می‌کند. در واقع برای به کارگیری استعاره مصرّحه یا باید قرینه‌ای در کلام باشد یا این که محتوای کلام نشان بدهد که آن کلمه در معنای اصلی خود به کار نرفته است. مثلاً در بیت زیر واژه‌ای وجود ندارد که نشان دهد «اژدها» معنای استعاری دارد، اما با توجه به داستان جنگ خندق، می‌دانیم که حضرت علی (ع) با اژدها مبارزه نکرده است و «اژدها» **استعاره** از عمرو بن عبدود است.

به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن **اژدها**
شاعر «اژدها» را از همچنین ترکیبی خارج کرده است.

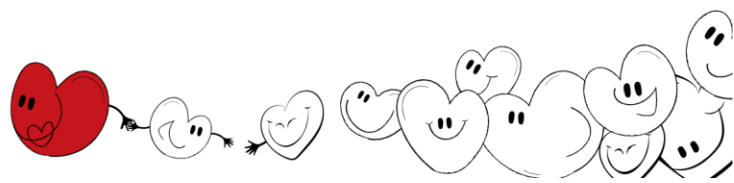
عمرو بن عبدود مانند **اژدها** خطرناک بود.
مشبّه ادات تشبیه **مشبّه به** وجه شبه

نمونه‌های دیگر استعاره مصرّحه:

ای **شمع** که ما را به سخن شیفته کردی **معشوق**
پروانه خود را مکش از چرب‌زبانی **عاشق**

خمارین **نرگسان** را کرد پُرآب **چشم**
به **گل**، بر ریخت **مروارید** خوشاب **گونه، صورت** **اشک چشم**

یکی **درخت گل** اندر میان خانه ماست **معشوق**
که سروهای چمن پیش قامتش پستند





۲- استعاره مکنیه

در استعاره مصرّحه گفتیم که شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، مشبّه‌به را استخراج می‌کند. در استعاره مکنیه نیز شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، مشبّه و وجه‌شبهه را استخراج می‌کند و در جمله‌ای به کار می‌گیرد.

به جمله مقابل توجه کنید. «دستِ قضا ما را از هم جدا کرد.»

قضا (و قدر) مانند انسان با دستش ما را از هم جدا کرد.

مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به وجه شبه یا ویژگی مشبّه‌به

✽ **توجه:** هر استعاره‌ای، چه مصرّحه و چه مکنیه، برای اینکه نشان دهند در معنای حقیقی به کار نرفته‌اند، به قرینه‌ی صارفه نیاز دارند. در عبارت فوق، وجود «دست» برای قضا و قدر، قرینه است. از این قرینه در می‌یابیم که در ذهن شاعر تشبیه‌ی رخ داده است و آن تشبیه را بازسازی می‌کنیم.

همان‌طور که می‌بینیم از تشبیه فوق «مشبّه و ویژگی مشبّه‌به» آمده است. این ترکیب را استعاره مکنیه می‌گویند. در واقع استعاره مکنیه آرایه‌ای است که به موجب آن شاعر «مشبّه و ویژگی مشبّه‌به» را در تشبیه‌ی که در ذهن ساخته است» در عبارتی دیگر به کار می‌گیرد.

«و مرگ به روی آن‌ها لبخند می‌زد»

قرینه صارفه در عبارت فوق این است که «مرگ نمی‌تواند لبخند بزند». پس در ذهنمان با همچنین زیرساختی روبه‌رو می‌شویم. همان‌طور که می‌بینیم در متن مدّ نظر «مشبّه و ویژگی مشبّه‌به» آمده است.

مجاز

مجاز (ناپهاده) در مقابل حقیقت (پهاده) قرار می‌گیرد و در اصطلاح ادبی، معنای غیرحقیقی از یک واژه است. مثلاً معنای حقیقی «نگین» خود نگین است اما در بیت زیر در معنای مجازی آن یعنی «انگشتر» به کار رفته است.

برو ای گدای مسکین، در خانه‌ی علی زن که نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را

می‌دانیم که حضرت علی (ع) در رکوع «انگشتر» خود را به گدا داد نه «نگین» آن را.

✽ **توجه:** ما نمی‌توانیم بدون هیچ رابطه‌ای یک کلمه بگوئیم و معنای دیگر و مجازی از آن برداشت کنیم، مگر آن که بین معنای حقیقی و مجازی رابطه‌ای وجود داشته باشد. مهم‌ترین رابطه‌هایی که در سطح کنکور عمومی اهمیت دارد، موارد زیر است:

✽ **توجه:** دانستن این رابطه‌ها (یا علاقه‌ها) در سطح کنکور عمومی الزامی نیست.

۱- شباهت: این رابطه همان استعاره مصرّحه است که رابطه‌ی بین واژه‌ی به کار رفته و معنای مجازی، «شباهت» است.

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم اول و آخر این کهنه‌کتاب افتاده است

کهنه‌کتاب مجاز یا استعاره مصرّحه از جهان است. رابطه‌ی شباهت بین آن‌ها «قدیمی بودن» است.

۲- محلّیه: یکی از پرکاربردترین مجازها، مجاز با علاقه محلّیه است که شاعر «محلّ» را می‌آورد و به طور مجازی قصدش آن چیزی است که در آن محل قرار دارد (حال).

تو از این چه سود داری، که نمی‌کنی مدارا

دل عالمی بسوزی، چو عذار برفروزی

منظور از «عالم»، «مردم عالم» است که در عالم جای دارند.

که تا او کی آید ز آتش برون

یکی دشت با دیدگان پُر ز خون

منظور از «دشت»، «مردم دشت» است که در دشت جای دارند.





سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
منظور از «سر»، «اندیشه» است که در سر جای دارد.

۳- **جزئیّه:** در این مجاز، جزئی از چیزی را می‌آورند ولی منظور **کلّ** آن چیز است. (معمولاً جزئی را می‌آورند که بیشترین اهمیت را دارد.)

لیک چنان خیره و خاموش ماند
منظور از «گوش»، «فرد شنونده» است که گوش، مهمترین جزء برای فرد شنونده است.

به یاد روی شیرین بیت می‌گفت
منظور از «بیت»، «شعر» است که بیت، جزء مهمی از شعر است.

به خون گر کِشی خاک من، دشمن من
منظور از «خاک»، «کشور» است که خاک، جزء اعظمی از کشور است.

۴- **کلّیه:** کلّ یک چیز را بگویند و **جزئی** از آن منظور باشد.
دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد

منظور «انگشتان دست» است که «دست» برای آن حکم «کلّ» دارد.
سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم

منظور «موی سر» است که «سر» برای آن حکم «کلّ» دارد.
۵- **لازمیه (همراهی):** شاعر لازمه انجام یک کاری را می‌آورد و منظور خود آن کار است. مثلاً لازمه کشتن یک شخص، ریختن خون او است.

محتاج قصّه نیست، گرت قصد خون ماست
چون رخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟

۶- **آلیه (ابزار):** شاعر یا نویسنده آلت انجام کاری را می‌آورد و منظور کاری است که با آن ابزار انجام می‌شود. مانند آن که می‌گوییم فلانی قلم خوبی دارد و منظورمان **سبک نوشتن** است.

در پیشگاه اهل خرد نیست، محترم
هر ملّتی که مردم **صاحب قلم** نداشت

صاحب قلم یعنی صاحب اندیشه و تحلیل، و قلم یکی از ابزارهای اندیشه و تفکر است.

❖ **توچه:** مجازها با رابطه‌های بسیاری شکل می‌گیرند. مثلاً **جنس** یک چیز را به‌جای خود آن می‌آورند. چنانچه شاعر در بیت زیر «پولاد» را گفته و منظورش «شمشیر» است.

در آن باران تیر و برق **پولاد**
یا **رنگ** یک چیز را بگوید و منظورش خود آن چیز باشد. مثلاً در بیت زیر شاعر رنگ اسب را گفته و خود اسب را در نظر دارد.

سیاوش **سیه** را به تندی بتاخت
نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت

❖ **توچه:** آمدن دو واژه متضاد به صورت معطوف، مجاز می‌سازد. مثلاً وقتی می‌گوییم؛ پیر و جوان آمده بود، یعنی همه آمده بودند. کودک، نوجوان، جوان، میان‌سال و پیر و ...

کنایه

به معنی پوشیده سخن گفتن است. و آن عبارتی است که یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارد و مراد گوینده معنای پنهان آن است. در بیت زیر مصراع اول یک معنی آشکار (هنوز از دهان او بوی شیر می‌آید) و یک معنی پنهان (او هنوز کودک است) دارد. معنای پنهان را باید با دقت و کشف هنری به دست آورد.

هنوز از دهان بوی شیر آیدش
همی رای شمشیر و تیر آیدش





مثال‌های دیگر:

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
«بلغزد پای» کنایه از خطا و اشتباه کردن.

نماند ایچ با روی خورشید رنگ
«نماند رنگ» معادل «رنگ‌پریدن» و کنایه از ترسیدن.

بیامد که جوید ز ایران نبرد
«سر به گرد آوردن» کنایه از نابود کردن.

آن را که چنین دردی، از پای دراندازد
«دست فرو شستن از چیزی» کنایه از ترک کردن آن چیز.

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست
«دست‌دادن» کنایه از اعتماد کردن.

✽ **تو چه:** بعضی کنایات، «فرمولی» هستند و با عوض شدن یک واژه، کنایه دیگری به دست می‌آید.

از شراب عشق مست بودن ← عاشق بودن

از شراب بخشندگی مست بودن ← بخشنده بودن

از شراب علم مست بودن ← عالم بودن

✽ **تو چه:** بعضی صفات معنای کنایی دارند و کنایه محسوب می‌شوند. مانند: سبک‌مغز، سیه‌رو، سرخ‌رو، حلقه‌به‌گوش، تنگ‌دست و ...

تو به هنگام سخن گر نشوی موی شکاف
کس نیابد ز دهان تو نشان، یک سر موی

دریادلان راه سفر در پیش دارند
پا در رکاب راهوار خویش دارند

✽ **تو چه:** کنایه و ایهام از این منظر که هر دو یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارند، با هم مشترکند ولی تفاوت‌هایی هم با هم دارند. اول اینکه؛ کنایه در قالب جمله (دست از جان شُست) یا عبارت مصدری (دست از جان شُستن) بیان می‌شود، اما ایهام معمولاً در قالب یک واژه یا گروه اسمی است. دوم اینکه؛ درک کنایه و ایهام بسیار متفاوت است. معمولاً کشف کنایه و درک معنای کنایی آن بسیار آسان است اما کشف ایهام و درک معنای دوم کمی سخت است و به توجه ویژه‌ای نیاز دارد. سوم اینکه؛ عبارت کنایی معمولاً در هر متنی کنایه است، یعنی در هر متنی به هر صورتی به کار برود کنایه است، ولی واژه‌ایهام‌دار لزوماً همه جا ایهام ندارد. تفاوت‌های دیگری نیز می‌توان مطرح نمود که از اطلاع کلام پرهیز می‌شود.

بدیع لفظی

واج‌آرایی

واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف، آرایه‌ای است که در آن شاعر یا نویسنده تمثلاً از یک واج بیش از حد معمول استفاده می‌کند. به طوری که تلفظ آن واج، نسبت به سایر صداها، محسوس‌تر می‌باشد.

دستم اندر ساعد ساقی سیمین‌ساق بود
خروش از خم چرخ چاچی بخاست
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی
کو آن‌که کف پای سگ کوی تو باشد

رشته‌ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
بر او راست خم کرد و چپ کرد راست
شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
من خاک کف پای سگ کوی تو هستم





همان‌طور که ملاحظه می‌شود واج‌آرایی ممکن است تکرار یک حرف نباشد و تکرار یک حرکت (مصوت کوتاه) باشد. زیرا صداها نیز واج محسوب می‌شوند.

توجه: تکرار یک واج، دلبخواهی، شانس، اتفاقی یا بدون گزینش نیست. در واقع شاعر عمدتاً صدایی را تکرار می‌کند که در معنا به آن نیاز دارد. در ابیات زیر شاعر به **صدای خُرد شدن برگ‌های پاییزی در زیر پا** نیاز دارد، بنابراین واج‌های «خ - ز» تکرار می‌شوند.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است

باد خنک از جانم خوارزم وزان است

آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است

گویی به مثل پیرهن رنگرزان است

یا در بیت زیر شاعر قصد ارائه صدای لبخند را دارد. لذا از واج «خ» بیشتر استفاده کرده است. آن‌گونه که ما نیز هنگام چت کردن برای خنده می‌نویسیم: **خخخخ.**

لبخند تو خلاصه‌ی خوبی‌هاست

لختی بخند، خنده‌ی گل زیباست

جناس

جناس به معنی هم‌جنسی است و این هم‌جنسی در لفظ است نه در معنا. جناس یعنی دو کلمه‌ای که یا از یک جنس هستند مثل «دید و دیده» یا آن‌قدر شبیه به هم هستند که فکر می‌کنیم از یک جنس هستند، مانند «یاد و یار». جناس در واقع همسان‌بودن دو کلمه است که فقط در یک صامت یا مصوت اختلاف دارند. حتی گاه دو کلمه در تلفظ یکسانند و فقط معنای متفاوتی دارند.

جناس در نگاه کلی دو دسته است. ۱: جناس همسان (تام) ۲: جناس غیرهمسان (ناقص)

۱- جناس همسان (تام): جناسی است که دو کلمه در خوانش و نوشتار دقیقاً یکسانند و فقط در معنا تفاوت دارند.

جان ما در بوته‌ی سودا نهاد

عشق شوری در نهاد ما نهاد

نهاد: ۱- ضمیر و درون و باطن ۲- قرار داد (فعل)

که عاقبت برود، هر که او ز مادر زاد

بیا و برگ سفر ساز و زادِ ره برگیر

زاد: ۱- توشه و آذوقه ۲- به دنیا آمد (فعل)

اما پری، به دیدن دیوان نیامدی

دیوان حافظی تو و دیوانه‌ی تو من

دیوان: ۱- کتاب شعر، مجموعه شعر ۲- دیوها

۲- جناس غیر همسان (ناقص): این جناس خود سه نوع است: الف) جناس ناقص اختلافی ب) جناس ناقص حرکتی ج) جناس ناقص افزایشی

الف) جناس ناقص اختلافی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرف با هم اختلاف دارند. (این حرف متفاوت می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد!)

نشست از بر اسپ و برخاست گرد

بزد نیزه‌ی او به دو نیم کرد

زاغ سیه بر دو بال، غالیه آمیخته

چوک ز شاخ درخت، خویشتن آویخته

که از جهان ره و رسم سفر براندازم

به یاد یار و دیار آن چنان بگیریم زار

ب) جناس ناقص حرکتی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرکت یا مصوت کوتاه اختلاف داشته باشند.

وی شور تو در سرها، وی سِرّ تو در جان‌ها

ای مَهر تو در دل‌ها، وی مَهر تو بر لب‌ها

باید به سینه رَفْت زین جا تا فلسطین

باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین





(ج) جناس ناقص افزایشی: جناسی است که یک واژه نسبت به دیگری فقط یک حرف اضافه‌تر دارد. (این یک حرف می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد)

به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار
سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
کار دلم به جان رسد، کارد به استخوان رسد
که از جهان ره و رسم سفر براندازم
همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند
ناله کنم بگویدم، دم مزن و بیان مکن

***نکته:** در کنکور عمومی نوع جناس‌ها مهم نیست مگر این‌که نوع آن را خواسته باشند. مثلاً گفته باشند در کدام گزینه جناس تام وجود دارد. که باید دقیقاً جناس تام را پیدا کنیم. اما اگر گفته بودند جناس، هر کدام را می‌توانیم لحاظ کنیم.

***نکته:** جناس تام را با آرایه‌ی تکرار اشتباه نگیریم. دو کلمه که معنا و تلفظ و نوشتار یکسان دارند، فقط آرایه‌ی تکرار دارند و جناس ندارند اما اگر معنا متفاوت و تلفظ و نوشتار یکسان بود، جناس تام داریم و تکرار نداریم.

بدیع معنوی

حسن تعلیل

حُسن تعلیل به معنای زیبایی علت و آوردن دلیلی غیر واقعی و ادبی است. و آن هنگامی است که شاعر یا نویسنده برای یک موضوع، دلیلی غیرمنطقی و خیال‌انگیز بیاورد.

به این داستان تخیلی توجه کنید: سعدی در محفلی از زیبارویان تعریف می‌کرده و حُسن آن‌ها را می‌گفته و بنا به دلایلی از معشوقش تعریف نکرده. بعد از آن، معشوق سعدی از سعدی، گله و شکایت کرده است که چرا وقتی از خوب‌رویان تعریف می‌کرده، از او چیزی نگفته است؟ سعدی هم متوجه شده گاف بزرگی داده است، لذا با بیت زیر قضیه را ماست‌مالی و توجیه کرده است!

نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم
همه بر سر زباند و تو در میان جانی

بیت فوق حُسن تعلیل دارد. زیرا دلیل واقعی آن چیزی نیست که شاعر گفته است.

شاعر در بیت زیر علت باریدن باران را، بدعهدی روزگار می‌داند.

رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار
گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد

***نکته:** با توجه به این‌که حُسن تعلیل، معمولاً با آوردن علت همراه است، بهتر است حروف تعلیل و سبب و علت را بشناسیم. معمولاً ابیاتی که این حروف را داشته باشند، حُسن تعلیل نیز دارند. «که، از، ز، از آن، زان، تا، چون و ...» اگر به معنای «به این دلیل که، زیرا که، چون که، به خاطر این که ...» باشند، معمولاً حسن تعلیل می‌سازند. واژگان «علت»، «سبب» و «دلیل» نیز همین‌طورند و اگر در ابیتی بیابند، به احتمال زیاد حُسن تعلیل خواهند ساخت.

تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دل‌بند
«به خاطر این‌که» چشم بشر، رویت را نبیند، چهره‌ات را در ابرها فرو برده‌ای.
پسته دهان‌بسته زان بود که ندارد خوبی و شیرینی دهان که تو داری
پسته «به این دلیل» دهان‌بسته است که مانند تو خوب و شیرین‌زبان نیست.
از آن مرد دانا دهان دوخته است که بیند که شمع از زبان سوخته است





مرد دانا «به این سبب» ساکت است و دهانش را بسته است که می‌بیند شمع، به سبب باز شدن دهانش و سوختن زبانش (فتیله‌اش) می‌سوزد.

در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است **زان** رو عنان‌گسسته دواند سوارِ عمر
 در اطراف انسان حوادث بسیاری در کمین است، «به این دلیل» است که عمر زود می‌گذرد.

گل از شوق تو خندان در بهار است **از آتش** رنگ‌های بی‌شمار است
 این همه رنگ‌های متفاوت گل‌ها «به سبب» شوق دیدار توست.

عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت **که** چندین گل‌اندام در خاک خفت
 «به این دلیل که» انسان‌های گل‌اندام در خاک دفن شده‌اند، از خاک گل می‌روید.

***توجه:** گاه حسن تعلیل پاسخ خیال‌انگیز به یک سؤال است. (سؤال و تعجب)

چرا خم گشته می‌گردند پیران جهان‌دیده؟!
 گفتم این سلسله زلف بُتان از پی چیست؟
 هیچ دانی ز چه دامان فلک پُرگهر است؟
 دانی چرا در سیر خود بر خویش می‌لرزد قلم؟

به زیر خاک می‌جویند ایام جوانی را
 گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد
 خواست هر صبح به پای تو نثاری بکند
 ترسد که ظلمی را زند، در حقّ مظلومی رقم

***توجه:** حسن تعلیل گاه در ۲ بیت موقوف المعانی شکل می‌گیرد.

من موی خویش را نه از آن می‌کنم سیاه
 چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیاه کنند

هنگام سپیده‌دم خروس سحری
 یعنی که نمودند در آینه صبح

تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
 من موی از مصیبت پیری کنم سیاه

دانی ز چه رو کند همی نوحه‌گری؟
 از عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری

چند بیت دیگر:

تا چشم تو ریخت خون عشاق
 گر شاهدان نه دُئی و دین می‌برند و عقل
 بید مجنون در تمام عمر **سر بالا نکرد**

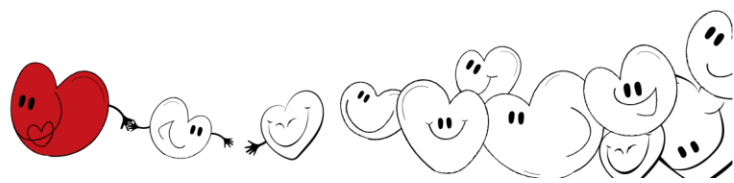
زلف تو گرفت رنگ ماتم
 پس زاهدان **برای چه** خلوت گزیده‌اند؟!
 حاصل بی‌حاصلی نبود به جز **شرمندگی**

***توجه:** حُسن تعلیل به معنای زیبابودن علت است. پس هر علتی نمی‌تواند حُسن تعلیل باشد. مثلاً در بیت زیر علت کاری بیان شده، ولی چون علت زیبا و ادبی نیست و دلیل آورده‌شده منطقی است، حُسن تعلیل ندارد.

هدیه‌ها می‌داد هر درویش را **تا** بیابد نطق مرغ خویش را

***توجه:** حروف «که، از، چون و ...» ممکن است معنای تعلیل نداشته باشند.

نکته: اگر بی‌تی ز، زان، از، از آن، تا، چو، چون در معنای علت داشت مشکوک می‌شویم که احتمالاً حسن تعلیل در آن گزینه است و آن گزینه را زود تر از سایر گزینه‌ها بررسی می‌کنیم.





حس آمیزی

همان طور که از نام آن برمی آید آمیختن دو حس از حواس پنجگانه (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) با یکدیگر را حس آمیزی می گویند.

با باد بوده همره، بوی تو در سحرگه
گل‌ها شنیده بویت، خود را به باد داده
مسلم است که رایحه مربوط به حس بویایی است، ولی شاعر می گوید: گل‌ها بوی تو را شنیده‌اند و...
گر چه جز تلخی ایام ندید هر چه خواهی سخنش شیرین است
در بیت فوق دو حس آمیزی وجود دارد: تلخی را دیدن و سخن‌های شیرین.

گر تو شیرین شکرلب به شکر خنده در آیی
خنده یا قابل دیدن است یا شنیدن صدای آن، اما بیت فوق به طعم آن اشاره دارد.

نمونه‌های دیگر:

چنان بر صورت شیرین این دیوانه مفتونم
به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های رنگین
که در خاطر نمی‌گنجد خیال ملک پرویزم
بکشید سوی خانه، مه خوب خوشلقا را
دل در رکاب آرزوها پیر می‌شد
جان از سکوت سرد شب دلگیر می‌شد

✽ **توجه:** حس آمیزی‌ای که یکی از حس‌ها، لامسه (خشک، سرد، زبر، سفت، لطیف و ...) باشد، دیرپاب‌تر و دیرفهم‌تر است.

با من به سلام خشک، ای دوست زبان ترکن
تا از مژه هر ساعت، لعل ترت افشانم

✽ **نکته:** توجه داشته باشید، آمدن کلماتی مانند: دیدن، شنیدن، بوییدن و ... که مربوط به حواس پنجگانه می‌باشند، لزوماً حس آمیزی نمی‌سازند. بلکه آمیختگی دو حس ناهمگون را حس آمیزی می‌گوییم. مثلاً صفتی ناهمگون برای موصوف (جیغ بنفش) یا مضاف‌الیهی نامتعارف (گرمای سخن). در دو بیت زیر با وجود آمدن واژه‌هایی مانند «ببینم و بشنوم»، ابیات فاقد حس آمیزی هستند.
تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم
از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم
می‌داشت پدر به سوی او گوش
این قصه شنید و گشت خاموش

✽ **توجه:** توجه داشته باشید در ترکیباتی مانند: «رنگ عشق، اندیشه‌ی نرم، بوی محبت، تنهایی تلخ، شیرین‌منش» و مواردی از این دست، در واقع ۲ حس با هم ترکیب نشده‌اند، ولی با توجه به اینکه یک حس، در جایگاه نامناسب آمده است، این گونه ترکیب‌ها را نیز حس آمیزی گرفته‌اند. در این ترکیبات یکی از دو واژه اصلاً مربوط به هیچ یک از حواس پنجگانه نیست و قاعدتاً دو حس ترکیب نشده‌اند بلکه یک حس، با یک واژه انتزاعی و ذهنی ترکیب شده است.

پارادوکس (متناقض نما، تناقض)

پارادوکس ضد و نقیض گویی است. یعنی عبارت به گونه‌ای باشد که قسمتی از کلام، متناقض و ضد قسمت دیگری از کلام باشد. یا دو ویژگی متضاد، در یک مفهوم جمع شود.

چشم دل باز کن که جان بینی
آن‌چه نادیدنی است، آن بینی

در مصراع دوم «آن بینی» متناقض «آن‌چه نادیدنی است» می‌باشد.

متناقض نما به دو صورت می‌آید: ۱- پارادوکس در جمله ۲- پارادوکس در ترکیب





۱- پارادوکس در جمله: الف (یک جمله‌ای ب) دو جمله‌ای

الف) یک جمله‌ای

هر گاه قسمتی از یک جمله، قسمت دیگر را نقض کند یا ضدّ قسمت دیگر باشد.
از خلاف آمد عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم
اینکه شاعر از زلف پریشان معشوق، طلب جمعیت خاطر و آسودگی می‌کند، پارادوکس دارد.
به پاس یک دل ابری دو چشم بارانی پر است خلوتم از یک حضور نورانی

ب) دو جمله‌ای

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی
باد معمولاً و قاعدتاً چراغ را خاموش می‌کند. حال آن‌که حافظ می‌گوید: اگر از این باد کمک بگیری، چراغ را روشن‌تر می‌کنی.
کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد به خانه‌ی دل من آمده است مهمانی
کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد، چگونه در خانه‌ای جای می‌گیرد؟

۲- پارادوکس ترکیب

پارادوکس اکثراً به صورت ترکیب وصفی «تب سرد» یا ترکیب اضافی «صدای سکوت» در شعر و نثر به کار می‌رود و آن آوردن دو کلمه متضاد به صورت «ترکیب اضافه شده» است.

این هم از بی‌هنری‌های هنر بود مرا	حاصل ذوق و هنر، خون جگر بود مرا
دست غریق یعنی فریاد بی‌صدایم	گوش مروتی کو کز ما نظر نپوشد؟
فقیران منعم، گدایان شاه	چنین نقل دارم ز مردان راه
دل من است که هم جمع و هم پریشان است	پارادوکس گاه جمع کردن دو ویژگی متضاد در یک چیز است.
دم به دم با من و پیوسته‌گریزان از من	به یاد کاکل پرتاب و زلف پُر چینش
ندیدم همچو تو پیدا نهانی	با من آمیزش او الفت موج است و کنار
	مثال عشق پیدایی و پنهان

***نورچه:** آوردن دو کلمه متضاد زمانی پارادوکس می‌باشد که به هم اضافه شده باشند و به صورت «..... + یا ی +» آمده باشند، و گر نه آوردن دو کلمه‌ی متضاد به صورت «..... + و +» یا جدا از هم، آرایه تضاد می‌سازد.

روزها کار من این است و همه شب سخنم	که چرا غافل از احوال دل خویشتنم
دشمن دانا که غم جان بود	بہتر از آن دوست که نادان بود

چند مثال دیگر برای پارادوکس

گر تو خواهی تا شوی مرد ای پسر	هیچ درمان نیست چون درد ای پسر
دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است	هر که فانی می‌شود موجود می‌دانیم ما
ز بندگی شما صد هزارم آزادی است	که سلطنت کند آن کاو بود گدای شما

***نکته:** در پارادوکس ترکیب، ممکن است بین دو کلمه متضاد، کلمه‌ی دیگری آمده باشد. در بیت زیر پارادوکس «رونق کسادی» است.

در کشور ما رونق بازار کسادی است
ما هیچ‌متاعان خجل از قدر رواجیم





پارادوکس ممکن است در یک واژه مرکب باشد. مانند: **خراب‌آباد، عریان‌پوش**

تضاد

آوردن دو واژه متضاد در یک بیت یا یک عبارت را تضاد می‌گویند.

ز روی دوست، دل دشمنان چه دریابد
نه شاخش خشک گردد روز سرما
خانه‌ی دل ما را از گرم عمارت کن
به عمری یک نفس با ما چو بنشینند، برخیزند
این‌که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را

توجه: آرایه تضاد ممکن است در یک فعل و حالت منفی آن رخ دهد.

از وجود قدری نام و نشان هست که هست
ور نه از ضعف در آن‌جا اثری نیست که نیست

توجه: مهم‌ترین نکته در تضاد این است که نباید تضاد را با پارادوکس اشتباه بگیریم. هرگاه دو کلمه‌ی متضاد به هم اضافه شوند،

آن پارادوکس است و تضاد نیست. (رجوع شود به آرایه پارادوکس)

خوبان پارسی‌گوی، بخشنندگان عمرند
ساقی بده بشارت، رندانِ پارسا را
دو واژه رند و پارسا متضاد یکدیگرند اما در بیت فوق از دو گروه رندها و پارسایان سخن به میان نیامده، بلکه به یک گروه «رندانِ پارسا» اشاره شده است و از آنجایی که جمع این دو با هم ممکن نیست، سخن به نوعی تناقض دارد و آن را متناقض‌نما یا پارادوکس می‌گوئیم.

دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است
دولت به معنی سعادت و خوشبختی و فقر به معنی بدبختی است. اگر این دو جدا از هم بیایند، بیت یا عبارت، تضاد دارد، اما جمع آن‌ها با هم پارادوکس می‌شود.

توجه: تضاد بین دو واژه ممکن است محسوس و آشکار نباشد.

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
ای برادر سیرت زیبا بیار

توجه: در مراعات نظیری که دو واژه، متضاد هم باشند، آن‌ها را «تضاد» می‌گیریم نه «مراعات نظیر». (مانند «سفید و سیاه» که در اصل مراعات نظیر هستند، چون زیر مجموعه یک چیز، یعنی «رنگ» هستند).

ایهام

هرگاه شاعر یا نویسنده یک واژه و یا عبارت را به گونه‌ای به کار ببرد که دو یا چند معنای قابل قبول از آن برداشت شود. توجه شود که در ایهام باید هر دو معنی قابل قبول باشند و هیچ کدام از دو معنی لطمه‌ای به معنای شعر وارد نکند.

عهد کردی که گُشی فرصت خود را روزی
فرصت ار یافتی، آن عهد فراموش نکن
عهد: ۱- پیمان (اگر فرصت یافتی آن پیمان را فراموش نکن) ۲- روزگار (اگر فرصت یافتی آن روزگار را فراموش نکن)





***توجه:** فرصت در این بیت تخلص شاعر است. و خودش ایهام دارد. ۱- اگر فرصت (زمان) یافتی ۲- اگر فرصت (شاعر) را یافتی

اگر دو چشم تو مست مدام خواهد بود خروش و مستی ما بر دوام خواهد بود
 مدام: ۱- پیوسته (اگر دو چشم تو، پیوسته مست خواهد بود...) ۲- شراب (اگر دو چشم تو، مست شراب خواهد بود...)
 بر بوی سر زلف تو چون عود بر آتش می‌سوزم و می‌سازم و باد است به دستم
 بوی: ۱- رایحه (با رایحه‌ی سر زلف تو... می‌سوزم) ۲- امید (بر امید سر زلف تو... می‌سوزم)

ز گریه مردم چشمم نشسته بر خون است ببین که در طلبت حال مردمان چون است؟
 مردمان: ۱- مردم (ببین حال مردم برای رسیدن به تو چگونه است؟) ۲- مردمک‌ها (ببین حال مردمک‌هایم برای رسیدن به تو چگونه است؟)

همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش تو به هر ضرب که خواهی بزن و بنوازم

ضرب: ۱- ضربه ۲- ساز

ای دمت عیسی، دم از دوری مزن من غلام آن که دوراندیش نیست
 دوراندیش: ۱- آگاه و آینده‌نگر ۲- کسی که به دوری می‌اندیشد

***توجه:** گاه ایهام بسیار هنرمندانه است و یک کلمه بیش از دو معنا می‌دهد.

امشب صدای تیشه از بیستون نیامد گویی به خواب شیرین فرهاد رفته باشد
 خواب شیرین: ۱- خوابی خوش ۲- خواب شیرین را دیدن (نام معشوقه‌اش) ۳- خواب شیرین کنایه از مرگ!
***توجه:** گاه یک کلمه بسیار ساده می‌تواند ایهام داشته باشد.

نگران با من استاده سحر / صبح می‌خواهد از من / کز مبارک دم او / آورم این قوم به‌جان‌باخته را / بلکه خبر...
 نگران: ۱- ناراحت ۲- نگاه‌کنان

چون جام شفق موج زند خون به دل من با این همه دور از تو مرا چهره زردی است
 ۱- دور از وجود تو، در فراق تو ۲- دور از جان تو

ایهام تناسب

هرگاه شاعر واژه‌ای را به گونه‌ای به کار ببرد که یک معنای آن قابل قبول و معنای دیگر آن با کلمه یا کلماتی در بیت فقط ارتباط و تناسب معنایی داشته باشد.

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
 روی: ۱- چهره ۲- فلز روی

مسلم است که منظور فقط معنای اول (چهره) است و معنای دوم فقط با کلماتی مثل مس و زر تناسب معنایی دارد.
 چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب مه‌رم به جان رسید و به عیوق برشدم

مه‌رم دو معنا دارد: ۱- عشق ۲- خورشید. از این دو معنا فقط معنای اول در شعر قابل قبول است: «عشق من را به بلندی رساند»
 قابل قبول و «خورشید من را به بلندی رساند» غیر قابل قبول. اما معنای دوم با کلماتی مانند آفتاب و عیوق تناسب معنایی دارد. این گونه

ایهام را ایهام تناسب می‌گوییم.





روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد ز آن زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

آیت: ۱- نشانه ۲- آیه (جزئی از قرآن). مسلم است که فقط معنای اول آن به کار شعر می‌آید و معنای دوم آن با واژه تفسیر فقط تناسب معنایی دارد.

چرا ملامت خواجه کنی که چون فرهاد به پای دوست درافکند جان شیرین را؟

جان شیرین می‌تواند دو معنا داشته باشد: ۱- جان ارزشمند ۲- جان شیرین معشوقه فرهاد. مسلم است که فرهاد جان معشوقه‌اش را به پای کسی نمی‌افکند و در این بیت جان شیرین به معنی «جان عزیز و گرانبدر» است. اما شیرین در این معنی نام شیرین، با خود فرهاد تناسب دارد. لذا این ایهام را «ایهام تناسب» می‌گویند.

چنان سایه گسترد بر عالمی که زالی نیندیشد از رستمی

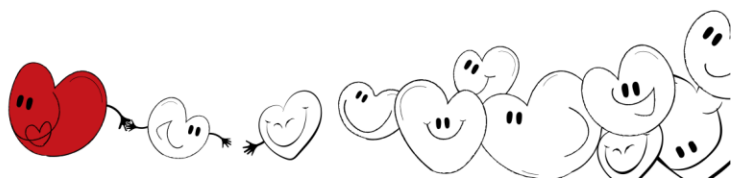
زال: ۱- پیر و ناتوان ۲- پدر رستم

آن چنان امنیتی در جهان به وجود آورد که هیچ شخص ناتوانی از هیچ کس - حتی رستم - نترسد.

***نکته:** در دریافت آرایه ایهام، اصلی‌ترین تبخّر، دانستن معنی کلمات است. وقتی به معنی کلمات زیر دقت کنید، متوجه می‌شوید

چرا نمی‌توانستید تست‌های ایهام را درست جواب بدهید. چون بسیاری از این معانی را نمی‌دانید.

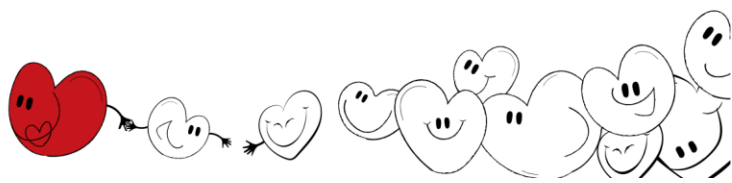
و جالب اینجاست که همه‌ی این واژگان، به صورت ایهام، در کنکور آمده‌اند. پس این واژگان را به خاطر بسپارید.





واژگانی که قابلیت ایهام یا ایهام تناسب شدن دارند:

واژه	معانی	واژه	معانی
روان	جاری، روح و جان	راست	حقیقت، جهت راست، دقیقاً
بوی	رایحه، امید و آرزو	مایل	میل داشتن، کج
در نگیرد	شامل نشود، شعله ور نشود، اثر نکند	دست آخر	سرانجام، بازی آخر
دور از تو	فاصله دور، فعل دعایی دور از تو باد	دور اندیش	کسی که به دوری و جدایی می اندیشد، آینده نگر
هوا	air، هوس	نگاه داشتن	نگه داشتن، بینایی داشتن
سیر	متضاد گرسنه، نوعی گیاه، واحد جرمی، پرننگ و تیره	شیر	lion، Milk
بادیه	صحرا، نوعی ظرف	قامت	قد، قد قامت نماز
طاق	سقف بیضی، بی همتا، تنها	محیط	پیرامون، اقیانوس
صبر	تحمل، نوعی گیاه تلخ	شیرین	مزه شیرین، معشوقه فرهاد
قانون	مقررات، نوعی ساز، کتاب این سینا	سودا	عشق و فکر و هوس، داد و ستد
برآید	امکانش باشد، بالا بیاید	گلستان	باغ، کتاب سعدی
رود	رودخانه، ابزار موسیقی، فرزند	راه	طریق و راه، اصطلاح موسیقی
روی	چهره، بالا، فلز روی	پروانه	حشره پروانه، جواز و اجازه
زال	پیر و ناتوان، پدر رستم	گوشه	کُنج، اصطلاح موسیقی
سو	سمت و جهت، نور و روشنایی و بینایی	تار	تاریک، رشته مو، نام ساز
سرگرم	مشغول، مست	آب	مایع نوشیدنی، رونق و آبرو
چنگ	چنگ دست، نام وسیله موسیقی	آهنگ	قصد و نیت انجام کاری، نغمه و صدا
پرده	حجاب و پرده، پرده موسیقی، پرده گوش	باد	جریان هوا، فعل دعایی «باشد»
شور	طعم شور، اصطلاح موسیقی، هیجان	آهو	نام حیوانی، غزال، عیب و نقص
عین	چشم، مثل و مانند، چشمه	بالا	جهت بالا، قد و قامت
قلب	عضو بدن، قسمتی از لشکر و سپاه، تقلبی و غیر اصیل، دروغ و ناراستی، برعکس و واژگون	بهشت	جنت، رها کرد (فعل ماضی از مصدر هشتن)
گور	قبر، گورخر	مخفی	پوشیده و پنهان، تخلص شاعر «زیب النساء»
کنار	آغوش، ساحل	مردم	مردم و انسانها، مردمکها
مالک دینار	صاحب ثروت، نام شخصیتی	خشت	گل و آجر، تیرک
مهر	عشق، خورشید	مات	مبهوت شدن، باختن در شطرنج





ماده شیرین و خوراکی، هُوو شیرین	شکر	سرشت و ضمیر و باطن انسان، قرار دادن. فعل ماضی از نهادن	نهاد
خطرناک، ارزشمند	خطر	مکر و فریب، پدر رستم	دستان
کم وزن، کم ارزش، بدون وزن شعری	بی وزن	نفس، خون، لحظه	دم
سلامتی، کتاب ابن سینا	شفا	عدل و داد، فعل ماضی از دادن	داد
آرزو، دهان	کام	شراب، پیوسته	مدام
رایج، در، قسمت و بخش، مانند باب‌های بوستان و گلستان	باب	پادشاه، تخلص شاعر؛ محمد حسین بهجت تبریزی	شهریار
آیه، نشانه	آیت	عدد هزار، بلبل و هزار دستان	هزار
شب، وعده غذایی، کشور سوریه	شام	چوبی خوش بود، نام‌سازی	عود
دوست‌داشتنی، معادل وزیر در مصر باستان	عزیز	خریدار، سیاره مشتری	مشتری
چهره، مهره شطرنج	رخ	دوست، حضرت ابراهیم	خلیل
پرنده شکاری و شاهین، دوباره، باز	باز	ابزار نوشتن، شکسته (مانند پای قلم شده)	قلم
پنبه زن، منصور حلاج	حلاج	چین و چروک و شکن، کشور چین	چین
دوست‌داشتنی، در قلب فرو رفته	در دل نشسته	پیچ و تاب، تحمل	تاب
همدم، حریف، نام فرشته	رقیب	چشم سنگدل، چشم قرنیه مشکی	چشم دل سیه

*** یادآوری:** اگر کلمات **ایهام‌ساز**، در بیت یا عبارتی به کار رفتند، معنی آن‌ها را بررسی می‌کنیم. اگر **دو معنا** داشت و هر دو معنا از شعر برداشت شد «**ایهام**» داریم. ولی اگر **یک معنا** برداشت شد و معنای دیگر فقط با کلمه یا کلماتی در بیت یا عبارت، تناسب معنایی داشت «**ایهام تناسب**» می‌شود. و اگر فقط **یک معنا** برداشت شد و معنای دیگر کلمه، نه به کار معنی شعر آمد و نه با کلمه‌ای تناسب داشت، در این صورت؛ نه **ایهام** داریم و نه **ایهام تناسب**.

همانطور که

اسلوب معادله

مفهوم مصرع ۲

مساوی

مفهوم مصرع ۱

اسلوب معادله، آرایه‌ای است که شاعر برای تأکید و زیبایی‌آفرینی، مفهوم یک مصرع را با حالتی تشبیهی، در مصرع دیگر بیان می‌کند. در اسلوب معادله دو مصرع از نظر معنایی و مفهومی کامل و مستقل می‌باشند ولی آنچنان شباهتی بین آن دو است که می‌توان بین دو مصرع علامت مساوی (=) قرار داد یا بین آن‌ها لفظ «همان‌طور که» قرار داد.

جای چشم ابرو نگیرد گر چه او بالاتر است

دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست





دود اگر چه بالاتر از آتش می‌ایستد اما از آتش ارزشمندتر نیست. «همان‌طور که» ابرو از چشم بالاتر قرار دارد ولی از چشم باارزش‌تر نیست.

بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود پسته‌ی بی‌مغز چون لب وا کند رسوا شود
بی‌کمالی و کم‌ارزش بودن انسان‌ها از طرز سخن گفتن آن‌ها مشخص می‌شود «همان‌طور که» بی‌مغزی و پوچ بودن پسته با باز شدن دهان آن معلوم می‌شود.

عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود موی اندر شیر خالص زود پیدا می‌شود
عیب و کار زشت انسان‌های خوب، خیلی زود برای دیگران مشخص می‌شود «همان‌طور که» مو، در شیر بسیار زود پیدا می‌شود.
***توجه:** مصراع دوم در اسلوب معادله، قابل فهم‌تر و محسوس‌تر است. در واقع شاعر بر مبنای تشبیه، مصراع دوم را می‌آورد که مصراع اول بهتر فهمیده شود.

حُسن بیان مجوی ز ما دلشکستگان از کاسه‌ی شکسته نخیزد صدا، دُرست
شاعر در مصراع اول مفهومی ذهنی را بیان می‌کند و می‌گوید از مایی که دلشکسته‌ایم، زیبایی گفتار انتظار نداشته باش. این موضوع و مفهوم به راحتی قابل درک و فهم نیست، لذا شاعر مثالی عینی می‌آورد تا مفهوم و منظور خود را برساند و می‌گوید: همان‌طور که کاسه و چینی و شیشه‌ای که ترک داشته باشد، صدای ضربه‌ای که به آن می‌خورد را به خوبی انعکاس نمی‌دهد.

***توجه:** اسلوب معادله بر پایه‌ی تشبیه مرکب است. لذا در هر مصراع حداقل دو واژه وجود دارد که با دو واژه در مصراع دیگر تشابه و تناسب داشته باشد.

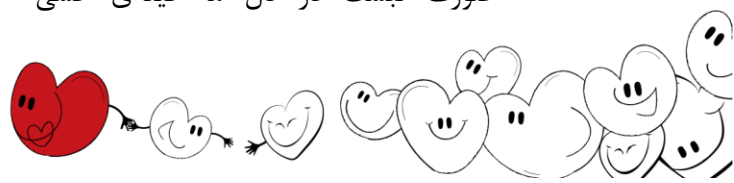
عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

حریص را نکند نعمت دو عالم سیر همیشه آتش سوزنده اشتها دارد
صائب مجو کدورت خاطر ز عارفان غیر از صفای وقت، در آینه‌خانه نیست
ریشه نخل کهن‌سال از جوان افزون‌تر است بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را
مرا کیفیت چشم تو کافی است ریاضت‌کش به بادامی بسازد
روشن‌دلان خوش‌آمد شاهان نگفته‌اند آینه عیب‌پوش سکندر نمی‌شود

***نکته:** در اسلوب معادله شاعر یک حکم کلی صادر می‌کند و ما می‌توانیم بگوییم «درست است یا غلط است و یا بگوییم چطور و

چرا» و در مصراع دوم شاعر بر پایه‌ی تشبیه، دلیلی تأکیدی یا تمثیلی می‌آورد تا آن را قبول کنیم یا مطلب برای ما جا بیفتد.

اشک ندامت است سیه‌کار را فزون (چرا؟) در تیرگی زیاده بُود ریزش سحاب
ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را؟ (چرا؟) ز قحط‌سال، هما بینوا نخواهد شد
شراب گرد کدورت نبرد از دل ما (برای چه) چو دانه سوخته باشد چه از سحاب آید؟
قطع امید کرده نخواهد نعیم دهر (چرا؟) شاخ بریده را نظری بر بهار نیست
آدمی پیر چو شد حرص جوان می‌گردد (چرا؟) خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد
صورت نبست در دل ما کینه‌ی کسی آینه هر چه دید فراموش می‌کند





ویژگی‌های اسلوب معادله:

۱. معمولاً مصرع ② مثالی برای مصرع ① است
۲. می‌شود دو مصرع را جابجا کرد و جمله به هم نریزد
۳. هر مصرع به طور مجزا و کامل معنی تمام شده دارد و برای معنی شدن وابسته به مصرع دیگر نیست
۴. بر سر مصرع دوم حروف ربط (که/ اما/ ولی/ و/ لیک/ زیرا/ اگر و.....) نمی‌آید

نکته:

اگر در میان ابیاتی که برای اسلوب معادله بررسی می‌کنیم، بیتی دارای **افعال اسنادی** (است/ بود/ شد/ گشت/ گردید و منفی هایشان) بود، به آن بیت بیشتر از سایرین **مشکوک** می‌شویم و سریعاً ویژگی‌های اسلوب معادله را روی آن بررسی می‌کنیم تا به یقین برسیم. (ویژگی زبانی سبک هندی)

نکته:

اگر در میان ابیاتی که برای اسلوب معادله بررسی می‌کنیم، بیتی در انتهای یکی از مصرع‌های خود **"را"** داشت (معمولاً انتهای مصرع دوم)، به آن بیت بیشتر از سایرین **مشکوک** می‌شویم و سریعاً ویژگی‌های اسلوب معادله را روی آن بررسی می‌کنیم تا به یقین برسیم. (ویژگی زبانی سبک هندی)

تلمیح

تلمیح در لغت به معنای «به‌گوشه‌ی چشم نگرستن» است و در اصطلاح ادبی اشاره کردن به آیات، احادیث، داستان‌های عاشقانه و تاریخی و... است.

- | | |
|--|---|
| خواندم افسانه‌ی شیرین و به خوابش کردم | - غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد |
| سلیمان با چنان حشمت، نظرها بود با مورش | - نظرکردن به درویشان منافی بزرگی نیست |
| وز لوح سینه نقشت، هرگز نگشت زایل | - از آب دیده صد ره، طوفان نوح دیدم |
| متحیرم چه نامم شه ملک «لافتی» را؟ | - نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت |
| طلب چشمه‌ی حیوان نکند، چون نکند؟ | - طالب لعل توأم کان که به ظلمات افتاد |
- اصل تلمیح اشاره کردن است اما گاه ترجمه کامل را می‌آورند.
- چنین گفت پیغمبر راست‌گوی ز گهواره تا گور دانش بجوی
- *توجه:** اکثر تلمیحات یا دینی هستند یا ملی.

***توجه:** انتظار نداشته باشیم همه‌ی تلمیحات اشاره به لیلی و مجنون و مانند آن باشند و زود به دست آیند. بعضی از تلمیحات مربوط به داستان‌های اصیل ایرانی یا بعضی داستان‌ها و تفاسیر قرآنی هستند و ممکن است به راحتی قابل تشخیص نباشد. مانند «مهر و وفا» در بیت اول از ابیات زیر که اسم عاشق و معشوقی در ادب فارسی بوده‌اند. یا بیت دوم به ماجرای حضرت موسی و مناجات کردن با خدا در کنار کوه طور اشاره دارد و بیت سوم هم به آیه‌ای از قرآن که معروف به «آیه امانت» است، اشاره دارد که





ممکن است شما آن را نشنیده باشید. باید کم‌کم با تلمیحات آشنا بشوید و اطلاعات ادبی و تلمیحی خود را بالا ببرید، چرا که تلمیحات کنکور در همین سطح است و از این راحت‌تر نیست!

سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری
- عشق کو؟ تا گرم سازد این دل رنجور را؟
- آدمی گر خون بگرید از گران‌باری رواست

که حقّ صحبت مهر و وفا نگه دارد
در حریم سینه افروزد چراغ طور را؟
کآنچه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست

کد های مهم در یافتن تلمیح

چند کلمه ی مهمی که تلمیح های کنکوری را یادآور می شوند:

- زندان - برادر - چاه - عزیز - نابردار - پیرهن - نارنج - بیت الاحزان - مصر ← ۱ - یوسف و زلی
- عصا - اژدها - مار - نیل - شکافته شدن نیل - ید بیضا - ساحر - کلیم - کوه طور - طور سینا - طور سینین - عمران ← ۲ - موسی
- آب حیات - آب زندگانی - چشمه حیوان - آب حیوان - عمر جاودان - ظلمات و تاریکی ← ۳ - خضر
- جم - جام جم - جام جهان نما ← ۴ - جمشید پادشاه اساطیری ایران
- بار امانت - ظلوماً جهولا ← ۵ - تلمیح به آیه قرآن
- صلیب - مرده زنده کردن ← ۶ - عیسی
- زبان حیوانات دانستن - قالی - پرواز با قالی - هدهد ← ۷ - سلیمان
- بر دار کردن - اسرار هویدا کردن - انا الحق ← ۸ - منصور حلاج
- شق القمر - فرو ریختن ایوان مدائن - ← ۹ - پیامبر(ص)
- در خیبر - شکافته شدن کعبه - مولود کعبه ← ۱۰ - حضرت علی(ع)
- بت - بت شکن - خلیل - گلستان و آتش ← ۱۱ - حضرت ابراهیم

تضمین

آوردن مصراع، بیت یا قسمتی از شعر و نثر شاعر یا نویسنده‌ی دیگر در اثر خود را تضمین می‌گویند. معمولاً و قاعدتاً عبارت تضمین شده را باید داخل گیومه « » بیاورند. قسمت آخر شعر زیر، از مولاناست که دکتر شفیعی کدکنی در شعر خود آورده است.

بیداری زمان را با من بخوان به فریاد
ور مرد خواب و خفتی،

«رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»

مصراع اول بیت زیر نیز از سعدی است که دکتر شفیعی کدکنی در شعر خود آورده است.

«سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی»
تو خود آفتاب خود باش و طلسم کار بشکن

گاه شاعر یا نویسنده پیش از آوردن بیت یا متن تضمینی، به نام شاعر یا نویسنده اشاره می‌کند. مانند تضمین بیت دوم از شعر حافظ که شهریار در بیت اول به اسم حافظ (لسان الغیب) اشاره کرده است.

چه زخم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم
«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی»

که «لسان غیب» خوش‌تر، بنوازد این نوا را
به پیام آشنایی، بنوازد آشنا را»





حافظ نیز پیش از تضمین از شعر کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی به اسم آن اشاره می‌کند.
 گر باورت نمی‌شود از بنده این حدیث از گفته‌ی «کمال» دلیلی بیاورم
 «گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم؟»
 چنین گفت «فردوسی» پاکزاد - که رحمت بر آن تربت پاک باد-
 میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

توجه: تضمین در نثر نیز نمونه‌های بسیار دارد. در داستان «خسرو» در کتاب دهم، بسیار از این آرایه استفاده شده است.
 با صدایی که به قول معروف، از ته چاه درمی‌آمد، با زهرخندی گفت: داد نزن: «من گوش استماع ندارم، لَمَنْ تَقُول». همه می‌شناختند و می‌ستودند و تکریمش می‌کردند. ولی چه سود که «حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر» وی را به می و معشوق و لهُو و اَلْعِب کشیدند. ... این شکست او را به منجلاب فساد کشید «فی‌الجملة نماند از معاصی مُنکری که نکرد و مُسکری که نخورد.» تریاکی و شیرهای شد و کارش به ولگردی کشید.

توجه: آوردن کلّ آیه یا حدیث «تضمین» می‌باشد و «تلمیح» نیست.

بحر این فرمود رحمان ای پسر «کُلّ یومٍ هُوَ فی شأنٍ» ای پسر
 درویش بی‌معرفت نیارآمد تا فقرش به کفر انجامد؛ «کَادَ الْفَقْرُ أَنْ یكونَ کَفْرًا»

توجه: آمدن یک اصطلاح یا اسم عربی مانند «عزّ و جلّ»، «اولی الالباب» یا «عزّ و جلّ» و ... تضمین نمی‌سازد.

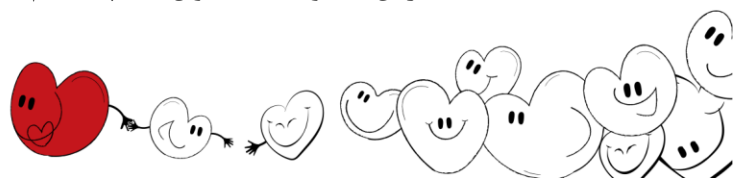
اغراق

اغراق، مبالغه یا غُلُو آرایه‌ای است مبنی بر بزرگ‌نمایی. و آن وقتی است که شاعر یا نویسنده در بیان موضوعی به طور غیر باوری بزرگ‌نمایی کند. اغراق و مبالغه و غُلُو در اصل تفاوت‌هایی دارند که در سطح کنکور حائز اهمیت نیست و یکی گرفته می‌شوند.

ز سُم ستوران در آن پهن دشت
 شود کوه آهن چو دریای آب
 نماند ایچ با روی خورشید رنگ
 فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ
 کاشانی هم اندر زمان جان بداد
 زمین شش شد و آسمان گشت هشت
 اگر بشنود نام افراسیاب
 به جوش آمده خاک، بر کوه و سنگ
 بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ
 تو گفتمی که هرگز ز مادر نژاد

نکته: اغراق معمولاً در آثار حماسی دیده می‌شود، اما باید دقت داشت که آثار غنایی و عاشقانه و هر نوع ادبی دیگر نیز می‌تواند اغراق داشته باشد.

به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار
 به زیر تیغ فشردیم پای خود چندان
 دیده‌ی تردامنم تا می‌زند نقشی بر آب
 بگذار تا بگریم، چون ابر در بهاران
 دیده از دور دو دریای مجاور با هم
 با ساربان بگوئید، احوال آب چشمم
 که از جهان ره و رسم سفر براندازم
 که کوه بست کمر پیشن برداری ما
 خاک کویت را به خون هر شب منقش می‌کند
 کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
 چشم من می‌شکند پنجره را تا برود
 تا بر شتر نبندد محمل به روز باران





گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را از نازکی آزار رساند بدنش را
آمدن اعدادی مانند صد، هزار، هزاران و... معمولاً اغراق می‌سازد. اما ممکن است تله‌ی کنکوری باشد.



اگر از سینه‌ی مور ضعیفی پرده برداری
بیامد دو صد مرد آتش‌فروز
دم تیغ بر گردنش چون رسید
سر عمرو صد گام از تن پرید
هزاران کوه غم بر دل از آن موی کمر دارد
دمیدند گفتی شب آمد به روز

توجه: یکی از ویژگی‌های آثار حماسی «خرق عادت» است که اغراق نمونه‌ای از آن است. لذا در بیشتر آثار حماسی اغراق دیده می‌شود. به گونه‌ای که در تمام ابیات پیوسته زیر اغراق دیده می‌شود.

خروش سواران و اسپان ز دشت
همه تیغ و ساعد ز خون بود لعل
نماند ایچ با روی خورشید، رنگ
دلیری کجا نام او اشکبوس
بیامد که جوید ز ایران نبرد
بشد تیز رهام با خود و گبر
ز بهرام و کیوان، همی برگذشت
خروشان دل خاک در زیر نعل
به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ
همی برخروشید بر سان کوس
سر هم‌نبرد اندر آرد به گرد
همی‌گرد رزم اندر آمد به ابر

مراعات نظیر

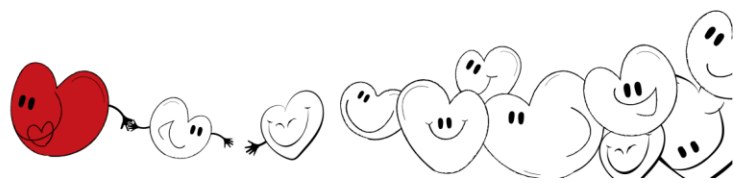
آوردن دو یا چند واژه که با یکدیگر تناسب و رابطه‌ای غیر از تضاد داشته باشند. مراعات نظیر اگر در دو واژه باشد معمولاً آن را تناسب می‌گویند، اما در کنکور تناسب و مراعات نظیر را یکسان در نظر می‌گیرند.

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت
خروش سواران و اسپان ز دشت
ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع
یک کربلا شکوه به چشم نهفته است
برآید که ما خاک باشیم و خشت
ز بهرام و کیوان همی برگذشت
این گرگی شبان شما نیز بگذرد
ای روضه مجسم گودال قتلگاه

توجه: مراعات نظیر و تناسب واژگان ممکن است کمی غیر محسوس باشد. توجه به آرایه تناسب، گاه منجر به کشف، آرایه ایهام تناسب می‌شود.

شفا می‌دهد آشکارا به دل
از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک؟
در دو بیت قبل «شفا» و «اشارات» با یکدیگر ارتباط و مراعات نظیر دارند، زیرا نام دو اثر از ابن سینا می‌باشند و «پیک» نیز با «مسلم» ارتباط دارد، زیرا مسلم بن عقیل، پیک و فرستاده امام حسین (ع) به کربلا بود.

توجه: آرایه تناسب را نباید با تناسب واژگان در دستور، اشتباه بگیریم. چرا که به طور مثال دو واژه «بدن و دست» از نظر دستوری با یکدیگر تضمین دارند و تناسب ندارند اما از نظر ادبی آن‌ها را تناسب (مراعات نظیر) می‌گیریم. یا «رنگ و بنفش» از نظر دستوری تضمین دارند ولی از نظر ادبی آرایه تناسب دارند. در بیت زیر نیز دو واژه چشم و سر از نظر دستوری تناسب ندارند ولی از نظر ادبی آرایه تناسب دارند.





یکی برای همه! همه برای یکی!

همه برای یکی (به درد نخور)	یکی برای همه (به درد بخور)
تشبیه	* ۱- حسن تعلیل *
استعاره	* ۲- اسلوب معادله *
مجاز	۳- حس آمیزی
کنایه	۴- پارادوکس - تناقض
اغراق	۵- ایهام - ایهام تناسب
واج آرایه (نغمه حروف)	۶- تلمیح -
مراعات نظیر (تناسب)	۷- تضاد -
تکرار	۸- جناس

هنگام مواجهه با تست های آرایه به ترتیب، به بررسی آرایه های به درد بخور می پردازیم و با توجه به نکات، شروع به رد گزینه می کنیم تا به جواب صحیح دست یابیم. هرگاه احساس کردیم در یافتن و نیافتن آرایه ای شک و تردید داریم، طبق جدول و با توجه به نیاز و خواسته سوال به سراغ آرایه ی بعدی می رویم.





کنکورهای

۱۴۰۲-۱۴۰۳





۱- با توجه به ویژگی‌های قلمرو سه‌گانه شعر در سبک خراسانی، کدام مورد نادرست است؟

(۱) واقع‌گرا بودن شعر و توصیفات عمدتاً طبیعی و ساده (قلمرو ادبی)

(۲) طبیعی و معتدل بودن استفاده از آرایه‌های ادبی (قلمرو ادبی)

(۳) ساده بودن اشعار پندآموز و اندرزگونه (قلمرو فکری)

(۴) حاکم بودن روح حماسه بر ادبیات (قلمرو فکری)

۲- کدام عبارت «فاقد» ویژگی زبانی موجود در «کلیله و دمنه» است؟

(۱) عابدی را پادشاهی طلب کرد، اندیشید که دارویی بخورم تا ضعیف شوم.

(۲) اندر آن جهان اندر محل رؤیت، گروهانی که خداوند را ببینند، غایب شوند.

(۳) پیوسته نالان بود و خواب از وی بگست و بر نعشی خفته بر دوش همی‌بردند.

(۴) اگر همگنان در تدارک این کار پشت در پشت نه ایستید، وکیل دریا را جرأت افزایش.

۳- در کدام مورد نام شخصیت‌های ادبی قرن «ششم، هفتم و هشتم» و آثار آن‌ها «کاملاً» درست آمده است؟

(۱) (سلمان ساوجی: عشاق نامه) (عبید زاکانی: صد پند) (محمدبن جریر طبری: تفسیر طبری)

(۲) (حمد الله مستوفی: تاریخ گزیده) (فخرالدین عراقی: لمعات) (ابوالفضل میبیدی: کشف الاسرار)

(۳) (عبید زاکانی: موش و گربه) (سلمان ساوجی: تحفة الاحرار) (دولت‌شاه سمرقندی: تذکره دولت‌شاه)

(۴) (سلمان ساوجی: جمشید و خورشید) (نظامی گنجوی: چهار مقاله) (نصرالله منشی: کلیله و دمنه)

۴- از دیدگاه تاریخ ادبیات کدام یک از قسمتهای مشخص شده، نادرست است؟

«آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر آثار دینی زردشتی (۱) است. حتی رساله‌های کوچکی که معمولاً آن‌ها را در

زمره آثار غیر دینی به شمار می‌آورند (۲)، رنگ دینی دارند. آثار ادبی منثور و منظوم این زبان از میان رفته است. (۳) ولی

ترجمه عربی و فارسی بعضی از آن‌ها مانند «درخت آسوریک و یادگار زیران (۴)» در دست است.»

۴ (۴)

۳ (۳)

۲ (۲)

۱ (۱)





۵- کدام موارد، بیانگر ویژگی‌های «فکری نثر» در دوره‌های «هفتم، هشتم و نهم» است؟

(الف) ساده بودن فکر و کلام و در نیامیختن آن با پیچیدگی‌های عرفانی و حکمی و اندیشه‌های فلسفی.

(ب) از بین رفتن تعمق و تفکر در اندیشه ادیبان و جایگزین شدن صنایع ادبی و مصنوع ساختن متون ادبی.

(ج) تضعیف تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان به دلیل نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی.

(د) فراگرفتن ضعف و انحطاط فکری به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها و عدم صحت و اتقان مطالب.

(۱) الف و ب (۲) ب و د (۳) الف و ج (۴) ج و د

۶- موارد زیر به ترتیب درباره ویژگی کلامی کدام شاعر یا نویسنده آمده است؟

- وی مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سروده است.

- نثر وی در مقدمه اثر معروفش مصنوع و در اصل کتاب ساده است.

- از شاعرانی است که در تصوف و طریقت مقامی بلند دارد.

- شاخصه اصلی این شاعر واقع‌گرایی است.

(۱) جامی - شمس قیس رازی - شاه نعمت اله ولی - وحشی بافقی

(۲) خواجه کرمانی - شمس قیس رازی - حافظ شیرازی - صائب تبریزی

(۳) خواجه کرمانی - نجم‌الدین رازی - فخر الدین عراقی - بابا فغانی شیرازی

(۴) سلمان ساوجی - خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی - مولوی - وحشی بافقی

۷- در میان عبارات زیر، کدام موارد از دیدگاه تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی «درست» است؟

الف: سیمین دانشور، چند سال با مجله‌هایی مثل نقش و نگار، کتاب ماه، کیهان و آرش همکاری داشت.

ب: نمونه نثر پرشتاب و بریده بریده جلال (نثر تلگرافی) را در داستان بلند مدیر مدرسه می‌توان به کمال دید.

ج: پروین در قصیده به سبک سعدی و در قطعات به شیوه ناصر خسرو و به روانی و لطافت «انوری و سنایی» شعر می‌سرود.

د: جمال‌زاده در داستان بیشتر به محتوا توجه داشت و خلاف راهی را رفت که کسانی مثل زین العابدین مراغه‌ای در سیاحت

نامه داشتند.

(۱) الف و د (۲) ب و د (۳) الف و ب (۴) الف و ج





۸- از دیدگاه تاریخ ادبیات در متن زیر، چند «خطا» به چشم می‌خورد؟

«نمایش نامه‌نویسی نوع ادبی جدیدی در ایران به شمار می‌رود و با این شکل غربی‌اش در ادب کهن سابقه‌ای ندارد. در دوره مظفرالدین شاه با رفت و آمد ایرانیان به اروپا این نوع ادبی هم رواج یافت. اولین کسی که در ایران به نوشتن نمایش‌نامه فارسی پرداخت، محمدباقر میرزا خسروی بود. زبان این نمایش‌نامه‌ها متکلف و تا حدی غیرقابل فهم بود.»

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۹- کدام بیت «فاقد» مجاز است؟

(۱) خسروی کار گدایی کی بود
 (۲) غم تو دست برآورد و خون چشمم ریخت
 (۳) من ای گل دوست می‌دارم تو را کز بوی مشکینت
 (۴) بدان آهن که او سنگ آزمون کرد

۱۰- در ابیات زیر به ترتیب، چند «وجه شبه و چند ادات تشبیه» به چشم می‌خورد؟

- سرگشته چو چوگانم در پای سمندت
 - دست گیرید و به دستم می‌گل فام دهید
 - خیال قد سرو آساش چون در چشم من بنشست

می‌افتم و می‌گردم چون گوی به پهلوی
 باده پخته به این سوخته خام دهید
 مرا بر جویبار دیده سرو بوستانی بود

(۱) پنج- چهار (۲) سه - چهار (۳) سه - پنج (۴) چهار- چهار

۱۱- در همه ابیات هر سه آرایه «لف و نشر، تشبیه و جناس» یافت می‌شود؛ بجز:

(۱) گل از من رنگ و بلبل داشت آهنگ از نوای من
 (۲) آه سحر و اشک شیم شاهد حال است
 (۳) بحر و کان در نظرش چشم تر است و لب خشک
 (۴) شب گدازانم به محفل صبحدم نالان به گلشن

نماند از حسن و عشق آثار تا من از چمن رفتم
 کز عشق رخ و زلف تو در آتش و آبم
 حسن او را به چه سرمایه خریدار شویم
 یعنی از عشقت گهی پروانه گاهی عندلیم

۱۲- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«شام زلفش چو می‌رود در چین
 (۱) ایهام، استعاره، تضاد، تشبیه
 شور در زنگبار می‌افتد»
 (۲) تشبیه، مجاز، حسن تعلیل، استعاره
 (۳) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، مجاز
 (۴) تشخیص، ایهام تناسب، مجاز





۱۳- در کدام بیت آرایه‌های «ایهام، ایهام تناسب، تشبیه و مجاز» مشهود است؟

- | | |
|--|-----------------------------------|
| (۱) هر که شد مشتری مهر رخت | خرمن مه به نیم جو نخرید |
| (۲) چو عکس روی تو در ساغر شراب افتاد | چه جای تاب که آتش در آفتاب افتاد |
| (۳) گل صد برگ را دگرم در دام | همچو بلبل هزار می‌افتد |
| (۴) ای که از سنبل مشکین تو عنبر بویی است | خنک آن باد که از زلف تو بویی دارد |

۱۴- در کدام ابیات، «همهٔ ارکان تشبیه» یافت می‌شود؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (الف) عشقت چو در سراچهٔ دل خانه گیر شد | زین پس برون شود خرد از وی به اضطرار |
| (ب) دارم ز عارض و لب چون شیر و شکر | تن در گداز همچو شکر در میان شیر |
| (ج) ای چشم آهوانهٔ تو مست شیرگیر | وی سرو نوجوان تو آشوب عقل پیر |
| (د) چون دل دیوانه را زنجیر زلفت بند کرد | عاقل ار پندش دهد بیهوده گفتاری بود |
| (ه) گر ببینم شمع رویش جن دهم پروانه‌وار | کمتر از پروانه بودن کمترین کاری بود |
- (۱) ب، د، ه (۲) ب، ج، ه (۳) الف، ب، د (۴) الف، ج، د

۱۵- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست هستند؛ بجز:

- | | |
|--|---|
| (۱) هلال عید اگر پیوسته بودی ماه من دیگر | به ابروی تو نسبت دادمی او را سر مویی (تشبیه- ایهام تناسب) |
| (۲) ز رنج و راحت گیتی مرنجان دل مشو خرم | که آیین جهان گاهی چنان گاهی چنین باشد (مجاز- لف و نشر) |
| (۳) گلبن عمر مرا هجر تو از بیخ بکنند | تا نگویی که من از باد هوا افتادم (ایهام- جناس) |
| (۴) صبح محشر که من از خواب گران برخیزم | به جمال تو چو نرگس نگران برخیزم (تلمیح- جناس) |

۱۶- آرایه‌های «حسن تعلیل، استعاره مکنیه، لف و نشر، موازنه و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- | | |
|--|--|
| (الف) حلقه‌های موج بینم نقش گیسویی کشم | خنده‌های صبح بینم یاد رخساری کنم |
| (ب) از سرشک و چهره دارم وجه سیم و زر ولی | کی چو نرگس چشم او بر سیم و زر خواهد فتاد |
| (ج) خون دل مشتاقان خورده است لب لعلت | سرخ است لبست اینک منکر نتوان بودن |
| (د) کوکب حسن چو گشت از رخ یوسف طالع | تاب در سینهٔ پرمهر زلیخا افتاد |
| (ه) روزگاری است که پیوسته بدان ابرویم | دیرگاهی است که سر داده بدین شمشیرم |
- (۱) ج، ب، د، الف، ه (۲) ج، الف، ب، ه (۳) ب، الف، ج، ه (۴) الف، ج، ب، ه





۱۷- قافیه کدام بیت نادرست است؟

- | | |
|--|---|
| <p>با ما مگو بجز سخن دل نشان دوست
بگذشت، ده انگشت فرو برده به خونم
بر فعل دیگران به چه انکار می‌کنم
اگر از ما دمی دوری گزینی</p> | <p>(۱) ای پیک پی خجسته که داری نشان دوست
(۲) آن کس که ازو صبر محال است و سکونم
(۳) چون من به نفس خویشان این کار می‌کنم
(۴) کنی ناخوش به ما بر زندگانی</p> |
|--|---|

۱۸- در کدام بیت واژه‌های قافیه «وجه شبه» محسوب می‌شوند؟

- | | |
|--|---|
| <p>بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب
بود صد پاره همچون گل گریبانی که من دارم
شاخه تا کم به گرد خویشان پیچیده‌ام
با گریه ساختیم و به پای تو سوختیم</p> | <p>(۱) چشمی دارم چو لعل شیرین همه آب
(۲) ز خون رنگین بود چون لاله دامانی که من دارم
(۳) نه به شاخ گل نه بر سرو چمن پیچیده‌ام
(۴) چون شمع نیمه‌جان به هوای تو سوختیم</p> |
|--|---|

۱۹- وزن مقابل کدام مصراع «درست» است؟

- (۱) من از سطح سیمانی قرن می‌ترسم (فعولن فعولن فعولن فَعَل)
- (۲) دورها آوایی است که مرا می‌خواند (فاعلاتن فع لن فعلاتن فع)
- (۳) فریادشان تَمّوج شطّ حیات بود (مستفعلن مفاعلُ مستفعلُ فعل)
- (۴) گونه شب شسته بود از گریه مهتاب (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع)

۲۰- وزن عروضی کدام سروده با ترانه زیر یکسان است؟

«ای سنگ فرش راه که شب‌های بی‌سحر / تک بوسه‌های پای مرا نوش کرده‌ای»

- (۱) بشنوم بانگ خروسان را از بام کلبه دهقان / می‌گریزم از تو تا در دامن صحرا
- (۲) دیگر این داس خموشی‌تان زنگار گرفت / به عبث هرچه درو کردید آواز مرا
- (۳) امشب به پارسایی خود دل نهاده‌ام / ای آفتاب وسوسه در من غروب کن
- (۴) بر آن شاخ بلند ای نغمه ساز باغ بی‌برگی / بمان تا بشنود از شور آوازت





۲۱- کدام مصراع‌های زیر به ترتیب در بحر «رمل» و «رجز» سروده شده‌اند؟

(الف) ساقیا کمتر می امشب از کرم دادی مرا

(ب) هیچ از تو حاصلم نیست دردا که عین خار است

(ج) زلفت از هر حلقه می‌بندد اسیری

(د) باده در ده چند از این باد غرور

(ه) عمری است تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم

(۱) (الف و ج) - (د و ه) (۲) (الف، د و ه) - ب

(۳) (ب و د) - (ج و ه) (۴) (الف، ج و د) - (ه)

۲۲- به ترتیب، چند مصراع وزن «دوری» دارد و چند مصراع در «بحر هزج مسدس محذوف» سروده شده است؟

- بجز سرگستگی و گرد محنت حاصلش نبود

- راحت که شد مکرر دلکوب‌تر از رنج است.

- دلم رفت و ندیدم روی دلدار

- به پرسش آمد و عاشق همین دو دم دارد

- از خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد

- چه ره بود این که زد در پرده مطرب

(۱) سه - سه (۲) دو - دو (۳) سه - دو (۴) دو - سه

۲۳- در کدام ابیات، سه نوع اختیار وزنی وجود دارد؟

(الف) تا برآمدن در جهان آوازه زلف و رخس

(ب) تا سر زلف پریشان تو در جمع آمد

(ج) یک مشت خاک غارت کردن نه مشکل است

(د) نه عجب گر بچکد خون دل از چشم بهار

کیمیای کفر و دین را روز بازاری نماند

هیچ مجموع ندانم که پریشان تو نیست

بس کن که نه طلسم سکندر شکسته‌ای

پیش آن غمزه خونین که به پیکان ماند

(۱) ب و د (۲) الف و ب (۳) ج و د (۴) الف و ج





۲۴- در کدام بیت سه بار اختیار شاعری «قلب» به کار گرفته شده است؟

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱) ماهی و چون عیان شوی شمع هزار مجلسی | سروی و چون روان شوی عشق هزار لشکری |
| ۲) ای رخ نورپاش تو پیشه گرفته دلبری | رونق آفتاب شد زان رخ همچو مشتری |
| ۳) سینه خاقانی اگر بشویی از زنگ عنا | پیش خدایگان تو را بیش کند ثناگری |
| ۴) اشک مرا چو روی خود دار عزیز اگر تو را | در خورد آب و آفتاب از پی ساز گازی |

۲۵- همه موارد کاملاً در ابیات زیر مصداق پیدا می‌کند؛ بجز:

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------------|
| «دل تنگ و قدم تنگ و ره بادیه پرسنگ | در راه طلب کس به گرانباری من نیست |
| بیداری مردم همه خواب از پی آن هست | در عشق تو خواب از پی بیداری من نیست» |
- ۱) بیت دوم با «تا تو را در دیده خود دیدم ای نور دو چشم/ همچو چشم خود ندیدم خواب را دیگر به خواب» تناسب مفهومی دارد.

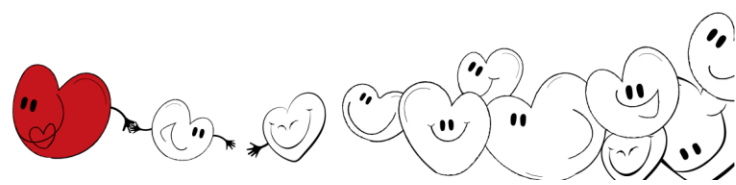
- ۲) قافیة اشعار بر اساس قاعده «۲» سروده شده است و آرایه «تضاد، جناس و کنایه» در آن یافت می‌شود.
- ۳) ابیات را می‌توان به دو گونه دسته‌بندی هجایی کرد و همه اختیارات زبانی در آن یافت می‌شود.
- ۴) در سروده حرف روی «ر» است و یک نوع اختیار وزنی در آن می‌توان یافت.

۲۶- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- | | |
|---|--|
| ۱) جان و دل و تن حجاب ره بود و کنون | تن شد دل جان شد و جان جانان گشت |
| ۲) در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن | من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود |
| ۳) از پیش من آن شوخ چو تعجیل کنان رفت | دل نعره برآورد که جان رفت و روان رفت |
| ۴) حال عجیبی روز وداعش دارم | من از سر جان و او ز من می‌گذرد |

۲۷- مفهوم «نتوان از سر او برد هوای شیرین لشکر خسرو اگر بر سر فرهاد رود» در کدام بیت آمده است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب | جان عزیز خود به نوا می‌فرستمت |
| ۲) عاشقان را شکوه‌ای از سختی ایام نیست | مهرة موم است کوه بیستون فرهاد را |
| ۳) یک پشت زمین دشمن گر روی به من آرند | از روی تو بیزارم گر روی بگردانم |
| ۴) ای صبا با خسرو خوبان بگو درد فراق | بر دل من کمتر از این حبس و این تشویش نیست |





۲۸- مفهوم بیت زیر از کدام بیت دریافت می‌شود؟

«گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد اول بلا به مرغ بلند آشیان رسد»

- (۱) کار عالم سست بنیاد آمده است
(۲) ز تندباد شکسته شود درخت بلند
(۳) در حقیقت شیشهٔ پر عقرب است این آسمان
(۴) از کمین چرخ آگه باش کاین زورین کمان
- آسمان را پیشه بیداد آمده است
ز هیچ باد نیابد گزند پست گیاه
نیست ممکن کر گزند او سلامت بگذری
شست ناگه می‌گشاید تیر غافل می‌زند

۲۹- بیت «بگشود گره از زلف زرتار محبوبه نیلگون عماری» با کدام بیت ارتباط تصویری دارد؟

- (۱) مرغ تیزآهنگ لختی بر فشاند
(۲) گل چون رخ لیلی از عماری
(۳) تو تا ز شرم فکندی به چهره زلف سیاه
(۴) چو تاج خور روشن آمد پدید
- تا عمود زرفشان بنمود صبح
بیرون زده سر ز تاجداری
فغان از خلق برآمد که آفتاب گرفت
سپیده ز خم کمان بردمید

۳۰- مفهوم کدام ابیات یکسان است؟

- (الف) به مصاف سرکشان در چو تو تیغزن نخیزد
(ب) سرکشان را فکند تیغ مکافات ز پای
(ج) مرد سرکش ز هنرها عاری است
(د) هر که تیغ ستم کشد بیرون
- به سریر خسروان بر چو تو تا جور نیاید
شعله را زود نشانند به خاکستر خویش
پشت خم خاصیت پرباری است
فلکش هم بدان بریزد خون
- (۱) (ب و د) (۲) (الف و ب)
(۳) (الف و د) (۴) (ب و ج)





۱- کدام عبارت از لحاظ تاریخ ادبیات «درست است»؟

- ۱) بسیاری از اشعار پارسی در آثاری مانند کلیله و دمنه و هزار و یک شب به جا مانده است.
- ۲) زبان پارسی تا اواخر دوره ساسانیان رواج داشت و در شرق و شمال شرقی ایران متداول بود.
- ۳) آثار ادبی منظوم و منثور زبان پهلوی از بین رفته، ولی ترجمه عربی و فارسی برخی از آنان موجود است.
- ۴) فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی که به خط میخی نوشته می‌شد مربوط به (۳۰۰ ق.م) تا حدود (۷۰۰ م) است.

۲- کدام عبارت «فاقد» ویژگی زبانی موجود در «کلیله و دمنه» است؟

- ۱) ملک پیلان با جملگی حشم به آب خوردن به سوی آن چشمه رفت و آن زمین خرگوشان بود.
- ۲) هرگاه که دست در شاخی زند بار دیگر در سر آید و مثلاً سنگ راه در هر گام پای دام او باشد.
- ۳) و لابد خرگوش را از آسیب پیل زحمتی باشد و اگر پای بر سر ایشان نهد، گوش مال تمام یابند.
- ۴) از حقوق رعیت بر ملک آن است که هر یک را بر مقدار مروت و یک دلی به درجه‌ای رساند.

۳- با توجه به تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، کدام موارد نادرست ذکر شده است؟

- الف: قرن چهارم دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی بود که با زکریای رازی آغاز شد.
- ب: شاهنامه ابومنصوری به سال ۳۶۴ قمری به دست عده‌ای از دانشوران خراسان نوشته شد.
- ج: «تاریخ الرسل و الملوک» را ابوعلی بلعمی به دستور منصور بن نوح سامانی به زبان عربی نوشته است.
- د: عهد سامانی بیشتر به موضوع‌های حماسی ملی و تاریخی توجه دارد و نثر این دوره ساده و روان است.
- ه: در دوره سلجوقی شعر حکمی و اندرزی به پختگی رسید و کسایی مروزی قصیده‌ای در این موضوع سرود.

۱) «ب و ج» ۲) «الف و ه» ۳) «الف و ب» ۴) «ج و د»





۴- کدام عبارت از نظر تاریخ ادبیات «کاملاً» درست است؟

- (۱) مثنوی‌های جمشید و خورشید و تحفة‌الاحرار به پیروی از نظامی گنجه‌ای سروده شده است.
 - (۲) فخرالدین عراقی در کتاب لمعات خود مبانی اخلاقی را در قالب نثر عالمانه بیان کرده است.
 - (۳) جامی شاعر بزرگ قرن هشتم، کتاب بهارستان را به تقلید از گلستان سعدی سروده است.
 - (۴) نثر طبقات ناصری، تاریخ و صاف و مرصاد العباد به ترتیب فنی، پیچیده و موزون است.
- ۵- در کدام مورد، ویژگی فکری سبک عراقی و ویژگی زبانی سبک هندی (در نثر) آمده است؟

- (۱) مدعیان عرفان، اندک اندک اصالت خود را از دست دادند. - نثر این دوره به علت مدح و چاپلوسی از رونق افتاد.
- (۲) صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت. - از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری فراگیر شد.
- (۳) در نثر آوردن جملات طولانی و کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد وجود داشت. - تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان تضعیف شد.
- (۴) نگارش کتاب‌هایی با عنوان فرهنگ لغت در این دوره رواج یافت. - در کتاب‌های مصنوع و متکلف بیشتر به ظاهرسازی و تصنع پرداختند.

۶- از دیدگاه تاریخ ادبیات، کدام یک از قسمت‌های مشخص شده، نادرست است؟

«نثر فنی در قرن هفتم ضعیف می‌شود و در قرن هشتم از میان می‌رود.» (۱) ملاحسین واعظ کاشفی کلیله و دمنه را به انشای دوره خود باز می‌گرداند (۲) و آن را «انوار سهیلی» می‌نامد. تاریخ‌نویسی در این دوره به اسلوب ساده رواج می‌یابد؛ (۳) نثر ساده این دوره همه جا فصیح و بلیغ است. (۴)»

۷- هر یک از ویژگی‌های زیر به ترتیب، مربوط به کدام شاعر است؟

- در طنز و هزل و هجو چیره‌دست بود و در اشعارش اندیشه‌های نوگرایانه وجود داشت.
- تصنیف‌ها و ترانه‌های میهنی او در برانگیختن مردم و آزادی‌خواهی نقش مهمی داشت.
- وی تحت تأثیر شاعران گذشته به ویژه مسعود سعد و سعدی بود.
- شاعر، روزنامه نگار، نمایش‌نامه‌نویس و نظریه پرداز دوره مشروطه بود.

(۱) ایرج میرزا - عارف قزوینی - فرخی یزدی - میرزاده عشقی

(۲) نسیم شمال - عارف قزوینی - ملک‌الشعراى بهار - میرزاده عشقی

(۳) ایرج میرزا - سیداشرف‌الدین گیلانی - فرخی یزدی - ملک‌الشعراى بهار

(۴) سیداشرف‌الدین گیلانی - میرزاده عشقی - فرخی یزدی - ملک‌الشعراى بهار





۸- با توجه به نشر دوره معاصر در متن زیر «چند خطا» به چشم می‌خورد؟

«نخستین رمان تاریخی این دوره را محمدباقر میرزا خسروی با نام «شمس و طغرا» نوشت نشر داستانی معاصر با عنوان «جعفرخان از فرنگ برگشته» به قلم حسن مقدم آغاز شد. داستان نویسی نوین با افرادی مانند محمدعلی جمال زاده گسترش یافت. بزرگ علوی نویسنده «چشم‌هایش» و صادق چوبک نویسنده «تنگسیر» از معروف‌ترین نویسندگان سبک تلفیقی هستند.»

(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۹- در کدام ابیات، آرایه «مجاز» یافت می‌شود؟

نه زان ابر کز خوی تنش تر شدی
گفتا برو به راه کدورت قدم مزن
به خفتانش بر تیر چون باد بود
که شه دادگر بود و درویش سیر
از من و از مهر فلک مهتر و افلاک ترم
(۲) «الف، ج، د، ه»

الف) به کهسار چون ابر خوش برشدی
ب) گفتم بیا صفای مودت به هم مزن
ج) جهان جوی در زیر پولاد بود
د) در آن ملک قارون برفتی دلیر
ه) گرچه دو رو همچو رزم مهر تو دارد نظرم
(۱) «الف، ب، د، ه»

(۴) «الف، ب، ج»

(۳) «ب، ج، د»

۱۰- بیت زیر «فاقد» کدام آرایه ادبی است؟

بس اعتماد مکن کان گهت زند که نواخت»

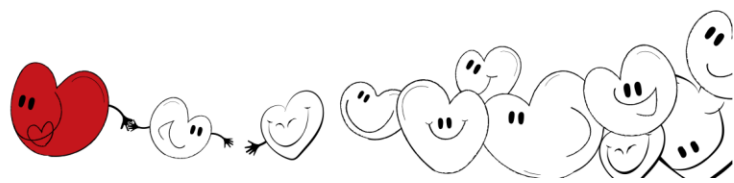
«گرت چو چنگ به بر در کشد زمانه دون

(۲) استعاره - ایهام

(۱) تشبیه - ایهام تناسب

(۴) کنایه - جناس

(۳) تضاد - حسن تعلیل





۱- کدام بیت به «ایهام، ایهام تناسب، واج آرایبی و استعاره مکنیه» آراسته شده است؟

- (۱) آن چنان دور از لبش بگداختم کز تاب درد
 (۲) دور از تو هر شب تا سحر گریان چو شمع محفلم
 (۳) هر موی بر اعضای من کوکو زند چون فاخته
 (۴) مردم چشم هنر از داغ او در خون نشست
- ۱۲- کدام بیت به آرایه‌های «استعاره، حسن تعلیل و تشبیه» مزین شده است؟

- (۱) بارد از او لطافت و تابد از او فروغ
 (۲) به چشم اهل نظر صبح روشنم زان روی
 (۳) در وداع شب همانا خون گریست
 (۴) آب در جو زان نمی‌گیرد قرار
- چون نی اندام نحیفم استخوانی بیش نیست
 تا خود چه باشد حاصلی از گریه بی حاصلم
 هرگاه در دل یاد آن سرو خرامان بگذرد
 گرچه مردم را طریق مردمی از یاد رفت

۱۳- آرایه‌های بیت زیر کدام است؟

«ماه از اثر مهر رخت یافت نشانی زان روی جهانی به جمالش نگران شد»

- (۱) تشبیه، حسن تعلیل، مجاز، ایهام
 (۲) ایهام، ایهام تناسب، جناس، استعاره مکنیه
 (۳) تشبیه اغراق، حسن تعلیل، حس آمیزی
 (۴) اغراق، ایهام تناسب، جناس، استعاره مصرحه

۱۴- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ بجز:

- (۱) شراب گرد کدورت نبـرد از دل ما
 (۲) آب چشم و رنگ روی ما ندارد قیمتی
 (۳) عیب نبود گر ترنج از دست نشناسم که نیست
 (۴) بشکفت نیش خنده مفتون که سایه گفت
- چو دانه سوخته باشد چه از سحاب آید (مجاز، استعاره مکنیه)
 زان که نبود گوهر اندر بحر و زر در کان عزیز (تشخیص، لف و نشر)
 در همه مصرم کسی چون یوسف کنعان عزیز (ایهام، تلمیح)
 از شهر شکوه دارم و از شهریار هم (ایهام، تضمین)

۱۵- «استعاره، موازنه و تضاد» در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- (الف) در وهم ننگجد که چه دل‌بند و چه شیرین
 (ب) گهی افتان و خیزان چون غباری در بیابانی
 (ج) بی تو گر در جنتم ناخوش شراب سلسبیل
 (د) آتش آه است و دود می‌رودش تا به سقف
 (ه) هر که جز مهر تو لندوخت هوس بود هوس
- (۱) «ج-ب-د» (۲) «الف-د-ه» (۳) «ب-ه» (۴) «ج-د»
- در وصف نیاید که چه مطبوع و چه زیباست
 گهی خاموش و حیران چون نگاهی بر نظرگاهی
 با تو گر در دوزخم خرم هوای زمهریر
 چشمه چشم است و موج می‌زندش برکنار
 آن که جز عشق تو ورزید هوا بود هوا





۱۶- آرایهٔ ابیات زیر به ترتیب، کدام است؟

- | | |
|--|--|
| <p>الف) ای که پرسی سرگذشتم پایم اندر گل فروشد
ب) با خیال روی و مویش غرق نور و ظلمتم
ج) شکوه تاج سلطانی که بیم جان درو درج است
د) هم فتنهٔ مردم شدی از نرگس پرفن
۱) کنایه - تشبیه - اسلوب معادله - موازنه</p> | <p>زانکه در راه غمت جز اشک همراهی نباشد
کو نظر بازی که سیر صبح و شام من کند
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌آرزد
هم عقدهٔ دل‌ها زدی از سنبل پرخم
۲) مجاز - جناس ناقص - پارادوکس - استعاره مصرحه</p> |
| <p>۳) اغراق - لف و نشر - ایهام - موازنه</p> | <p>۴) حسن تعلیل - تضاد - مجاز - ایهام تناسب</p> |

۱۷- در کدام مورد هر دو واژهٔ «قافیه وجه شبه» محسوب می‌شوند؟

- | | |
|---|---|
| <p>۱) رهی نغمهٔ آتشین ساز کرد
۲) غمش در نهان خانهٔ دل نشیند
۳) مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود
۴) روی تو چون نوبهار جلوه‌گری می‌کند</p> | <p>زبان را چو نی نغمه‌پرداز کرد
به نازی که لیلی به محمل نشیند
نبود دندان لابل چراغ تابان بود
زلف تو چون روزگار پرده‌داری می‌کند</p> |
|---|---|

۱۸- از میان ابیات زیر به ترتیب، کدام بیت «ذوقافیتین» و قافیهٔ کدام بیت نادرست است؟

- | | |
|---|--|
| <p>الف) چون به دستان زدن گشادی دست
ب) شراب لعل می‌سازد عرق را روی گلگونش
ج) تو را این همه ایدر آراسته است
د) از رخس خواهند جای بوسه ناهمیدگان</p> | <p>عشق، هشیار و عقل گشتی مست
قدح لبریز می‌گردد از لب‌های میگونش
اگر شهریاری و گر خواسته است
در حرم محراب می‌جویند این نادیدگان</p> |
| <p>۱) «الف-ب»
۲) «ج-ب»
۳) «الف-د»
۴) «ج-د»</p> | <p>۱) «الف-ب»
۲) «ج-ب»
۳) «الف-د»
۴) «ج-د»</p> |

۱۹- وزن کدام سروده در مقابل آن نادرست است؟

- ۱) بر دوردست این ره چشمی در انتظار است (مفعولُ فاعلاتن مفعول فاعلاتی)
- ۲) موجیم و وصل ما از خود بریدن است (مستفعلن فَعْل، مستفعلن فَعْل)
- ۳) شبی به حلقهٔ درگاه دوست دل بندیم (مفاعِلن فَعْلاتن مفاعِلن فَعْلن)
- ۴) از زخم تا ستاره عروجی دوباره بود (مفعولُ فاعلاتن مفاعِلن فَعْلن)





۲۰- در کدام بیت، وزن همسان و ناهمسان «هر دو» یافت می‌شود؟

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| (۱) از پای فتادیم چو آمد غم هجران | در درد بمردیم چو از دست شفا رفت |
| (۲) خود کرده بود غارت، عشقش حوالی دل | بازم به یک شبیخون بر ملک اندرون زد |
| (۳) عیب دگران نگویم این بار | کاندر حق خویشان شنودم |
| (۴) ساقی بده از جام جم ارباب شوق را | آن می که در پیاله چو خون سیاوش است |

۲۱- به ترتیب، وزن کدام مصراع‌ها «دوری» است و کدام مصراع‌ها در «بحر رجز» سروده شده است؟

- (الف) هر لب که بی آهی بود کم از لب چاهی بود
 (ب) هر جا که فتنه‌ای است در ابروت جا گرفت
 (ج) دارم دلی که هرگز نشکسته خاطری را
 (د) چه قیامت است جانا که به عاشقان نمودی
 (ه) جانا کجا داری خبر از اشک بی‌آرام ما

- | | |
|--------------------|--------------------|
| (۱) «الف-ه»، «ب-ج» | (۲) «ب-ج»، «الف-د» |
| (۳) «ج-د»، «الف-ه» | (۴) «ب-د»، «ج-ه» |

۲۲- کدام مصراع‌ها به ترتیب، در بحر «رمل، متقارب و هزج» سروده شده‌اند؟

- (الف) ز سحرانگیزیت ای چشم کافر کیش حیرانم
 (ب) آبی نزدی بر آتشم هرگز
 (ج) سر از کمند نییچم اگر تو صیادی
 (د) قتل ما ای دل به تیغ او مقدر کرده‌اند
 (ه) چو آشفته بازار بازارگانی

- | | | | |
|-------------|---------------|-------------|---------------|
| (۱) «د-ب-ج» | (۲) «د-ه-الف» | (۳) «ب-ه-ج» | (۴) «د-الف-ه» |
|-------------|---------------|-------------|---------------|





۲۳- اختیارات شاعری مقابل کدام بیت «درست» است؟

- ۱) دست ما را بیست نیروی عشق / که ز اندازه پا برون ننهیم (آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن - ابدال)
- ۲) عنقا بشد و فرّ همایش بماند / زبینه تخت پادشایش بماند (قلب - کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند)
- ۳) بسوختیم ز بیداد چرخ و خواهد سوخت / کسی که علم فراموش کرد و جهل آموخت (ابدال - بلند بودن هجای پایانی)
- ۴) میان جمع بنگر آن سر زلف پریشان را / اگر خواهی بدانی صورت حال پریشانم (حذف همزه - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه)

۲۴- در کدام بیت، اختیار شاعری «قلب» و «تبدیل مصوت کوتاه به بلند» هر دو وجود دارد؟

- | | |
|---|---|
| ۱) بر دل خاقانی اگر داغ جفا نهی چه شد | او ز سگان کیست خود تا بردت به داوری |
| ۲) سال نو است ساقیا نوبر سال ما تویی | می که دهی سه ساله ده کاو کهن و تو نوبری |
| ۳) ای حرم تو از کرم بیت حرام خسروان | چون سخن من از نکت سحر حلال خاطری |
| ۴) خاطر خاقانی از آن کعبه شناس شد که او | در حرم خدایگان کرد به جان مجاوری |
- ۲۵- با توجه به ابیات زیر، کدام مورد نادرست است؟

- | | |
|----------------------------------|------------------------------------|
| «از گوشه بامت سر پرواز ندارم | ای کاش که مرغ دلم از بال و پر افتد |
| دانی که به یک زخم چرا جان نسپارم | خواهم که سروکار به زخم دگر افتد» |

- ۱) حرف روی در ابیات «ر» است و در آن دو نوع اختیار وزنی به کار گرفته شده است.
- ۲) بیت اول با «دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند / از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم» تضاد مفهومی دارد.
- ۳) قالب اشعار مورد استقبال ابن یمین قرار گرفته است. وی مضامین اخلاقی خود را در این قالب آشکار کرده است.
- ۴) وزن اشعار «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است و اختیار شاعری تغییر کمیت مصوت‌ها و حذف همزه در آن یافت می‌شود.

۲۶- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|--|
| «کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد | یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد» |
| ۱) حافظ اندیشه کن از نازکی خاطر یار | برو از در گهش این ناله و فریاد ببر |
| ۲) مجوز خاطر ناخوش تلاش معنی خوش | سخن طراز قلم از دماغ تر باشد |
| ۳) هیچ کس را نیست انصاف ده ای حاکم حق | این زبان قلم و فکر خاطر که مراست |
| ۴) خشک است شعرم آخر دیر است تا مرا | از بحر شعر نوک قلم تر نیامده است |





۲۷- مفهوم کدام بیت، در بیت زیر نهفته شده است؟

«تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او زان سفر دراز خود عزم وطن نمی کند»

- | | |
|--|--|
| <p>(۱) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای
(۲) آن دل که سفر کرده به چین سر زلفت
(۳) شد به چین سر زلف تو و این عین خطاست
(۴) در چین طره تو دل بی حفاظ من</p> | <p>کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو
یا رب که در آن شام غریبان به چه حال است
تا من دلشده را از سفر او چه رسد
هرگز نگفت مسکن مألوف ییاد باد</p> |
|--|--|

۲۸- مفهوم کلی کدام بیت با بیت زیر، «تضاد» دارد؟

«بگشود گره ز زلف زرتار محبوبه نیلگون عماری»

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) دوش چو سلطان چرخ تافت به مغرب عنان
(۲) هزاران نرگس از چرخ جهانگرد
(۳) چو از کوه بفروخت گیتی فروز
(۴) هر صبحدم آن ترک پریخ ز شبستان</p> | <p>گشت ز سیر شهاب روی هوا پرسنان
فرو شد تا برآمد یک گل زرد
دو زلف شب تیره بگرفت روز
چون چشمه خورشید درخشان به در آید</p> |
|---|--|

۲۹- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«عشرتی دارم به یاد روی آن گل در قفس عشق افکنده است با یوسف به یک زندان مرا»

- | | |
|---|---|
| <p>(۱) دل آگاه در این غمکده خرم نشود
(۲) هر که را دست دهد طلعت یوسف در چاه
(۳) از عزیزان هیچ کس خوابی برای من ندید
(۴) عشق هیهات است در خلوت شود غافل ز حسن</p> | <p>یوسف آن نیست که در گوشه زندان خندد
خوش تر از مملکت مصر بود زندانش
گرچه عمری شد که چون یوسف به زندان مانده‌ام
نیست در زندان زلیخا از مه کنعان جدا</p> |
|---|---|

۳۰- کدام بیت با بیت زیر، تناسب مفهومی دارد؟

«ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم؛ لیک تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است»

- | | |
|--|---|
| <p>(۱) ترش روی بهتر کند سرزنش
(۲) تلخ کی باشد کسی را کش برند
(۳) ترش نباشم اگر صد جواب تلخ دهی
(۴) از آن جمله تلخی که بر من گذشت</p> | <p>که یاران خوش طبع شیرین منش
از میان زهرماران سوی قند
که از دهان تو شیرین و دلنواز آید
دهانم جز امروز شیرین نگشت</p> |
|--|---|





۱- کدام عبارت با توضیح مقابل آن مغایرت دارد؟

- ۱) خسرو از آن طیره شده و از رسول خجل گشت، پرسید که همه چیز پس که داند؟ (قابوس‌نامه - دوره غزنوی و سلجوقی)
- ۲) کس فرستاد به شهرهای خراسان و هشیاران از آنجا بیاورد از هر شارستان، گرد کرد و بنشانند. (سفرنامه ناصر خسرو - دوره غزنوی)
- ۳) از ایشان فتوای کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؟ گفتند: روا باشد. (ترجمه تفسیر طبری - قرن چهارم و پنجم)
- ۴) این ضحاک را اژدها به وی، از آن گفتندی که بر کتف او دو پاره گوشت بود بزرگ بر رسته دراز. (تاریخ بلعمی - دوره سامانی)

۲- در کدام بیت دو نکته برجسته قلمرو زبانی موجود در کلیله و دمنه و شعر عطار (مذکور در کتاب) به چشم می‌خورد؟

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------|
| ۱) چو روباهان و خرگوشان منه گوش | به روبه بازی این خواب خرگوش |
| ۲) دو سوراخ چون روبه حيله ساز | یکی سوی شهوت یکی سوی آز |
| ۳) این سگ صفتان کنند ای آهو چشم | ناگاه تو را صید ز روبه بازی |
| ۴) چو منی را فلک بیازارد | خردش بی‌خرد نینگارد؟ |

۳- در متن زیر کدام مورد نادرست است؟

- «با شکست سامانیان خراسان (۱) ابتدا به دست سبکتگین و بعد پسرش، محمود افتاد و سلسله غزنوی در سال ۳۵۱ (۲) هجری در شهر غزنه تشکیل شد. غزنویان برای ماندگاری خود زبان فارسی را رواج دادند و در دربار آنان شاعرانی نظیر ناصر خسرو (۳) و عنصری (۴) به ستایش و مدیحه سرایی می‌پرداختند.»

۱ (۴)

۲ (۳)

۳ (۲)

۴ (۱)





۴- کدام مورد را نمی‌توان ویژگی زبانی «قرن یازدهم و دوازدهم» دانست؟

- ۱) کاربرد لغات عربی کم شد و رواج لغات ترکی سبب ضعف زبان فارسی گردید.
- ۲) رواج واژگانی چون شیشه، قالی، بخیه و ... که تا آن زمان کمتر در شعر راه داشت.
- ۳) در این عصر، شعر معنی گراست نه صورت‌گرا و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان.
- ۴) شاعرانی چون صائب که در اشعار قدما تتبع بسیار داشتند، از به کار بردن زبان قدیم پرهیز می‌کردند.

۵- از دیدگاه تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی کدام موارد درست است؟

- الف) مکتب وقوع، نتیجه‌چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید در قرن نهم بود.
- ب) شاهان صفوی در نفوذ زبان ترکی در ایران نقش بسزایی داشتند؛ اما به زبان فارسی علاقه نشان داده‌اند.
- ج) فضلالی هند از تألیف کتاب و سرودن شعر به زبان فارسی و بها دادن به فرهنگ آن استقبال چندانی نمی‌کردند.
- د) بسیاری از ابیات بیدل دهلوی به صورت ضرب‌المثل رواج یافته، او را خداوندگار مضامین تازه شعری دانسته‌اند.
- ه) کلیم کاشانی در ابداع معانی مشهور است. وی با به کار بردن مضمون‌های ابداعی «خلاق المعانی ثانی» لقب گرفت.

۱) «الف، د، ه» ۲) «ب، ج، د» ۳) «الف، ب» ۴) «ب، ه»

۶- کدام مورد، بیانگر ویژگی‌های «ادبی و فکری» شعر معاصر تا دوره انقلاب اسلامی است؟

- ۱) جمله بندی‌های ساده در شعر معاصر چشمگیر است - مخاطب شعر عامه مردم هستند.
- ۲) لحن شاعر صمیمانه و متواضعانه است - گرایش به نماد در تصاویر شعری بیشتر است.
- ۳) علاوه بر قالب‌های سنتی، قالب نیمایی و سپید نیز پرکاربرد است - تفکر شاعر آسمانی است.
- ۴) مدح و ذم و هجو بسیار کم است - معشوق مانند دوره‌های آغازین شعر فارسی، زمینی است.





۷- از دیدگاه تاریخ ادبیات در متن زیر چند خطا به چشم می‌خورد؟

«نثر در دوره انقلاب اسلامی به ویژه در داستان نویسی ادامه می‌یابد و مضمون‌های اجتماعی و تاریخی مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد. برخلاف شعر، در داستان نویسی دهه شصت جایگاه نسل جوان پررنگ‌تر است. در این دوره نویسندگانی چون احمد محمود با رمان «زمین سوخته» و اسماعیل فصیح با داستان «آینه‌های دردار» را می‌توان نام برد».

(۱) سه (۲) چهار (۳) دو (۴) یک

۸- هر یک از عبارات زیر به ترتیب، معرف چه کسی است؟

- از نویسندگان مشهور معاصر است و به فعالیت‌های مطبوعاتی در مجله‌های رشد سوره و پویا پرداخته است.
- تحصیل کرده ادبیات نمایشی و صاحب چند نمایش‌نامه، در داستان نویسی و ادبیات کودکان آثاری نیز دارد.
- از جمله نویسندگان عصر انقلاب است که در عرصه داستان کوتاه بلند، رمان و فیلم‌نامه قلم می‌زند.
- از پیشگامان شعر مذهبی قبل از انقلاب است. وی در غزل و قصیده بیشتر طبع آزمایی کرده است.

(۱) علی مؤذنی - هوشنگ گلشیری - سید مهدی شجاعی - سلمان هراتی

(۲) محمدرضا سرشار - موسوی گرمارودی - علی مؤذنی - حمید سبزواری

(۳) رضا رهگذر - سید مهدی شجاعی - علی مؤذنی - موسوی گرمارودی

(۴) اسماعیل فصیح - سید مهدی شجاعی - هوشنگ گلشیری - نصر الله مردانی

۹- در کدام بیت نوع تشبیه متفاوت است؟

خنده او مهر کان خواهد شکست
چه سود مرغ همت من بال و پرنداشت
خار راه کهکشانی خواهد شکست
برگ ریزان دل و باغ و بهار نظر است

(۱) لعل او بازار جان خواهد شکست
(۲) گفتم که برپریم سوی بام سرای او
(۳) روی گندم گون او در چشم ماه
(۴) لاله‌رویی که ازو خار مرا در جگر است





۱۰- در کدام بیت شاعر از آرایه «استعاره» بهره بیشتری برده است؟

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) گوهری کز چشم من زاد آفتاب روی او
(۲) میل دل با طاق ابروی بتان امروز نیست
(۳) غنچه دلگیر ما را برگ شکرخند نیست
(۴) ای خم ز پرده پوشی ما در گذر که تاک</p> | <p>هم به دست اشک در پای غمش پاشیده‌ام
کج بنا کردند از اول قبله این خانه را
ای نسیم عافیت شبگیر کن از کوی ما
زنجیر پاره کرد ز زور شراب ما</p> |
|---|--|

۱۱- همه آرایه‌های «جناس، لفونشر، تشبیه و تضاد» در کدام بیت یافت می‌شود؟

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) وقتی کمند زلفت، دیگر کمان ابرو
(۲) پیش روی و موی او سر خط مملوکی بده
(۳) تا خط سبز تو از طرف بناگوش دمید
(۴) چهره زرد من و روی خود از طره بپوش</p> | <p>این می‌کشد به زورم و آن می‌کشد به زاری
تا قیامت مالک اقلیم صبح و شام باش
از پی شام سیاهم سحری پیدا نیست
که زر و سیم از طرار ببايد پوشید</p> |
|---|--|

۱۲- کدام بیت با «بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود / پسته بی‌مغز چون لب وا کند رسوا شود» آرایه‌های مشترک دارد؟

- | | |
|---|---|
| <p>(۱) خضر را آگهی از آب حیات آوردند
(۲) سنگ طفلان از جنون رطل گرانی شد مرا
(۳) آمد به چمن غنچه گل با کف پرزر
(۴) بر تو تلخ از تن پرستی شد ره تاریک مرگ</p> | <p>نامه ویس گل‌اندام به رامین دادند
درد و داغ عشق باغ و بوستانی شد مرا
چون برگ خزان دیده تهی دست و گدا رفت
رشته فربه به چشم تنگ سوزن دشمن است</p> |
|---|---|

۱۳- بیت زیر به کدام آرایه‌های ادبی آراسته شده است؟

«خاک صحرای عدم از خون هستی بهتر است
بر سر جان این قدر ای شمع لرزیدن چرا»

- | |
|---|
| <p>(۱) استعاره ایهام، مراعات نظیر، کنایه
(۲) تشبیه، کنایه، لف و نشر، تضاد
(۳) استعاره، تشبیه، جناس، تضاد
(۴) تشبیه، تضاد، ایهام، مجاز</p> |
|---|





۱۴- آرایه‌های کدام ابیات در مقابل آن کاملاً درست آمده است

- | | |
|--|--|
| <p>(الف) پای آن نیست کسی را که به کوی تو رسد
(ب) شمع را زان رو خوش افتاده است این خود سوختن
(ج) عشق تلخ است ولی تا نرسیده است به کام
(د) هر که سرگشته چوگان سر زلف تو شد</p> | <p>بر سر کوی تو این طایفه بی‌پایانند (مجاز، ایهام)
کز فنای تن هوای او همه جان گشتن است (استعاره، حسن تعلیل)
ندهد میوه حلاوت به کسی تا نرسد (اسلوب معادله، اغراق)
بر سر کوی تو چون گوی به جان می‌گردد (جناس، استعاره مصرحه)</p> |
| (۱) الف- ب | (۲) الف- ج |
| (۳) ب- د | (۴) ج- د |

۱۵- در کدام بیت «سه تشبیه و یک ایهام» وجود دارد؟

- | | |
|---|--|
| <p>(۱) الا ای شمع دلسوزان چراغ مجلس افروزان
(۲) میدان ملامت را چون گوی شدی شاید
(۳) چشمه خورشید رویش چشم را بی‌تاب ساخت
(۴) همچو چنگ از به کناری ندهی کام دلم</p> | <p>به جبهت ماه مهرویان، به طلعت شاه عیاران
که ایوان سلامت را بنیاد نخواهی شد
حلقه زنجیر مویش عقل را دیوانه کرد
از لب خویش چو نی یک نفسی بنوازم</p> |
|---|--|

۱۶- آرایه‌های «جناس، تشبیه گسترده، مجاز، موازنه و متناقض نما» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- | | |
|---|---|
| <p>(الف) یک بار نجست از دل ما ناوک آهی
(ب) خیال تو بینم اگر غنچه چینم
(ج) کوب ناهید باد بر در تو پرده‌دار
(د) مکن کز چشم من بر خاک سیلی آتشین خیزد
(ه) چون عقیق آبدار و چون کمند تابدار</p> | <p>از بار گنه همچو کمان گرچه خمیدیم
نسیم تو یابم اگر لاله بویم
چشمه خورشید باد بر سر تو سایبان
نترسی زان چنان سیلی کزو آتش چنین خیزد
آن لب جان پرور و زلف جهان آشوب یار</p> |
| (۱) ب- د- ه- ج- الف | (۲) ب- الف- ه- ج- د |
| (۳) ج- ب- الف- ه- د | (۴) ه- الف- د- ب- ج |

۱۷- کدام بیت را می‌توان به دو شکل دسته‌بندی هجایی کرد و قافیه آن نادرست است؟

- | | |
|--|--|
| <p>(۱) تو را سزد که خدایی نه جسم را و نه جان را
(۲) حاشا که مداوای من از پند توان کرد
(۳) یاران می‌ام از بهر خدا در سیو کنید
(۴) جان سوخته رویی است پروانه چنین باید</p> | <p>تو را سزد که خدایی نه جسم را و نه جان را
دیوانه به افسانه خردمند توان کُرد
آلوده غم به می‌ام شست و شو کنید
دل شیفته رویی است پروانه چنین باید</p> |
|--|--|





۱۸- به ترتیب، قافیه چند بیت دارای حرف الحاقی است و چند بیت ذوقافیتین است؟

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| قیامت که بازار مینو نهند | منازل به اعمال نیکو دهند |
| - بداندیش خلق از حق آگاه نیست | ز غوغای خلقش به حق راه نیست |
| - بو که بر اجزای او تابد مهی | بو که در وی تاب مه یابد رهی |
| - مشرف و اهل قلم بر دست راست | زانکه علم خط و ثبت آن دست راست |
| - پس همی گفتند که ای ارکانیان | بی‌خبر از پاکی روحانیان |
| (۱) سه - دو | (۲) سه - سه |
| | (۳) دو - سه |
| | (۴) دو - چهار |

۱۹- با توجه به اختیارات شاعری به ترتیب وزن کدام مصراع‌ها «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع» و کدام مصراع‌ها مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع است؟

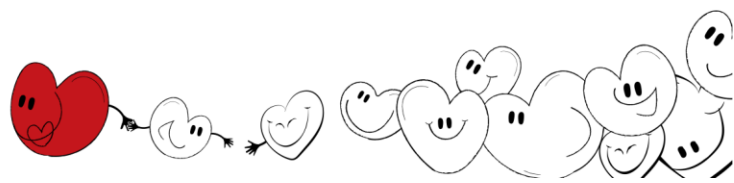
- | | |
|--|--|
| (الف) من بر همان عهدهم که با زلف تو بستم | (ب) افتاده از بام خاک در گه شده‌ام |
| (ج) هنوز عشق تو امید بخش جان من است | (د) من آن صبحم که ناگهان چو آتش در شب افتادم |
| (ه) با تلخ کامی صبر کن ای جان شیرین | (و) گر خون دلی بیهده خوردم، خوردم |

- | | |
|-----------------------|-----------------------|
| (۱) «الف، و» - «ب، ج» | (۲) «الف، ه» - «ب، د» |
| (۳) «ب، ه» - «الف، ج» | (۴) «ب، و» - «الف، ه» |

۲۰- وزن عروضی کدام مورد با سروده زیر یکسان است؟

«به روی شاخه بادام سیب می‌بینی / به روی بوته بابونه لاله‌های کبود»

- (۱) فیروزه‌های منتشر سرد سرمدی / آب است و آب و آبی بی‌ابر
- (۲) در ظلمت هنگامه ایام سراغی / زاندیشه عشاق و از آفاق ستردید
- (۳) در هجوم تشنگی در سوز خورشید تموز / پای در زنجیر خاک نفته می‌نالد گون
- (۴) بلور شسته هر واژه آن چنان آلود / که از رسالت گل خاروخس رواج گرفت





۲۱- در کدام بیت اختیارات شاعری «تغییر کمیت مصوت‌ها، قلب و حذف همزه» یافت می‌شود؟

- (۱) درد زده است جان من میوه جان من کجا
 (۲) ناله خاقانی اگر دادستان شد از فلک
 (۳) یار ز من گسست و من بهر موافقت کنون
 (۴) روز به روز بر فلک بخشش عیش می‌کند
- ۲۲- اختیارات شاعری رباعی زیر کدام است؟

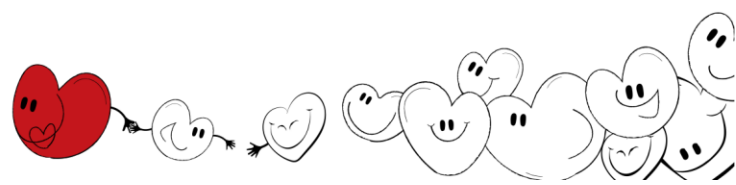
- «پیرانه سرم رنج و غم زندان است
 من برخی آن پیر خردمند که گفت:
 (۱) حذف همزه - دو بار قلب
 (۲) بلند تلفظ کردن هجای پایانی - قلب
 (۳) تغییر کمیت مصوت‌ها - سه بار ابدال
 (۴) چهار بار ابدال - بلند تلفظ کردن هجای پایانی
 آه از غم پیری که دوصد چندان است
 دنیا همه زندان خردمندان است»

۲۳- کدام بیت در وزن هم‌سان دولختی به دو شیوه دسته‌بندی هجایی می‌شود؟

- (۱) گر از نظر نهران شوم چون تو به ره گذر کنی
 (۲) چون هیزم نغم من یاران همه تردامن
 (۳) او پادشاه کشور حسن است و ما اسیر
 (۴) ای بلبل شیرین زبان به گر نبندی آشیان
 کی از نظر نهران کنم اشک به ره چکیده را
 در مجمر از آن تنها می‌سوزم و می‌سازم
 و آن زلف پرخم و صف مژگان سپاه اوست
 در گلشنی کش باغبان صد منت از گلچین کشد

۲۴- نام بحر مقابل چند مصراع درست است؟

- دم از دانش مزن با دانه خال نکورویان (هزج مثنی سالم)
 - شمع پیشت روشنایی نزد آتش می‌نماید (رمل مثنی محذوف)
 - مرحبا ای نسیم عنبربوی رمل مسدس محذوف)
 - نرگس افسونگر ساقی مرا افسانه کرد (رمل مثنی سالم)
 - فتاده است کارم به رعنا طیبی (مقارب مثنی سالم)
 - منم جانا و جانی بر لب از شوق (هزج مسدس محذوف)
- (۱) پنج (۲) چهارشنبه (۳) سه (۴) دو





۲۵- با توجه به سروده زیر کدام مورد نادرست است؟

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی / تو خود آفتاب خود باش و طلسم کار بشکن / بسرای تا که هستی، که سرودن است بودن / به ترنمی دژ وحشت این دیار بشکن»

(۱) وزن سروده فوق با مصراع «چه غریب ماندی ای دل، نه غمی نه غمگساری» یکسان و دوری است.

(۲) اختیار شاعری حذف همزه «۴» بار و ابدال «۲» بار در سروده به چشم می خورد.

(۳) در سروده قافیه بر اساس قاعده «۲» آمده است و حرف روی «ر» است.

(۴) در شعر آرایه‌های «تضمین، مجاز، تشبیه و استعاره» وجود دارد.

۲۶- مفهوم بیت زیر از کدام بیت دریافت می شود؟

«قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن از کنار ابر تا دریا تنزل بآیدش»

- | | |
|---|---|
| (۱) اعتبار سربلندی در فروتن بودن است | (۲) چشمه شد فواره وقتی بر سر خود پا گذاشت |
| (۳) همیشه قسمت فواره سرنگون شدن است | (۳) بی سبب خود را شکستم تا ببینم چیستم |
| (۴) عشق می‌بازم که غیر از باختن در عشق نیست | (۴) تو نیز مثل من ای دوست بر مخیز، بس است |
| | در نبردی این چنین هر کس به خاک افتاد برد |

۲۷- مفهوم کدام ابیات «فرارسیدن فصل بهار» را بیان می کند؟

- | | |
|----------------------------------|----------------------------|
| (الف) دگر باره خیاط باد صبا | بر اندام گل دوخت رنگین قبا |
| (ب) بسی حله آورد و بیرید و دوخت | به نوروز خیاط باد صبا |
| (ج) به دست یکی پیکری خوب چهر | به چنگ یکی لعبتی خوش لقا |
| (د) برافکند بر دوش بید نگون | ز پیروزه دراعه‌ای پربها |
| (ه) بر آن شد که آید به یغمای باغ | بتاراجد آن ایزدی حله‌ها |
| (۱) الف، ه | (۲) ج، د |
| (۳) ب، ج، و ه | (۴) الف، ب، د |





۲۸- مفهوم کلی بیت زیر با کدام بیت تناسب دارد؟

«کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند»

- ۱) اگرچه زیر هر سنگی چو خاقانی صدی بینی
- ۲) سخن ابن یمین گرچه سراسر گهر است
- ۳) خواهی که جای در دل شکرلبان کنی
- ۴) سخن ابن یمین گوش کن ای عشوهفروش

از این برتر سخن باری نپندارم که دارد کس
لیکن از گوش تو چون حلقه به در می ماند
همت ز کلک صائب شیرین زبان طلب
تا همه گوش تو در گوهر موزون گیرد

۲۹- مفهوم کلی کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) سهو و خطای بنده گرش نیست اعتبار
- ۲) زان جا که پرده پوشی عفو کریم توست
- ۳) هست امیدم که علیرغم عدو روز جزا
- ۴) منم که بی تو نفس می کشم زهی خجالت

معنی عفو و رحمت پروردگار چیست؟
بر قلب ما ببخش که نقدی است کم عیار
فیض عفوش نهد به بار گنه بر دوشم
مگر تو عفو کنی ورنه چیست عذر گناه

۳۰- مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می شود؛ به جز

«از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه

زیر پی پیلش بین شه مات شده نعمان»

- ۱) زمانه تربت لیلی کشد به دیده مجنون
- ۲) ببین به قصر سلاطین که فاخته زده کوکو
- ۳) سپهر سنگ به جمشید زد چنان که به جامش
- ۴) نه گنج ماند ز خسرو نه تخت ماند از جمشید

سپهر دامن یوسف درد به دست زلیخا
شنو ز بام مداین که بوم برکشد آوا
زمانه تیشه به فرهاد زد چنان که به خارا
نه قصر ماند ز شیرین نه طاق ماند ز کسرا



۱- کدام عبارت از دیدگاه تاریخ ادبیات، درست است؟

(۱) عباس نامه وحید قزوینی و احسن التواریخ حسن بیگ روملو به ترتیب، دارای نثر «مصنوع» و «بینابین» اند.

(۲) در قرن ششم مرسوم بود که برخی نویسندگان آثار موجود به نثر فنی را به نثر ساده باز می‌گرداندند.

(۳) در زمان تیمور گورکانی هنرمندان، قرآن کریم و دیوان حافظ را به خط خوش نگاشتند.

(۴) تذکره دولتشاه سمرقندی به تشویق بایسنقر میرزا در قرن نهم به نگارش درآمد.

۲- چند مورد از موارد زیر، از ویژگی‌های نثر و نظم سده‌های «پنجم و ششم» است؟

- ورود بسیاری از اصطلاحات علمی، ادبی، دینی و سیاسی جدید از راه ترجمه متون عربی

- تأثیرپذیری برخی شاعران از ادبیات عرب و مضامین شعری آن

- کاربرد لغات مهجور عربی و ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی و فنی

- تأثیر عمیق حکمت و دانش و اندیشه‌های دینی در شعر این دوره

- به وجود آمدن شعر حکمی و اندرزی و آوردن موعظه و نصیحت در شعر پارسی

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳- در کدام بیت، واژگان کهن را که امروزه به گونه دیگری به کار می‌رود، نمی‌توان یافت؟

(۱) راضی به رزق بی‌شر و شوری قناعتم زنبور خانه در نظرم نان اغنیاست

(۲) هرکه باشد عاشق جانان نپردازد زجان هرکه باشد طالب گوهر نه اندیشد ز آب

(۳) پس آن گه ناخن چنگی شکستند ز روی چنگش ابریشم گسستند

(۴) به خونم گر بیالاید دو دست نازنین شاید که قلم خوش همی آید ز دست و پنجه قاتل

۴- از دیدگاه تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، کدام مورد ایراد دارد؟

(۱) با پایان یافتن خلافت المستعصم بالله، زبان عربی از رواج افتاد و توجه به زبان فارسی رونق بیشتری گرفت.

(۲) در اوایل قرن هفتم، بسیاری از مدارس از بین رفتند و بزرگانی چون نجم‌الدین کبری و عطار نیشابوری در یورش ویرانگر مغول کشته شدند.

(۳) با حمله ویرانگر مغولان دوستداران فرهنگ و اخلاق برای تسکین خود به ادبیاتی روی آوردند که بر ترویج روحیه تسامح و تساهل تکیه داشت.

(۴) نثر در سبک عراقی به دو جریان گرایش پیدا کرد؛ یکی ساده‌نویسی چون «طبقات ناصری» و دیگر پیچیده‌نویسی همچون «تاریخ الرسل والملوک».



۵- نویسنده و سراینده آثار، در کدام گروه «همگی» درست است؟

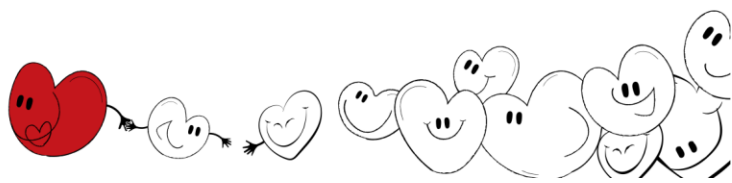
- ۱) (چهار مقاله: نظامی عروضی) - (الهی نامه: عطار نیشابوری) - (قابوس نامه: کیکاووس)
- ۲) (تاریخ گزیده: حمدالله مستوفی) - (جامع التواریخ: عطاملک جوینی) - (صدپند: عبید زاکانی)
- ۳) (مرزبان نامه: محمدبن منور) - (عشاق نامه: فخرالدین عراقی) - (کشف الاسرار: ابوالفضل میبدی)
- ۴) (عشاق نامه: فخرالدین عراقی) - (شاهنامه ابومنصوری: ابومنصور عبد الرزاق) - (محاكمة اللغتين: امیر علیشیر نوایی)

۶- هر یک از موارد زیر به ترتیب، معرف کدام چهره ادبی است؟

- ایجاد کننده زمینه‌های گرایش به رمان نویسی و نثر داستانی به معنای نوین آن
 - اولین نویسنده رمان اجتماعی در سال ۱۳۰۱
 - از چهره‌های معروف نویسندگان سبک تلفیقی
 - از شناخته‌ترین نویسندگان دوره مقاومت
- ۱) زین العابدین مراغه‌ای - محمدباقر میرزا خسروی - غلامحسین ساعدی - امین فقیری
 - ۲) عبدالرحیم طالبوف - مشفق کاظمی - جمال میرصادقی - هوشنگ گلشیری
 - ۳) محمد باقر میرزا خسروی - حسن مقدم - علی محمد افغانی - احمد محمود
 - ۴) زین العابدین مراغه‌ای - مشفق کاظمی - جلال آل احمد - محمود اعتمادزاده

۷- کدام مورد از ویژگی‌های ادبی نثر داستانی «دوره انقلاب اسلامی» است؟

- ۱) تنوع مضامین در نثر داستانی مانند داستان‌های اقلیمی، شهری، کودکانه، زنانه و ...
- ۲) کاربرد موضوعات عمده‌ای مانند عشق، انسان، ستیزه با خرافات، کارگر، سیاست و ...
- ۳) رواج واژگان متناسب با جنگ، جبهه، شهادت، ایثار و وطن دوستی، مقاومت در داستان
- ۴) گرایش به سبک‌های جدید نویسندگی مانند جریان سیال ذهن، مینی مال و مدرن نویسی





۸- از دیدگاه سبک‌شناسی، کدام یک از قسمت‌های مشخص شده نادرست است؟

«یکی از نقاط قوت تکنیکی (۱) در اغلب داستان‌های دوره مشروطه، حضور راوی سوم شخص (۲) در بعضی صحنه‌های داستان و سخن گفتن او با خواننده است. اکثر نویسندگان این دوره داستان را مطابق ذوق عامه مردم می‌نوشتند (۳) و سبک نویسندگی آنان مطابقت کاملی با ادبیات داستانی جدید نداشت.» (۴)

یک (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴)

۹- بیشترین «استعاره» در کدام بیت یافت می‌شود؟

۱) بر گل سیراب سنبل را چو جولان می‌دهد	۲) تا سنبل سیراب تو بر لاله گره شد
۳) بر برگ گلش سنبل سیراب ببینید	۴) بر سر سرو سهی تا گل به بار آمد تو را
بلبل طبع مرا یاد از گلستان می‌دهد	خورشید تو گفتمی که مگر زیر زره شد
در حقه لعلش گهر ناب ببینید	غنچه دل‌ها چو نرگس از تو رنجوری کشید

۱۰- در کدام بیت «استعاره مکنیه، ایهام تناسب و چهار تشبیه» یافت می‌شود؟

۱) بگوی کان مگس عنبرین به بوی نبات	۲) فلک به یاد تن سیمگون مهرویان
۳) مرغ جان را تا نسوزد زانش دل بال و پر	۴) به فروغ مهر رویش که مه است از آن عبارت
چرا بر آن لب لعل شکر شکن بنشست	درست روی من از مهر دل جو زر می‌کرد
پیش روی شمع چون پروانه نتوانم نشست	به قریب چشم مستش که دهد جهان به غارت

۱۱- بیت زیر، به کدام آرایه‌های ادبی آراسته شده است؟

«ای باغ جان که به زلبت نوبری ندارم یاد لب خورم که سر دیگری ندارم»

۱) کنایه - تشبیه - حس‌آمیزی - استعاره مکنیه	۲) مجاز - تشبیه - ایهام تناسب - حسن تعلیل
۳) استعاره مصرحه - مجاز - ایهام - تشبیه	۴) ایهام - حسن تعلیل - کنایه - حس‌آمیزی





۱۲- آرایه های مقابل کدام بیت درست است؟

و آن سست عهد روی به دیوار می کند (مجاز، استعاره)
زان که مست می عشق از همه هشیارتر است (پارادوکس، تکرار)
وز سیل اشک ماست که در یا پدید شد (حسن تعلیل، تشخیص)
از پی پیمانهای صد عهد و پیمان بشکنم (ایهام، جناس)

(۱) ما روی کرده از همه عالم به روی او
(۲) در همه شهر ندیده است کسی مستی من
(۳) از دود آه ماست که ابر آشکار گشت
(۴) زاهد با من میما قصه پیمان که من

۱۳- آرایه های بیت زیر کدامند؟

لؤلؤ شہوار را از بحر عمان چاره نیست»

«رشته دندان از چشمم نمی گردد جدا

(۱) تشبیه - کتابه - تشخیص - ایهام تناسب

(۲) اسلوب معادله - کنایه - لفونشر - تشبیه

(۳) مراعات نظیر - اسلوب معادله - ایهام - تشخیص

(۴) لفونشر - استعاره مصرحه - حسن تعلیل - مراعات نظیر

۱۴- آرایه مشترک در ابیات زیر کدامند؟

هر لحظه دست هجرش در دل شکست خاری
یا جبهه نمی سایم یا روی نمی مالم
که من مطیعم و حکم تو پیش بنده مطاع

- هر دم غم فراقش بر دل نهاد باری
- شب نیست که در پایش تا روز به صد زاری
- چگونگی از خط حکم تو ســـــر بگردانم

(۲) مجاز - تشبیه - مراعات نظیر

(۱) مجاز - جناس - کنایه

(۴) تضاد - مراعات نظیر - جناس ناقص

(۳) کنایه - اغراق - واج آرایه

۱۵- آرایه های «استعاره مکنیه، تلمیح، حسن تعلیل، اسلوب معادله و حس آمیزی» به ترتیب در کدام ابیات به چشم می خورد؟

به هر طبیب نبرد تبی که من دارم
ادب این است که خار سر دیوار شویم
ابر از حیای دیده ما می کند عرق
رشته فربه به چشم تنگ سوزن دشمن است
از در ما چون در آمد دل ز روزن برپرید

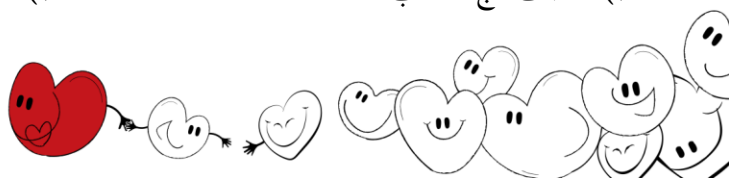
الف) شفا حواله به سیمرغ و نوشداری اوست
ب) ما که قانع به بهاریم به نظاره خشک
ج) دانی که چیست قطره باران نوبهار
د) بر تو تلخ از تن پرستی شد ره تاریک مرگ
ه) چشم ما بر دوخت عشق و پرده ما بردرید

(۲) الف-ج-ه-د-ب

(۱) د-ه-ج-ب-الف

(۴) ه-الف-ب-ج-د

(۳) ه-الف-ج-د-ب





۱۶- آرایه‌های «مجاز، لفونشر، تمثیل، ایهام تناسب و استعاره» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| الف) تب عشق آمد و کشت آتش جانسوز حسد | ب) سرم به هیچ کتابی فرو نمی‌آید |
| ب) گر کام جان توان یافت از روی و موی دلبر | ج) گرچه صد بار غمت خاک مرا داد به باد |
| ج) معشوق نداند غم محرومی عاشق | د) آزاد ندارد خبر از حال گرفتار |
| ۱) ب-ج-ه-الف-د | ۲) د-ج-ب-الف-ه |
| ۳) ب-الف-ه-ج-د | ۴) د-الف-ج-ب-ه |

۱۷- در کدام بیت به ترتیب، «ذوقافیتین» یافت می‌شود و قافیۀ کدام بیت بر اساس قاعدهٔ «۱» آمده است؟

- | | |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| الف) بزرگ دولت آن کز درش تو آیی باز | ب) چو شاید گرفتن به نرمی دیار |
| ب) رفیقان قدر یکدیگر بدانید | ج) شب نیست که چشمم آرزومند تو نیست |
| د) «ج» و «د» | ۱) «ج» و «د» |
| ۲) «ج» و «الف» | ۳) «ب» و «الف» |
| ۴) «ب» و «د» | |

۱۸- کدام ابیات به ترتیب، می‌توانند با واژهٔ «هجران و رعنا» هم قافیه شوند؟

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| الف) تو اگر عیب خود همی دانی | ب) عاشق از درد خود نهان سازد |
| ج) هممه و همنشین به هر جا اوست | د) تو مپندار ما زبان داریم |
| ه) گر تو را میل صحبت لیلی است | ۱) «د، الف» - «ج، ه» |
| ۲) «ب، د» - «ج، الف» | ۳) «الف، ب» - «ج، ه» |
| ۴) «ب، د» - «ج، ه» | |

۱۹- وزن عروضی کدام مورد، با بخش مشخص شدهٔ سرودهٔ زیر یکسان است؟

«تنها نشستهم، زیر حریق خفته‌ای از روبروی خویش»

- | | |
|--|---|
| ۱) آیا رهی دیگر به غیر بردباری هست؟ | ۲) در جوی زمان در خواب تماشای تو می‌رویم |
| ۳) اینک منم گشته از خورشید و نور و عشق | ۴) شب‌های باران تو از تردید و از اندوه لبریز است. |





۲۱- چند مصراع در بحر «رمل مثنیٰ محذوف» و چند مصراع در بحر «هزج مسدس محذوف» به ترتیب، سروده شده است؟

- ز خوبی آب پاکی ریختم بر دست بدخواهان
- حاصل آن توبه کردن این پشیمان گشتن است
- آه کز تاب دل سوخته جان می‌سوزد
- نشاید گنج بی‌آرام جستن
- کلید در امید اگر هست شمایید
- من نه خود می‌روم او مرا می‌کشد
- جمالت آفتاب هر نظر باد
- از آن فراز و این فرود غم مخور
- (۱) یک - سه (۲) سه - یک (۳) دو - دو (۴) یک - دو

۲۱- همهٔ ابیات زیر را می‌توان به دو گونه دسته‌بندی هجایی نمود و وزن دوری به دست آورد، به جز:

- (۱) امروز چرخ را ز مه ما تحیر است
- خورشید را از غیرت رویش تغیر است
- (۲) در من بدمی من زنده شوم
- یک جان چه بود صد جان منی
- (۳) سوز تو کجا گیرد در خرمن هر خامی
- مرغ تو فرو ناید ای دوست بهر بامی
- (۴) با چرخ گردان تیره هوایی
- دارد همیشه قصد جدایی

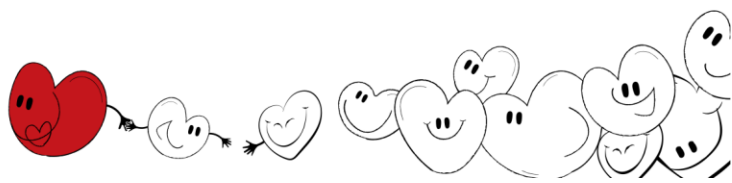
۲۲- نام بحر کدام مصراع در مقابل آن، نادرست است؟

- (۱) ز آتش گرمی و دم سردی از آب (هزج مسدس محذوف)
- (۲) عافیت از غیر نصیب تو نیست (رجز مسدس محذوف)
- (۳) نی افسرده‌ای هنگام گل روید از خاک من (هزج مثنیٰ سالم)
- (۴) منع خویش از گریه و زاری نمی‌آید از من (رمل مثنیٰ محذوف)

۲۳- در کدام بیت، اختیارات شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، ابدال و آوردن

فاعلاتن به جای فاعلاتن» یافت می‌شود؟

- (۱) دل چو طوطی بود و جور دلارام شکر
- طوطی ای دید کسی کاو ز شکر بگریزد
- (۲) این کبوتریچه هم عزم هوا کرد و پرید
- چون صفیری و ندایی از سوی غیب شنید
- (۳) هله پیوسته سرت سبز و لبت خندان باد
- هله پیوسته دل عشق ز تو شادان باد
- (۴) جان سپاریم بدان بادهٔ جان دست نهیم
- پیش تر زان که خردمان سوی افسانه برد





۲۴- اختیار شاعری در مقابل کدام بیت، درست آمده است؟

- | | |
|--|--|
| (۱) ز در درآ و شبستان ما منور کن | هوای مجلس روحانیون معطر کن (گونه تلفظ کردن مصوت بلند) |
| (۲) گر کند آن بی‌وفا از من جدایی چون کنم | من که از اهل و قایم بی‌وفایی چون کنم (حذف همزه) |
| (۳) همچون حباب دیده به روی قدح گشای | وین خانه را اساس قیاس از حباب کن (بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه) |
| (۴) گفتم اگر نبینمت مهر فرامشم شود | می‌روی و مقابلی غایب و در تصویری (قلب) |

۲۵- با توجه به ابیات زیر، کدام مورد نادرست است؟

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------------|
| «هر دل که اسیر محنت اوست خوش است | هر سر که غبار آن سر کوست خوش است |
| از دوست به ناوک غم آزرده مشو | خوش باش که هرچه آید از دوست خوش است» |

(۱) در ابیات فوق «ت» حرف روی است و اختیار شاعری قلب در آن یافت می‌شود.

(۲) قافیه ابیات براساس قاعده «۲» آمده است و در آن تشبیه، مجاز، ایهام و تمثیل می‌توان یافت.

(۳) اشعار را می‌توان به دو گونه دسته‌بندی هجایی کرد و در آن اختیار شاعری تغییر کمیت مصوت وجود دارد.

(۴) مفهوم ابیات با «طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد / داغ و دردی کر تو باشد خوش‌تر است از باغ و ورد» یکسان است.

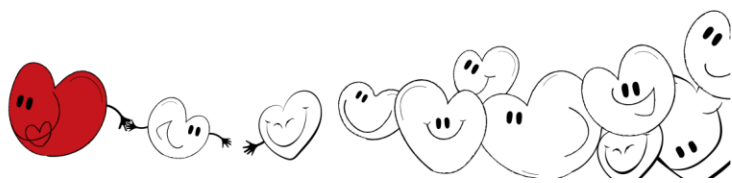
۲۶- کدام بیت با بیت زیر هم مفهوم است؟

«دامن هر گل مگیر و گرد هر خاری مگرد
طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش»

- | | |
|---|--------------------------------------|
| (۱) معنی از دعوی گفتار قلم را لب بست | عیسی این مهر خموشی به لب مریم زد |
| (۲) بگریست چشم دشمن من بر حدیث من | فضل از غریب هست و وفا در قریب نیست |
| (۳) فکر رنگین تو صائب ز خیالات دگر | چون گل سرخ و خار و خس بستان پیدااست |
| (۴) با تن آسایی سخن صائب نمی‌آید به دست | صید معنی را کمندی به ز پیچ‌وتاب نیست |

۲۷- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| (۱) شرط عقل است که مردم بگریزند از تیر | من گر از دست تو باشم مژه بر هم نزنم |
| (۲) محب صادق اگر صاحبش به تیر زند | محبتش نگذارد که برکند پیکان |
| (۳) شهری اگر به قصد من جمع شوند و متفق | با همه تیغ برکشم وز تو سپر بیفکنم |
| (۴) چون دلارام می‌زند شمشیر | سر ببازیم و رخ نگردانیم |





۲۸- مفهوم کدام بیت تداعی کننده بیت زیر است؟

«فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال را

عشرت امروز بی اندیشه فردا خوش است»

- (۱) عشرت امروز با فردا مینداز ای حریف
- (۲) تا نباشد گل در اول غنچه آخر نشکفتد
- (۳) معلم دارد آیین فلک با زیردستانش
- (۴) در جهان بی زهر منت نیست شاهد عشرتی

- نیست چندان فرصتی ز آغار تا انجام گل
- زحمت امروز بهر عشرت فردا خوش است
- دهد شیرینی شنبه ز چین جبهه طفلان
- تلخی شنبه برسد شیرینی آدینه را

۲۹- عبارت «در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود». با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) امروز عزیز همه عالم شدی اما
- (۲) مصر غربت می گذارد تاج عزت بر سرش
- (۳) اگر چه خواب یوسف را به بند انداخت در آخر
- (۴) یوسف من بیش از این در چاه ظلمانی مباش

- ای یوسف من حال تو در چاه ندیدند
- گر از یوسف پیرهن چاه وطن دارد دریغ
- همان از محنت زندان برون آورد تعبیرش
- تخت کنعان خالی افتاده است زندانی مباش

۳۰- کدام ابیات «دو به دو» مفهوم یکسانی دارند؟

- (الف) چون به سخن دم زند طوطی طبع خوشم
- (ب) به نثر اگرچه توان گوهر سخن سفتن
- (ج) به غیر شهد سکوت آن کدام شیرین است
- (د) تا سخن موزون نگرده مرغ بی بال و پر است
- (ه) چون صدف هر کس که دندان بر سر دندان نهد

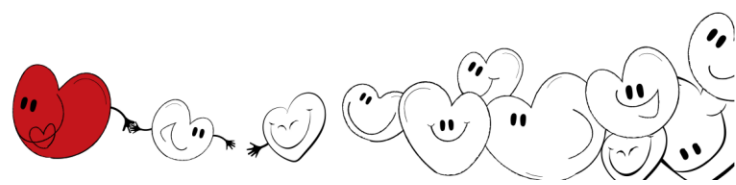
- کز شکر آرد به بار شاخ نبات سخن
- ولی به نظم بود خوش نما سخن گفتن
- که از حلاوت آن لب به یکدیگر چسبد
- از زمین گیری برآید چون شود موزون سخن
- سینه اش بی گفتگو گنجینه دریا شود

(۱) «الف، ج» - «د، ه»

(۲) «ب، د» - «ج، ه»

(۳) «الف، د» - «ب، ج»

(۴) «ب، د» - «الف، ه»





۱- کدام مورد، بیانگر ویژگی‌های «فکری و ادبی» سده‌های پنجم و ششم است؟

(۱) کاهش سادگی و روانی کلام- ورود اصطلاحات عرفانی

(۲) رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی- فراوانی ترکیبات نو

(۳) رواج داستان‌سرایی و منظومه‌های داستانی- رواج هجو در شعر

(۴) فراوانی وعظ و اندرز در شعر- فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی

۲- از دیدگاه تاریخ ادبیات، کدام یک از قسمت‌های مشخص شده نادرست است؟

«موضوع قابل توجه در شعر نیمه دوم قرن ششم، علاقه‌مندی شاعران به سرودن غزل‌های لطیف و زیباست.

نظامی و هم‌سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل بسیار کوشیدند. تحوّل‌ی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند،

باعث شد که در قرن هفتم، شاعران بزرگی در غزل ظهور کنند.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳- همه عبارات، بیانگر ویژگی زبانی نثر در «دوره صفویه» است؛ به جز:

(۱) آن بانوی عظمی از شوهر رنجیده، از تبریز به سمرقند رفت.

(۲) چون خاطر خطیر خسرو جهانگیر از ضبط و ربط جرجان فراغت یافت؟

(۳) دست جوان ترکی را به دست گرفته، آمد به بقعه، مریدان را رشک غالب شد.

(۴) اکنون ای یارکان بدین حکمت‌های من که همچون دواخانه‌ای است، خود را بشویید.

۴- کدام مورد، از «ویژگی‌های زبانی» سبک هندی است؟

(۱) با به کار بردن بسیاری از واژگان قدیم و جدید، دایره واژگان شعر هندی گسترش یافت.

(۲) در سبک هندی توجه به صورت، بیش از معنا رواج یافته است و آثار ارزشمندی خلق نشده است.

(۳) روی آوردن عموم مردم به عالم ادبیات، موجب شد روح تازه‌ای در زبان شعر دمیده شود.

(۴) زبان شعر سبک هندی با اینکه جدید است؛ اما تا حدودی مشخصات سبک خراسان در آن دیده می‌شود.





۵- همه عبارات زیر، بیانگر ویژگی‌های ادبیات در قرن یازدهم است؛ به‌جز:

(۱) گسترش و رواج آموزه‌های سنتی عرفانی در نثر و نظم این دوره

(۲) بی‌توجهی به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی

(۳) روی آوردن به مضامین پند و اندرز و توصیف امور طبیعی

(۴) تبدیل موضوعات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید

۶- انتساب چند اثر به پدیدآورنده آن، درست ذکر شده است؟

(بی‌بال پریدن: سید علی موسوی گرما رودی) - (زمستان ۶۲: هوشنگ گلشیری) - (ضیافت: سید مهدی شجاعی) (ظهور:

رضا رهگذر) - (زیارت: جلال آل احمد) - (دری به خانه خورشید: سلمان هراتی)

(۴) پنج

(۳) چهار

(۲) سه

(۱) دو

۷- با توجه به تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی چند مورد نادرست ذکر شده است؟

- در آغاز قرن پنجم، بیشتر دانشمندان ایرانی به‌ضرورت، آثار خود را به عربی می‌نوشتند.

- ابوعلی بلعمی هم‌زمان با ترجمه کتاب «تاریخ الرسل والملوک» اطلاعات دیگری راجع به تاریخ ایران بر آن افزود.

- در عهد سامانی نثر مانند شعر پارسی رونق و رواجی نداشت؛ اما آوردن اصطلاحات علمی رایج شده بود.

- در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، مدح پادشاهان و رجال دربار جایگاه خود را پیدا کرد.

- امرای سامانی با تأکید به‌ضرورت تألیف به زبان فارسی دری، به هویتی مستقل دست پیدا کردند.

(۴) چهار

(۳) سه

(۲) دو

(۱) یک





۸- کدام عبارت، از دیدگاه تاریخ ادبیات ایراد دارد؟

(۱) روح حماسی اشعار دوران مقاومت با موجی از عرفان آمیخته شده است و موجب تحوّل و دگرگونی زبان و محتوای شعر می شود.

(۲) معشوق در ادبیات معاصر مانند دوره های آغازین شعر فارسی زمینی است و تفکر شاعر نیز بیشتر زمینی و پیرامون امور دنیوی است.

(۳) در دهه شصت و پس از آن گرایش به خاطره نگاری و زندگی نامه نویسی نیز رشد چشم گیری یافت و آثار قابل توجهی در این حوزه ها به نگارش درآمد.

(۴) هر چه از سال های اول انقلاب می گذرد، اقبال به شعر نیمایی بیشتر می شود و در ادامه توجه به چهار پاره، قصیده، ترکیب بند و بحر طویل دیده می شود.

۹- در کدام بیت «تعداد تشبیه» متفاوت است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| (۱) در آرزوی سیب زرخدان تو اشکم | چون آب انار آمد و رخساره چو به شد |
| (۲) تا بماند تازه گلبرگ رخس در باغ حسن | چشمم آبش از هوا چون ابر نیسان می دهد |
| (۳) تیر مژگان که زند ترک کمان ابروی من | پیش پیکان وی ام سینه سپر می آید |
| (۴) کیمیا عشق تو را دانم و بس کز اثرش | سیمم از دیده بر این روی چو زر می آید |

۱۰- آرایه های «استعاره، تشبیه، موازنه، جناس» همگی در کدام بیت یافت می شوند؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| (۱) گهی ز غمزه چشمت چه خانه ها که نرفتی | گهی ز تیشه نازت چه ریشه ها که نکندی |
| (۲) گه از سلاسل لیلی کمند مجنونی | گه از شمایل شیرین بلای فرهادی |
| (۳) نظری به حال من کن جو قدح به دست گیری | گذری به خاک جم کن جو به دست جام داری |
| (۴) خواری کشان حسنش گل های بوستانی | شوریدگان عشقش مرغان شاخساری |





۱۱- آرایه‌های مقابل کدام ابیات درست است؟

- | | | | |
|--|---|--|--|
| (الف) نیستی را مشتری شو تا ز کیوان بگذری | (الف) ب) گردن نهم به خدمت و گوشت کنم به قول | (ب) گردن نهم به خدمت و گوشت کنم به قول | (ج) قامت شد چون کمند زلف مهرویان دو تا |
| (ب) گردن نهم به خدمت و گوشت کنم به قول | (ج) قامت شد چون کمند زلف مهرویان دو تا | (د) پیش تر زانکه مهی جلوه در این محفل داشت | |
| (۱) ب و ج | (۲) الف و د | (۳) ب و د | (۴) الف و ج |

۱۲- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«در عقرب اگر خواهی جولان قمر بینی زلفین چلیپا را با چهره قرینش بین»

- (۱) تشبیه - جناس - لفونشر - ایهام تناسب - مجاز
- (۲) استعاره مصرحه - تشبیه - لفونشر - ایهام - کنایه
- (۳) استعاره مکنیه - مجاز - ایهام تناسب - جناس - تضاد
- (۴) کنایه - ایهام - واج‌آرایی - حسن تعلیل - تضاد

۱۳- در کدام بیت هر سه آرایه «مجاز، جناس و تشبیه» مشهود است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) گر به سر من آن پری از سر ناز بگذرد | بر سر راهش افکنم پیرهن دریده را |
| (۲) گر به شمشیرت کُشد ابروی او تسلیم شو | ور به زنجیرت کُشد گیسوی او آرام باش |
| (۳) نیش سر مژگانت ببرید رگ جانم | زان هر نفسی چشمم خون جگر افشانم |
| (۴) فصل گل از باده توبه داده مرا شیخ | غیرت باد بهار اگر بگذارد |

۱۴- آرایه‌های ابیات زیر کدام‌اند؟

«ماه تا آفتاب روی تو دید اثر مهر در رخس پیداست
از صبا بوی روح می‌شنوم دم عیسی مگر نسیم صباست»

- (۱) مجاز - تشبیه - حس‌آمیزی - جناس تام
- (۲) ایهام - استعاره مکنیه - تشبیه - جناس ناقص
- (۳) تلمیح - تضاد - حس‌آمیزی - کنایه
- (۴) مراعات نظیر - واج‌آرایی - جناس نام - ایهام تناسب





۱۵- در کدام ابیات هر سه آرایه «تشبیه - استعاره و جناس» یافت می‌شود؟

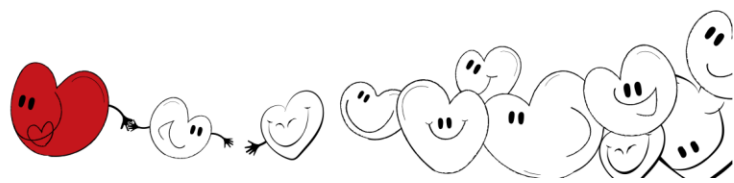
- | | |
|---|---|
| <p>الف) گویا آن که گلستان رُخش می‌آراست
ب) با باغ و بهار طربیم آتش شوقت
ج) ای مه آتش عذار آب چو آتش بیار
د) کاش آن سرو روان بهر تماشا آمدی
ه) بیا که پیش رخت ذره‌وار سجده کنم</p> | <p>الف) سنبل افشانده و بر برگ سمن ریخته است
آن کرد که با برگ رزان باد خزان کرد
آتش رخ برفروز، و آتش ما را نشان
تا به جوی دیده‌ام آب روانی تازه داشت
چو آفتاب برآید مغان قیام کنند</p> |
| (۱) ب، د، ه | (۲) الف، ج، ه |
| (۲) الف، ج، ه | (۳) ب، ج، د |
| (۳) ب، ج، د | (۴) الف، ب، د |

۱۶- آرایه‌های «استعاره، متناقض نما، ایهام، موازنه و لفونشر» به ترتیب در کدام ابیات به چشم می‌خورد؟

- | | |
|---|---|
| <p>الف) متاع مهر خود ارزانی شهاب مکان
ب) تشنه غنچه سیراب تو را آب چه سود
ج) به لباس مرغ و ماهی روم از به کوه و دریا
د) سرو آزادم و سر بر فلک افراشته‌ام
ه) ز گرد تارک من چشم علویان شده کور</p> | <p>الف) بهای ماه درخشنده مشتری داند
مردۀ نرگس پرخواب تو را خواب چه سود
تو در آوری به دامن تو در افکنی به شستم
بی‌ثمر بین کوه ثمر دارد از این بی‌ثمری
ز آه ناله من گوش سفلیان شده کر</p> |
| (۱) ب، د، الف، ه | (۲) ب، د، ج، الف، ه |
| (۲) ب، د، الف، ه | (۳) ج، د، ه، ب، الف |
| (۳) ج، د، ه، ب، الف | (۴) ج، ه، الف، ب، د |

۱۷- کدام ابیات به ترتیب، می‌توانند با واژه «گریبان و رهگذر» هم‌قافیه شوند؟

- | | |
|---|---|
| <p>الف) با یکی دست در کمر کرده
ب) صورت هر دو کون پرتو اوست
ج) هر که با آن نگار جان بدهد
د) فارغ از یاد او زمانی نی
ه) به دنیا از تف هجران نسوزد
و) طلب تا محرم اسرار کردی</p> | <p>الف) وان دگر را نهان نظر کرده
گرچه این هر دو پرتو آن روست
جای جان عمر جاودان بدهد
در غم سودی و زیانی نی
به عقبی ز آتش نیران نسوزد
به آن مطلوب یار غار کردی</p> |
| (۱) «ج، د» - «الف، و» | (۲) «ج، ه» - «الف» |
| (۲) «ج، د» - «الف، و» | (۳) «ب، د، ه» - «و» |
| (۳) «ب، د، ه» - «و» | (۴) «ب، ج، د» - «الف، و» |





۱۸- قافیه کدام ابیات نادرست است؟

الف) جان بی‌علم بی‌نوا باشد	مرغ بی‌برگ بی‌نوا باشد
ب) که خواهد شد بگویند ای رفیقان	رفیق بی‌کسان یار غریبان
ج) چون پری ز آدمی برید مرا	سوی ویرانه‌ای کشید مرا
د) مرد و زن چون یک شود آن یک تویی	چون که یک‌ها محو شد آنک تویی
الف و ب (۱)	الف و د (۳)
ج و د (۲)	ب و ج (۴)

۱۹- با توجه به اختیارات شاعری، وزن کدام سروده درست است؟

- ۱) ما هسته پنهان تماشاییم (مستفعلُ مستفعلُ مفعولن فع)
 - ۲) مرگ در آب‌وهوای خوش اندیشه نشیمن دارد (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)
 - ۳) در باغ و زمان تنها شدیم ای سنگ و نگاه (مستفعلُ فع مستفعلُ فع مستفعلُ فعلن)
 - ۴) دست درویشی شاید نان خشکیده فروبرده در آب (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)
- ۲۰- کدام ابیات را به ترتیب، می‌توان به دو شکل دسته‌بندی هجایی کرد و در هر دو شکل وزن «دوری» می‌شود؟

الف) گذشتم از تو که ای گل چو عمر من گذرانی	چو گویمت که به باغ بهشت گم‌شده مانی
ب) تا کی چو شمع گریم ای گل در این شب تار	چون صبح نوشخندی تا جان دهم به بویت
ج) وقت است که بنشین و گیسو بگشایی	تا با تو بگویم غم شب‌های جدایی
د) چون کوه نشستم من با تاب‌وت پنهان	صد زلزله برخیزد آن گاه که برخیزم
ه) غم اگر به کوه گویم بگریزد و بریزد	که دگر بدین گرانی نتوان کشید باری
الف، د (۱)	ب، د (۳)
ب، ه (۲)	ج، ه (۴)

۲۱- در میان مصراع‌های زیر به ترتیب چند مصراع در بحر «هزج مثنی‌سالِم» و چند مصراع در بحر «رمل مسدس محذوف» سروده شده است؟

- اندرین شطرنج برد و ماند یکسان شد مرا
- خدایا عشق ما را می‌گشد یا زنده می‌دارد
- با گل و خار ساختن مردی است
- جبرئیل عشقم و سدره‌ام تویی
- دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد

الف) دو- یک (۱) ب) دو - دو (۲) ج) یک- یک (۳) د) یک- سه (۴)





۲۲- نام بحر کدام سروده در مقابل آن، نادرست است؟

- (۱) یاد آیامی که در گلشن فغانی داشتیم (رمل مثنی محذوف)
- (۲) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی (هزج مثنی محذوف)
- (۳) من آن ابرم که می‌خواهد ببارد (هزج مسدس محذوف)
- (۴) درودی چو نور دل پارسایان (مقارب مثنی سالم)

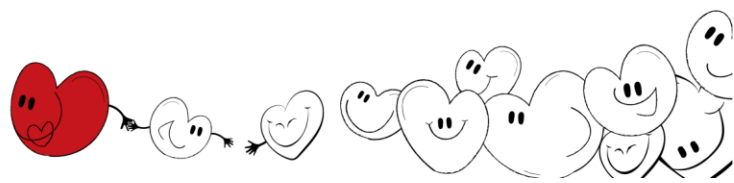
۲۳- اختیارات شاعری «بدال، بلند بودن هجای پایانی، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند و حذف همزه»، همگی در کدام سروده یافت می‌شود؟

- (۱) آه دانستم ای شکوفه ناز / راز این بوی مستی آمیزت
 - (۲) آفتاب از پس البرز نهفته است و ازو / آتشین نیزه برآورده سر از سینه کوه
 - (۳) عمری به سر دویدم در جست‌وجوی یار / جز دسترس به وصل وی‌ام آرزو نبود
 - (۴) چيست ای دلدار! این اندوه بی‌آرام چيست / کز نگاهت می‌تراود نازدار و شرمگین
- ۲۴- در کدام بیت، سه نوع اختیار وزنی و یک نوع اختیار زبانی به چشم می‌خورد؟

- | | |
|--|---|
| <p>(۱) تو سوز سینه مستان ندیدی ای هشیار
 (۲) دل من در هوس روی تو ای مونس جان
 (۳) خاک شیراز چو دیبای منقش دیدم
 (۴) آتش جور عدو بس تو دگر باده مدم</p> | <p>چو آتشت نباشد چگونه بـرجوشی
 خاک راهی است که در دست نسیم افتاده است
 و آن همه صورت شاهد که بر آن دیبا بود
 مَسِتان آبِ کسی را که به کف نانی نیست</p> |
|--|---|
- ۲۵- با توجه به سروده زیر، کدام مورد نادرست است؟

«این مدعیان که هر چه دیدند نَوش کردند به داس کهنه خود درُوش
 آری گله را چو روی واپس آرند بی‌شبهه بز لنگ شود پیشروش»

- (۱) اشعار را می‌توان به دو شکل دسته‌بندی هجایی کرد و در هر صورت وزن آن «دوری» است.
- (۲) در سروده اختیار شاعری «قلب،بدال و تغییر کمیت مصوت‌ها» وجود دارد.
- (۳) در ابیات آرایه‌های «استعاره، کنایه، تضاد و تمثیل» یافت می‌شود.
- (۴) قافیة ابیات بر اساس قاعده «۲» و تبصره قافیه سروده شده است.





۲۶- کدام ابیات دارای مفهوم یکسان‌اند؟

- | | |
|---|--|
| <p>(الف) ای گنج نوشدارو با خستگان نگه کن
(ب) گر خون تازه می‌رود از ریش اهل‌دل
(ج) کیست که مرهم نهد بر دل مجروح عشق
(د) خوش است بر دل آزادگان جراحات دوست
(ه) از دگری چه حاصلم تا ز تو مهر بگسلم</p> | <p>(۱) الف-د-ه
(۲) ب-ج-د
(۳) ب-د-ه
(۴) الف-ج-د</p> |
|---|--|

۲۷- مفهوم «منشین ترش از گردش ایام که صبر / گرچه تلخ است ولیکن بر شیرین دارد»، در کدام بیت یافت می‌شود؟

- | | |
|--|--|
| <p>(۱) صبر چو پروانه باید کردنت بر داغ عشق
(۲) هر که بر داغ حوادث همچو مردان صبر کرد
(۳) گفתי صبور باش به سودای عشق من
(۴) زخم شمشیر غمت را به شکیبایی و عقل</p> | <p>ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار خویش
خورد آب زندگی زین آتشین پیمانه‌ها
وقتی که صبرم از دل شیدا گرفته‌ای
چند مرهم بنهادیم و اثر می‌نرود</p> |
|--|--|

۲۸- مفهوم کدام بیت، با ابیات دیگر تفاوت دارد؟

- | | |
|--|--|
| <p>(۱) تا فضل و عقل بینی بی‌معرفت نشینی
(۲) آن کشیدم ز تو ای آتش هجران که چو شمع
(۳) در ره عشق از آن سوی فنا صد خطر است
(۴) چگونه در تو رسم تا ز خود برون نروم</p> | <p>یک نکته‌ات بگویم خود را مبین و رستی
جز فنای خودم از دست تو تدبیر نبود
تا نگویی که چو عمرم به سر آمد رستم
چرا که هستی من در میان حجاب من است</p> |
|--|--|

۲۹- کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق

- | | |
|---|---|
| <p>(۱) وحشی از قید تو نگریزد ارش تیغ زنی
(۲) گر جان طلبد یار دل یار به‌دست آر
(۳) فرهاد اگرش دست دهد دولت شاهی
(۴) چشم عاشق نتوان دوخت که معشوق نبیند</p> | <p>مژه بر هم نزند گر بزنی تیر و سنانش»
که گرفتار کمندت نکند یاد خلاص
چون سر بشد از دست ز دستار میندیش
بی شگر شیرین چه کند ملکت پرویز
پای بلبل نتوان بست که بر گل نسراید</p> |
|---|---|



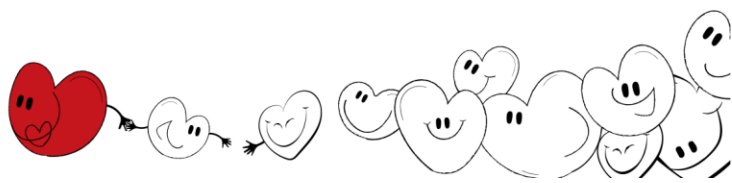


۳۰- کدام بیت، با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟

«دل چو شد غافل زحق فرمان پذیر تن بود می برد هر جا که خواهد اسب خواب آلوده را»

فلاخنی است که سنگش ز خواب سنگین است
تواند قطره‌ای از جای بردن خواب سنگین را
می‌شود دامن کفن این پای خواب آلوده را
پای خواب آلوده را منزل کنار دامن است

(۱) ز خواب قطع نظر کن که عشق چابک دست
(۲) ندارد اهل غفلت طاقت میدان اهل دل
(۳) می‌کند پامال، تن آخر دل آسوده را
(۴) جان غافل را سفر در چار دیوار تن است



+

تست عروض و قافیه



PARVIN ETESAMI

1907 - 1941



خارج از کشور- ۱۳۹۸

۱- کدام بیت، در وزن «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن» سروده شده است؟

- ۱) تا دیگران گرسنه و مسکینند
بر مال و جاه خویش نیفزاید
- ۲) بس سقف شد خراب و نگشت آسمان خراب
بس عمر شد تمام و نشد روز و شب تمام
- ۳) خویشتن دیدن و از خود گفتن
صفت مردم کوتاه نظر است
- ۴) همیشه بار جفا بردن و نیاسودن
همیشه رنج طلب کردن و نرنجیدن

سراسری- ۱۳۹۸

۲- وزن مقابل کدام مصراع، درست است؟

- ۱) چند نومید ز کوی تو دل زار آید: فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن
- ۲) گوهر تاجم که در دست گدا افتاده‌ام: فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فاعلن
- ۳) جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن
- ۴) من و باد صبا مسکین، دو سرگردان بی حاصل: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن

سراسری- ۱۳۹۸

۳- وزن کدام بیت با «تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی» یکسان است؟

- ۱) هر آن کست که ببیند روا بود که بگوید
که من بهشت بدیدم به راستی و درستی
- ۲) هزار نقد به بازار کاینات آرند
یکی به سگه صاحب عیار ما نرسد
- ۳) اگر روم ز پیش فتنه‌ها برانگیزد
ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد
- ۴) برو معالجه خود کن ای نصیحت گوی
شراب و شاهد شیرین که را زبانی داد

۴- وزن بیت زیر کدام است؟

سراسری- ۱۳۹۸

«ای ساقی از آن پیش که مستم کنی از می من خود ز نظر در قد و بالای تو مستم»

- ۱) مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع
۲) مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن
۳) مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلُ فع
۴) مفعولُ مفاعلنُ مفاعیلنُ فع

۵- وزن بیت زیر کدام است؟

خارج از کشور- ۱۳۹۷

«ای دیده عاشقان به رویت چون روی مجاوران به محراب»

- ۱) مفعولُ مفاعلنُ فعولن
۲) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن
۳) مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعل
۴) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن

سراسری- ۱۳۹۵

۶- وزن عروضی کدام مصراع در مقابل آن، غلط آمده است؟

- ۱) جهان شب است و تو خورشید عالم آرایی (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)
- ۲) ای حسن خط از دفتر اخلاق تو بابی (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)
- ۳) کس نماند که به دیدار تو واله نشود (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعولن)
- ۴) به سر راهت آورم هر شب (فعلاتن مفاعلن فعولن)



۷- وزن کدام مصراع در مقابل آن «غلط» آمده است؟

سراسری- ۱۴۰۰

- ۱) راز همه کرد افشا نموده رخ زیبا (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن)
 ۲) نشستم از سر زلفش ولی به روز سیاهی (مفاعیل فعلاتن مفاعیل فعلاتن)
 ۳) امشب ای زلف سیه سخت پریشان شده‌ای (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعولن)
 ۴) دوش ز دست رقیب ساغر می خورده‌ای (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)

۸- وزن عروضی مصراع «چشم تماشای خلق در رخ زیبای اوست» با کدام مصراع همسان است؟

خارج از کشور- ۱۳۹۹

- ۱) گر مرد رهی با خبر از ناله دل باش
 ۲) خوش تر از دانه اشکم گهری پیدا نیست
 ۳) قطع نظر ز دشمن ما کرد چشم دوست
 ۴) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده‌ای

۹- وزن بیت زیر، کدام است؟

خارج از کشور- ۱۳۹۸

«کنون که کشتی ما در میان موج فتاد اگر چنانکه مجال شنا بود غم نیست»

- ۱) مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فَعَلن ۲) مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فَعَلن ۳) مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعَلن ۴) مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعَلن

۱۰- کدام ابیات، دارای وزن (دوری) شبیه به یکدیگرند؟

خارج از کشور- ۱۳۹۸

- الف) آن روز قیامت را بر پای کند ایزد که آبی پی دلجویی بر خاک شهیدانت
 ب) ای بوستان خوبی خرم ز بی‌نوایی بگذار تا بچینم برگی ز بوستانت
 ج) جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی شیر که پای بند شد تن بدهد به روبهی
 د) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها بی‌خویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها

- ۱) ج - ب ۲) ب - د ۳) الف - ب ۴) الف - د

۱۱- کدام بیت در وزن «دوری» سروده شده است؟

خارج از کشور- ۱۳۹۴

- ۱) به جان پاک تو ای معدن سخا و وفا که صبر نیست مرا بی تو ای عزیز بیا
 ۲) پنهان مشو که روی تو بر ما مبارک است نظاره تو بر همه جان‌ها مبارک است
 ۳) ما را خدا از بهر چه آورد بهر شور و شر دیوانگان را می‌کند زنجیر او دیوانه‌تر
 ۴) امشب عجب است ای جان گر خواب رهی یابد وان چشم کجا خسبد کو چون تو شهی یابد

۱۲- وزن همه ابیات، به جز بیت «دوری» (متناوب) است.

سراسری- ۱۳۹۰

- ۱) نسیم عشق ز کوی هوس نمی‌آید چرا که بوی گل از خار و خس نمی‌آید
 ۲) دل من ز تابناکی به شراب ناب ماند نکند سیاه‌کاری که به آفتاب ماند
 ۳) تا دامن از من کشیدی ای سرو سیمین‌تن من هر شب ز خونابه دل پُر گل بود دامن من
 ۴) ای که پس از هلاک من پای نهی به خاک من از دل خاک بشنوی ناله دردناک من

۱۳- وزن کدام ابیات همسان دو لختی (دوری) است؟

خارج از کشور- ۱۴۰۱

- الف) مرا هر آینه روزی تمام کشته ببینی گرفته دامن قاتل به هر دو دست ارادت
 ب) بسیار کس شدند اسیر کمند عشق تنها نه از برای من این شور و شر فتاد
 ج) تو اسیر ملک هستی به حقیقت ای دریغا اگر التفات بودی به فقیر مستمندت
 د) هزار جان به ارادت همی تو را جویند تو سندگان به لطافت دلی نمی‌جویی

- ۱) الف - ج ۲) الف - د ۳) ب - ج ۴) ب - د



۱۴- نام وزن عروضی کدام مصراع در مقابل آن غلط آمده است؟

سراسری- ۱۴۰۱

- ۱) روی تو از دل ببرد منزلت و قدر ناز (مفعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)
- ۲) جان مرا هست کنی مست چو بر من گذری (مفعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)
- ۳) ز داغ حسن دگر لاله زار پیدا کرد (مفاعلهن فاعلن فاعلن)
- ۴) ماندم به چمن شب شد و مهتاب برآمد (مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن)

۱۵- وزن کدام بیت «دوری» است؟

خارج از کشور- ۱۴۰۰

- ۱) باز آی و بر چشم نشین ای دلستان نازنین
- ۲) نعیم هر دو جهان پیش عاشقان به جوی
- ۳) زاهد از ما به سلامت بگذر کاین می لعل
- ۴) به شوق چشمه نوشت چه قطره ها که فشاندم

۱۶- وزن کدام مصراع با مصراع زیر، یکسان است؟

خارج از کشور- ۱۴۰۰

«خیال سرو قدانت به پیشواز آید»

- ۱) گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است
- ۲) بگشای روی زیبا ز گناه آن میندیش
- ۳) جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است
- ۴) به دامان فلک جایی سزای چون تو گوهر نیست

۱۷- وزن کدام مصراع، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

خارج از کشور- ۱۴۰۰

- ۱) چین زلف مشکین را بر رخ نگارم بین (مستفعل فاعلات فاعلن)
- ۲) ای دل چو خطش سر زد پیوند از او مگسل (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)
- ۳) برخاست ز هر گوشه بلایی به کمینم (مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن)
- ۴) مژگان مردم افکن چشمان کافرش بین (مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن)

۱۸- کدام بیت «فاقد» وزن دوری (همسان دولختی) است؟

سراسری- ۱۴۰۰

- ۱) تا تو به گلشن آمدی با همه در کشاکشم
- ۲) در وادی محبت دانی چه کار کردم
- ۳) تا خیل غمت خیمه زد اندر دل تنگم
- ۴) ای کعبه مقصودم وی قبله آمالم

۱۹- وزن مصراع زیر با کدام مصراع، یکسان است؟

سراسری- ۱۴۰۰

«گر خون من ز شیشه بریزد به جام او»

- ۱) کار فروبسته ام هیچ گشایش ندید
- ۲) هیچ مرغ دلی از حلقه زلف تو نجست
- ۳) ز شرم عارض او لاله بست بر رخ ماه
- ۴) آگاهی اش ز راحت عشاق خسته نیست

۲۰- همه ابیات در وزن همسان دولختی سروده شده اند، به جز.....

خارج از کشور- ۱۳۹۹

- ۱) زان پرده می گشاید دلبد نازنینم
- ۲) زان نظر نیاید زیبا نگار چینم
- ۳) هر گوشه کمین کرده ابروی کماندارش
- ۴) در صید نظر بازان بگشاده کمینش بین
- ۳) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده ای
- ۴) این روش تازه را تازه بنا کرده ای
- ۳) قامت به ناز افراخته خلقی ز پا انداخته
- ۴) دلها مسخر ساخته کشورستانی را بین



۲۱- وزن همهٔ ابیات «دوری» است؛ به جز.....

سراسری- ۱۳۹۹

- ۱) صید بیابان عشق چون بخورد تیر او سر نتواند کشید پای ز زنجیر او
 ۲) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای حسن تو جلوه می‌کند وین همه پرده بسته‌ای
 ۳) بیا که در غم عشقت مُشوِشم بی‌تو بیا بین که در این غم چه ناخوشم بی‌تو
 ۴) می‌برزند ز مشرق شمع فلک زبانه ای ساقی صبوحی در ده می شبانه

۲۲- وزن بیت زیر، با کدام بیت یکسان است؟

سراسری- ۱۳۹۹

- «فغان که منزل دور و دراز وادی عشق نکرد دل تهی از ناله چون جرس ما را»
 ۱) به سیر ماه از محفل مخوان پروانهٔ ما را
 ۲) سیاه در دو جهان باد روی موی سفید
 ۳) به اسیران بلا ملک امان فرمودند
 ۴) نجات صبح دانی ز چه روی دوست دارم
 که می‌گردد خنک از پرتو مهتاب عیش ما
 که همچو صبح، گران‌سنگ ساخت خواب مرا
 به فقیران گدا گنج سلاطین دادند
 که به روی دوست ماند که برافکند نقابی

۲۳- کدام ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

سراسری- ۱۳۹۹

- الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت پی آن گوهر یک دانه به دریا زده‌ام
 ب) وقتی نشد که بی‌دوست بر حال خود نگریم روزی نشد که در عشق بر کار خود نخدمیم
 ج) ای بت دل‌پسند من هر سر موت بند من کاکل تو کمند من طرهٔ تابدار هم
 د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته‌ایم ایمن از وسوسهٔ عقل زیان کار شدیم
 هـ) از بس عرق شرم نشسته است به رویم محروم ز نظارهٔ آن روی نکویم
 ۱) الف، ج ۲) الف، هـ ۳) ب، د ۴) ب، هـ

۲۴- کدام بیت را «نمی‌توان» به دو صورت تقسیم‌بندی هجایی کرد؟

سراسری- ۱۴۰۰

- ۱) سپهر با همه بی‌مهری‌اش به مهر آمد
 ۲) گنجینهٔ مهر او در سینه نمی‌گنجد
 ۳) ای خواجه برو بندهٔ آن زهره‌جبین باش
 ۴) شاخ گلی که آبش از جوی دیده دادم
 هنوز با من بیدل تو بر سر کینی
 کاشانه بدین تنگی یک‌باره خراب اولی
 در بندگی خاک درش صدرنشین باش
 دورم ز خویشتن کرد با صد هزار خواری

۲۵- کدام بیت را نمی‌توان به دو شکل، دسته‌بندی هجایی کرد؟

خارج از کشور- ۱۴۰۰

- ۱) رقصیدن سرو و حالت گل بی صوت هزار خوش نباشد
 ۲) این مطرب از کجاست که ساز عراق ساخت و آهنگ بازگشت به راه حجاز کرد
 ۳) آخر به چه گویم هست از خود خبرم چون نیست وز بهر چه گویم نیست با وی نظرم چون هست
 ۴) آن که غم جهان خورد کی خورد از حیات بر پس تو غم جهان مخور تا ز حیات بر خوری

۲۶- کدام بیت دارای وزن دولختی (دوری) است و می‌توان آن را به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

سراسری- ۱۴۰۱

- ۱) ای آفتاب روشن و ای سایهٔ همای
 ۲) دیوانهٔ عشقت را جایی نظر افتاده است
 ۳) عادت بخت من نبود آنکه تو یادم آوری
 ۴) کشتهٔ معشوق را درد نباشد که خلق
 ما را نگاهی از تو تمام است اگر کنی
 کانجا نتواند رفت اندیشهٔ دانایی
 نقد چنین کم اوفتد خاصه به دست مفلسی
 زنده به جانند و ما زنده به تأثیر او



خارج از کشور - ۱۴۰۱

۲۷- وزن کدام بیت دو لختی (دوری) است و می‌توان آن را به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

- ۱) آخر نه دل به دل رود، انصاف من بده
چون است من به وصل تو مشتاق و تو ملول
- ۲) تو جهان پاک داری نه وطن به خاک داری
چه شود اگر زمانی به جهان ما در آیی
- ۳) تو مست خواب نوشین تا بامداد و بر من
شب‌ها رود که گویی هرگز سحر نباشد
- ۴) کار فرو بسته‌ام هیچ گشایش ندید
تا گره زلف را کارگشا کرده‌ای

۲۸- کدام دو بیت را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

سراسری - ۱۳۹۸

- الف) دست به جان نمی‌رسد تا به تو برفشانمش بر که توان نهاد دل تا ز تو واستانمش
- ب) نه حسرت وصالش از دل به در توان کرد نه صبر در فراقش زین بیشتر توان کرد
- ج) من نمی‌گویم که عاقل باش یا دیوانه باش گر به جانان آشنایی از جهان بیگانه باش
- د) ساقی چمن گل را بی‌روی تو رنگی نیست شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی

- ۱) الف - ب ۲) الف - ج ۳) ب - د ۴) ج - د

سراسری - ۱۳۹۸

۲۹- در کدام بیت، اختیار زبانی «تغییر مصوّت کوتاه به بلند و تغییر مصوّت بلند به کوتاه» صورت گرفته است؟

- ۱) داغ محبت است و بس خانه‌فروز جان و دل
نیست ز روزن دگر روشنی این سرای را
- ۲) باده عقل‌سوز را داروی بیهوشی مزین
نیست به سرمه حاجت آن چشم جنون‌فزای را
- ۳) آن شکرین لبی که من ناله از او چو نی کنم
غوطه به زهر می‌دهد طوطی خوش‌نوا را
- ۴) سوخت بساط هستی‌ام ریخت بنای طاقتم
چند پر از نفس دهم آه شکسته پای را

سراسری - ۱۳۹۳

۳۰- در همه ابیات، به استثنای بیت اختیار زبانی «تغییر مصوّت بلند به کوتاه» صورت گرفته است.

- ۱) طرف کرم ز کس نبست این دل پر امید من
گرچه سخن همی‌برد قصه من به هر طرف
- ۲) از خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد
وه که در این خیال کج عمر عزیز شد تلف
- ۳) ابروی دوست کی شود دستکش خیال من؟
کس نزده است از این کمان تیر مراد بر هدف
- ۴) صوفی شهر بین که چون لقمه شبهه می‌خورد
پاردُمش دراز باد آن حیوان خوش‌علف

۳۱- در بیت زیر، طبق اختیارات زبانی، به ترتیب کدام هجای مصراع اول و مصراع دوم باید تغییر یابد؟

«همیشه تا بر آید ماه و خورشید مرا باشد به وصل یار امّید»

سنجش - ۱۳۸۹

- ۱) هجای سوم مصراع اول و هجای هفتم مصراع دوم ۲) هجای پنجم مصراع اول و هجای نهم مصراع دوم
- ۳) هجای نهم مصراع اول و هجای پنجم مصراع دوم ۴) هجای هفتم مصراع اول و هجای دهم مصراع دوم

۳۲- در کدام هجای مصراع اول یا دوم بیت زیر، از اختیار زبانی (بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه) استفاده شده است؟

«بباید هوس کردن از سر به در که دور هوس بازی آمد به سر»

سنجش - ۱۳۸۸

- ۱) هجای سوم مصراع دوم ۲) هجای هفتم مصراع دوم ۳) هجای هشتم مصراع اول ۴) هجای هفتم مصراع اول



سراسری - ۱۳۸۹

۳۳- در کدام بیت هر دو اختیار زبانی «تغییر مصوّت بلند به کوتاه و کوتاه به بلند» به کار رفته است؟

- ۱ آن سرزنش که کرد تو را دوست حافظا!
 ۲ از من جدا مشو که تو ام نور دیده‌ای
 ۳ از چشم بخت خویش مبادت گزند از آنک
 ۴ مَنعم مکن ز عشق وی ای مفتی زمان!
 بیش از گلیم خویش مگر پا کشیده‌ای؟!
 آرام جان و مونس قلب رمیده‌ای
 در دلبری به غایت خوبی رسیده‌ای
 معذور دارم که تو او را ندیده‌ای

خارج از کشور - ۱۳۸۹

۳۴- در کدام بیت، اختیار زبانی «تغییر مصوّت کوتاه به بلند و بلند به کوتاه» به کار رفته است؟

- ۱ از چاشنی قند مگو هیچ و ز شگر
 ۲ با محتسبم عیب مگوئید که او نیز
 ۳ گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است
 ۴ در مجلس ما عطر میامیز که ما را
 زان رو که مرا از لب شیرین تو کام است
 پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
 چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است
 هر لحظه ز گیسوی تو خوشبوی مشام است

۳۵- با توجه به ترتیب هجاهای مصراع اول بیت زیر را باید به هجای بلند تغییر داد؟

از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

سنجش - ۱۳۸۳

- ۱ سوم ۲ چهارم ۳ دهم ۴ یازدهم

سراسری - ۱۴۰۲

۳۶- در کدام بیت همه اختیارات زبانی به کار رفته است؟

- ۱ بگو که پرده سرا ساز را به ساز در آرد
 ۲ مشنو که شبی تا سحر از آتش سودا
 ۳ ای آفتاب روشن و ای سایه همای
 ۴ سالها کردیم قطع وادی عشقش ولیک
 مگر ترانه‌ای از قول نگار بگوید
 منزلگه من خاک سر کوی تو نبود
 ما را نگاهی از تو تمام است اگر کنی
 تا نپنداری که این ره را کرانی یافتیم

خارج از کشور - ۱۳۹۹

۳۷- حذف همزه در کدام بیت بیشتر صورت گرفته است؟

- ۱ عاقبت سیلابم از سر بگذرد چون دم به دم
 ۲ ستیز آوری کار اهریمن است
 ۳ دامن گردون پر از خون جگر بینم به صبح
 ۴ گویا عزم ندارد که شود روز امشب
 راه می گیرم بر آب چشم و دیگر می چکد
 ستیزه به پر خاش آبستن است
 بس که در مهر تو اشک از چشم اختر می چکد
 یا در آید ز در آن شمع شب افروز امشب

سراسری - ۱۳۹۹

۳۸- در همه ابیات حذف «همزه» به چشم می خورد؛ به جز:

- ۱ برون خرام و ببر گوی خوبی از همه کس
 ۲ چو عندلیب فصاحت فرو شد ای حافظ
 ۳ چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد
 ۴ به زلف گوی که آیین دلبری بگذار
 سزای حور بده رونق پری بشکن
 تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
 تو قیمتش به سر زلف عنبری بشکن
 به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن

سراسری - ۱۳۹۰

۳۹- در بیت زیر همه اختیارات شاعری، به استثنای وجود دارد.

«دل عاشق چه غم از سوزش دوران دارد کشتی نوح چه اندیشه طوفان دارد»

- ۱ ابدال ۲ قلب ۳ تغییر کمیت مصوّت‌ها ۴ فاعلاتن به جای فعلاتن



خارج از کشور - ۱۳۸۸

۴۷- در کدام بیت، از اختیار وزنی «ابدال» دو بار استفاده شده است؟

- ۱) عنقا بر کرد سر، گفت: کز این طایفه
دست یکی پر حناست جعد یکی پُر خضاب
- ۲) اوّل غسلی بکن زین سوی نیل عَدَم
پس به تماشا گذر ز آن سوی مصر بقا
- ۳) با اثر داغشان هر دم سلطان عشق
گوید خاقانیا خاک تو ام مرحبا
- ۴) محنت چون خون و گوشت در تنم آمیخته است
تا نشود جان ز تن زو نتوان شد رها

سراسری - ۱۳۸۱

۴۸- خاقانی در آغازین رکن هر دو مصراع کدام بیت، از اختیارات وزنی استفاده کرده است؟

- ۱) به جهان پشت مبندید به یک صَدَمِتِ آه
مهرة پشت جهان یک ز دگر بگشایید
- ۲) گریه گر سوی مژه راه نیابد مژه را
ره سوی گریه، کز او نیست گذر بگشایید
- ۳) نه، نه، چشم پس از این خواب میناد به خواب
ور ببیند رگِ جانش به سهر بگشایید
- ۴) همه همخواه و همدرد دل تنگ مفید
مرکب خواب مرا تنگ سفر بگشایید

سراسری - ۱۳۸۶

۴۹- اولین رکن کدام بیت، در هر دو مصراع مشمول اختیارات وزنی شده است؟

- ۱) به وفای دل من ناله بر آرید چنانک
چنبر این فلک شعوزه گر بگشایید
- ۲) به جهان پشت مبندید و به یک صدمت آه
مهرة پشت جهان یک ز دگر بگشایید
- ۳) سیل خون از جگر آرید سوی باغ دماغ
ناودان مژه را راه گذر بگشایید
- ۴) خبر مرگ جگر گوشه‌ی من گوش کنید
شد جگر چشمه‌ی خون چشم عبر بگشایید

خارج از کشور - ۱۳۹۸

۵۰- بیت زیر، فاقد کدام اختیار شاعری است؟

«طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق
به قول مفتی عشقش درست نیست نماز»

- ۱) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب
۲) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، ابدال
- ۳) حذف همزه، بلند بودن هجای پایان مصراع
۴) حذف همزه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

سراسری - ۱۳۹۸

۵۱- در بیت زیر، همه اختیارات شاعری یافت می‌شود؛ به جز

«گذار بر ظلمات است خضر راهی کو
مباد کآتش محرومی آب ما ببرد»

- ۱) ابدال
۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
۳) حذف همزه
۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

۵۲- اختیارات شاعری موجود در بیت زیر، کدام است؟

خارج از کشور - ۱۳۹۷

«خرد به زور می ناب بر نمی آید
مرو به کشتی کاغذ دلیر بر سر آب»

- ۱) قلب، حذف همزه
۲) تغییر کمیت مصوت‌ها، ابدال
- ۳) تغییر کمیت مصوت‌ها، قلب
۴) بلند بودن هجای پایان مصراع، حذف همزه

خارج از کشور - ۱۳۹۵

۵۳- در کدام بیت اختیار وزنی ابدال به کار نرفته است؟

- ۱) ما در خطر افتادیم، از عشق چه گوئیم
کان جا دل و جان و تن ما را خطری نیست
- ۲) عشق رخ تو بابت هر مختصری نیست
وصل لب تو در خور هر بی‌خبری نیست
- ۳) هر چند مه ما را از ما خبری نیست
دل برده‌ای از ما دل ما را اثری نیست
- ۴) بر تو بدلی نارم دیگر نکنم یاد
هر چند که آرام تو جز با دگری نیست



۵۴- در کدام بیت، اختیار وزنی «ابدال» صورت گرفته است؟

سراسری- ۱۳۹۵

- ۱ بُرد او دل عاشقان آفاق
 ۲ اندر عجبم که چشم آن ماه
 ۳ زان چشم پر از خمار سرمست
 ۴ تا عزم جفا درست کرد او
- پیچید بر آن دو زلف چون شست
 ناخورده شراب چون شود مست
 پر خون دارم دو دیده پیوست
 دست همه عاشقانش بشکست

۵۵- در بیت زیر همهٔ اختیارات شاعری یافت می‌شود: به جز:

سراسری- ۱۴۰۲

- «مردگان چمن از دعوت حق زنده شدند کفرهاشان همه از رحمت حق ایمان شد»
- ۱ ابدال - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
 ۲ حذف همزه - بلند تلفظ کردن هجای پایانی
 ۳ کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند - حذف همزه
 ۴ آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن - ابدال

۵۶- با در نظر گرفتن اختیارات شاعری تقطیع کدام سروده «غلط» است؟

سراسری- ۱۴۰۲

- ۱ تو در نماز عشق چه خواندی
 ۲ جان من و تو تشنهٔ مهر بود
 ۳ گامی به تو نزدیک و گامی دور
 ۴ پشت لبخندی پنهان هر چیز
- (U - - UU - - - U - U)
 (-U - UU - U - U - -)
 (- - -U - - - U - -)
 (- - - - UU - -U-)

۵۷- با توجه به «عروض و قافیه» کدام مورد غلط است؟

خارج از کشور- ۱۴۰۱

- «آشفته سخن چو زلف جانان خوشتر
 مجموعهٔ عاشقان بود دفتر من
 چون کار جهان بی‌سر و سامان خوشتر
 مجموعهٔ عاشقان پریشان خوشتر»

- ۱ خوشتر «ردیف» و «ن» حرف روی است.
 ۲ قافیهٔ ابیات فوق براساس قاعدهٔ «۲» سروده شده است.
 ۳ ابیات فوق را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.
 ۴ اختیار شاعری «قلب و ابدال» هر دو در سرودهٔ فوق یافت می‌شود.

۵۸- در کدام بیت همهٔ اختیارات وزنی به جز «قلب» وجود دارد؟

خارج از کشور- ۱۴۰۱

- ۱ خامی و ساده‌دلی شیوهٔ جان بازان نیست
 ۲ نام تو می‌رفت و عارفان بشنیدند
 ۳ ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند
 ۴ مرا به کار جهان هرگز التفات نبود
- خبری از بر آن دلبر عیار بیار
 هر دو به رقص آمدند سامع و قایل
 هر آن که خدمت جام جهان‌نما بکند
 رخ تو در نظر من چنین خوش آراست

۵۹- در کدام بیت «سه نوع اختیار وزنی و دو اختیار زبانی» می‌توان یافت؟

خارج از کشور- ۱۴۰۱

- ۱ مزرع امید را یک دانه به زان خال نیست
 ۲ کسی از سرِّ دل جام خبردار نشد
 ۳ تو همان طایر فرخندهٔ اوج شرفی
 ۴ گر بر من آن نگار پری چهره بگذرد
- دل ز خالش بر گرفتن خالی از اشکال نیست
 بی‌خبر باش که صاحب خبری پیدا نیست
 کز پرت شهپر جبریل امین خوشتر نیست
 تشویشم از عقوبت دیو رجیم نیست



سراسری- ۱۴۰۱

۶۰- با توجه به «علوم و فنون ادبی» کدام گزینه غلط است؟
 «ترک دنیا به مردم آموزند خویشتن سیم و غله اندوزند
 عالم آن کس بود که بد نکند نه بگوید به خلق و خود نکند»

- ۱ شعر را در رده «ادبیات تعلیمی» می‌توان جا داد.
- ۲ ابیات براساس قاعده «۲» و تبصره قافیه سروده شده است.
- ۳ در سروده فوق، اختیار شاعری آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن یافت می‌شود.
- ۴ حذف همزه و کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «هر دو» در ابیات مشهود است.

۶۱- بیت زیر «فاقد» کدام اختیار شاعری است؟

سراسری- ۱۴۰۱

«ز خنده‌رویی گردون فریب رحم مخور که رخنه‌های قفس رخنه‌رهایی نیست»

- ۱ ابدال
- ۲ بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه
- ۳ کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
- ۴ آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن

خارج از کشور- ۱۴۰۰

۶۲- در بیت زیر همهٔ اختیارات شاعری یافت می‌شود، به جز:

«چون گل و می دمی از پرده برون آی و در آ که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد»

- ۱ قلب
- ۲ ابدال
- ۳ تغییر کمیت مصوت‌ها
- ۴ آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن

خارج از کشور- ۱۴۰۰

۶۳- در کدام بیت «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند و ابدال» همگی یافت می‌شود؟

- ۱ قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش که در این خیل حصاری به سواری گیرند
- ۲ رقص بر شعر تر و ناله نی خوش باشد خاصه رقصی که در آن دست نگاری گیرند
- ۳ حافظ ابنای زمان را غم مسکینان نیست زین میان گر بتوان به که کناری گیرند
- ۴ خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی گر فلکشان بگذارد که قراری گیرند

سراسری- ۱۴۰۱

۶۴- در کدام بیت «سه نوع اختیار وزنی و دو اختیار زبانی» می‌توان یافت؟

- ۱ آه اگر دامن پاک تو نیارند به دست خستگانی که دریدند گریبانی چند
- ۲ مستان بزم عیش شرابی نداشتند در عین بی‌خودی می نابی نداشتند
- ۳ چو مطربان سحر آهنگ زیر و بام کنند معاشران صبحی هوای جام کنند
- ۴ کسی است صاحب بخت بلند و عمر دراز که دست بر سر آن زلف خم به خم دارد

۶۵- با توجه به عروض و قافیه کدام گزینه، در مورد رباعی زیر «غلط» ذکر شده است؟

سراسری- ۱۴۰۰

«بازار قبول گل چو شد خوش خوش تیز گفتم که به باغ درشو ای دلبر خیز

گل گفت که آب قدمش خیره مریز ما دست گلابگر گرفتیم و گریز»

- ۱ ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.
- ۲ در بیت دوم شاعر دو بار مصوت کوتاه را بلند تلفظ کرده است.
- ۳ در بیت اول از اختیار شاعری ابدال استفاده شده است.
- ۴ قافیهٔ رباعی براساس قاعدهٔ «۲» آمده است و حرف روی «ز» است.

سراسری- ۱۴۰۰

۶۶- در همهٔ ابیات هر دو اختیار «وزنی و زبانی» وجود دارد، به جز

- ۱ گره به باد مزین گرچه بر مراد رود که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت
- ۲ حافظ از آب حیات ازلی می‌خواهی منبش خاک در خلوت درویشان است
- ۳ مستم کن آن چنان که ندانم ز بی‌خودی در عرصهٔ خیال که آمد کدام رفت
- ۴ زنهار از آن عبارت شیرین دل‌فریب گویی که پسته تو سخن در شکر گرفت



خارج از کشور- ۱۳۹۹

۶۷- در بیت زیر همهٔ موارد از دیدگاه «عروض و قافیه» درست است؛ به جز:

«نفسم گرفته زین شب در این حصار بشکن در این حصار جادویی روزگار بشکن»

۱) قافیۀ بیت براساس قاعدهٔ «۲» آمده است.

۲) وزن بیت «فَعْلَاتُ فاعلاتن فَعْلَاتُ فاعلاتن» است.

۳) طبق اختیارات شاعری در بیت دو بار «همزه» حذف شده است.

۴) در بیت اختیار شاعری (کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند) یافت می‌شود.

خارج از کشور- ۱۳۹۹

۶۸- در کدام بیت، اختیار وزنی قلب به کار رفته است؟

۱) ماهی و چون عیان شوی شمع هزار مجلسی سروی و چون روان شوی عشق هزار لشکری

۲) از سر رشک سوختم زان همه سوزم از درون با همه آب ساختنی زان همه آبی از تری

۳) سینهٔ خاقانی اگر پاک بشویی از غبار پیش خدایگان تو را بیش کند ثناگری

۴) هم شکری تو هم نمک با تو چه نسبت آب را چند به رغم دوستان دشمن خویش پروری

خارج از کشور- ۱۳۹۹

۶۹- در همهٔ ابیات دو اختیار وزنی «فاعلاتن به جای فَعْلَاتن و ابدال» وجود دارد؛ به جز

۱) آب رخ پیش ما کسی دارد که بود خاک آستان شما

۲) اگر آن ابرو است و پیشانی نکشد هیچ کس کمان شما

۳) می‌کند مرغ جان ما پرواز دم به دم سوی آشیان شما

۴) چه بود گر به ما رساند باد بویی از طرف بوستان شما

سراسری- ۱۳۹۹

۷۰- در بیت زیر، همهٔ اختیارات شاعری یافت می‌شود؛ به جز:

«قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش که در این خیل حصاری به سواری گیرند»

۱) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب

۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال

۳) آوردن فاعلاتن به جای فَعْلَاتن، حذف همزه

۴) بلند بودن هجای پایان مصراع، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

سراسری- ۱۳۹۸

۷۱- وزن مصراع‌های زیر به ترتیب کدام است؟

«صبح خواهد شد / و به این کاسهٔ آب / آسمان هجرت خواهد کرد»

۱) فاعلاتن فعلن، فاعلاتن فع، فاعلاتن مفعولن فع

۲) فاعلاتن فع، فاعلاتن فعلن، فاعلاتن فَعْلَاتن فع

۳) فاعلاتن فع، فاعلاتن فعلن، فاعلاتن فَعْلَاتن فع

۴) فاعلاتن فع، فاعلاتن فعلن، فاعلاتن فَعْلَاتن فعلن

۷۲- وزن واژهٔ شعر زیر، کدام است؟

خارج از کشور- ۱۳۹۸

«به چه خواهی بردن / در شبی این همه تاریک پناه»

۱) فاعلاتن فعلن - فاعلاتن فَعْلَاتن فَعْلَاتن فعلن

۲) فاعلاتن فعلن - فاعلاتن فَعْلَاتن فاعلاتن فعلن

۳) فاعلاتن فعلن - فاعلاتن فَعْلَاتن فَعْلَاتن فعلن

۴) فاعلاتن فعلن - فاعلاتن فَعْلَاتن فَعْلَاتن فعلن

سراسری- ۱۴۰۲

۷۳- وزن عروضی کدام سروده در مقابل آن نادرست است؟

۱) گل من / تو راز ما را به کدام دیو گفتی؟ (فَعْلَات فاعلاتن / فَعْلَات فاعلاتن)

۲) سربرافراشتن و افتادن / دو برادر هستند (فاعلاتن فَعْلَاتن فع لن / فَعْلَاتن فع لن)

۳) در روی من مخند / شیرینی نگاه تو بر من حرام باد (مفعولن مفاعیلن / مفعولن فاعلاتن مفاعیلن)

۴) بجنیبید میغ / خروشید رعد / درخشید برقی به مانند تیر (فَعْلَاتن فعل / فَعْلَاتن فعل / فَعْلَاتن فعلن فعلن فعلن فعلن)



۷۴- وزن عروضی سرودهٔ زیر کدام است؟

خارج از کشور- ۱۴۰۱

«تو قامت بلند تمنّایی ای درخت / همواره خفته است در آغوش آسمان / بالایی ای درخت»

- ۱) مستفعلن مفاعلهن / مستفعلن مفاعلهن / مستفعلن فع
- ۲) مفاعلهن فعلاته فاعلهن / مفاعلهن فعلاته مفاعلهن / مفاعلهن فاعلهن
- ۳) مفعول مفاعلهن فعولن / مفعول مفاعلهن فعولن / مفعول فعل
- ۴) مفعول فعلاّت مفاعیل فاعلهن / مفعول فعلاّت مفاعیل فاعلهن / مفعول فاعلهن

۷۵- وزن عروضی سرودهٔ زیر کدام است؟

سراسری- ۱۴۰۱

«آسمان صاف و شب آرام / بخت خندان و زمان رام»

- ۱) فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلهن
- ۲) فعلاّت فاعلاتن فعلاّت فاعلاتن
- ۳) فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل
- ۴) فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلاتن

۷۶- با توجه به بیت زیر کدام گزینه «درست» است؟

سراسری- ۱۴۰۲

«اشکم ز دیده قصهٔ طوفان سؤال کرد چشم جواب داد که از ما پدید شد»

- ۱) بیت دارای وزن دوری یا دولختی همسان است.
- ۲) در بیت هر دو اختیارات شاعری وزنی و زبانی موجود است.
- ۳) مصرع دوم دارای ۱۴ علامت هجایی است که سه هجای آن کشیده است.
- ۴) بیت در بحر رجز سروده شده است و به دو شکل دسته‌بندی هجایی می‌شود.

خارج از کشور- ۱۳۹۸

۷۷- بحرهای «مقارب، رمل، رجز و هزج» به ترتیب، مربوط به کدام ابیات است؟

- الف) نردبان این جهان ما و منی است عاقبت این نردبان بشکستنی است
 ب) مرا نه سر نه سامان آفریدند پریشانم پریشان آفریدند
 ج) باز آی و بر چشم نشین ای دلستان نازنین که آشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود
 د) جهان را بلندی و پستی تویی ندانم چه‌ای هرچه هستی تویی

- ۱) ج، ب، د، الف
- ۲) ج، ب، الف، د
- ۳) د، الف، ج، ب
- ۴) د، ب، ج، الف

خارج از کشور- ۱۳۹۸

۷۸- کدام بیت در بحر «رمل مثنیّه محذوف» است؟

- ۱) صوفی بیا که آینه صافی است جام را تا بنگری صفای می لعل فام را
- ۲) آن که جز کعبه مقامش نبند از یاد لب بر در میکده دیدم که مقیم افتاده است
- ۳) ای که پرسی سرگذشتم پایم اندر گل فروشد زانکه در راه غم جز اشک همراهی نباشد
- ۴) مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

سراسری- ۱۳۹۸

۷۹- نام بحر وزن مقابل کدام مصراع درست است؟

- ۱) مرا مهر سیه‌چشمان ز سر بیرون نخواهد شد: هزج مثنیّه سالم
- ۲) شوریده و شیدا کند هر دل که دلبر جا کند: رمل مثنیّه سالم
- ۳) فلک کار مرا افکند با نامهربان ماهی: هزج مثنیّه محذوف
- ۴) آشفته خاطر کرده‌ام جمعیت عشاق را: رجز مثنیّه محذوف



سراسری- ۱۴۰۲

۸۰- نام بحر مقابل کدام مصراع، نادرست است؟

- ۱) دل آخر ز دست غمش می‌گریزد (متقارب مثنی محذوف)
 ۲) چون شوم خاک رهش دامن بیفشاند ز من (رمل مثنی محذوف)
 ۳) غنیمت دان اگر روزی به شادی در رسی ای دل (هزج مثنی سالم)
 ۴) آخر نگاهی باز کن وقتی که از ما بگذری (رجز مثنی سالم)

خارج از کشور- ۱۴۰۱

۸۱- کدام سروده در «بحر هزج» است؟

- ۱) ای روح سرد زمستان! / دیگر از آن طلوع طلایی چه مانده است / جز این غروب زرد؟
 ۲) ما به خواب سرد و ساکت سیمرغان ره یافته‌ایم / ما حقیقت را در باغچه پیدا کردیم
 ۳) چو آزادی است در این لحظه‌ها و یادها بیگانه بودن با شکیبایی / چه آزاری است تنهایی
 ۴) بیا آب شو مثل یک واژه در سطر خاموشی‌ام / بیا ذوب کن در کف دست من جرم نورانی عشق را

سراسری- ۱۴۰۱

۸۲- نام بحر مقابل کدام مصراع درست است؟

- ۱) اگر هوشمندی به معنی گرای (متقارب مثنی سالم)
 ۲) به میدان محبت خون بهایش از که بستانم (هزج مثنی محذوف)
 ۳) دامن آن گنج شادی را نیاوردم به دست (رمل مثنی محذوف)
 ۴) جامی بکش تا جم شوی با اهل دل محرم شوی (رجز مثنی محذوف)

سراسری- ۱۳۹۸

۸۳- قافیه در همه ابیات درست است؛ به جز:

- ۱) از همه باشد به حقیقت گزیر / وز تو نباشد که نداری نظیر
 ۲) ای خنده تو راهزن کاروان قند / ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشند
 ۳) گرچه آتش نیز هم جسمانی است / نه ز روحست و نه از روحانی است
 ۴) تو آنچ از تو سزد گفتی و کردی / غم جان من بیچاره خوردی

سراسری- ۱۳۹۸

۸۴- قافیه در کدام بیت نادرست است؟

- ۱) من کی‌ام آن را که شرح آن دهم
 ۲) چون بدیدش یاد آورد آن خویش
 ۳) مر مرا اینجا شکایت شکر شد
 ۴) می‌نماید مار اندر چشم مال
 ۱) ور دهم آن شرح، خط بر جان نهم
 ۲) بی‌طمع شد ز اشتر آن یار و خویش
 ۳) کفر ایمان گشت و ایمان کفر شد
 ۴) هر دو چشم خویش را نیکو بمال

سراسری- ۱۴۰۰

۸۵- کدام ابیات «فاقد» ردیف است؟

- الف) من قصه خویشتن بدو چون گویم
 ب) تنگ شد از غم دل، جای به من
 ج) مشو تا توانی ز رحمت بری
 د) گدایی که بر خاطرش بند نیست
 ه) خوش آن که نگاهش به سر و پای تو باشد
 ترک است و به چوگان بزند چون گویم
 یک دل و این همه غم وای به من
 که رحمت بر ندد چو رحمت بری
 به از پادشاهی که خرسند نیست

۴) الف - ج - ه

۳) الف - ج - د

۲) ب - د - ه

۱) ب - ج - د



۸۶- در کدام بیت «قاعده قافیه» متفاوت است؟

- ۱) خوش آن که حلقه‌های سر زلف واکنی
 ۲) اولین گام از سمند عقل را پی می‌کنی
 ۳) زان فشانم اشک در هر رهگذاری
 ۴) این چه دامی است که از سنبل مشکین داری
- دیوانگان سلسله‌ات را رها کنی
 وادی بی‌منتهای عشق را طی می‌کنی
 تا به دامان تو ننشیند غباری
 که به هر حلقه آن صد دل مسکین داری

خارج از کشور- ۱۳۹۹

۸۷- در همه ابیات قافیه درست است؛ به جز.....

- ۱) خویشتن را عارف و واله گنی
 ۲) ناگهان تمثال گرگ هشته‌ای
 ۳) گفت یک گوشه است آن باغبان
 ۴) گر میسر کردن حق ره بُدی
- خاک در چشم مروّت می‌زنی
 سر برآورد از فراز پُشته‌ای
 هست اینجا گرگ و او را پاسبان
 هر جهود و گبر از او آگه بُدی

خارج از کشور- ۱۳۹۸

۸۸- کدام قافیه‌ها، طبق قاعده‌ی ۱، است؟

- الف) کور را خود این قضا همراه اوست
 ب) این دراز و کوتاهی کاو جسم راست
 ج) از شکاف روزن دیوارها
 د) پس امیرش گفت خامش کن برو
- که مر او را اوفتادن طبع و خوست
 چه دراز و کوتاه آن‌جا که خداست
 مطلع گردند بر اسرارها
 تا نگردد جانّت زین جرأت گرو

خارج از کشور- ۱۳۹۶

- ۱) الف - ب
 ۲) الف - د
 ۳) ب - ج
 ۴) ج - د

۸۹- کدام بیت «ذوقافیتین» است؟

- ۱) کودکی در پیش تابوت پدر
 ۲) حيله آموزان جگرها سوخته
 ۳) فتنه و آشوب و خون‌ریزی مجوی
 ۴) این سخن نه هم ز درد و سوز گفت
- زار می‌نالید و برمی‌کوفت سر
 فعل‌ها و مکرها آموخته
 پیش از این از شمس تبریزی مگوی
 خوابناکی هرزه گفت و باز خفت

خارج از کشور- ۱۳۹۹

۹۰- قافیه در کدام بیت «یک گروه قیدی» است؟

- ۱) ای تاب داده گیسو حالی است بر دل من
 ۲) آشفته‌گان عشقت گیرم که جمع کردند
 ۳) با این سپاه مژگان از خانه گر درآیی
 ۴) از لعل و چشمت آخر دیدی که شد فروغی
- از تاب بی‌حسابت وز بیج بی‌شماره
 جمع از کجا توان کرد دل‌های پاره پاره
 تسخیر می‌توان کرد شهری به یک اشاره
 ممنون به یک تبسم، قانع به یک نظاره

سراسری- ۱۳۹۹

۹۱- «قاعده و تبصره قافیه» در کدام ابیات یکسان است؟

- الف- صبا تو نکهت آن زلف مشکبو داری
 ب- سینه مالمال درد است ای دریغا مرهمی
 ج- دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی
 د- بیا با ما مورز این کینه داری
- به یادگار بمانی که بوی او داری
 دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی
 کز عکس روی او شب هجران سرآمدی
 که حق صحبت دیرینه داری

سراسری- ۱۴۰۱

- ۱) الف - ج
 ۲) ب - ج
 ۳) ب - د
 ۴) ج - د



سراسری - ۱۴۰۰

۹۲- کدام بیت، بر اساس قاعده و تبصره «ا» قافیه سروده شده است؟

- ۱ رفتی و نام تو ز زبانم نمی‌رود
و اندیشه تو از دل و جانم نمی‌رود
- ۲ از پسته تنگ خود آن یار شکر بوسه
دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه
- ۳ زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی
در لطف تو کس بر من نبندد گر تو بگشایی
- ۴ میر من خوش می‌روی کاندلر سر و پا میرمت
خوش خرامان شو که پیش قد رعنا میرمت

سراسری - ۱۳۹۹

۹۳- قافیه در کدام بیت «غلط» است؟

- ۱ مرا چون خلیل آتشی در دل است
که پنداری این شعله بر من گل است
- ۲ اجل ناگهان در کمینم گُشد
همان به که آن نازنینم کشد
- ۳ نه خود را بر آتش به خود می‌زنم
که زنجیر شوق است در گردنم
- ۴ گدایی که از پادشاه خواست دخت
قفا خورد و سودای بیهوده پخت

۹۴- «قاعده و تبصره قافیه» در کدام ابیات یکسان است؟

خارج از کشور - ۱۴۰۱

- الف) تا با تو آرمیده‌ام از خود رمیده‌ام
مَتّ خدای را که چه خوش آرمیده‌ام
- ب) از بس عرق شرم نشسته است به رویم
محروم ز نظاره آن روی نکویم
- ج) بوی رحمان از یمن آمد دل و جان تازه شد
دل چه و جان چه جهان از بوی رحمان تازه شد
- د) چندان به سر کوی خرابات خرابم
کاسوده ز اندیشه فردای حسابم

- ۱ الف - ج
۲ الف - د
۳ ب - د
۴ ج - د

سراسری - ۱۴۰۱

۹۵- حروف اصلی قافیه در کدام بیت مطابق الگوی «مصوت + صامت + صامت» است؟

- ۱ در زلف تو بند بود داد دل ما
در بند کمند بود داد دل ما
- ۲ پرسیدم از هلال که قدت چرا خم است
گفتا خمیدن قدم از بار ماتم است
- ۳ بر زلف تو باید که ره شانه ببندند
یا مشک فروشان در کاشانه ببندند
- ۴ هان ای دل عبرت‌بین از دیده عبر کن هان
ایوان مداین را آیینة عبرت دان

۹۶- با توجه به بیت زیر، از دیدگاه «عروض و قافیه» کدام مورد «نادرست» است؟

خارج از کشور - ۱۴۰۰

«ای ظلمت شب پرده خورشید جمالت
وی کوکبه صبح جلودار جلالت»

- ۱ وزن بیت «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است.
در بیت اختیار شاعری «تغییر کمیت مصوت» وجود دارد.
- ۲ «جمالت و جلالت، واژه قافیه و «ت» حرف روی است.
قافیه بیت براساس قاعده «۲» و تبصره «ا» آمده است.

خارج از کشور - ۱۴۰۰

۹۷- توضیح روبه‌روی کدام بیت، در مورد قافیه درست است؟

- ۱ سپه را تو باش این زمان پیشرو
تویی کینه‌خواه جهاندار نو (قاعده ۱)
- ۲ ناقه جسم ولی را بنده باش
تا شوی با روح صالح خواجه‌تاش (ذوقافیتین)
- ۳ دوش از در میخانه کشیدند به دوشم
تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم (ش: حرف روی)
- ۴ خدایا مقصر به کار آمدیم
تهی دست و امیدوار آمدیم («یم» حروف الحاقی)



۹۸- قاعده قافیه در مقابل کدام بیت، «غلط» آمده است؟

خارج از کشور- ۱۴۰۰

- ۱) ای برادر بشنوی رمزی ز شعر و شاعری
 ۲) چون من به ره سخن فراز آیم
 ۳) اگر محول حال جهانیان نه قضاست
 ۴) در پای تو تا زلف چلیپای تو افتاد
- تا ز ما مشتگی گدا کس را به مردم نشمری (قاعده ۲)
 خواهم که قصیده‌ای بیاریم (قاعده ۲)
 چرا مجاری احوال بر خلاف رضاست (قاعده ۱)
 بس دل که از این سلسله در پای تو افتاد (قاعده ۱)

۹۹- در کدام بیت، قافیه «غلط» است؟

خارج از کشور- ۱۳۹۸

- ۱) پس این پیر از آن طفل نادان ترست
 ۲) مرا چون خلیل آتشی در دل است
 ۳) سر از کوی صورت به معنی کشید
 ۴) به نزدیک من شبرو راهزن
- که از بهر مردم به طاعت درست
 که پنداری این شعله بر من گل است
 قلم بر سر حرف دعوی کشید
 به از فاسق پارسا پیرهن

۱۰۰- در کدام بیت، «عیب قافیه» به چشم می‌خورد؟

خارج از کشور- ۱۳۹۷

- ۱) موبه موبیند ز صرفه حرص انس
 ۲) چون خدا پوشید بر تو ای جوان
 ۳) رفته است آوازه عدلت چنان
 ۴) گفت داوودش خمش کن رو بهل
- رقص بی مقصود دارد همچو خرس
 رو خمش کن حق ستاری بدان
 که معطر شد زمین و آسمان
 این مسلمان را ز گاوت کن بحل

۱۰۱- در کدام بیت، رعایت ترصیع، بیت را «ذوقافیتین» هم کرده است؟ (سراسری خارج از کشور ۱۳۸۸)

خارج از کشور- ۱۳۸۸

- ۱) ای منور ز تو نجوم جلال
 ۲) ما چو ناییم و نوا در ما ز توست
 ۳) غلام نرگس مست تو تاجداران‌اند
 ۴) گر آدمم به کوی تو چندان غریب نیست
- وی مقرر به تو رسوم کمال
 ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
 خراب باده لعل تو هوشیاران‌اند
 چون من در آن دیار هزاران غریب هست

۱۰۲- در کدام بیت «ذوقافیتین» به چشم می‌خورد؟

سراسری- ۱۴۰۲

- ۱) اگر با پدر جنگ جوید کسی
 ۲) یکی باز را دیده بردوخته است
 ۳) مگر کان فرومایه زشت کیش
 ۴) یکی سر بر آرزو از گریبان غم
- پدر بی گمان خشم گیرد بسی
 یکی دیدها باز و پر سوخته است
 به کارش نیاید خر پشت ریش
 به آرام دل با جوانان بچم

۱۰۳- همه موارد در ابیات زیر «کاملاً» یافت می‌شود به جز:

سراسری- ۱۴۰۲

- «هر که تأمل نکند در جواب
 یا سخن آرای چو مردم به هوش»
 یا بیشتر آید سخنش ناصواب
 یا بنشین چون حیوانان خموش»

- ۱) قالب ابیات مثنوی و سراینده آن نظامی گنجوی در قرن ششم است.
 ۲) قافیه بر اساس قاعده «۲» سروده شده است و «ب و ش» حرف روی است.
 ۳) سروده فوق با ضرب المثل «اگر گفتن سیم باشد، خاموشی زر است»، تناسب مفهومی دارد.
 ۴) ابیات فوق با بیت «کیست در این دیر که دیر پای
 کو لمن الملک زند جز خدای؟» هم وزن است.



سراسری-۱۴۰۲

۱۰۴- در کدام بیت قافیه درونی بر اساس قاعده «ا» و تبصره قافیه سروده شده است؟

- ۱) تا عشق و رندی است کیشم یکسان بود نوش و نیشم من دشمن جان خویشم گر او بود دشمن من
- ۲) تا در دلم جا گرفتی در سینه مأوا گرفتی بوی گل و سوسن اید از چاک پیراهن من
- ۳) من کیستم بینوایی با درد غم آشنایی هر لحظه گردد بلایی چون سایه پیرامن من
- ۴) بنشین چو گل در کنارم تا بشکفد گل ز خارم ای روی تو لاله زارم وی موی تو سوسن من

خارج از کشور-۱۴۰۱

۱۰۵- «قاعده قافیه» در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) چار دیوار قفس عشرت سرای ما بس است شهر بند دام باغ دلگشای ما بس است
- ۲) چه پروا از عتاب و ناز عشاق بلاجو را که عاشق مدّ احسان می شمارد چین ابرو را
- ۳) گفتا برون شدی به تماشای ماه نو از ماه ابروان منت شرم باد رو
- ۴) همه شب راه دلم بر خم گیسوی تو بود آه از این راه که باریک تر از موی تو بود

پاسخنامه تشریحی

۱ - گزینه ۱ تا/دی/گ/ران/گ/رُس/ن/و/مس/کی/تند: مفعولُ فاعلاتنُ مفاعیلن

تا دی گَگ	ران گَگ رُس ن	و مس کی تند
U - -	U - U -	- - - U

۲ - گزینه ۲ گو/ة/ر/تا/جم/ک/دَر/دَس/ت/گ/دا/أف/تا/د/ام (-U/--U/--U/--U-)
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن

گزینه ۳: مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فعلن

گزینه ۴: مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن

۳ - گزینه ۱ مصراع صورت سؤال و گزینه ۱ هر دو بر وزن مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فاعلاتن است.

۴ - گزینه ۲ گزینه ۲: من / خُد / ز: مفعول - ن / ظَر / دَر / قَ : مفاعیل - دُ / با / لا / ی: مفاعیل - تْ / مَس / تَم: فعولن

۵ - گزینه ۱

ای	دی	دِ	یِ	عا	شِ	قان	بِ	رو	یْت
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
چُن	رو	یِ	مُ	جا	و	ران	بِ	مح	راب
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-

۶ - گزینه ۲ وزن درست: مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن
وزن دوم:

ای خُس ن خُ	طَز دَف ت ر	أخ لاق تْ	با بی
مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	مستف

۷ - گزینه ۱

تقطیع مصراع گزینه ۱:

رازه م کرف شانن مو دِ رُخ زی با: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن یا همان مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن.
توجه داشته باشید که وزن مصراع را باید بعد از اعمال اختیارات وزنی و زبانی به دست بیاورید.

۸ - گزینه ۴ وزن مصراع صورت سؤال «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است و با گزینه ۴ «هماهنگی دارد».

۹ - گزینه ۲ کُ / نون / ک / گش // مفاعِلن

ت / ی / ما / دَر // فاعلاتن

م / یا / ن / مو // مفاعِلن

جُف / تاد // فعِلن

۱۰ - گزینه ۴

آن روز	قِ یا مَت را	بَر پا ی	گُ نَد ای زَد
مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
U - -	- - - U	U - -	- - - U



بد	یا	هی	رَ	ب	خا	گر	جا	تی	بس	جَ	عَ	شب	ام
-	-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-
بد	یا	هی	شَ	تُ	چُن	کو	بد	خس	جا	کُ	چشم	وا	-
-	-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-
مفاعیلن			مفعولُ			مفاعیلن			مفعولُ				

(مستفعلُ مفعولن مستفعلُ مفعولن)

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱)

فا	وَ	وُ	خا	سَ	نِ	دَ	معد	ای	تُ	کِ	پا	نِ	جا	بِ
-	U	U	-	U	نِ	U	-	-	U	U	-	U	-	U
یا	بِ	زینز	عَ	ای	تُ	بی	را	مَ	نیست	صبر	کِ	کِ	کِ	کِ
-	U	U	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	U
فعلن		مفاعیلن			فعلاتین			مفاعیلن						

گزینه ۲)

کست	رَ	با	مُ	ما	بر	تُ	یِ	رو	کِ	شو	مَ	ها	پند
کست	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
کست	رَ	با	مُ	ها	جا	مِ	هَ	بر	تُ	یِ	رِ	ظا	نظ
کست	U	-	U	-	-	U	U	-	U	یِ	U	-	-
فاعیلن		مفاعیلُ			فاعلاتُ			مفعولُ					

(مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن فعل)

گزینه ۳)

شر	رُ	شو	رِ	بِه	د	ور	آ	چِ	رِ	بِه	از	دا	خُ	را	ما
-	U	-	رِ	-	U	-	-	چِ	U	-	-	-	U	-	-
تر	نِ	وا	دِپ	او	رِ	جِپ	زَن	نَد	کُ	می	را	گا	نِ	وا	دِپ
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن						

۱۲ - گزینه ۱ تقطیع گزینه ۱):



نَد	سِب	مِ	عَشِق	زِ	کُو	یِ	هَد	وَس	نَد	مِ	آ	یَد
U	-	U	-	U	-	X	U	-	U	-	-	-
چِر	رَا	کِ	بُو	یِ	گُ	نَز	رُ	خَس	نَد	مِ	آ	یَد
U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
مفاعِلن			فعلاتِن			مفاعِلن			فَعْلِن			

وزن بیت: مفاعِلن فعلاتِن مفاعِلن فَعْلِن

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲)

دِ	لِ	مِن	زِ	تَا	بِ	نَا	کِی	بِ	شَد	رَا	بِ	تَا	بِ	مَا	نَد
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
نَد	کُ	نَد	سِ	یَا	هَ	کَا	رِی	کِ	بِ	آ	فَ	تَا	بِ	مَا	نَد
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
فعلاتُ			فَاعِلاتِن			فَعْلاتُ			فَاعِلاتِن						

وزن بیت: فعلاتُ فاعِلاتِن فَعْلاتُ فاعِلاتِن

(۳)

تَا	دَا	مَد	نَز	مَن	کِ	شِب	دِی	اِی	سَر	وِ	سِب	مِی	تَد	نِ	مَن
-	-	U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	X	U	X	-
هَر	شَب	زِ	خُو	نَا	بِ	یِ	دَل	پُر	گُل	بُد	وَد	دَا	مَد	نِ	مَن
-	-	U	-	-	U	X	-	-	-	U	-	-	U	X	-
مستفعلِن			فَاعِلاتِن			مستفعلِن			فَاعِلاتِن						

وزن بیت: مستفعلِن فاعِلاتِن مستفعلِن فاعِلاتِن

(۴)

اِی	کِ	پَد	سَز	هَد	لَا	کِ	مَن	پَا	یِ	نَد	هَی	بِ	خَا	کِ	مَن
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-
اَز	دِ	لِ	خَا	کِ	بِش	نَد	وِی	نَا	لِ	یِ	دَر	دِ	نَا	کِ	مَن
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-
مفتعلِن			مفاعِلن			مفتعلِن			مفاعِلن						



وزن بیت: مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن
 ۱۳ - گزینه ۱ الف) مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلاتن
 ج) فعلاتن فاعلاتن فعلات فاعلاتن
 بررسی سایر گزینه‌ها:

ب) مفعول فاعلات مفاعیل فاعلهن
 د) مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلهن

۱۴ - گزینه ۲ جان مرا هست کنی مست چو بر من گذری (مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)

۱۵ - گزینه ۴ وزن بیت گزینه ۴: مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلاتن است که که جزء اوزان دوری به حساب می‌آید.
 بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

گزینه ۲: مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلهن

گزینه ۳: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلهن

۱۶ - گزینه ۳

وزن مصراع صورت سؤال:

خ	یا	ل	سر	و	ق	دا	نت	بی	پی	ش	وا	زا	ید
-	U	-	U	U	-	-	-	U	-	U	-	-	-
مفاعلهن				فاعلاتن				مفاعلهن				فعلن	

مصراع گزینه ۳ هم همین وزن را دارد.

۱۷ - گزینه ۱ وزن مصراع گزینه ۱: فاعلاتن مفعولن فاعلات مفعولن

چی	ن	زل	ف	مش	کیر	را	بر	ر	خ	ن	گا	رم	بین
-	U	-	U	-	-	-	U	-	U	-	-	-	-
فاعلاتن				مفعولن				فاعلاتن				مفعولن	

۱۸ - گزینه ۳ وزن بیت گزینه ۳: مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن است و دوری به حساب نمی‌آید.
 بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن

گزینه ۲: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

گزینه ۴: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۱۹ - گزینه ۴ وزن مصراع صورت سؤال و مصراع گزینه ۴: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلهن است.

گر	خو	ن	من	ز	شی	ش	بی	ری	رد	بی	جا	م	او
-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	U	-	-
مفعول				فاعلات				مفاعیلن				فاعلهن	

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مفتعلن فاعلهن مفتعلن فاعلهن

گزینه ۲: فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلهن

گزینه ۳: مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلهن

۲۰ - گزینه ۴ وزن بیت: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

گزینه ۲: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

گزینه ۳: مفتعلن فاعلهن مفتعلن فاعلهن

۲۱ - گزینه ۳ بیت بر وزن «مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلهن» است که دوری نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مفتعلن فاعلهن مفتعلن فاعلهن»

گزینه ۲: «مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن»

گزینه ۴: «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن»



تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه

از	خَ	م	اب	رو	ی	ت	ام	هیچ	گ	شا	ی	شی	نَ	شد
-	U	U	-	U	U	U	-	U	U	-	U	-	U	-
وہ	کِ	دَ	رین	خِ	یا	ل	کج	عم	عَ	زینز	شد	تَ	لف	-
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-
	مفتعلن	مفتعلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	

۳

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه

من	لِ	یا	خِ	شِ	کِ	دست	ود	شَ	کی	ست	دو	ی	رو	اب
-	U	-	U	U	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-
دَف	هَ	بَر	د	رَا	مُ	تِب	مَلَا	کَ	زین	تَ	دَس	زَ	نَ	کَس
-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-
	مفاعِلن		مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن	

۴

تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه

رَد	خُ	می	هَ	شَب	ی	م	لَف	چو	کَ	بی	شهر	ی	فِ	صو
-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U	U	-
لَف	عَ	خَش	نِ	وَا	یَ	حَ	دَا	بَا	ز	رَا	دِ	مَش	رُ	پَا
-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	-
	مفاعِلن		مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن	

۳۱- گزینه ۱ ه می ش = U --

ب و ص ل = U --

۳۲- گزینه ۱

-U	--U	--U	--U
-U	--U	--U	U - U
فعل	فعولن	فعولن	فعولن



ر	دو	ک
ر	-	U

۳۳ - گزینه ۴ تقطیع گزینه‌ی (۴):

تغییر مصوت بلند به کوتاه		تغییر مصوت کوتاه به بلند		حذف همزه													
مَند	عم	مَ	کُنْ	زِ	عَشِدْ	قِ	وِ	یِ	مُفِ	تِ	یِ	زِ	مَیْ	مَیْ	زِ	مَیْ	مَیْ
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	-	U	-	-
مَع	ذو	ر	دا	رَ	مَت	کِ	تُ	او	را	نَ	دِ	دِ	دِ	دِ	دِ	دِ	دِ
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
	مفعول			فاعلات				مفاعیل							فاعِلن		

(مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فَعَل)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱)

آن	سر	ز	نش	کِ	کَر	د	تُ	را	دو	ست	حا	فِ	ظا
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
بِی	شَر	گِ	لیب	مِ	خِیش	مَ	مَ	گر	پا	کِ	شِی	دِ	ای
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
	حذف همزه												
	مفعول			فاعلات				مفاعیل					فاعِلن

(۲)

از	من	جُ	دا	مَ	شو	کِ	تُ	آم	نو	رِ	دِ	دِ	ای
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
آ	را	مِ	جا	نِ	مو	نِ	سِ	قل	بِ	رَ	مِی	دِ	ای
-	-	U	-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-
									تغییر مصوت کوتاه به بلند				
	مفعول			فاعلات					مفاعیل				فاعِلن



۴۴ - گزینه ۴ مصراع اول فقط: در یا / دا / مد، حذف همزه صورت گرفته است.

۴۵ - گزینه ۴ ۱- اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند ندارد.

۲ و ۳- اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند ندارد.

هـ	زَا	ر	سَخ	تِی	یِی	گَر	بَر	مَ	نَا	یِی	دَا	سَا	نَسْت
U	-	U	-	/	U	-	-	U	-	U	-	-	-

تی: کوتاه تلفظ کری مصوت بلنی

ی: حذف همزه

م: حذف همزه

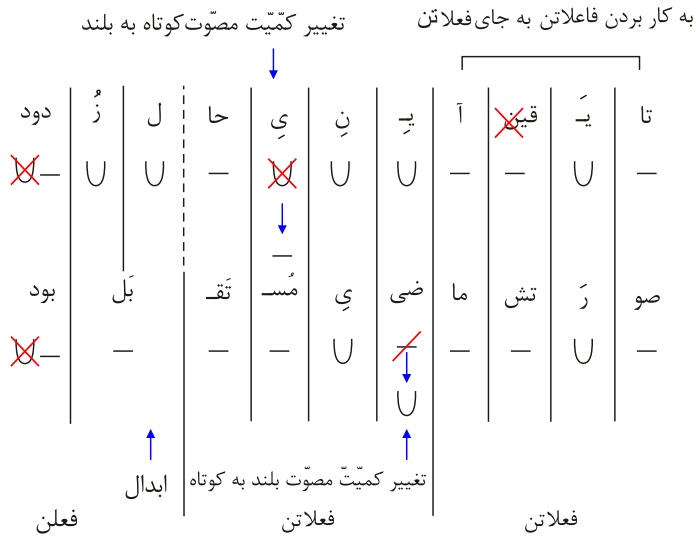
نست: بلند بودن هجای پایین مصراع

۴۶ - گزینه ۲ تقطیع گزینه ی (۲):

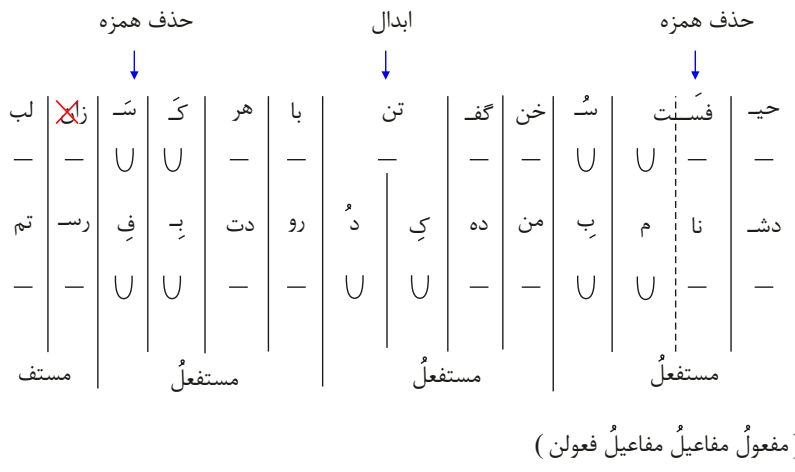
هَس	تِی	یِی	تُ	صو	رَ	تِی	پِی	وَنبَد	نِی
-	U	U	U	-	U	U	-	U	-
تُ	بِی	کَی	سُ	کَس	پِی	تُ	مَی	نَنبَد	نِی
U	U	-	U	-	U	U	-	U	-
تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند	تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	فاعلن	فاعلن

بررسی سایر گزینه‌ها:

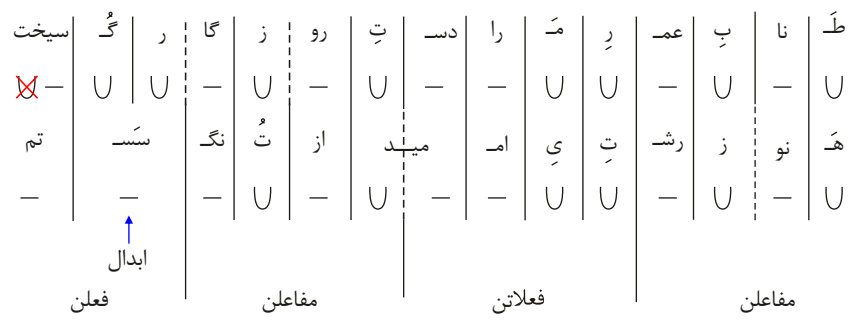
(۱)



(۳)



(۴)



دقت کنیم! تقطیع «روزگار» براساس تلفظ ادبی آن نوشته شد. تقطیع این واژه با تلفظ «روزِگار» این گونه است:

ر | و | ز | گَا : ر

۴۷ - گزینه ۳ در رکن ۳ مصراع اول و رکن اول مصراع دوم بیت ۳ اختیار شاعری ابدال صورت گرفته است. مفعولن در برابر مفعولن قرار گرفته است.

عشق	نِ	طَا	سَل	دَم	هَر	شَان	غَ	دَا	رِ	تَ	آ	بَا
-	U	-	-	-	-	-	U	-	U	U	U	-
گو	یَد	خَا	اَم	تُ	یِ	خَا	یَا	نِ	قَا	خَا	یَد	بَا
-	-	-	-	U	U	-	-	U	-	-	-	-

مفعولن

فاعلن

مفعولن

فاعلن

نست های عروض و قافیه



۴۸ - گزینه ۲ هر دو مصراع بر وزن: «فاعلاتن فاعلاتن فعلن» است، یعنی در رکن اول هر دو مصراع «فاعلاتن» به جای «فاعلاتن» آمده است، در حالی که در سایر گزینه‌ها این اختیار فقط در مصراع‌های دوم رخ داده است.

۴۹ - گزینه ۳ در «سی لِ خو نَز» در مصراع اول و «نا و دا ن» در مصراع دوم فاعلاتن به جای فعلاتن به کار رفته است.

اختیار قلب ندارد گزینه ۱ - ۵۰

ط / ها / ر / تر // ن / ب / خو / ن // ج / گر / ک / ند // عا / شق

ب / ب / قو / ل / مف // ت / ی / عش / قش // د / رس / ت / نی // ست / ن / ماز

ابدال

مفاعن فاعلاتن مفاعن فعلن

۵۱ - گزینه ۴

ابدال
↑
- - - U - U - - - UU - U - U
- UU - U - / - - - UU - U - U
U

ابدال: هجای بلند: هی / دو هجای کوتاه بِ بَ

حذف همزه: ظلمات است: ظلماتست

«می» در هجای نهم کوتاه تلفظ می‌شود.

۵۲ - گزینه ۲ بیت بر وزن مفاعن فاعلاتن مفاعن فعلن است. اختیارات شاعری:

بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در (می)

کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در (کشتی)

ابدال در (آید)

۵۳ - گزینه ۲ وزن: مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستف

در مصراع اول سایر گزینه‌ها رکن دوم به «مفعولن» ابدال شده است.

هجای اول رکن دوم بیت سوم اختیار تبدیل مصوت کوتاه به بلند دارد.

۱ -	ما در خ ط	رُف تادی	مَز عشق چه	گوییم
۳ -	هر چند م	ه ما را	از ما خَب	ری نیست
۴ -	برتو بَ د	لی نارم	دیگر ن کُ	نم یاد
	وزن	مستفعلُ	مفعولن	مستفعلُ

۵۴ - گزینه ۳ وزن بیت: مستفعلُ فاعلاتُ مستف (فع لن)

در مصراع دوم، به جای «مستفعلن»، «مفعولن» آمده است.

زان	چش	مِ	پَ	آز	خُ	ما	رِ	سَر	مست
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
پُر	خون		دا	رَم	رُ	دی	دِ	یی	دَسْت
-	-		-	-	U	-	U	-	-
مفعولن (ابدال) اختیار		مفاعن			مفتعلن				

۵۵ - گزینه ۲ بیت فاقد کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند است، لذا گزینه ۲ نمی‌تواند پاسخ مدنظر باشد.

تشریح سایر اختیارات:

ابدال: رکن پایانی مصراع دوم / بلند تلفظ کردن هجای کوتاه: هجای چهارم مصراع اول / حذف همزه: چمن از = چَ مَ نَز / بلند تلفظ کردن هجای پایانی: شدند در مصراع اول / آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن: وزن شعر فاعلاتن فاعلاتن فعلن است که در رکن اول هر دو مصراع به جای فعلاتن، از فاعلاتن استفاده شده است.

۵۶ - گزینه ۱ هجای پایانی این گزینه کوتاه درج شده است؛ در حالی که هجای پایانی در هر شرایطی بلند محسوب می‌شود؛ لذا تقطیع این بیت نادرست است. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: جَانِ مَ نُ / تُ تشِ نِ یِ / مه ر بود: هجای دوم و چهارم تبدیل به هجای بلند می‌شود.

گزینه ۳: گامی بَ تُ / نَز دِی کُ گَا / می دور: هجای چهارم بلند محسوب می‌شود.

گزینه ۴: پشِ تِ لبِ خن / دِی پنِ هان / هر چیز: ابدال، هجای بلند پنجم معادل دو هجای کوتاه است.



۵۷ - گزینه ۴: گزینه ۱: خوشتر ردیف است و «ن» حرف روی است؛ یعنی آخرین حرف از حروف اصلی قافیه که (ان) است.

گزینه ۲: حروف اصلی قافیه «ان» است و مصوت + صامت است که بر اساس قاعده ۲ است.

گزینه ۳: وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» است که صورت دیگر آن (مستفعل مستفعل مستفعل فع) است.

گزینه ۴: در بیت اول در مصراع اول و در بیت دوم مصراع دوم مفاعیل به مفاعیل تبدیل شده است و اختیار قلب داریم و هم چنین در مصراع اول و دوم بیت دوم اختیار ابدال داریم.

به نظر می‌رسد این سوال پاسخ صحیح ندارد.

۵۸ - گزینه ۱ اختیار آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در ابتدای مصراع اول و اختیار بلند بودن هجای پایانی مصراع در کلمه «نیست» که به صورت کشیده است و به صورت بلند محسوب می‌شود و هم چنین اختیار ابدال که در تبدیل فعلن به فعلن در آخر مصراع اول وجود دارد.

۵۹ - گزینه ۲ در این گزینه در واژه «کسی»، «سی» به صورت کوتاه تلفظ می‌شود و هم چنین در واژه «دل» «ل» به صورت بلند تلفظ می‌شود و دو اختیار زبانی دارد.

هم چنین در مصراع دوم «نیست» به صورت کشیده است و به بلند تبدیل می‌شود و اختیار وزنی بلند بودن هجای پایانی مصراع است.

همین‌طور تبدیل فعلن به فعلن در آخر مصراع دوم «دا نیست» اختیار وزنی ابدال است و در ابتدای مصراع دوم «بی‌خبر باش» اختیار وزنی آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن وجود دارد. پس سه نوع اختیار وزنی و دو اختیار زبانی وجود دارد.

۶۰ - گزینه ۴ حذف همزه مشهود است (مردم آموزند) ولی کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند در ابیات دیده نمی‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شعر مفهوم اخلاقی و تعلیمی دارد.

گزینه ۲: حروف اصلی قافیه متشکل از مصوت، صامت است و تبصره قافیه (آوردن حروف الحاقی) نیز مشهود است.

گزینه ۳: شاعر در ابتدای هر دو بیت از اختیار شاعری آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن بهره برده است.

۶۱ - گزینه ۴ وزن بیت مفاعیل فاعلاتن مفاعیل فعلن است و اختیار آوردن «فاعلاتن» به جای «فعلاتن» در این وزن غیرممکن است.

تشریح سایر اختیارات شاعری:

ابدال: آوردن «فعلن» در پایان مصراع دوم به جای «فعلن»

بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در ترکیب اضافه رخنه‌رهای (کسره اضافه بلند تلفظ می‌شود).

کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (ای) در واژه خنده‌رویی

چُن	گُ	لُ	مِی	دَ	مِ	یَز	پَر	دِ	بِ	رَو	نَا	ئِ	دَ	رَا
کِ	دِ	گِر	بَا	رِ	مُ	لَا	قَا	تِ	نِ	پِی	دَا	بَا	شُد	
		U			U				U					
		فعلاتن			فعلاتن				فعلاتن				فعلن	

۶۲ - گزینه ۱ ابدال: در رکن آخر مصراع اول دو هجای کوتاه داریم، اما در رکن آخر مصراع دوم یک هجای بلند بنابراین، اختیار وزنی ابدال داریم.

فاعلاتن به جای فعلاتن در مصراع اول آمده است.

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند در هجای سوم مصراع اول آمده است.

قُو	وَ	تِ	بَا	زَوِی	پَر	هَی	زُ	بَا	خَو	بَا	مَ	فُ	رُوش
کِ	دِ	رِی	خِی	لِ	حِ	صَا	رِی	بِی	سِن	وَا	رِی	گِی	رِنْد
		U			U				U				

بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه: هجای سوم مصراع اول

کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند: هجای پنجم مصراع اول

ابدال: دو هجای کوتاه در رکن چهارم مصراع اول مقابل یک هجای بلند رکن چهارم مصراع دوم قرار گرفته است.

۶۳ - گزینه ۱ اختیارات زبانی، حذف همزه در عبارت «اه اگر» - بلند تلفظ کردن کسره اضافه در ترکیب «دامن پاک تو»

اختیارات وزنی: بلند بودن هجای پایانی هر دو مصراع - آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در ابتدای هر دو مصراع - آوردن «فعلن» آن به جای «فعلن» در پایان مصراع دوم (ابدال) تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: فاقد اختیار زبانی - اختیار وزنی: بلند بودن هجای پایانی در دو مصراع

گزینه ۳: اختیار زبانی - حذف همزه در عبارت سحر آهنگ - اختیارات وزنی: بلند بودن هجای پایانی هر دو مصراع

گزینه ۴: اختیار زبانی: بلند بودن کسره اضافه در ترکیب صاحب بخت بلند - اختیارات وزنی: بلند بودن هجای پایانی مصراع اول

۶۴ - گزینه ۳ در این بیت شاعر یک بار مصوت کوتاه را بلند کرده است. در هجای هفتم، «ر» در خیره بلند تلفظ می‌شود. به همین دلیل گزینه ۳ نادرست است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مفعول مفاعیل مفاعیلن فع یا مستفعل فاعلات مفعولن فع

گزینه ۲: در رکن پایانی بیت اول ابدال به کار رفته است.

گزینه ۴: واژگان قافیه: تیز - خیز - مریز - گریز است و حرف روی «ز» است.



۶۶ - گزینه ۱ در بیت گزینه «۱» تنها اختیار وزنی ابدال وجود دارد. رکن آخر مصراع اول دارای دو هجای کوتاه و رکن آخر مصراع دوم دارای یک هجای بلند است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: اختیار زبانی حذف همزه و اختیار وزنی آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

گزینه «۳» و «۴»: اختیار زبانی حذف همزه و اختیار وزنی بلند تلفظ کردن هجای پایانی

۶۷ - گزینه ۳ حذف همزه در بیت وجود ندارد. «در این» در هر دو مصراع به این صورت خوانده می‌شود نه به شکل «درین پس»، حذف همزه نداریم.

۶۸ - گزینه ۳ در رکن دوم مصراع اول، به حل «مفاعِلن»، «متعلِن» آمده است.

-	U	-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	U	-	U	U	-
بار	ی	ز	ی	شو	ب	ک	پا	گر	ن	ی	قا	خا	سی	ن	ی	خا
ری	گ	نا	ث	ند	ک	ش	بی	را	ث	گا	ی	دا	پی	ش	خ	دا
-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	U	-

۶۹ - گزینه ۲ در همه گزینه‌ها ابدال آمده است و در همه گزینه‌ها به جز گزینه «۲» در رکن اول فاعلاتن به جای فعلاتن آمده است.

۷۰ - گزینه ۱ بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در کسره پایانی قوت / کوتاه کردن تلفظ مصوت بلند پایان بازو / ابدال در گیرند / ابتدای مصراع اول آمدن فاعلاتن به جای فعلاتن / د رین حذف همزه / بلند بودن هجای پایان هر دو مصراع / بیت فاقد اختیار قلب است.

۷۱ - گزینه ۲ صب / ح / خا / هد / شد: فاعلاتن فع // و / ب / این / کا / س / ی / آ / ب / فاعلاتن فعلن // آ / س / ما / هج / رت / خا / هد / کرد / فاعلاتن فعلاتن فع

۷۲ - گزینه ۳ ب / چ / خا / هی / بُر / دن // فعلاتن فعلن

دَر / ش / بی / این // م / تا / ری // ک / پ / ناه // فاعلاتن فعلاتن فعلن

۷۳ - گزینه ۳ در رو ی / من م خند: مفعول فاعلن

شی ری نی / ی ن گاه / ت بر من ح / رام باد: مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن، تبدیل هجای سوم به کوتاه و تبدیل هجای چهارم به بلند.

۷۴ - گزینه ۴ وزن سروده نیمایی «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن / مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن / مفعول فاعلن» است.

۷۵ - گزینه ۴ شکل

فاعلاتن	فُ شَ با رام	آ س مان صا
فعلاتن	- - U U	- - U -
فاعلاتن	نُ زَ مان رام	بَخ ت خَن دا
فعلاتن	- - U U	- - U -

۷۶ - گزینه ۳ وزن بیت مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن است که دارای ۱۴ هجاست و همچنین ۴ هجای کشیده (جواب / داد / پدید / سوال) در مصراع دوم آن مشهود است. رد گزینه ۱: بیت از اوزان ناهمسان است / رد گزینه ۲: در بیت اختیار زبانی یافت نمی‌شود. / رد گزینه ۴: بیت در بحر رجز نیست (بحر آن مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف) است.

۷۷ - گزینه ۳ د ج / هان / را // فعلون - بُ / لن / دی // فعلون - و / پس / تی // فعلون - ت / بی // فَعَل (بحر متقارب)

الف) نَر / د / با / ن // فاعلاتن - این / ج / هان / ما // فاعلاتن - و / م / نیست // فاعلن (بحر رمل)

ج) با / زا / ی / بر // مستفعلن - چش / مم / ن / شین // مستفعلن - ای / دل / س / تا // مستفعلن - ن / نا / زَ / نین // مستفعلن (بحر رجز)

ب) مَ / را / نَ / سر // مفاعیلن - نَ / سا / مان / آ // مفاعیلن - فَ / ری / دند // فعلون (بحر هزج)

۷۸ - گزینه ۴ فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلن

مر / ح / با / ای // فاعلاتن

پی / ک / مش / تا // فاعلاتن

قان / ب / د / پی // فاعلاتن

غا / م / دوست // فاعلن

وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن

گزینه «۲»: فاعلاتن فعلاتن فعلن

گزینه «۳»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رمل مثنیٰ سالم)

۷۹ - گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) رجز مثنیٰ سالم (۳) هزج مثنیٰ سالم (۴) رجز مثنیٰ سالم

۸۰ - گزینه ۱ وزن این مصراع فعلون فعلون فعلون فعلون است که در بحر متقارب مثنیٰ سالم است.

گزینه ۲: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن / گزینه ۳: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن / گزینه ۴: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن



۸۱ - گزینه ۳ بر وزن مفاعیلن است و نام مفاعیلن هم در نام گذاری اوزان «هزج» است.

۸۲ - گزینه ۳ نام بحر «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن»؛ رمل مثنی محذوف است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: متقارب مثنی محذوف

گزینه «۲»: هزج مثنی سالم

گزینه «۴»: رجز مثنی سالم

۸۳ - گزینه ۳ جسمانی و روحانی حرف روی مشترک ندارند. «انی» که حروف مشترک قافیه در دو مصراع است جزء حروف اصلی کلمات جسم و روح نیست و به این کلمات الحاق شده است.

۸۴ - گزینه ۳ حروف قافیه در واژگان شکر و کفر یکسان نیست. (کُفر، کُفر)

۸۵ - گزینه ۳ کلمات ردیف باید در لفظ و معنا یکسان باشند. در ابیات آمده، هماهنگی لفظ را داریم، اما در بیت گزینه‌های «الف»، «ج» و «د» هماهنگی معنایی نداریم، پس این ابیات فاقد ردیف هستند.

«گویم» در مصراع اول بیت «الف» فعل است، در مصراع دوم «گوی هستم» است.

«بری» در مصراع اول بیت «ج» به معنای دور و در مصراع دوم فعل است.

«نیست» در مصراع اول بیت «د» به معنای وجود ندارد و در مصراع دوم به معنای فعل اسنادی است.

۸۶ - گزینه ۱ قاعده قافیه در این گزینه مطابق قاعده ۱ و در سایر گزینه‌ها مطابق با قاعده ۲ است.

۸۷ - گزینه ۳ اگر قافیه دارای حروف الحاقی باشد، یکسان نبودن مصوت پایانی بدون عیب است؛ ولی در گزینه «۳» حروف الحاقی وجود ندارند.

۸۸ - گزینه ۱ الف «او و خو» کلمات قافیه و «و» حرف اصلی قافیه، طبق قاعده ۱

ب «را و خدا» کلمات قافیه و «ا» حرف اصلی قافیه، طبق قاعده ۱

ج «دیوارها و اسرارها» کلمات قافیه و «ار» حروف اصلی قافیه، طبق قاعده ۲

د «برو و گرو» کلمات قافیه و «و» حروف اصلی قافیه، طبق قاعده ۲

۸۹ - گزینه ۳ قافیه اصلی در کلمات مگوی و مجوی و قافیه دوم در کلمات خون‌ریزی و تبریزی است اما در گزینه‌های دیگر واژه‌های «تابوت و کوفت»، «جگر و مکر» و «سوز و باز» نمی‌توانند قافیه باشند.

۹۰ - گزینه ۳ به یک اشاره در مفهوم کنایی بسیار سریع در نقش گروه قیدی آمده است.

قافیه در گزینه‌های ۱ و ۲ صفت و در گزینه ۴ متمم است.

۹۱ - گزینه ۳ تشریح قاعده و تبصره قافیه‌ها:

بیت الف: مصوت بلند «او» حرف اصلی است و قاعده قافیه ۱ است (از تبصره‌ها استفاده نشده است).

بیت ب: «مرهمی و همدمی» واژه‌های قافیه هستند. مصوت بلند «ای» حرف الحاقی محسوب می‌شود (تبصره قافیه) و حروف اصلی قافیه «ین» است. (قاعده ۲)

بیت ج: «سر و بر» واژه‌های قافیه هستند و حروف اصلی قالیه «ر» است (قاعده ۲) و از تبصره‌های قافیه استفاده نشده است.

بیت د: «های بیان حرکه (ه) در حکم حروف الحاقی است و حرف اصلی قافیه «بن» است (قاعده ۲) و تبصره (وجود حروف الحاقی) مشهود است.

۹۲ - گزینه ۳ قاعده اول قافیه مختموم بودن حرف اصلی قافیه به «ا» یا «و» است. تبصره «یک» یعنی قافیه‌هایی که حروف الحاقی دارند. کلمات قافیه در بیت گزینه «۳» زیبایی و بگشایی هستند. «بی» حروف الحاقی و «ا» حرف اصلی قافیه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: کلمات قافیه: «زبانم و جانم» / حروف اصلی: «ان» / حروف الحاقی: «م».

گزینه «۲»: کلمات قافیه: «شکر و هر» / حروف اصلی: «ر».

گزینه «۴»: کلمات قافیه: «پا و رعنا» / حرف اصلی «ا»

۹۳ - گزینه ۱ مصوت حروف قافیه همواره باید یکسان باشد؛ پس دل و گل قافیه نمی‌شوند.

۹۴ - گزینه ۲ قافیه ابیات (الف - د) از قاعده «۲» تبعیت می‌کند و هر دو دارای حروف الحاقی است و در نتیجه تبصره قافیه نیز دارد.

۹۵ - گزینه ۱ حروف اصلی قافیه: - ند (مصوت + صامت + صامت)

حروف اصلی در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: - م (مصوت + صامت)

گزینه «۳»: ان (مصوت + صامت)

گزینه «۴»: ان (مصوت + صامت)

۹۶ - گزینه ۳ در گزینه «۳» واژگان قافیه درست مشخص شده‌اند اما حرف روی «ال» است و «ت» حروف الحاقی است (قاعده ۲ و تبصره ۱)

در هجای پنجم مصراع دوم، مصوت کوتاه به بلند تبدیل شده است.



۹۷ - گزینه ۳ دوشم در مصراع اول به معنای دوش یا کتف من و در مصراع دوم به معنای دیشب هستم است. حرف روی: ش و م حروف الحاقی است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: کلمات قافیه: پیشرو و نو / حروف اصلی: و است که قاعده ۲، قافیه است.

گزینه ۲: کلمات قافیه در این بیت تنها باش و تاش است و بنده و خواجه قافیه نیستند.

گزینه ۴: آمدم در این بیت ردیف است. کلمات قافیه «کار و امیدوار» است که حروف الحاقی ندارد.

۹۸ - گزینه ۲ برای تشخیص قاعده قافیه نباید حروف الحاقی را در نظر بگیرید. در گزینه ۲، کلمات قافیه آیم و بیاریم است. «ا» حرف اصلی و م حروف الحاقی قافیه است که قاعده یک قافیه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: کلمات قافیه: شاعری، نشمری / حرف اصلی: ر - / حرف الحاقی: ی

گزینه ۳: کلمات قافیه: قضا، رضا / حرف اصلی: ا / حرف الحاقی: ندارد. / است: ردیف

گزینه ۴: کلمات قافیه: جلیبای، پای / حرف اصلی: ا / حرف الحاقی: ی

۹۹ - گزینه ۳ طبق تبصره قافیه، «ی» حرف اصلی قافیه نمی‌تواند باشد؛ پس حرف اصلی این دو کلمه، قبل از «ی» یکسان نیست و قافیه غلط است.

معنی - دعوی

۱۰۰ - گزینه ۱ در بیت گزینه ۱، کلمات (انس و خرس) به دلیل فقدان حروف مشترک، قافیه صحیح نمی‌سازند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: (جوان و بدان) = کلمات قافیه / ان = حروف قافیه

گزینه ۳: (چنان و آسمان) = کلمات قافیه / ان = حروف قافیه

گزینه ۴: (بهل و بخل) = کلمات قافیه / ل = حروف قافیه

۱۰۱ - گزینه ۱ جلال و جمال: قافیه اصلی / رسوم و نجوم: قافیه دوم

۱۰۲ - گزینه ۲ دوخته و سوخته قافیه اصلی، بر و پر قافیه دوم، «است» ردیف می‌باشد.

گزینه ۱: کسی و بسی، جوید و گیرد نمی‌توانند قافیه باشند / گزینه ۳: کیش و ریش، زشت و پشت نمی‌توانند قافیه شوند / گزینه ۴: غم و بچم، جوانان و گریبان قافیه دوم نیستند.

نکته: گزینه ۴ به طور قطع ذوقافیتین نیست؛ زیرا «گریبان» که با کسر ه الحاقی خوانده می‌شود با جوانان (بدون کسر ه و به طور ساکن خوانده می‌شود) نمی‌توانند در حکم قافیه باشند.

۱۰۳ - گزینه ۱ سراینده این ابیات سعدی است.

۱۰۴ - گزینه ۳ تشریح ابیات:

گزینه ۱: کیشم و نیشم و خویشم، قاعده ۲ (رد گزینه ۱)

گزینه ۲: جا و مأوا، قاعده ۱ فاقد تبصره (رد گزینه ۲)

گزینه ۳: بی‌نوایی و آشنایی و بلایی، قاعده ۱ حرف قافیه «ا»، «بی» الحاقی و بیت دارای تبصره قافیه است.

گزینه ۴: کنارم و خارم و لاله‌زارم قاعده ۲ (رد گزینه ۴)

۱۰۵ - گزینه ۳ قاعده قافیه در سایر گزینه‌ها «ا» و در گزینه ۳، قاعده ۲، است.



پاسخنامه کلیدی

۱ - ۱	۱۶ - ۳	۳۱ - ۱	۴۶ - ۲	۶۱ - ۴	۷۶ - ۳	۹۱ - ۳
۲ - ۲	۱۷ - ۱	۳۲ - ۱	۴۷ - ۳	۶۲ - ۱	۷۷ - ۳	۹۲ - ۳
۳ - ۱	۱۸ - ۳	۳۳ - ۴	۴۸ - ۲	۶۳ - ۱	۷۸ - ۴	۹۳ - ۱
۴ - ۲	۱۹ - ۴	۳۴ - ۱	۴۹ - ۳	۶۴ - ۱	۷۹ - ۱	۹۴ - ۲
۵ - ۱	۲۰ - ۴	۳۵ - ۴	۵۰ - ۱	۶۵ - ۳	۸۰ - ۱	۹۵ - ۱
۶ - ۲	۲۱ - ۳	۳۶ - ۳	۵۱ - ۴	۶۶ - ۱	۸۱ - ۳	۹۶ - ۳
۷ - ۱	۲۲ - ۲	۳۷ - ۴	۵۲ - ۲	۶۷ - ۳	۸۲ - ۳	۹۷ - ۳
۸ - ۴	۲۳ - ۴	۳۸ - ۴	۵۳ - ۲	۶۸ - ۳	۸۳ - ۳	۹۸ - ۲
۹ - ۲	۲۴ - ۱	۳۹ - ۲	۵۴ - ۳	۶۹ - ۲	۸۴ - ۳	۹۹ - ۳
۱۰ - ۴	۲۵ - ۴	۴۰ - ۲	۵۵ - ۲	۷۰ - ۱	۸۵ - ۳	۱۰۰ - ۱
۱۱ - ۴	۲۶ - ۲	۴۱ - ۳	۵۶ - ۱	۷۱ - ۲	۸۶ - ۱	۱۰۱ - ۱
۱۲ - ۱	۲۷ - ۳	۴۲ - ۲	۵۷ - ۴	۷۲ - ۳	۸۷ - ۳	۱۰۲ - ۲
۱۳ - ۱	۲۸ - ۳	۴۳ - ۱	۵۸ - ۱	۷۳ - ۳	۸۸ - ۱	۱۰۳ - ۱
۱۴ - ۲	۲۹ - ۱	۴۴ - ۴	۵۹ - ۲	۷۴ - ۴	۸۹ - ۳	۱۰۴ - ۳
۱۵ - ۴	۳۰ - ۱	۴۵ - ۴	۶۰ - ۴	۷۵ - ۴	۹۰ - ۳	۱۰۵ - ۳

تست آرایه های ادبی



SOHRAB SEPEHRI

1928 - 1980



۱- در کدام بیت، هر سه آرایه «تلمیح، تشبیه و جناس افزایشی» وجود دارد؟ (با تغییر)

- ① سیمرغ کوه قاف حقیقت کنون منم
 ② آن که کام از لب شیرین تو خواهد یابد
 ③ دل‌های مرده زندگی از سر گرفته‌اند
 ④ خضرسان از چشمهٔ احسان هستی‌بخش نوش
- کو عارفی که قول مرا ترجمان کند
 نیش را بر قدح نوش مقدم دارد
 تا چون مسیح با لب جان‌پرور آمدی
 جرعهٔ باقی بنوشد عمر جاویدان کند

۲- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«روشن‌ت گردد اگر خال و خطش را بینی که چرا روز فراق و شب هجران، تار است»

- ① تشبیه، تضاد، مجاز، استعاره
 ② حسن تعلیل، استعاره، ایهام، پارادوکس
 ③ استعاره، لف و نشر، مجاز، تضاد
 ④ تشبیه، لف و نشر، ایهام تناسب، پارادوکس

۳- در کدام بیت، آرایه «لف و نشر و ایهام» به چشم می‌خورد؟

- ① گرچه کام ز لب نوش تو تلخ است اما
 ② ز سودای رخ و زلفش غمی دارم شبان‌روزی
 ③ لب شیرین تو گویا به حدیث آمد باز
 ④ با خیال روی و مویش غرق نور و ظلمتم
- گر کسی گوش دهد قصهٔ شیرین دارم
 مرا صبح وصال او نمی‌گردد شبی روزی
 که برآورده بسی شور ز هر شیدایی
 کو نظربازی که سیر صبح و شام من کند

۴- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات درست هستند، به جز:

- ① از آن به خاک درت مست می‌سپارم جان
 ② مست‌اند همه خانه کسی را خبری نیست
 ③ ابر را بنگر که لاف دُرَفشانی می‌زند
 ④ سر برای تو که هم دردی و هم درمانی
- که هم به کوی تو مستم به خاک بسپارند (حسن تعلیل، ایهام تناسب)
 از هر که در آید که فلان است و فلانه است (ایهام، مجاز)
 بس که از چشمم به دامن لؤلؤی لالا گرفت (استعاره مصرحه، استعاره مکئیه)
 جان فدای تو که هم زهری و هم تریاکی (تناقض، موازنه)

۵- آرایه‌های «ایهام، موازنه، تشخیص، لف و نشر و تشبیه» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- الف) بازم لباس صبر به صد پاره کرده‌ای
 ب) ای ز جام می‌عشق تو خرد رفته ز هوش
 ج) گفتمی که تا ز نزد تو دورم چگونه‌ای؟
 د) زلف کافرکیش تو آیین ایمان برگرفت
 ه) شمع دل را شب هجران تو سر سوخته‌ام
- بازم ز کوی عافیت آواره کردی
 لب و دندان تو را لعل و گهر حلقه به گوش
 دور از تو آن چنان که منم هیچکس مباد
 عقل را صف برشکست و عالم جان برگرفت
 مرغ جان را گه سودای تو پر سوخته‌ام
- ① ج، ه، د، ب، الف
 ② د، ج، ه، الف، ب
 ③ ج، د، ه، الف، ب
 ④ د، ج، الف، ب، ه

۶- آرایه‌های کدام گزینه در بیت وجود ندارد؟

«مشو از حرف عشق ای خامهٔ آتش زبان خامش کز این روشن‌بین، فانوس شمع طور شد گوشم»

- ① استعاره، تلمیح
 ② مجاز، تشخیص
 ③ ایهام، پارادوکس
 ④ تشبیه، حسن تعلیل



۷- آرایه‌های «اغراق، حسن تعلیل، واج آرای، لف و نشر و پارادوکس» به ترتیب در کدام ابیات، آمده است؟

- (الف) روشن شده است آینه ما به نور عشق خورشید، خال عیب رخ دودمان ماست
 (ب) صائب اظهار غم و شادی خود بی‌ظرفی است و نه ما نیز بهاری و خزانی داریم
 (ج) چنان از شرم زلفش آب شد در چشمه‌ها سنبل که نتوان امتیاز از موج کردن زلف سنبل را
 (د) از روزگار حاصل هر کس به قدر دارد بی‌حاصلی است ما را حاصل ز روزگاران
 (ه) حلقه چاکری توست که دارد مه نو کمر بندگی توست که دارد جوزا
- ① ج، الف، ه، د، ب ② ج، ه، الف، ب، د ③ الف، ب، ه، ج، د ④ الف، ج، ب، د، ه

۸- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز

- ① گر تو زنی تیغ هلاکم به فرق فرق من و خاک کف پای تو (جناس تام، تشبیه)
 ② از گوشه بامت سر پرواز ندارم ای کاش که مرغ دلم از بال و پر افتد (تشبیه، مجاز)
 ③ یعقوب چو چشمش به تو زیبا پسر افتد اول نظرش یوسف مصر از نظر افتد (اغراق، کنایه)
 ④ زان زلف و رخ، شام و سحر در کفر و دین بردم به سر ز ناربندی را نگر تسبیح‌خوانی را بین (لف و نشر، تضاد)

۹- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

- «تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم تویی آن کس که در عالم به جفت ابروان طاقی»
- ① تشبیه، تضاد، ایهام، جناس تام ② تشبیه، مجاز، ایهام تناسب، تضاد
 ③ پارادوکس، جناس ناقص، کنایه، اغراق ④ استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس

۱۰- آرایه‌های بیت زیر کدام است؟

- «زنده به بوی توام بوی ز من وا مگیر تشنه روی توام باز مدار از من آب»
- ① کنایه، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز ② استعاره، تشبیه، کنایه، جناس همسان
 ③ کنایه، تشبیه، ایهام، جناس ناهمسان ④ استعاره، ایهام تناسب، مجاز، جناس همسان

۱۱- آرایه‌های بیت زیر (از فروغی بسطامی) کدام هستند؟

- «فروغی شهره هر شهر شد شعرم به شیرینی که در گفتار شیرین خسروم داده‌است فرمانی»
- ① واج آرای، ایهام تناسب، تلمیح، حس آمیزی ② کنایه، واج آرای، مراعات نظیر، حسن تعلیل
 ③ استعاره، تشبیه، اسلوب معادله، مراعات نظیر ④ حسن تعلیل، ایهام تناسب، استعاره، اسلوب معادله

۱۲- آرایه‌های مقابل کدام بیت «همگی» درست است؟

- ① تا رقیب از لب او کامروا شد گفتم / خاتم دست سلیمان به کف اهرمن است (اسلوب معادله، کنایه)
 ② سزای من که دمی خرم از وصال شدم / هزار مرتبه عشق از غم جدایی داد (مجاز، ایهام)
 ③ تا سرو پی بندگی قد تو برخاست / دور فلک آزاد ز بند محنتش کرد (تشبیه، حسن تعلیل)
 ④ گر جذبه محبت آتش به دل فروزد / برگ هوس توان سوخت ترک هوا توان کرد (استعاره، تضاد)



۱۳- آرایه‌های «تشبیه، اغراق، ایهام و لف و نشر» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) نسخه چشم و ابرویت پیش نگارگر برم / گویش این چنین بکن صورت قوس و مشتری
 (ب) تا زیب بناگوش تو شد طره مشکین / هرگز خبرم نیست نه از صبح و نه از شام
 (ج) سینه چاکان محبت همه دانند که من / سپر انداخته تیغ دو ابروی توام
 (د) ای قیامت ز قیام تو نشانی، برخیز / که به جان در طلب قامت دلجوی توام

۱) د، ج، الف، ب ۲) د، ب، ج، الف ۳) ج، د، الف، ب ۴) ج، الف، ب، د

۱۴- آرایه‌های مقابل ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز (با تغییر)

- ۱) کاش در پرده شب و روز نپوشی رویت / تا نازد فلک سفله به خورشید و مهش (لف و نشر، تشخیص)
 ۲) کی می‌رسی به حلقه رندان پاکباز / تا نشکنی ز سنگ ملامت سیوی خویش (استعاره، تشبیه)
 ۳) قوت من خون جگر بود ز یاقوت لبش / هیچ کس در طلب نوش نخورد این همه نیش (جناس، تضاد)
 ۴) شوق سپند خال تو کرد آنچه با دلم / مجمر نکرده ز آتش خود با سپند خویش (اغراق، جناس تام)

۱۵- آرایه‌های «ایهام، تضاد، مجاز، پارادوکس و استعاره»، به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) هزار ناخن تدبیر غوطه در خون زد / نشد گشاده شود عقده‌های مشکل ما
 (ب) نیست ما را وحشتی از برگ‌ریزان حواس / این زیان‌ها را سراسر سود می‌دانیم ما
 (ج) شب به چشم ما نسازد روز روشن را سیاه / فیض صبح از سینه بی‌کینه می‌یابیم ما
 (د) دهن چو شیشه گشاییم بهر شادی خلق / وگرنه مهر خموشی است جام عشرت ما
 (ه) می‌شود روشن ز خاموشی چراغ عاشقان / در هلاک خویش چون پروانه بی‌تابیم ما

۱) ب - الف - ج - د - ه ۲) ب - د - ج - ه - الف ۳) الف - ج - ه - ب - د ۴) ه - ج - د - ب - الف

۱۶- کدام بیت، فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ایهام تناسب» است؟ (با تغییر)

- ۱) خواهم ز پس پرده تقوا به در افتم / چندی به زبان همه کس چون خبر افتم
 ۲) چون بلبل دل سوخته را بال شکستند / بر طرف چمن باز به پروانه نیاید
 ۳) نه طره‌ات غم شب‌های تار من دارد / نه چشم مست تو فکر خمار من دارد
 ۴) من آن نیام که کند یار اجتناب از من / همیشه صحبت آتش به شمع درگیرد

۱۷- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«ز باغ حسن خود بر خور که من در سایه سروت / جهانی را ز باغ عشق بر خوردار می‌بینم»

- ۱) تشبیه، جناس، تلمیح، کنایه ۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام
 ۳) تشبیه، استعاره آشکار، جناس، مجاز ۴) کنایه، تضاد، مجاز، واج‌آرایی

۱۸- آرایه‌های «مجاز، ایهام، حسن تعلیل و استعاره»، به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) به خون از نعمت الوان قناعت کن که مشک تر / به خون خوردن شد از ناف غزالان ختن پیدا
 (ب) زمین قابل اگر بهر فکر می‌طلبی / ز پیش مصرع ما بیشتر شود پیدا
 (ج) غنچه دلگیر ما را برگ شکرخند نیست / ای نسیم عافیت، شبگیر کن از کوی ما
 (د) تا دور از آن لب شکرین همچو نی شدیم / ترجیع بند ناله بود بربند ما

۱) ب، الف، ج، د ۲) ب، د، الف، ج ۳) ج، الف، د، ب ۴) ج، د، ب، الف



۱۹- هر دو آرایهٔ مقابل همهٔ ابیات درست است به جز.....

- ۱) سال‌ها زان لعل نوشین کامران بودیم و اکنون / باری از آن تیر مژگان گر که نیش آید خوش آید (تشبیه، استعاره)
 ۲) عشق باز آی که جانی به تنم باز آید / دل نیازار که دلبر به سر ناز آید (جناس تام، استعاره)
 ۳) شمع لرزان شبانگام و جانم به سر دست / تا نسیم سحرم بال و پرافشان به بر آید (تشبیه، کنایه)
 ۴) ماه کنعان چو به تلخی به دل چاه کند جان / کاروان گو همه با بار گلاب و شکر آید (استعاره، کنایه)

۲۰- آرایه‌های رو به روی کدام بیت، تماماً درست است؟

- ۱) گرفته‌ام ز جهان گوشه‌ای که دل می‌خواست / چه دام پهن کنم از پی شکار دگر (تشخیص - اسلوب معادله)
 ۲) به شکر خنده در آور، نه یقین می‌دانم / که دهان تو یقین را به گمان در فکند (تناقض - حس آمیزی)
 ۳) بر بوی سر زلف تو چون عود بر آتش / می‌سوزم و می‌سازم و با دست به دستم (کنایه - اغراق)
 ۴) دستگیرت نشود حلقهٔ مشکین رسنش / تا نگونسار در آن چاه زرخدان نشوی (استعاره - حسن تعلیل)

۲۱- آرایه‌های روبه روی همهٔ ابیات تماماً درست است بجز:

- ۱) ای صبا با بلبل خوش گوی، گوی / می‌نماید لالهٔ خودروی، روی (تشخیص - کنایه)
 ۲) آن که نشنیده است هرگز بوی عشق / گو به شیراز آی و خاک من بیوی (حس آمیزی - مجاز)
 ۳) دور از تو گرچه ز آتش دل در جهنم / دارم طمع که روضهٔ رضوان من شوی (ایهام - استعاره)
 ۴) شیوهٔ گل دلستانی، رسم بلبل نغمه‌خوانی / چون بخندد چون نگریم چون بنالد چون ننال (لف و نشر - تناقض)

۲۲- کدام آرایه‌ها همگی در بیت زیر وجود دارند؟

«اکنون نه مرا کشتی از آن ابرو و مژگان / دیری است که من کشتهٔ آن تیر و کمانم»

- ۱) تشبیه نهفته، اشتقاق، تضاد / ۲) جناس، لف و نشر مرتب، استعاره مصرحه
 ۳) مراعات نظیر، جناس ناقص، استعاره مکنیه / ۴) تشبیه نهفته، لف و نشر مشوش، مراعات نظیر

۲۳- توالی ابیات زیر، براساس آرایه‌های «لف و نشر، پارادوکس، استعاره، تشبیه، ایهام» به ترتیب کدام است؟

- الف) شاد ز تو روان من، زنده به بوت جان من / ذکر تو بر زبان من مخفی و آشکار هم
 ب) زهر قهرت گرچه شیرین است اندر کام عاشق / لیک قهر آن به که گاهی باشد و گاهی نباشد
 ج) ذکر رخ و زلف تو دلم را / وردی است که صبح و شام دارم
 د) روز تاریک و شب تیره و اقبال سیاه / همه زان خال و خط و طرهٔ مشکین دارم
 ه) ای لب خنده بر شراب زده / چشم من بر رخت گلاب زده
 ۱) ج، الف، ب، د، ه / ۲) ج، ب، ه، د، الف / ۳) د، ب، ج، الف، ه / ۴) د، الف، ه، ب، ج

۲۴- ترتیب و توالی ابیات زیر به لحاظ آرایه‌های «ایهام، استعاره، حسن تعلیل، تشبیه و مجاز» کدام است؟

- الف) بار فراق دوستان بس که نشسته بر دلم / می‌روم و نمی‌رود ناچه به زیر محلم
 ب) سیر از رخ تو دیده به دیدن نمی‌شود / گل زین چمن تمام به چیدن نمی‌شود
 ج) دمام تلخ می‌گوید دعاگویان دولت را / مکرر قند می‌ریزد لب لعل شکر بارش
 د) غم هجوم آورده می‌دانم که زارم می‌کشد / وین غم دیگر که دور از روی یارم می‌کشد
 ه) دانی قیامت از چه ندارد سر قیام / در انتظار قامت رعنا او بود
 ۱) ج - ب - د - الف - ه / ۲) ج - ب - د - ه - الف / ۳) د - ج - ه - الف - ب / ۴) ب - الف - ه - ج - د

آرایه‌های ادبی



۲۵- همهٔ واژه‌ها در بیت زیر آرایهٔ ایهام یا ایهام تناسب دارند؛ به جز.....

خسرو آن است که چون ملک وصال دریافت لعل شیرین تو را دید و شکر گرد آورد

- ① خسرو ② شیرین ③ شکر ④ وصال

۲۶- کدام بیت فاقد «ایهام» است؟

- ① چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل که هیچ فایده نبود اگر هزار بگوید
 ② در تابم از دو سنبل هندوت کز چه روی سر برکنار نسترن و ارغوان نهاد
 ③ دلی کز خرمن شادی نشد یک دانه‌اش حاصل چنین در دام غم تا کی به بوی دانه بنشیند
 ④ در پرده از ناراستی راه مخالف می‌زنی بنواز باری نوبتی چون می‌زنی عشاق را

۲۷- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات کاملاً درست است؛ به جز.....

- ① گرچه در مصر فراموشی مقید مانده‌ایم می‌رسد چون جامهٔ یوسف به کنعان بوی ما (تلمیح، ایهام)
 ② حسرت برم از خسرو و فرهاد که در عشق نه زر به ترازویم و نه زور به بازو (لف‌ونشر، واج‌آرایی)
 ③ نظر لطف ز مهر و مه کم کاسه مجوی خواب آسودگی از چشم نگهبان مطلب (ایهام تناسب، اسلوب‌معادله)
 ④ معنی رنگین، به نازک‌دل رساند خویش را بادهٔ گلگون ندارد بهتر از مینا نقاب (تشبیه، حس‌آمیزی)

۲۸- ترتیب آرایه‌های «استعاره، حس‌آمیزی، حسن تعلیل، ایهام و لف‌ونشر» در کدام گزینه آمده است؟

الف) کاش در پرده شب و روز بپوشی رویت تا ننازد فلک سفله به خورشید و مهش

ب) ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رُخت آستین بر رخ نهد با دامن تر آفتاب

ج) مگر ز چشم تو دم زد به گلستان نرگس که از خمار سحر حالتی دژم دارد

د) همه فدای تو کردند جان شیرین را چه شاهدی تو که بهتر ز جان شیرینی

ه) تنگ شکر تلخکام از خندهٔ شیرین او گلبن تر سرخ روی از گریهٔ رنگین من

- ① ب، د، ه، ج، الف ② ب، ه، الف، د، ج ③ ج، د، الف، ب، ه ④ ج، ه، ب، د، الف

۲۹- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«تا با کمان ابرو بنشست در کمینم در خون خویش بنشانند از تیر دل‌نشینم»

- ① استعاره، مجاز، تلمیح، ایهام ② تشبیه، جناس، کنایه، ایهام
 ③ استعاره، اغراق، جناس، پارادوکس ④ جناس، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز

۳۰- بیت زیر، «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

«به خون لعل فرو رفت کوه سنگین دل چو در محبت شیرین هلاک شد فرهاد»

- ① تشبیه، کنایه ② مجاز، جناس ③ اغراق، تشخیص ④ تلمیح، حسن تعلیل



۳۱- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

- | | |
|--|---|
| ۱) ای رقیب ار نگشایی در دل‌بند به رویم | این قدر باز نمایی که دعا گفت فلانت (ایهام تناسب، حسن تعلیل) |
| ۲) نه من انگشت‌نمایم به هواداری رویت | که تو انگشت‌نمایی و خلاق نگرانت (ایهام، کنایه) |
| ۳) گر تو خواهی که یکی را سخن تلخ بگویی | سخن تلخ نباشد چو برآید به دهانت (اغراق، حس آمیزی) |
| ۴) در اندیشه بیستم قلم وهم شکستم | که تو زیباتر از آنی که کنم وصف و بیان (لف و نشر، استعاره) |

۳۲- ترتیب آرایه‌های «جناس، تشبیه، حسن تعلیل و پارادوکس» در کدام ابیات است؟

- الف) ز رشک قامت او ناله خاست از دل سرو / ز شرم عارض او هاله بست بر رخ ماه
 ب) کشتی عقل فکندیم به دریای شراب / تا ببینیم چه از آب برون می‌آید
 ج) شادی امروز دل از غم رویش رسید / دیدهٔ امید من در ره فردای اوست
 د) بیگانه رحمت آورد بر زحمت دل ما / کی آنقدر تطاول با آشنا توان کرد
- ۱) ب، الف، ج، د ۲) ب، د، الف، ج ۳) د، ب، الف، ج ۴) د، ب، ج، الف

۳۳- ترتیب قرار گرفتن ابیات با توجه به آرایه‌های: «ایهام تناسب، حسن تعلیل، استعاره و حس آمیزی»، در کدام گزینه درست است؟

- الف) بام آن کعبهٔ مقصود بلند است ای کاش / عشق می‌داد مرا بال و پری بهتر از این
 ب) از آن از اشک خالی نیست چشمم / که پندارم شراب لاله‌رنگ است
 ج) چو سرو، میل چمن کن که صبحدم در باغ / سماع بلبل شیرین کلام خواهد بود
 د) هشیار سری کز می سودای تو مست است / آباد دلی کز غم دلدار خراب است
- ۱) ج، الف، ب، د ۲) ج، ب، د، الف ۳) د، الف، ب، ج ۴) د، ب، الف، ج

۳۴- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

- | | |
|--|--|
| ۱) مشو درهم رخت گر شد کبود از سیلی اخوان | که بی این نیل از چشم خریداران خطر داری (مجاز، تلمیح) |
| ۲) حرص در هنگام پیری از غلاف آید برون | بال و پر پیدا کند چون مور ماند بیشتر (استعاره، اسلوب معادله) |
| ۳) حرف حق گفتن به خون خویش فتوی دادن است | پنبه چون حلاج از مستی ز مینا بر مدار (ایهام، استعاره) |
| ۴) تا روی کند عیش و طرب پشت به خُم ده | تا پشت کند محنت و غم روی به می کن (تضاد، حسن تعلیل) |

۳۵- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

- «هر که دل از دست داد و عشوهٔ دنیا خرید / یوسف خود را به سیم قلب سودا کرد و رفت»
- ۱) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، ایهام ۲) استعاره، تشبیه، ایهام، تناسب
 ۳) تشبیه، کنایه، مجاز، اسلوب معادله ۴) تشبیه، حسن تعلیل، مجاز، ایهام تناسب

۳۶- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات درست است؛ به جز.....

- | |
|---|
| ۱) با باد بوده هم‌ره بوی تو در سحر گه / گل‌ها شنیده بویت خود را به باد داده (حس آمیزی، تشخیص) |
| ۲) یاد باد آن که ز چشم خوش و لعل لب تو / نقل مجلس همه بادام و شکر بود مرا (لف و نشر، تشبیه) |
| ۳) دل خراب من از عشق کی شود خالی / چرا که جایگه گنج، کنج ویران است (اسلوب معادله، جناس) |
| ۴) کوس بدن‌امی ما بر سر بازار زدند / گرچه بی روی تو ما را سر بازار نبود (مجاز، کنایه) |



۳۷- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست است؟

«ما به خون خود دهان تیشه شیرین می‌کنیم تلخ نشیند عبث معشوق شیرین کار ما»

- ① تشخیص، مجاز، تضاد، جناس
 ② استعاره، حس آمیزی، ایهام، کنایه
 ③ جناس، استعاره، ایهام، تشخیص
 ④ حس آمیزی، مجاز، پارادوکس، ایهام

۳۸- آرایه‌های «جناس تام، لف و نشر، تشبیه، ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- الف) ور لحظه‌ای به کوی تو ناگاه بگذرم عییم مکن که روضه رضوانم آرزوست
 ب) وز روی آن که رونق خوبان ز روی توست دائم نظاره رخ خوبانم آرزوست
 ج) ایمان و کفر من همه رخسار و زلف توست در بند کفر مانده و ایمانم آرزوست
 د) بر بوی آن که بوی تو دارد نسیم گل پیوسته بوی باغ و گلستانم آرزوست
- ① ب، د، الف، ج
 ② ب، ج، الف، د
 ③ د، ج، ب، الف
 ④ د، ب، ج، الف

۳۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست هستند، به جز:

- ① زان پیش که در زلف تو بندیم دل خویش ما رشته مهر از همه بگسیخته بودیم (مجاز، تضاد)
 ② تا زلف و رخت بردم از سایه و روشن از شاخه سرو چمن آویخته بودیم (لف و نشر، مجاز)
 ③ دور از لب شیرین تو چون شمع سیه روز خوش آتش و آبی به هم آمیخته بودیم (استعاره، ایهام)
 ④ با گریه خونین من و خنده مهتاب آب رخی از شبنم و گل ریخته بودیم (استعاره مصرحه، استعاره مکنیه)

۴۰- آرایه‌های روبه‌روی کدام ابیات، درست است؟

- الف) عمری است که چون جام جگر تشنه عشقم و ایام به من جرعه جامت نرسانید (مجاز، تشخیص)
 ب) در بزم ز رخسار دو صد شمع بر افروز وز لعل شکر بار می و نقل فرو ریز (لف و نشر، موازنه)
 ج) عشق را در پرده ناموس دیدن مشکل است شمع را در جامه فانوس دیدن مشکل است (موازنه، جناس)
 د) شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد (جناس، کنایه)
- ① الف - ب
 ② ج - د
 ③ ب - ج
 ④ الف - د

۴۱- آرایه‌های (کنایه - جناس - ایهام تناسب - استعاره - لف و نشر) به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) بر آن سرم که جفای تو را به جان بخرم در این معامله گر عمر من وفا بکند
 ب) من مات صورت تو که در کارگاه حسن خورشید را گدا و تو را شاه می‌کشند
 ج) مژه و ابروی او دیدم و با دل گفتم که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت
 د) کس مبادا به سیه‌روزی ما در ره عشق که فلک تیره شد از تیرگی کوکب ما
 ه) بی‌زلف سرکشش سر سودایی از ملال همچون بنفشه بر سر زانو نهاده‌ایم
- ① الف - د - ج - ه - ب
 ② د - الف - ب - ه - ج
 ③ د - ه - ج - الف - ب
 ④ ه - د - ب - الف - ج

۴۲- آرایه‌های «جناس، استعاره، موازنه و اغراق» همگی در کدام بیت آمده است؟

- ① بگفت از سوز کمتر گوی با مور که موران را قناعت خوش تر از سوز
 ② بهاری کز دو رخسارش همی شمس و قمر خیزد نگاری کز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد
 ③ پرواز به آنجا که نشاط است و امید است پرواز به آنجا که سرود است و سرور است
 ④ آمد نفس صبح و سلامت نرسانید بوی تو نیاورد و پیامت نرسانید



۴۳- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«مهی که راز من از پرده آشکارا کرد
هنوز صورت او زیر پرده پنهان است»

- ۱) استعاره - ایهام - کنایه - تضاد
۲) کنایه - ایهام تناسب - تکرار - متناقض نما
۳) تضاد - استعاره - کنایه - واج آرایه
۴) جناس همسان - استعاره - پارادوکس - مجاز

۴۴- در کدام بیت، آرایه‌های ایهام و استعاره «هر دو» یافت می‌شود؟

- ۱) آفتابی کز شفق، رخسار، در خون شسته است
۲) زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت
۳) در بزم دور یک دو قده درکش و برو
۴) فرش طرب بگستر چون باد نوبهاری
داغ ناخن خورده‌ای از لاله زار حسن اوست
کس ندارد ذوق مستی می‌گساران را چه شد
یعنی طمع مدار وصال مدام را
فراش بوستان گشت نقاش گلستان شد

۴۵- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات درست است، به جز:

- ۱) ز آشفتنگی به حلقهٔ جمعی رسیده‌ام
۲) به عشق زلف و رخت فارغم ز دیر و حرم
۳) به یاد کاکل پرتاب و زلف پُرچینش
۴) چراغ چشم من آن روی مجلس افروز است
کز حلقه‌های زلف تو تابی نداشتند (ایهام، پارادوکس)
که این معامله بیرون ز کفر و ایمان است (استعاره، لف و نشر)
دل من است که هم جمع و هم پَریشان است (کنایه، پارادوکس)
طناب عمر من آن موی عنبرافشان است (جناس، تشبیه)

۴۶- آرایه‌های «استعاره، ایهام، ایهام تناسب و لف و نشر» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) چو ذره گرچه حقیرم بین به دولت عشق که در هوای رخت چون به مهر پیوستم
ب) تیر و کمان عشق را هر که ندیده، گو بین پشت خمیدهٔ مرا قد کشیدهٔ تو را
ج) گر چو شمعش پیش میرم بر غم خندان شود و بر نجم خاطر نازک برنجانند ز من
د) آخر چه شد ای برگ گل تازه که دیدار از بلبل بی‌برگ و نوا بازگرفتی
۱) الف - ب - د - ج
۲) الف - ج - ب - د
۳) د - الف - ج - ب
۴) د - ج - الف - ب

۴۷- در کدام بیت، همهٔ آرایه‌های «تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و حس آمیزی» یافت می‌شود؟

- ۱) پای خوابیده به فریاد نگردد بیدار
۲) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
۳) بر لب کوه جنون خندهٔ شیرین بهار
۴) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید
پند با عاشق بیدل چه تواند کردن
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
نقش زخمی است که از تشبیهٔ فرهاد شگفت
در رهگذر باد نگهبان لاله بود

۴۸- کدام بیت «فاقد» لف و نشر و دارای «جناس، مجاز، استعاره و ایهام» است؟

- ۱) اگر صباح قیامت ببینی آن رخ و قامت
۲) قوی به چنگ من افتاده بود دامن وصل
۳) همه عالم صنم چین به حکایت گویند
۴) عجب مدار که در عین درد خاموشم
جمال حور نجویی، وصال سدره نخواهی
ولی دریغ که دولت به تیزچنگی نیست
صنم ماست که در هر خم زلفش چین است
که درد یار پری‌چهره عین درمان است



۴۹- در کدام بیت «تشبیه، لف و نشر، جناس» تماماً مشهود است؟

- ۱) چو تو صورتی ندیدم همه موبه مو لطافت
چون تو سورتی نخواندم همه سربه سر معانی
- ۲) خیال زلف و رخت گر معاونت نکند
چگونه شام به صبح آورند و صبح به شام
- ۳) در اشک و روی زردم سهل است اگر ببینی
زان رو که چشم نرگس بر سیم و زر نباشد
- ۴) کمان ابروی آن مه چو یاد می کردم
خدنگ آه من از آسمان گذر می کرد

۵۰- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«در چنگ تو همچون نی می نالم و می زارم بر بوی تو همچون عود می سوزم و می سازم»

- ۱) ایهام تناسب - استعاره - جناس - ایهام
۲) تشبیه - کنایه - متناقض نما - تشخیص
- ۳) تشخیص - مراعات نظیر - تلمیح - ایهام
۴) جناس - حس آمیزی - تشبیه - ایهام تناسب

۵۱- آرایه‌های مقابل کدام بیت «هر دو» درست است؟

- ۱) آتش رخسار او سوخت نه تنها مرا
خانه شهری بسوخت جلوه جانانه ام (جناس، مجاز)
- ۲) به بوی آن که شبی در حرم بیاساید
هزار بادیه سهل است اگر ببیمازند (مجاز، حس آمیزی)
- ۳) تا زیب بناگوش تو شد طره مشکین
هرگز خبرم نیست نه از صبح و نه از شام (لف و نشر، استعاره)
- ۴) تو یوسفی که فدای تو باد جان عزیز
بیا که جان عزیز منت خریدار است (تشبیه، ایهام)

۵۲- آرایه‌های «لف و نشر، جناس، تشبیه، استعاره مصرحه، ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات وجود دارد؟

- الف- خیاط وفا در ره آن سرو قباپوش
هر جامه که بر قامت ما دوخت، دریدیم
- ب- در بوستان حریفان مانند لاله و گل
هر یک گرفته جامی بر یاد روی یاری
- ج- از عفو و خشم تو دو نمونه است روز و شب
وز مهر و کین تو دو نمونه است شهد و سم
- د- خادم غیر شدم با همه غیرت عشق
آه کز دوستی ات خدمت دشمن کردم
- ه- چو چشم مست تو را عین فتنه می بینم
چگونه چشم تو در خواب و فتنه بیدار است
- ۱) ب - د - الف - ه - ج
۲) ب - د - ج - الف - ه
۳) ج - ب - الف - ه - د
۴) ج - ب - ه - د - الف

۵۳- آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟

«قضای لازم است آنرا که بر خورشید عشق آرد که همچون ذره در مهرش گرفتار هوا ماند»

- ۱) تشبیه، ایهام، استعاره، ایهام تناسب
۲) تشبیه، کنایه، تضاد، ایهام تناسب
- ۳) استعاره، مجاز، اغراق، جناس
۴) استعاره، جناس، اغراق، ایهام

۵۴- کدام بیت به «اغراق، دو تشبیه و یک استعاره» آراسته شده است؟

- ۱) همای شخص من از آشیان شادی دور
چو مرغ حلق بریده به خاک بر می گشت
- ۲) ز آب دیده من فرش خاک تر می شد
ز بانگ ناله من گوش چرخ کر می گشت
- ۳) چو ابر زلف تو پیرامن قمر می گشت
ز ابر دیده کنارم به اشک تر می گشت
- ۴) چو بی دلان همه در کار عشق می آویخت
چو ابلهان همه از راه عقل بر می گشت



۵۵- کدام بیت به آرایه‌های «استعاره، ایهام، جناس و تلمیح» آراسته شده است؟

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱) ای نغمهٔ خورشید دم داود را شعار | وی عندلیب را نفست کرده شرمسار |
| ۲) بر بناگوش تو خال حبشی هر که بدید | گفت بر گوشهٔ خورشید نشسته است بلال |
| ۳) بشنو که دم تیشه چه خوش گفت به فرهاد | رفتن ز سر کوی وفا زنده محال است |
| ۴) هر که از مروه صفا می‌طلبد گو به صبح | بادهٔ صاف طلب دار و صفا باز گذار |

۵۶- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:

- | | |
|--------------------------------------|--|
| ۱) از جعد سربلند تو یک قوم دستگیر | وز عنبری کمند تو یک جمع پای بست (استعاره مکنیه، ایهام) |
| ۲) منعم ز سیر صورت زیبای او مکن | از حالت گرسنه خبر نیست سیر را (تمثیل، متناقض‌نما) |
| ۳) در عین خشم اهل هوس را به خون کشید | کامی که خواستیم روا کرد چشم دوست (تشخیص، ایهام تناسب) |
| ۴) خنده زد لعل تو بر گریهٔ شورانگیزم | طعنه زد جزع تو بر نالهٔ بی‌تأثیرم (استعاره، موازنه) |

۵۷- در ابیات زیر به ترتیب، چه آرایه‌هایی یافت می‌شود؟

- | | |
|--|--|
| - تا کی به بزم غیر می‌لاله‌گون کشی | تا چند خون ز رشک مرا در جگر کنی |
| - فصل گل گر اشک گلگونت ز سر خواهد گذشت | گل به سر خواهی زدن از گلبن بستان عشق |
| - دلم سر به هامون رها می‌پسندد | سرم بالش از صخره‌ها می‌پسندد |
| - چشمم به چه کار آید اگر ساده نبینم | کامم به چه خوش باشد اگر باده نوشتم |
| ۱) ایهام - مجاز - تشبیه - موازنه | ۲) کنایه - تشبیه - تشخیص - اسلوب معادله |
| ۳) مجاز - جناس - کنایه - تشبیه | ۴) تشبیه - کنایه - جناس ناقص - مراعات نظیر |

۵۸- کدام بیت به آرایه‌های «جناس، استعاره، ایهام، واج آرایه» آراسته شده است؟

- | | |
|--|--|
| ۱) بر هر سر شاخی که زند برق محبت | نه شاخ به جا ماند و نه خار و نه خاشاک |
| ۲) باد اگر بر من وزد بر یاد او یادم حلال | باده گر بر کف نهم بی‌یاد او بادم حرام |
| ۳) دلم در سینه می‌لرزد ز چین زلف او آری | کیوتر می‌تپد هر جا پر شاهین شود پیدا |
| ۴) آرزو دارم ز لعلش تا به لب جام مدام | وز سرم بیرون نخواهد رفتن این سودای خام |

۵۹- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:

- | | |
|--|---|
| ۱) که تواند که دهد میوهٔ الوان از چوب | یا که داند که بر آرد گل صدبرگ از خار (مجاز، تضاد) |
| ۲) بیچاره آن گروه که از اضطراب عشق | دیدند راه را و ندیدند چاه را (تمثیل، جناس) |
| ۳) به سرشک همچو باران ز برت چه برخوردارم | که چو سنگ تیره ماندی همه عمر بر مزاری (جناس تام، ایهام) |
| ۴) در برم دل همچون مهر از تاب لرزان می‌شود | چون فراق آن مه تابان تحمّل می‌کند (حسن آمیزی، ایهام) |

۶۰- آرایه‌های «تشبیه، تلمیح، جناس» به ترتیب در کدام ابیات وجود دارد؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| الف- نام تو برده می‌شد تا نامه می‌نوشتم | روی تو دیده می‌شد تا دیده می‌گشادم |
| ب- گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد | بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی |
| ج- شبی به‌رغم فلک روی خویشتن بنما | که زهره را بدرم، ماه را دوپاره کنم |
| د- چشم دارم ز لب لعل تو من ای ساقی | که براتم به لب چشمهٔ کوثر نکنی |

- | | | | |
|--------------|----------------|----------------|--------------|
| ۱) ب - ج - د | ۲) ب - د - الف | ۳) د - الف - ب | ۴) د - ج - ب |
|--------------|----------------|----------------|--------------|



۶۱- کدام بیت «فاقد» حسن تعلیل است؟

- ۱) رزق اگر با آدمی عاشق نمی‌باشد چرا
 ۲) تأثیر گریه سحر عندلیب بود
 ۳) گفت خوابت هیچ می‌آید به چشم
 ۴) دو نصیحت کثمت بشنو و صد گنج ببر
- از زمین گندم گریبان چاک می‌آید برون
 کز غنچه سرخ روی برآمد جمال گل
 گفت: آری تا ببینم روی تو
 از در عیش درآ و به ره عیب مپوی

۶۲- در کدام بیت شاعر «استعاره» را با «متناقض‌نما» (پارادوکس) همراه کرده است؟

- ۱) یا رب به که شاید گفت این نکته که در عالم
 ۲) با خردمندی و خوبی پارسا و نیک‌خوست
 ۳) ای زلف تو بر هم زن فرزانیگی ما
 ۴) ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست
- رخساره به کس ننمود آن شاهد هر جایی
 صورتی هرگز ندیدم کاین همه معنی در اوست
 وین سلسله سرمایه دیوانگی ما
 نان حلال شیخ ز آب حرام ما

۶۳- بیت زیر به کدام آرایه‌های ادبی آراسته شده است؟

- «ز بند حرص بر آهو چه تازی نفس را چون سگ به صحرای قناعت رو که بی آهوست آن صحرا»
- ۱) تشبیه - کنایه - اسلوب معادله - تضاد
 ۲) کنایه - تشبیه - لف و نشر - استعاره
 ۳) ایهام تناسب - لف و نشر - ایهام - تضاد
 ۴) ایهام تناسب - تشبیه - ایهام - استعاره

۶۴- کدام بیت را شاعر «دو بار» به ایهام و «سه بار» به تشبیه آراسته است؟

- ۱) گفت که تو شمع شدی قبله این جمع شدی
 ۲) چشمه خورشید تویی سایه‌گه بید منم
 ۳) میرشکار فلکی تیر بزن در دل من
 ۴) باز توأم باز توأم چون شنوم طبل تو را
- جمع نیام شمع نیام دود پراکنده شدم
 چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
 ور بزنی تیر جفا همچو زمین پی سپرم
 ای شه و شاهنشاه من باز شود بال و پر م

۶۵- آرایه‌های مقابل کدام ابیات «هر دو» درست است؟

- الف: به لطف دلبر من در جهان نبینی دوست
 ب: سخن طوطی خطت به چمن می‌گفتم
 ج: از آن به بند تو آزادگان گرفتارند
 د: توانگرا دل درویش خود به دست آور
- که دشمنی کند و دوستی بیفزاید (جناس افزایشی - تضاد)
 نسبت پسته تنگت به شکر می‌کردم (موازنه - تشبیه)
 که غیرت مه تابان و سرو آزادی (پارادوکس - حسن تعلیل)
 که مخزن زر و گنج درم نخواهد ماند (ایهام - کنایه)
- ۱) «الف» - «ج»
 ۲) «الف» - «د»
 ۳) «ب» - «ج»
 ۴) «ب» - «د»

۶۶- در ابیات زیر به ترتیب، کدام آرایه‌ها یافت می‌شود؟

- الف: نام شکر نبرم پیش عقیق تو که خسرو
 ب: دل افکار ما را نیست غیر از داغ دلسوزی
 ج: میان بحر به یاد گهر توان رفتن
 د: تا خیال لب و دندان تو در چشم من است
- با وجود لب شیرین به شکر باز نماند
 ز چشم جغد دارد روشنی ویرانه در شبها
 هوای زهر به شوق شکر توان کردن
 مردم چشم من از لعل و گهر قارون است
- ۱) تشبیه - ایهام - مراعات نظیر - حسن تعلیل
 ۲) استعاره مصرحه - اسلوب معادله - موازنه - تشبیه
 ۳) تلمیح - پارادوکس - جناس - لف و نشر
 ۴) ایهام - حسن تعلیل - تضاد - تلمیح



۶۷- آرایه‌های «تشبیه، ایهام، لف و نشر و مجاز» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

الف: بی‌خبر شد ز جهان هر که گرفتار تو شد فیض زنجیر تو و سلسله تاکی یکی است

ب: لطف و قهر تو به چشم من غمناک یکی است نظر مرحمت و حلقه فتراک یکی است

ج: قلب من گردیده از اکسیر خرسندی طلا چهره زرین و قصر زرنگار من یکی است

د: در حلاوت‌خانه وحدت دویی را بار نیست قند شیرین کار و زهر جانگزای او یکی است

- ۱) «الف» - «ب» - «د» - «ج» ۲) «ب» - «د» - «الف» - «ج» ۳) «د» - «الف» - «ج» - «ب» ۴) «د» - «ج» - «ب» - «الف»

۶۸- در منظومه زیر چند تشبیه وجود دارد؟

«مرا هر لفظ فریادی است کز دل می‌کنم بیرون / مرا هر شعر دریایی است لبریز از شراب خون / کجا شهد است این اشکی که در هر

دانه لفظ است / مرا این، کاسه خون است / چنین آسان منوشیدش.»

- ۱) سه ۲) چهار ۳) پنج ۴) شش

۶۹- کدام بیت، فاقد «تشبیه» است؟

۱) ماه از شرم عذار تو حصاری شده است این نه هاله است که بر گرد قمر گردیده است

۲) غافل از خال و خط و زلف و دهان تو شده است ساده‌لوحی که به خورشید تو را سنجیده است

۳) شور مرغان چمن حوصله‌سوز است امروز گل بی‌درد به روی که دگر خندیده است؟

۴) تا قیامت گرهش باز نگردد چون خال هر که را فکر سر زلف به هم پیچیده است

۷۰- در کدام بیت «تشبیه، استعاره و مجاز» همگی وجود دارد؟

۱) گر بدین پسته خندان به چمن بنشینم غنچه از شاخ به صد آه و فغان برخیزد

۲) تو در حسن، لیلای خرگه نشینی من از عشق مجنون صحرا نشینم

۳) گر بوسه‌ای توان زد یا قوت آن دو لب را یک عمر ازین تمنا خون در جگر توان زد

۴) خاک سر راهت شدم ای لعبت چالاک برخیز پی جلوه که برداریم از خاک

۷۱- در ابیات زیر، به ترتیب، چند «تشبیه» و چند «استعاره مصرحه» وجود دارد؟

- من باد پای روحم، من بادبان نوحم من رازدار غییم، من راوی روانم

- با وجود لعل ساقی جرعه کوثر نوشم تا نپنداری که من لب تشنه آب زلالم

- مجلس امشب از فروغ لاله‌رویان روشن است بی‌خبر هر سو که می‌غلطد نگاهم، گلشن است

- ۱) پنج - دو ۲) پنج - سه ۳) شش - دو ۴) شش - سه

۷۲- کدام بیت فاقد «استعاره» و دارای «تشبیه و جناس» است؟

۱) آن زمان کان ماه رخشان خورآیین رخ نمود باغ، پر گلچهر گشت و کاخ، پر اورنگ بود

۲) چه غم ز حربه و حرب عرب چو مجنون را مقیم بر در لیلی مقام خواهد بود

۳) تا زدی در دل من خیمه به اقبال غمت شادی از جان من غم‌زده بگریخته است

۴) دانی که بر عذار تو خال سیاه چیست؟ زاغی که بر کناره باغی نشسته است



۷۳- در کدام بیت هر دو نوع تشبیه بلیغ (غیراضافی و اضافی) وجود دارد؟

- ۱) ای در کمند زلفک تو حلقهٔ فریب
وی در کمان ابروی تو ناوک حیل
- ۲) دیوان حافظی تو و دیوانهٔ تو من
اما پری به دیدن دیوان نیامدی
- ۳) در مکتب حقایق پیش ادیب عشق
هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی
- ۴) عارض گلگون بنما، دم ز گلستان چه زنی؟
سنبل مشکین بگشا دستهٔ ریحان چه کنی؟

۷۴- کدام بیت دارای آرایهٔ «تلمیح» است و بیشترین تشبیه را دارد؟

- ۱) نگاه‌دار گرت چون عقیق آبی هست
که خضر بادیهٔ عشق، آتشین جگر است
- ۲) غنچه چون عیسی به گفتار آمده است از مهد شاخ
گل چو مریم مهر خاموشی به لب بنهاده است
- ۳) چون زلیخا مشربان ما را تلاش قرب نیست
دیدهٔ یعقوب ما را بوی پیراهن بس است
- ۴) به جوی شیر چو فرهاد تیشه فرسودن
یکی ز جملهٔ بازیچه‌های طفلانه است

۷۵- در کدام گزینه، به ترتیب، وجه شبه‌های موجود در بیت زیر، «تماماً» درست آمده است؟

- «تو را که موی میان، هم وجود و هم عدم است دو زلف، افعی ضحاک و چهره، جام جم است»
- ۱) سیاهی، پیچیدگی، روشنی
۲) باریکی، پیچیدگی، روشنی
- ۳) بلندی، پیچیدگی، شگفت‌انگیزی
۴) سیاهی، انبوه بودن، شگفت‌انگیزی

۷۶- در کدام بیت، آرایه‌های «استعارهٔ مکنیه و استعارهٔ مصرحه» وجود دارد؟

- ۱) صبحدم چون گل به شکر خنده بگشاید دهن
از خروش و نالهٔ مرغ سحرخوان چاره نیست
- ۲) بیا ساقی آن آتش تابناک
که زردشت می‌جویدش زیر خاک
- ۳) چون گل صد برگ بزم خسروانی ساز کرد
بلبل خوش‌نغمه آهنگ هزار آوا گرفت
- ۴) ابر را بنگر که لاف درفشانی می‌زند
بس که از چشمم به دامن لؤلؤی لالا گرفت

۷۷- در همهٔ ابیات آرایهٔ «تشبیه و استعاره» یافت می‌شود؛ به جز.....

- ۱) برده بردار ای قمر پنهان مکن تنگ شکر
تا بر سیمین تو احوال ما زرین کند
- ۲) مشک و عنبر گر ز مشک زلف یارم بو کند
بوی خود را واهلد در حال و زلفش بو کند
- ۳) تنگ شکر شود همه کام و دهان من
چون دل خیال آن بت شیرین‌دهان کند
- ۴) چنگ را در عشق او از بهر آن آموختم
کس نداند حالت من نالهٔ من او کند

۷۸- وجه شبه در کدام بیت، محذوف است؟

- ۱) مه چه باشد که به روی تو برابر کنم
یا ز رخسار تو گویم که به جایی ماند
- ۲) نگویمت به تو می‌ماند از عزیزی عمر
که عمر اگر چه عزیز است هم نمی‌ماند
- ۳) خواهم سر خود گوی صفت باخت ولیکن
شرط است بدین سر که به چوگان تو باشد
- ۴) تیر مژگان تو از جوشن جان می‌گذرد
بر دل من مزن ای جان که تویی در دل من



۷۹- در ابیات زیر چند وجه شبه مشهود است؟

- (الف) روی چون خورشید بنمای از نقاب
کآبم از سر همچو نیلوفر گذشت
- (ب) بی آن لب چون شکر تنم را
همچون شکر اندر آب دادی
- (ج) روح ز تو خوبتر به خواب نبیند
چشم فلک چون تو آفتاب نبیند
- (د) درفشان لاله در وی چون چراغی
ولیک از دود او بر جانش داغی

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۸۰- در تمام ابیات همه ارکان تشبیه وجود دارد، به جز:

- ۱) در غمش چون دانه نار است آب چشم من
وز لبش کام روانم ناردانی بیش نیست
- ۲) مرغان چمن باز چو من عاشق و مستند
کان نرگس مست و گل خندان من اینجاست
- ۳) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
کاو همچو بندگان بدهد بوسه بر جناب
- ۴) پروای سرد و گرم خزان و بهار نیست
آن را که همچو سرو و صنوبر قبا یکی است

۸۱- در همه ابیات همه ارکان تشبیه یافت می شود، به جز:

- ۱) گویی شب هجر تو چو بخت سیه من
از تار سر زلف تو آموخته تاری
- ۲) من از لب میگون تو مستی طلبیدم
شد حاصلم از چشم خمار تو خماری
- ۳) رقص آیدم از ساز تو چون زهره چنگی
ای لعبت تنبوری و ای آفت تاری
- ۴) پیش رخ روشن تر از آینهات ای ماه
خورشید کشد آرزوی آینه داری

۸۲- تعداد «تشبیه» در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) من بندهام و تو شاه من ابر سیه تو ماه
من آه زخم تو راه من ناله کنم تو خواب
- ۲) رخسارش آتش و دل پختگان سپند
لعل لبش می و جگر خستگان کباب
- ۳) عشق تو آهوپی است که از چشمه سار دل
هر تخم آرزو که بر آید گیاه اوست
- ۴) لب تو آب شد و جان بیدلان آتش
غم تو کوه و دل تنگ عاشقان شیشه

۸۳- بیشترین آرایه «تشبیه» در کدام بیت مشهود است؟

- ۱) تالاب جانان ز تنگی شکل انگشتر گرفت
پشتم از بار فراقش صورت چنبر گرفت
- ۲) شد چو انگشتر دلم خالی ز مهر نیکوان
تا چو انگشتر نگین مهرش اندر بر گرفت
- ۳) صورت چنبر گرفت از بار هجرش پشت من
تالاب لعلش ز تنگی شکل انگشتر گرفت
- ۴) طره شبرنگ او وقت سحر ز آسیب باد
صد هزار انگشتری بشکست و باز از سر گرفت

۸۴- کدام بیت، فاقد مجاز است؟

- ۱) گر بر سر خاک من بنشین و برخیزی
تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
- ۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
- ۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
- ۴) سهل است به خون من اگر دست بر آری
جان دادن در پای تو دشوار نباشد



۸۵- در همهٔ ابیات، آرایهٔ مجاز (بدون علاقهٔ شباهت) به چشم می‌خورد، به جز: (با تغییر)

- | | |
|-------------------------------------|--------------------------------|
| ۱) می‌رود صبح و اشارت می‌کند | کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست |
| ۲) هزار نکتهٔ باریک‌تر ز مو اینجاست | نه هر که سر بتراشد قلندری داند |
| ۳) من و تو غافلیم و ماه و خورشید | بر این گردون گردان نیست غافل |
| ۴) از تلاوت بر تو حق دارد کتاب | تو از او کامی که می‌خواهی بیاب |

۸۶- کدام بیت «فاقد» مجاز است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) این چه دامی است که از سنبل مشکین داری | که به هر حلقهٔ آن صد دل مسکین داری |
| ۲) من آن شهرم که سیلاب محبت ساخت ویرانم | تو آن گنجی که در ویرانهٔ دل‌ها وطن داری |
| ۳) جام می از کف اغیار ننوشی، نوشی | سر خونخواریم ای یار نداری، داری |
| ۴) از جعد پریشانت جمعی به پریشانی | وز چشم سیه‌مستت شهری به امان داری |

۸۷- استعارهٔ مکنیه در کدام بیت، تشخیص نیست؟

- | | |
|--|--|
| ۱) در شامگه هجرش بگداخت تن و جانم | در دامگه عشقش بشکست پر و بالم |
| ۲) پیش از آن دم که زند خط شب از عارض روز | از سر زلف و رخت لیل و نهاری بوده است |
| ۳) در فراقش می‌نویسم نامه‌ای از دست من | خامه خون می‌گرید و خط خاک بر سر می‌کند |
| ۴) گرچه چشم بسته است اما سرشکم می‌رود | باز می‌گوید به مردم ماجرای چشم من |

۸۸- نوع استعاره در همهٔ ابیات با شعر زیر یکسان است، به جز:

«می‌تراود مهتاب، می‌درخشد شب‌تاب»

نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک
غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می‌شکند»

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱) کام حرص است که از شهد نگردد شیرین | ورنه قانع ز نی خشک شکر می‌چیند |
| ۲) باغ سلام می‌کند سرو قیام می‌کند | سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد |
| ۳) از ترش‌رویی گردون گله بی انصافی است | خندهٔ برق شنیدی به خس و خار چه کرد |
| ۴) از لعل تو گر یابم انگشتی زنه‌ار | صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد |

۸۹- کدام بیت «فاقد» استعاره است؟

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱) به تیره‌روزی من چشم روزگار گریست | ندانم آن مه تابان چه در کمان دارد |
| ۲) سخنی به مرده برگو که دوباره زنده گردد | تو که معجزات عیسی همه در کلام داری |
| ۳) نازم سرت ای شمع که شهری زدی آتش | و اندیشه ز دود دل پروانه نکردی |
| ۴) بود که ساقی لعل تو در دهد جامی | مرا که خون جگر می‌خورم ز ساغر دل |

۹۰- در کدام بیت «سه استعاره و یک تشبیه» وجود دارد؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) تا تو را دیدم که داری سنبله بر آفتاب | آسمان حیران بماند از اشک چون پروین من |
| ۲) شد سپر از دست عقل تا ز کمین عتاب | تیغ جفا برکشید ترک زره موی من |
| ۳) خوش آمد باد نوروزی به صبح از باغ پیروزی | به بوی دوستان ماند نه بوی بوستان دارد |
| ۴) یکی به سمع رضا گوش دل به سعدی دار | که سوز عشق سخن‌های دل نواز آرد |



۹۱- ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «تشبیه، تشخیص، تلمیح، مجاز و کنایه» کدام است؟

- (الف) هر کجا رندی است در میخانه‌ای
جرعه‌ای از جام ما نوشیده‌اند
- (ب) به می‌پرستی از آن نقش خود زدم بر آب
که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن
- (ج) من سرگشته هم از اهل سلامت بودم
دام راهم شکن طرّه هندوی تو بود
- (د) مرا تحمّل باری چگونه دست دهد
که آسمان و زمین برتافتند و جبال
- (ه) آب چشمم که بر او منتّ خاک در توست
زیر صد منتّ او خاک دری نیست که نیست
- ① ب-ه-د-ج-الف ② د-ب-ه-الف-ج ③ ج-الف-ه-د-ب ④ ج-ه-د-الف-ب

۹۲- آرایه استعاره در کدام بیت بیشتر است؟

- ① به خنده از لب خود پُر شکر کنی دامن
مرا چو چشم در اندازد از گریبان دُر
- ② هر کجا نقّاش نقش قامت و لعلش کشید
جلوه طوبی نگر، سرچشمه کوثر بین
- ③ به چون تو محتشمی بی‌بها سخن ندهم
بده ز لعل شکر بار قند و بستان دُر
- ④ چون بگویی بفشانی گهر از حقه لعل
چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید

۹۳- در بیت: «بوی جان از لب خندان قدح می‌شنوم / بشنو ای خواجه اگر زان که مشامی داری»، همه آرایه‌های ادبی زیر به جز آرایه به کار رفته است.

- ① تشبیه ② تشخیص ③ استعاره ④ حس آمیزی

۹۴- در همه ابیات به جز بیت همه آرایه‌های «تشبیه، جناس، مراعات نظیر و کنایه» یافت می‌شود.

- ① نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان
گر شما را نه بس این سود و زیان ما را بس
- ② شکر شکر ز طوطی روان باز مدار
دو سه روزی که بمانده است در این تیره قفس
- ③ نه چو بلبل منم آن سدره نشیمن شهباز
کز هوای ملکوت آدمم اینجا به هوس
- ④ گل‌عذاری ز گلستان جهان ما را بس
زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس

۹۵- در کدام بیت «تشبیه و جناس همسان» به کار رفته است؟

- ① دل من بسته زنجیر سر زلف تو شد
با گرفتار خود ای سست وفا سخت مکوش
- ② پاسخ تلخ تو و خنده شیرین با هم
نوش در نیش نهان گشته و نیش اندر نوش
- ③ دوش سیلاب غم تا به سر زانو بود
امشب ای دوست چه تدبیر که بگذشت ز دوش
- ④ داد عشاق بده، وقت خود از دست مده
وقت آن است که گیری سخن ما در گوش

۹۶- در کدام بیت همه آرایه‌های «استعاره، مجاز، کنایه و تشخیص» وجود دارد؟

- ① در کام صدف تلخ کند آب گهر را
حرفی که از آن لعل شکر بار بر آید
- ② در دور لب لعل تو یاقوت ز معدن
چون لاله جگر سوخته از سنگ بر آید
- ③ شد آینه از دیدن رخسار تو محروم
تا روی لطیف تو که را در نظر آید
- ④ در روز جزا سنبل گلزار بهشت است
عمری که به اندیشه زلف تو سر آید



۹۷- در همهٔ ابیات به جز بیت هر دو آرایهٔ «کنایه و استعاره» وجود دارد.

- | | |
|--|---|
| ۱) خیمهٔ انس مزن بر دراین کهنه رباط | که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است |
| ۲) چو مشک ما همه کافور شد از سردی دنیا | جوانان را ز ما دل‌سرد شد کو آن جوانی‌ها |
| ۳) کمالِ مردی و مردانگی است خودشکنی | ببوس دستِ کسی را که این صنم شکند |
| ۴) هر کسی را سر چیزی و تمنای کسی است | ما به غیر تو نداریم تمنای دگر |

۹۸- در کدام بیت سه جملهٔ کنایی، در یک مفهوم به کار رفته است؟

- | | |
|--|--|
| ۱) گروهی همنشین من خلاف عقل و دین من | بگیرند آستین من که دست از دامنش بگسل |
| ۲) گرم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین‌دل | گل از خارم بر آوردی و خار از پا و پا از گل |
| ۳) ز عقل اندیشه‌ها زاید که مردم را بفرساید | گرت آسودگی باید برو عاشق شو ای عاقل |
| ۴) اگر عاقل بود داند که مجنون صبر نتواند | شتر جایی بخواباند که لیلی را بود منزل |

۹۹- در کدام بیت همهٔ آرایه‌های «استعاره، تشخیص، تشبیه و حس آمیزی» وجود دارد؟

- | | |
|---|--|
| ۱) نسیم ناامیدی بد ورق گرداندنی دارد | در ایام برومندی درِ بستان‌سرا بگشا |
| ۲) ندارد بی‌قراری حاصلی غیر از پشیمانی | میان خویش را چون موج در بحر بلا بگشا |
| ۳) ز رقص مرغ بسمل این نوا در گوش می‌آید | که ساحل چون شود نزدیک بازوی شنا بگشا |
| ۴) سزای توست چون گل گریهٔ تلخ پشیمانی | که گفت ای غنچهٔ غافل، دهن پیش صبا بگشا |

۱۰۰- آرایه‌های تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟

- | | |
|---|---------------------------------|
| ۱) صد خار بلا از دل دیوانهٔ ما خاست | هر روز که بی ساقی گلچهره نشستیم |
| ۲) ای سیل اشک خاک وجودم به باد ده | تا بر دل کسی ننشیند غبار من |
| ۳) سروی است قامت تو از ناز سر کشیده | ماهی است عارض تو از نور آفریده |
| ۴) مرغ دل تا دام زلف و دانهٔ خال تو دید | طایر اندیشه‌ام افتاد در دام هوس |



پاسخنامه تشریحی

- ۱ - گزینه ۱ تلمیح ← سیمرخ و کوه قاف
تشبیه ← مصرع اول: تشبیه شاعر به سیمرخ و تشبیه حقیقت به کوه قاف
جناس افزایشی ← کوه / کو
بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۲: تلمیح و تشبیه ندارد. / جناس اختلافی: نوش و نیش
گزینه ۳: تلمیح به داستان عیسی و زنده کردن مردگان / تشبیه: تو به مسیح مانند شده است. / جناس ندارد.
گزینه ۴: تلمیح به داستان خضر و چشمه آب حیات و عمر جاودانه / تشبیه: در خضرسان و چشمه احسان / جناس ندارد.
- ۲ - گزینه ۴ تشبیه: شب هجران دارای اضافه تشبیهی است درعین حال به صورت پنهان روز فراق و شب هجران به خال و خط مانند شده‌اند. همین ترکیب آرایه لف و نشر از نوع مشوش را هم می‌سازد.
ایهام تناسب: در واژه تار دیده می‌شود. معنای موردنظر تیره است و در معنای مو (که موردنظر بیت نیست) با خال و خط تناسب دارد.
پارادوکس: در تیره بودن روز دیده می‌شود.
- ۳ - گزینه ۲ لف و نشر مرتب میان رخ و زلف با نور و ظلمت / صبح و شب، ایهام در «روزی» در معنای ۱ - «قسمت» و ۲ - «یک روز» دیده می‌شود.
۴ - گزینه ۱ بیت حسن تعلیل و ایهام تناسب ندارد چون شاعر علت واقعی مست جان سپردن خود را بیان کرده و هیچ یک از واژگان متناسب هم دومعنایی نشده است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۲) ایهام: خبر نداشتن: ۱ - مستی ۲ - بی‌اطلاعی / مجاز: خانه = مجاز از اهل خانه
(۳) لؤلؤ: استعاره مصرحه از اشک / لاف زدن ابر: استعاره مکنیه
(۴) درد و درمان بودن: تناقض / هموزنی واژگان برابر هم: موازنه
- ۵ - گزینه ۱ بیت «د» ایهام و موازنه ندارد. حذف ۲ و ۳ و ۴
ج) دور از تو: ایهام (در هجران تو، از تو دور باد) / هموزنی واژگان: موازنه / د) زلف کافرکیش: تشخیص / ب) لب و دندان = لعل و گهر: لف و نشر / الف) لباس صبر، کوی عافیت: تشبیه
- ۶ - گزینه ۳ بیت ایهام و پارادوکس ندارد.
استعاره و تشخیص: خطاب کردن به خامه (قلم) / تلمیح: اشاره به «طور» / مجاز: حرف مجاز از سخن / تشبیه: گوش به فانوس / حسن تعلیل: شنوا شدن شاعر در اثر حرف عشق
- ۷ - گزینه ۲ «ب» پارادوکس ندارند. حذف ۱ و ۴
«ج» لف و نشر ندارد. حذف ۳
اغراق: زیاده روی در توصیف آب شدن سنبل از شرم زلف معشوق / حسن تعلیل: علت حلقه بودن هلال و کمر بند داشتن جوزا چاکری و بندگی آن‌هاست / واج‌آرایی: تکرار «خ» و «-» در مصرع دوم / لف و نشر نامرتب: غم و شادی = بهار و خزان / پارادوکس: حاصل بودن بی‌حاصلی
- ۸ - گزینه ۱ بیت جناس تام ندارد؛ فرق در هر دو مصرع به معنای «سر» است. تیغ هلاک اضافه تشبیهی است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۲: تشبیه: مرغ دل / مجاز: سر: مجاز از قصد
گزینه ۳: اغراق: در زیبایی یار اغراق شده است. / کنایه: از نظر افتادن: بی‌اعتبار شدن
گزینه ۴: لف و نشر: زلف، شام، کفر: لف‌ها، رخ، سحر، دین: نشرها / تضاد: شام و سحر، کفر و دین، زناربندی و تسبیح‌خوانی
- ۹ - گزینه ۱ طاق ابرو: تشبیه / طاق و جفت: تضاد / طاق مصرع دوم: ایهام ۱ - تک ۲ - قوس و خمیدگی / طاق اول و طاق دوم در معنای اول ایهامی جناس تام دارد.
۱۰ - گزینه ۳ کنایه: بازداشتن و واگرفتن کنایه هستند.
تشبیه: روی معشوق به آب تشبیه شده است.
ایهام: بوی اول ایهام دارد: ۱ - رایحه ۲ - امید و آرزو
جناس ناهمسان: بوی و روی
- ۱۱ - گزینه ۱ بیت اسلوب معادله ندارد. حذف ۳ و ۴
در بیت حسن تعلیل دیده نمی‌شود. حذف ۲
شعر و گفتار شیرین: حس آمیزی
داستان خسرو و شیرین: تلمیح



شیرین و خسرو: ایهام تناسب؛ ۱ - سخن شیرین، نام معشوق خسرو و فرهاد و تناسب با خسرو / ۲ - پادشاه مورد ستایش؛ نام عاشق شیرین و تناسب با شیرین
تکرار «ش» واج آرایه

۱۲ - گزینه ۳ بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: اسلوب معادله ندارد، چون یک جمله مستقل است. مصرع دوم کنایه از قدرت داشتن ناهل است.

گزینه ۲: مجاز دارد؛ دم مجاز از لحظه است ولی ایهام ندارد.

گزینه ۳: حسن تعلیل و تشبیه دارد. «بند محنت» اضافه تشبیهی است و دلیل آزادی سرو بندگی قامت معشوق است.

گزینه ۴: آتش استعاره از عشق است. ولی تضاد ندارد.

۱۳ - گزینه ۳ بیت «د» لف و نشر ندارد. بنابراین گزینه «۴» حذف می‌شود.

تشریح گزینه درست: تیغ دو ابرو تشبیه است، اغراق در اینکه قیامت نشانه‌ای از قیام توست. صورت، به دو معنی چهره و نقاشی ایهام دارد و لف و نشر در بناگوش صبح و طره مشکین شام.

۱۴ - گزینه ۴ بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: شب: لف ۱، روز: لف ۲ / خورشید: نشر ۲، مه: نشر ۱ / نازیدن و سفله بودن فلک تشخیص دارد.

گزینه ۲: سنگ ملامت: تشبیه / سبو: استعاره از نفس انسان

گزینه ۳: نوش و نیش: جناس ناقص اختلافی / نوش و نیش: تضاد (تلخ و شیرین)

گزینه ۴: اغراق در زیبایی خال معشوق و سیاهی آن و شوق نسبت به او / «سپند» درهر دو مصراع به معنای اسفند است. «سپند خال» اضافه تشبیهی است. پس جناس تام ندارد.

۱۵ - گزینه ۴ بررسی ابیات:

بیت هـ) بی‌تاب: ۱ - بدون تابش (تاییدن نور) ۲ - آشفته

بیت ج) تضاد: شب و روز - روشن و سیاه

بیت د) جام مجاز از محتویات درون جام است.

بیت ب) پارادوکس: سود دیدن زبان (سود داشتن زبان‌ها)

بیت الف) ناخن تدبیر: استعاره مکنیه و تشخیص

۱۶ - گزینه ۲ فاقد تشبیه است. چون در ابتدای بیت به معنای همانندی نیست و معنای «زمانی که» دارد. / چمن مجاز از باغ / باز (ایهام تناسب): ۱ - دوباره ۲ - نام پرنده (تناسب با بلبل و چمن)

گزینه ۱: پرده تقوا، چون خبر: تشبیه / زبان: مجاز از سخن / ایهام تناسب ندارد.

گزینه ۳: تشبیه پنهان طره به شب / طره (موی جلوی پیشانی): مجاز از کل مو / ایهام تناسب ندارد.

گزینه ۴: آتش: استعاره و مجاز از یار، شمع: استعاره و مجاز از عاشق / ایهام تناسب ندارد.

۱۷ - گزینه ۳ باغ حسن و باغ عشق: تشبیه / سرو: استعاره از قامت یار / خود و خور: جناس / جهان: مجاز از مردم جهان است.

۱۸ - گزینه ۲ بیت «ب» مجاز: «مصراع» مجاز از شعر است.

بیت «د»: ایهام: «دور از آن» ایهام دارد: ۱ - دوری و فراق ۲ - دور از او باشد.

بیت «الف»: حسن تعلیل: شاعر علت آن که در ناف آهوی ختن مُشک به وجود آمده است، خون دل خوردن مشک می‌داند.

بیت «ج»: استعاره: غنچه استعاره از دهان بوده است و مخاطب قرار دادن «نسیم عافیت» نیز استعاره و تشخیص است.

۱۹ - گزینه ۲ بیت جناس تام ندارد / مورد خطاب قرار دادن عشق استعاره دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تیر مژگان: تشبیه / لعل: استعاره از لب

(۳) (من) شمع لرزانم: تشبیه / جان به سر دست کنایه از آماده مرگ بودن

(۴) ماه: استعاره از حضرت یوسف / جان کندن کنایه از مردن

۲۰ - گزینه ۲ تناقض: به گمان درفکندن یقین / حس آمیزی: شکر خنده

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشخیص: - / اسلوب معادله: -

(۳) کنایه: سوختن و ساختن کنایه از رنج کشیدن و شکایت نکردن، تحمّل و مدارا / باد به دست بودن کنایه از بی‌بهره ماندن / اغراق: -

(۴) استعاره: رسن: استعاره از زلف / چاه: استعاره از فرورفتگی میان چانه / حسن تعلیل: -

۲۱ - گزینه ۴ لف و نشر: گل (لف ۱)، بلبل (لف ۲) / بخندد (نشر ۱)، نگریم (نشر ۲) / بنالد (نشر ۱)، نالم (نشر ۲) تناقض: -

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشخیص: مخاطب قرار گرفتن باد صبا و جان بخشی به بلبل / مورد خطاب بودن بلبل / نسبت دادن رو و رو نمودن به لاله

کنایه: نمودن (نشان دادن) رو کنایه از ابراز وجود



۲) حس آمیزی: شنیدن بو / مجاز: خاک: مجاز از گور

۳) ایهام: دور از تو: ۱- در فراق تو ۲- دور از تو باد / استعاره: آتش: استعاره از عشق

۲۲ - گزینه ۴ تشبیه نهفته (مضمرا): تشبیه ابرو به کمان و مژگان به تیر

لف و نشر مشوش (نامرتب): ابرو و مژگان (لف)، تیر و کمان (نشر)؛ چون به ترتیب نیامده‌اند، نامرتب یا مشوش محسوب می‌شوند.

مراعات نظیر: ابرو، مژگان / تیر، کمان

۲۳ - گزینه ۲ بیت (ج) لف و نشر: رخ و زلف (لف) / صبح و شام (نشر)

بیت (ب) پارادوکس: شیرین بودن زهر قهر

بیت (ه) استعاره: گلاب ← اشک (استعاره مصرحه)

بیت (د) تشبیه: روز تاریک به خال / شب تیره به خط / اقبال سیاه به طره مشکین

بیت (الف) ایهام: «بو» ← ۱) رایحه ۲) امید و آرزو

۲۴ - گزینه ۳ بررسی ابیات:

بیت (د) دور از روی یار: ۱- دور بودن از یار ۲- فعل دعایی به معنای دور باد

بیت (ج) تلخ و قند به ترتیب استعاره از سخنان تلخ و سخنان نغز هستند.

بیت (ه) شاعر به شکلی ادبی علت برپا نشدن قیامت را انتظار کشیدن برای دیدن قامت یار دانسته است.

بیت (الف) تشبیه: بار فراق

بیت (ب) سیر مجاز از بیزار بودن است.

۲۵ - گزینه ۴ تشریح سایر گزینه‌ها:

۱) «خسرو» ایهام تناسب دارد: ۱- پادشاه (خوشبخت) ۲- خسرو پرویز، پادشاه ایرانی که با شیرین و شکر تناسب دارد.

۲) «شیرین» ایهام تناسب دارد: ۱- دلنشین ۲- نام معشوقه خسرو که در این معنا با خسرو و شکر تناسب دارد.

۳) «شکر» ایهام تناسب دارد: ۱- نوعی ماده خوراکی ۲- معشوقه خسرو که در این معنا با خسرو و شیرین تناسب دارد.

۲۶ - گزینه ۳ «بو» در این بیت فقط در معنای امید و آرزو به کار رفته است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «هزار» ایهام دارد: ۱- عدد هزار ۲- بلبل (هزارستان)

گزینه ۲: «تاب» ایهام دارد: ۱- پیچ و تاب ۲- اضطراب و تشویش

گزینه ۴: «پرده» ایهام دارد: ۱- حجاب ۲- ندا (اصطلاحی در موسیقی) / «عشاق» ایهام دارد: ۱- شیفتگان ۲- مقامی در موسیقی (اصطلاحی در موسیقی)

۲۷ - گزینه ۱ تلمیح: اشاره به داستان یوسف پیامبر (ع) / بیت فاقد ایهام است و کلمه «بو» در این بیت فقط در معنای رایحه به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: لف و نشر: لف ۱: خسرو، لف ۲: فرهاد، نشر ۱: زر به ترازو، نشر ۲: زور به بازو / واج آرایه در صامت‌های «ز» و «ر»

گزینه ۳: «ایهام تناسب: مهر» ۱: - محبت ۲- خورشید که در این معنا با «مه» تناسب دارد. / بیت دارای اسلوب معادله است و مصراع دوم در حکم مصداق مصراع اول است.

گزینه ۴: تشبیه: باده گلگون (همچون گل) / حس آمیزی: معنی رنگین

۲۸ - گزینه ۴ بیت «ج» استعاره: سخن گفتن گل نرگس استعاره و تشخیص است.

بیت «ه»: حس آمیزی: خنده شیرین

بیت «ب»: حسن تعلیل: شاعر علت پدیداری ابر در آسمان را به شیوه‌ای ادبی و غیرواقعی بیان کرده است.

بیت «د»: ایهام: «شیرین» دوم ایهام دارد: ۱- مطبوع و دلنشین ۲- نام انسان

بیت «الف»: لف و نشر: لف ۱: شب، لف ۲: روز / نشر ۲: خورشید، نشر ۱: مه

۲۹ - گزینه ۲ تشبیه: کمان ابرو

جناس: کمان - کمین

کنایه: در خون نشستن

ایهام: دل‌نشین: ۱- در دل فرورفته ۲- مطلوب و دوست‌داشتنی

۳۰ - گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

تشبیه: سنگین دل (دل مانند سنگ)

کنایه: سنگین دل (بی‌رحم)

اغراق: در خون فرورفتن کوه

تشخیص: کوه سنگین دل

تلمیح: داستان شیرین و فرهاد

حسن تعلیل: شاعر علت تشکیل لعل و جواهر در کوه را کشته شدن فرهاد کوهکن بر سر عشق شیرین می‌داند.



۳۱ - گزینه ۱ حسن تعلیل ندارد. / ایهام تناسب در «باز نمایی»: نشان دادن / باز کردن (با در تناسب دارد) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲) ایهام: نگران: ۱ - نگاه‌کننده ۲ - مضطرب / کنایه: انگشت‌نما بودن: مشهور بودن به چیزی

گزینه ۳) اغراق: شیرینی کام و دهانت آن قدر زیاد است که سخن تلخت را هم شیرین می‌کند. / حس آمیزی: سخن تلخ

گزینه ۴) لف و نشر: اندیشه و وهم: لف‌ها، وصف و بیان: نشرها / استعاره: در اندیشه (اضافه استعاری)

۳۲ - گزینه ۳ د) جناس: زحمت - رحمت

ب) تشبیه: دریای شراب

الف) ماه از شرم رخ زیبای او چهره‌اش را پوشاند.

ج) پارادوکس: رسیدن شادی به واسطه غم

۳۳ - گزینه ۴ ج) شیرین کلام: حس آمیزی

ب) به فرض اینکه اشکم شراب است چشمم از آن خالی نیست.

الف) استعاره: کعبه مقصود: معشوق / بال و پر: مقدمات و امکانات وصال

د) ایهام تناسب: خراب: ۱ - مست (با «می» تناسب دارد) ۲ - نابود و ویران

۳۴ - گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) چشم مجاز از نگاه / تلمیح به داستان حضرت یوسف (۲) حرص استعاره از شمشیر / بیت اسلوب معادله دارد (۳) حلاج ایهام دارد: ۱ - پنهان ۲ - حسین بن منصور حلاج / مینا استعاره از وجود / ۴ عیش و محنت تضاد دارد / بیت فاقد حسن تعلیل است.

۳۵ - گزینه ۲ استعاره: عشوه‌گری دنیا، تشبیه: هرکس مجذوب دنیا شود و دل او بیازد مانند کسی است که یوسف را با سکه‌های تقلبی معاوضه کرده است. ایهام: سودا: ۱ - سیاه ۲ - خرید و فروش / ایهام تناسب: قلب ۱. تقلبی که معنای مورد نظر است و قلب به معنای یکی از اعضای بدن که با دست و دل تناسب دارد اما معنای مورد نظر نیست.

۳۶ - گزینه ۳ بیت گزینه ۳ «۳» فاقد جناس است چون گنج و کنج در یک صامت و یک مصوت با هم اختلاف دارند. مصراع دوم مثالی برای تأیید مفهوم مصراع اول است (اسلوب معادله)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) «۱»: حس آمیزی در شنیدن بو و تشخیص در اینکه گل‌ها بو را احساس کرده‌اند (یا شنیده‌اند).

گزینه ۲) «۲»: لب از سرخی به لعل مانند شده است پس تشبیه دارد لف و نشر هم از نوع مرتب است چشم و لب در مصراع اول با بادام و شکر در مصراع دوم.

گزینه ۴) «۴»: کوس بر سر بازار زدن کنایه از رسوایی است و سر در مصراع دوم مجازاً قصد و نیت.

۳۷ - گزینه ۲ استعاره از نوع تشخیص در دهان داشتن تیشه است. حس آمیزی در دو ترکیب تلخ نشستن و شیرین کار بودن، عبارت تلخ نشستن کنایه از ناراحتی و عصبانیت است و واژه شیرین کاری ایهام دارد. ۱ - معشوق، کارهایش مانند شیرین است ۲ - معشوق، جذاب است.

۳۸ - گزینه ۲ جناس تام در بیت «ب»: «روی» اولی به معنای به این روی و به این دلیل و «روی» دوم به معنای صورت است. لف و نشر: در بیت «ج» ایمان و کفر و رخسار و زلف، لف و نشر مرتب ایجاد کرده‌اند.

تشبیه: روضه رضوان اضافه تشبیهی است.

ایهام تناسب: بیت «د» بوی اول دارای معنای امید و آرزو است که مورد نظر شاعر است و در معنای رایحه با گل، باغ و گلستان تناسب دارد اما مورد نظر شاعر نیست.

۳۹ - گزینه ۴ استعاره مکنیه در خنده مهتاب مشهود است. مهتاب به انسانی مانند شده است که در حال خندیدن است اما خبری از استعاره مصرحه نیست. واژگان شبنم و گل در مصراع دوم در معنای حقیقی خود آمده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) «۱»: بستن و گسستن رابطه تضاد در فعل دارد. دل هم مجاز از علاقه و محبت آدمی است.

گزینه ۲) «۲»: لف و نشر مرتب میان واژگان زلف و رخ و سایه و روشن مشهود است. زلف و رخ هم مجاز از کل وجود معشوق است.

گزینه ۳) «۳»: دور از... دارای ایهام است. اول به معنای فاصله‌ای که نزدیک نیست و دوم به معنای فعل دعایی دور باشد است. آتش هم استعاره از عشق درون قلب عاشق و آب اشک اوست.

۴۰ - گزینه ۴ در بیت «الف» جام در مصراع دوم مجاز از محتوای داخل آن است و تشخیص در تشنه بودن جام آمده. در بیت «د» هم ترک سر کنایه از خود را به کشتن دادن و در و سر جناس ناقص افزایشی.

بیت «ب» فاقد موازنه و لف و نشر است. بیت «ج» موازنه دارد اما فاقد جناس است.

۴۱ - گزینه ۲ بیت «د» کنایه ← سیه‌روزی کنایه از بدبختی و اقبال بد / تیره شدن فلک: روبه‌راه نبودن اوضاع

بیت «الف» جناس ← میان در و سر / بر و گر / جفا و وفا جناس ناقص اختلافی دیده می‌شود.

بیت «ب» ایهام تناسب ← مات در معنای مبهوت که معنای مورد نظر شاعر است آمده و در معنای یکی از اصطلاحات بازی شطرنج که مدنظر شاعر نیست، با شاه تناسب دارد.

بیت «ه» استعاره ← اینکه بنفشه مانند انسانی سر بر زانوی خود بگذارد استعاره از نوع مکنیه است.

بیت «ج» لف و نشر ← مژه لف اول، ابرو لف دوم، تیر نشر اول و کمان نشر دوم است و دارای لف و نشر از نوع مرتب است.



۴۲ - گزینه ۲ بررسی آرایه‌های خواسته شده در بیت گزینه ۲:

جناس: ریزد و خیزد

استعاره: یاقوت استعاره از لب‌های معشوق است.

موازنه: به علت روبه‌روی هم قرار گرفتن رخسار، یاقوت و شمس و شهد، آرایه موازنه وجود دارد.

اغراق: در بیان زیبایی معشوق اغراق شده است.

۴۳ - گزینه ۳ آرایه‌های موجود در بیت آمده در صورت سؤال:

تضاد: آشکار و نهان / استعاره: مه استعاره از معشوق زیبارو است. / کنایه: از پرده آشکار شدن کنایه از برملا شدن / واج‌آرایی: در مصوت بلند «ا» مخصوصاً در مصراع اول به گوش می‌رسد.

۴۴ - گزینه ۲ در گزینه ۲ «ا» (عود) ایهام تناسب دارد: معنای اول: آلت موسیقی و معنای دوم: نوعی چوب خوشبو که می‌سوزانند. در همین بیت زهره دارای استعاره از نوع تشخیص است.

گزینه ۱ «ا»: استعاره در چهره آفتاب / ایهام ندارد (داغ به معنای همان علامت و مهر است).

گزینه ۳ «ا»: قرح: استعاره از خوشی‌های دنیا / مدام ایهام تناسب دارد. ۱ - در معنی همیشگی ۲ - در معنی (شراب) با قرح و دور و بزم تناسب دارد.

گزینه ۴: ایهام ندارد / بوستان و گلستان فراش و نقاش شده‌اند؛ پس استعاره داریم.

۴۵ - گزینه ۱ در گزینه ۱ «ا» ایهام در واژه تاب دیده می‌شود. معنای اول پیچیدگی مو و معنای دوم بی‌قراری است اما بیت پارادوکس ندارد. از آشفتگی به حلقه جمع رسیدن مفهوم متناقضی نیست، توجه داشته باشید در آرایه متناقض‌نما دو مفهوم متضاد باید در یک جا جمع شده باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲ «ا»: معامله در مصراع دوم استعاره از عشق است. لف‌ونشر مرتب هم در بیت مشهود است: زلف و رخ / دیر و حرم / کفر و ایمان

گزینه ۳ «ا»: مصراع دوم که دل هم جمع است و هم پریشان پارادوکس دارد. جمع بودن دل کنایه از آرامش خاطر و پریشان بودن دل کنایه از اضطراب است.

گزینه ۴ «ا»: تشبیه چشم به چراغ، روی معشوق به چراغ چشم و مو به طناب. جناس میان روی و موی است.

۴۶ - گزینه ۴ استعاره در بیت «د» در مورد خطاب قرار دادن برگ

ایهام در بیت «ج» در پیش میرم: ۱ - پیش او بروم. ۲ - پیش او بمیرم.

ایهام تناسب در بیت «الف» هوا و مهر دارای ایهام تناسب هستند: معنای اول «هوا» جریان باد است که با ذره و خورشید تناسب دارد و معنای موردنظر شاعر «آرزو» است. معنای اول «مهر» محبت است که موردنظر شاعر است و معنای دوم «خورشید» است که موردنظر شاعر نیست اما با ذره تناسب دارد.

لف‌ونشر در بیت «ب»: تیر و قد، کمان و پشت، دارای لف و نشر مشوش است.

۴۷ - گزینه ۳ تشبیه: کوه جنون

استعاره: خنده بهار

ایهام تناسب: شیرین در معنای طعم شیرین موردنظر شاعر است. در معنای معشوقه فرهاد موردنظر شاعر نیست اما با فرهاد تناسب دارد.

حس‌آمیزی: خنده شیرین

۴۸ - گزینه ۳ فاقد لف و نشر است / چین (دوم) ایهام دارد و در دو معنای «پیچش» و «کشور چین» مورد استفاده قرار گرفته است. / «صنم» استعاره از یار خوش‌اندام است / «عالم» مجاز از «مردم» عالم است. / کلمات «در و هر» جناس ناقص دارند و کلمات «چین و چین» نیز در دو معنا به کار رفته‌اند. (جناس تام)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «ا»: دارای لف و نشر است. (لف: رخ و قامت - نشرها: جمال حور و وصال سدره)

گزینه ۲ «ا»: فاقد ایهام است.

گزینه ۴ «ا»: فاقد استعاره و مجاز است.

۴۹ - گزینه ۳ لف‌ها: اشک و روی / نشرها: سیم و زر

جناس: زر و زرد

تشبیه: (تشبیه پنهان اشک به سیم و روی به زر)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «ا»: فاقد لف‌ونشر است.

گزینه ۲ «ا»: فاقد جناس است.

گزینه ۴ «ا»: فاقد لف‌ونشر است.

۵۰ - گزینه ۱ ایهام تناسب: «چنگ» در معنای دست به کار رفته است و معنای انحرافی آن (نوعی ساز) با نی تناسب دارد. / استعاره: نالیدن چنگ و سوختن و ساختن عود (تشخیص) / جناس: می‌سوزم و می‌سازم / ایهام: بوی در دو معنای آرزو و رایحه استفاده شده است.

در سایر گزینه‌ها آرایه‌های متناقض‌نما، تلمیح و حس‌آمیزی دیده نمی‌شود.

۵۱ - گزینه ۴ تشبیه تو به یوسف و ایهام در واژه عزیز (اول) که در دو معنای گرمی و عزیز مصر کاربرد دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:



- گزینه ۱: جناس: ندارد / مجاز: شهر (مجاز از مردم شهر)
- گزینه ۲: حس آمیزی ندارد / مجاز: هزار (مجاز از مقدار زیاد)
- گزینه ۳: استعاره: ندارد / لفونشر: لفها (بناگوش و طره)، نشرها (صبح و شام)
- ۵۲ - گزینه ۲ ب: لفها: لاله و گل، نشرها: جام و روی / جناس: غیرت و غیر / تشبیه: تشبیه عفو به روز، خشم به شب، مهر به شهد و کین به سم / استعاره: سرو قیابوش استعاره از یار / ایهام: «عین» در دو معنای چشم و شبیه آمده است.
- ۵۳ - گزینه ۱ تشبیه: همچون ذره / ایهام: هوا با دو معنا (هوس و فضا) / تضاد: ذره و خورشید ایهام تناسب: آوردن کلمه «مهر» در معنای عشق که معنای انحرافی آن (خورشید و آفتاب) با ذره و خورشید تناسب دارد. در سایر گزینه‌ها، آرایه‌های اغراق، مجاز و کنایه نادرست است.
- ۵۴ - گزینه ۳ تشبیهات: «ابر زلف» و «ابر دیده» / «قمر» استعاره از صورت و چهره یار / اغراق زیاده‌روی در توصیف گریستن تشریح سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: تشبیهات: «همای شخص»، «آشیان شادی»، «چو مرغ» / فاقد استعاره / فاقد اغراق
- گزینه ۲: تشبیه: «فرش خاک» / استعاره: «گوش چرخ» / اغراق: زیاده‌روی در توصیف ناله و زاری
- گزینه ۴: تشبیهات: چو بی‌دلان و چو ابلهان / فاقد استعاره و اغراق
- ۵۵ - گزینه ۴ ایهام: صفا در دو معنا (پاکی و نام کوهی در نزدیکی کعبه) / استعاره: مروه استعاره از عشق (هر چند قوی به نظر نمی‌رسد) / جناس تام: تکرار صفا با دو معنای متفاوت / تلمیح: اشاره غیرمستقیم به مناسک حج
- ۵۶ - گزینه ۲ بیت فاقد متناقض‌نماست و در سایر ابیات همه آرایه‌ها به درستی آمده است.
- ۵۷ - گزینه ۱ گزینه ۱: «کشیدن» در دو معنای نوشیدن و حمل کردن (ایهام)
- گزینه ۲: «فصل گل» (مجاز از بهار)
- گزینه ۳: تشبیه «بالش» به «صخره»
- گزینه ۴: تناظر سجع‌های متوازن و متوازی (موازنه)
- ۵۸ - گزینه ۴ تشریح: ایهام: مدام: الف پیوسته و همیشه ب) شراب / جناس: جام و خام / واج‌آرایی: تکرار صامت «ب» و «ن» / استعاره: لعل استعاره از لب است.
- ۵۹ - گزینه ۴ تشریح گزینه‌ها:
- گزینه ۱: مجاز: چوب: مجاز از درخت است. / تضاد: گل و خار
- گزینه ۲: تمثیل: دیدند راه و ندیدند چاه را / جناس: چاه و راه جناس ناقص اختلافی
- گزینه ۳: جناس تام: بر: میوه و حاصل - بر: حرف اضافه / ایهام: بر: الف میوه و حاصل ب) کنار و اطراف
- ۶۰ - گزینه ۲ تشبیه: بیت «ب» نور عشق: تشبیه بلیغ اضافی، تشبیه تفضیل مخاطب شعر به آفتاب / بیت «د» تلمیح: چشمه کوثر و برات گرفتن از آن / بیت «الف» جناس: نام و نامه، جناس تام: دیده (بخشی از فعل مجهول) و دیده (چشم)
- ۶۱ - گزینه ۴ در گزینه ۴ هیچ حسن تعلیلی یافت نمی‌شود و شاعر در حال توصیه و پند است و از دلایل غیرواقعی و شاعرانه استفاده نکرده است. تشریح سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: اینکه گندم شکافی در وسط خود دارد به دلیل عشق است / گزینه ۲: سرخی گل به خاطر گریه و ناله سحرگاه عندلیب (بلبل) است.
- گزینه ۳: علت خوابیدن من این است تا معشوقم را در خواب ببینم. حسن تعلیلی ندارد. خوابیدن عاشق به خاطر دیدن روی کسی در خواب واقعه‌ای ادبی و خیالی نیست.
- ۶۲ - گزینه ۱ پارادوکس: آن شاهد که همه او را می‌شناسند (هر جایی) چهره خود را به کسی نشان نداد. استعاره: آن شاهد: استعاره از معشوق زیبارو (درباره استعاره بودن این واژه اختلاف نظرات زیادی وجود دارد). گزینه ۲ استعاره و پارادوکس ندارد / گزینه ۳ پارادوکس ندارد / گزینه ۴ استعاره ندارد (آب حرام اشاره به شراب دارد اما استعاره نیست، زیرا اساساً نمی‌توان گفت شراب مانند آب حرام است، در واقع شراب عیناً مایع و آب حرام است).
- ۶۳ - گزینه ۴ اسلوب معادله نداریم (رد گزینه ۱)، لف و نشر نداریم (رد گزینه ۲ و ۳)، پاسخ گزینه ۴ است. تشریح آرایه‌های بیت:
- ایهام تناسب: تازی در معنای تاختن به کار رفته است که در معنای دیگر آن یعنی سگ شکاری با سگ و آهو تناسب دارد.
- تشبیه: نفس را چون سگ تازی، صحرای قناعت، بند حرص
- ایهام: بی‌آهو (مصراع دوم): ۱- بدون حیوان آهو ۲- بدون عیب و ایراد
- استعاره: آن صحرا استعاره از قناعت (ابتدا در ترکیب صحرای قناعت، قناعت به صحرا مانند شده است و سپس در عبارت آن صحرا، صحرا استعاره از قناعت است؛ قناعت مانند صحراست > صحرای قناعت > صحرا)
- ۶۴ - گزینه ۲ تشبیه: چشمه خورشید، تو چشمه خورشید هستی، من سایه‌گه بید هستم.
- ایهام: زدی: ۱- تاییدن ۲- ضربه زدن، قفا زدن، پست: ۱- خوار و حقیر ۲- کوتاه، متضاد بالا
- ۶۵ - گزینه ۴ الف جناس افزایشی: دوستی و دوست، تضاد: دوستی و دشمنی
- ج) پارادوکس: آزادگان گرفتارند، حسن تعلیل: آزادگان به بند (موی) تو گرفتار هستند به این سبب که تو مایه غیرت ماه و آزادی سرو هستی.



بیت «ب» موازنه ندارد (رد ۳ و ۴)، بیت «د» ایهام ندارد (رد گزینه ۲).

۶۶ - گزینه ۲ رد گزینه ۱: بیت «الف» فاقد تشبیه و بیت «د» فاقد حسن تعلیل، رد گزینه ۳: بیت «ب» فاقد پارادوکس و بیت «ج» فاقد جناس، رد گزینه ۴: بیت «ب» فاقد حسن تعلیل.

تشریح آرایه‌های پاسخ سوال: استعاره مصرحه بیت «الف»: عقیق استعاره از لب / اسلوب معادله بیت «ب»: اسلوب معادله در این بیت مشهود است؛ اینکه برای مضمون مصراع اول مثالی از عالم طبیعت زده است / موازنه در بیت «ج»: میان و هوای، بحر و زهر، یاد گهر و شوق شکر، رفتن و کردن / تشبیه: مردمک چشم من مانند قارون است، تشبیه ملفوف لب به لعل و دندان به گهر

۶۷ - گزینه ۴ تشبیه: حلاوت خانه وحدت (بیت د) / ایهام: قلب در دو معنای دل و سکه تقلبی (بیت ج)، لف و نشر: لطف با نظر مرحمت و قهر با حلقه فتراک لف و نشر دارند (بیت ب)، مجاز: جهان مجازا مردم جهان (بیت الف)

بیت «الف» و «ج» لف و نشر ندارند (رد گزینه ۳ و ۲)، بیت «د» لف و نشر ندارد (رد گزینه ۱)؛ و یا همچنین می‌توان گفت بیت «ج» مجاز ندارد (رد ۱ و ۲).

۶۸ - گزینه ۳ پنج تشبیه عبارت‌اند از: (۱) لفظ چون فریادی است (۲) شعر همچون دریا (۳) شراب خون: اضافه تشبیهی (۴) دانه لفظ: اضافه تشبیهی (۵) این کاسه خون است (این به کاسه خون شبیه شده است).

دقت کنیم که شاعر می‌گوید: این اشک شهادت نیست؛ پس تشبیه نداریم.

۶۹ - گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «ماه به حصار» (شخص زندانی و در بند) تشبیه شده است.

گزینه ۲ «یار به خورشید تشبیه شده و از آن برتر دانسته شده است.

گزینه ۴ «گره به خال تشبیه شده است.

۷۰ - گزینه ۴ تشبیه: خاک سر راهت شدم / استعاره و مجاز: «لعبت چالاک» استعاره (مجاز به علاقه شباهت) از معشوق است. همچنین خاک در مصراع دوم نیز استعاره و مجاز از شاعر است.

۷۱ - گزینه ۱ تشبیه: بادپای (اسب) روح، من بادپای روح هستم، من بادبان نوح هستم، تشبیه مضمون و تفضیل لب معشوق به آب چشمه کوثر گویی که لب یار از چشمه کوثر بهتر است، لاهرویان (تشبیه درون واژه‌های رو به لاله) = پنج مورد

استعاره: لعل استعاره مصرحه از لب، غلتیدن نگاه استعاره مکنیه = دو مورد

یک توضیح: ممکن است پاسخ این سوال گزینه ۳ باشد و شش تشبیه داشته باشیم؛ اینکه وقتی به هر سویی بنگریم گلشن باشد مشکوک به تشبیه است، اما نمی‌توان به‌طور قطع در این باب نظر داد.

۷۲ - گزینه ۴ تشبیه: خال روی صورت تو مانند زاغی است که در کنار باغی نشسته است. جناس در «باغ و زاغ» دیده می‌شود.

۷۳ - گزینه ۳ تشبیه بلیغ غیراضافی: [مانند] پدر شوی

تشبیه بلیغ اضافی: مکتب حقایق - ادیب عشق

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «تشبیه بلیغ غیراضافی: ندارد / تشبیه بلیغ اضافی: کمند زلف / حلقه فریب / کمان ابرو / ناوک حیل

گزینه ۲ «تشبیه بلیغ غیراضافی: تو دیوان حافظ [هستی] / تشبیه بلیغ اضافی: ندارد

گزینه ۴ «تشبیه بلیغ ندارد.

۷۴ - گزینه ۲ اشاره به عیسی: تلمیح / چون عیسی، مهد شاخ، چو مریم و مهر خاموشی ۴ آرایه تشبیه دارد. در سایر گزینه‌ها نیز تلمیح دیده می‌شود اما تعداد تشبیهات آن‌ها از گزینه ۲ کمتر است.

۷۵ - گزینه ۲ تشبیه اول: موی میان، هم وجود و هم عدم است: وجه شبه باریکی است.

تشبیه دوم: دو زلف افعی ضحاک است: وجه شبه پیچیدگی است.

تشبیه سوم: چهره، جام جم است: وجه شبه روشنی است.

۷۶ - گزینه ۴ استعاره مکنیه: نسبت دادن دُر فشانان و لاف زدن به ابر

استعاره مصرحه: دُر: استعاره از قطره باران / لؤلؤ: استعاره از اشک

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «استعاره مکنیه: جان‌بخشی به صبح و مرغ / استعاره مصرحه: __

گزینه ۲ «استعاره مکنیه: __ / استعاره مصرحه: آتش: استعاره از شراب

گزینه ۳ «استعاره مکنیه: جان‌بخشی به گل و بلبل / استعاره مصرحه: __

۷۷ - گزینه ۴ بیت فاقد تشبیه است. «بیان ناله عاشق توسط چنگ» استعاره و تشخیص است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «تشبیه: بر سیمین (همچون سیم) تو / استعاره: «قمر» استعاره از معشوق است.

گزینه ۲ «تشبیه: مشک زلف (بیت تشبیه مرجح هم دارد.) / استعاره: «بو کردن مشک و عنبر» استعاره و تشخیص است.



گزینه ۳: تشبیه: کام و دهان من تنگ شکر شود (تشبیه فشردۀ غیراضافی) / استعاره: «بت شیرین دهان» استعاره از معشوق است. همچنین «خیال کردن دل» استعاره و تشخیص است.

۷۸ - گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: «۲» وجه شبه عزیز و عزت است. «۳» سرباختن وجه شبه است و «۴» گذر کردن وجه شبه است.

۷۹ - گزینه ۳ از میان ابیات آمده در صورت سوال در بیت «الف» دو وجه شبه «نمودن رخ از پشت نقاب» و «گذشتن آب از سر» دیده می‌شود و در بیت «د» درفشان بودن وجه شبه تشبیه است که ذکر شده؛ بنابراین، سه وجه شبه در ابیات دیده می‌شود.

۸۰ - گزینه ۱ در بیت گزینه «۱» آب چشم به دانه انار و کام به ناردان مانند شده است، اما همه ارکان تشبیه ذکر نشده است ولی در گزینه‌های دیگر همه ارکان آمده‌اند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «مرغان چمن: مشبه / من: مشبه به / چو: ادات تشبیه / عاشق و مست: وجه شبه

گزینه ۳: «خورشید: مشبه / بندگان: مشبه به / همچو: ادات تشبیه / بوسه بر جناب دادن: وجه شبه

گزینه ۴: «آن: مشبه / سرو و صنوبر: مشبه به / همچو: ادات تشبیه / قبا یکی بودن: وجه شبه

۸۱ - گزینه ۴ در بیت گزینه «۴» از میان ارکان تشبیه ادات ذکر نشده است.

رخ: مشبه / آیین: مشبه به / روشن: وجه شبه

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «شب هجر: مشبه / بخت سیاه: مشبه به / چو: ادات / تیرگی آموختن (تیره بودن): وجه شبه

گزینه ۲: «لب: مشبه / می: مشبه به / گون: ادات / مستی‌زا بودن: وجه شبه

گزینه ۳: «من: مشبه / زهره چنگی: مشبه به / چون: ادات / رقص آمدن: وجه شبه

۸۲ - گزینه ۲ تشبیهات: رخسار به آتش - دل‌پختگان به سپند - لب به لعل - لب به می - جگر خستگان به کباب (۵ تشبیه) تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «من به بنده - تو به شاه - من به ابر سیه - تو به ماه (۴ تشبیه)

گزینه ۳: «عشق تو به آهو - دل به چشمه‌سار - آرزو به تخم - تخم آرزو به گیاه عشق (۴ تشبیه)

گزینه ۴: «لب به آب - جان به آتش - غم به کوه - دل به شیشه (۴ تشبیه)

۸۳ - گزینه ۳ ۱- تشبیه پشت به چنبر ۲- تشبیه هجر به بار ۳- تشبیه لب به لعل ۴- تشبیه لب به انگشتر تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ۱- تشبیه لب به انگشتر ۲- تشبیه فراق به بار ۳- تشبیه پشت به چنبر

گزینه «۲»: ۱- تشبیه دل به انگشتر ۲- تشبیه مهر به نگین

گزینه «۴»: تشبیه مشهود نیست.

۸۴ - گزینه ۲ (۱) خاک مجاز از گور / (۲) نرگس استعاره از چشم / (۳) دست مجاز از قدرت، سر دوم مجاز از قصد / (۴) خون مجاز از قتل و کشتن

۸۵ - گزینه ۱ گزینه «۱»، فاقد مجاز است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: سر در مصراع دوم مجاز از مو

گزینه «۳»: ماه و خورشید مجاز از کل پدیده‌های عالم

گزینه «۴»: کتاب مجاز از قرآن

۸۶ - گزینه ۲ تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «صد»: مجاز از مقدار زیاد

گزینه «۳»: «کف»: مجاز از دست

گزینه «۴»: «شهر»: مجاز از مردم شهر

۸۷ - گزینه ۱ تشخیص در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: برای شب و روز ویژگی‌های انسانی آورده است.

گزینه «۳»: خامه (قلم) گریه می‌کند.

گزینه «۴»: اشک ماجرا تعریف می‌کند.

۸۸ - گزینه ۴ استعاره در بیت آمده در صورت سؤال، از نوع مکنیه است (مهتاب مانند قطره آب تراوش می‌کند). همین نوع استعاره در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» هم آمده است. «کام حرص»، سلام کردن باغ و پیاده رفتن غنچه، قیام کردن سرو، سوار بودن غنچه، ترش رویی گردون و خندیدن برق، استعاره‌های مکنیه آمده در گزینه‌ها هستند.

اما در بیت گزینه «۴» لعل دارای استعاره مصرحه است و از این حیث با بقیه تفاوت دارد.



۸۹ - گزینه ۲ تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «چشم روزگار» اضافه استعاری (تشخیص) و «مه تابان» استعاره مصرحه از یار

گزینه ۳: «شمع» استعاره از معشوق

گزینه ۴: «جام» استعاره از بوسه

۹۰ - گزینه ۱ استعاره: سنبله: استعاره از موی یار / آفتاب: استعاره از صورت یار / حیران شدن آسمان استعاره و تشخیص / تشبیه: اشک مانند پروین.

۹۱ - گزینه ۴ بررسی آرایه‌ها بر اساس گزینه ۴

ج: تشبیه: پیچ طرّه معشوق به دام راه تشبیه شده است.

ه: تشخیص: اینکه خاک کوی یار ممت بگذارد تشخیص و استعاره است.

د: تلمیح: ناظر بر آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

الف: مجاز: جام مجاز از شراب است.

ب: کنایه: «نقش بر آب زدن» در این جا کنایه از: از بین بردن.

۹۲ - گزینه ۴ «لعل: لب» در گزینه ۲ / «دُرّ: اشک» و «گریبان چشم» در گزینه ۱ / «لعل: لب» / «قند: شیرینی لب و دُرّ: سخن» در گزینه ۳ / «گهر: سخن» / «حقه لعل: دهان» / «لعل: لب» / «شکر: لب» / «مرورید: دندان» در گزینه ۴

۹۳ - گزینه ۱ حس آمیزی: اگر مشام داری بشنو (بویایی - شنوایی)

تشخیص و استعاره: لب خندان قَدَح (کاسه)

۹۴ - گزینه ۴ در گزینه ۴ کنایه و جناس یافت نمی‌شود.

گلستان جهان = تشبیه / گل، گلستان و سرو روان = مراعات نظیر /

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: تشبیه: بازار جهان: تشبیه جهان به بازار (اضافه تشبیهی) / جناس ناهمسان: بازار و آزار / مراعات نظیر: نقد، بازار و سود / کنایه: مصراع اول (کنایه از دید همه‌جانبه)

گزینه ۲: شکر شکر: تشبیه شکر به شکر (اضافه تشبیهی) / جناس ناهمسان: شکر و شکر / مراعات نظیر: طوطی و شکر / کنایه: «در قفس ماندن» کنایه از اسارت و بندگی

گزینه ۳: تشبیه: چو بلبل / جناس ناهمسان: هوا و هوس / مراعات نظیر: سدره و ملکوت - بلبل و شهباز / کنایه: «نشیمین کسی سدره باشد» کنایه از والایی مقام

۹۵ - گزینه ۳ جناس همسان: دوش (در آغاز بیت: دیشب/در آخر بیت: کتف): تشبیه: سیلاب غم (غم، به سیلاب مانند شده است).

۹۶ - گزینه ۱ استعاره: کام صدف، تشخیص و استعاره است. (اضافه استعاری) / «لعل: استعاره از لب»

مجاز: کام: مجاز از دهان

کنایه: «تلخ نمودن کام کسی»: کنایه از ناراحت نمودن کسی

تشخیص: کام صدف (صدف به انسانی تشبیه شده است که کام و دهان دارد)

۹۷ - گزینه ۴ در گزینه ۴ کنایه وجود دارد ← سر چیزی داشتن کنایه از قصد کاری داشتن. اما فاقد استعاره است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) رباط استعاره از دنیا / خیمه زدن کنایه از اقامت کردن است.

گزینه ۲) مشک استعاره از موی سیاه / کافور استعاره از موی سفید / دل سرد شدن کنایه از مأیوس شدن

گزینه ۳) صنم استعاره از هوای نفس / دست کسی را بوسیدن کنایه از تشکر و قدردانی

۹۸ - گزینه ۲ گل از خار برآوردن - خار از پا درآوردن - پا از گل در آوردن هر سه عبارت، کنایه از «از گرفتاری درآمدن» است.

۹۹ - گزینه ۴ تشخیص و استعاره: ای غنچه غافل، دهن پیش صبا بگشا

تشبیه: چون گل

حس آمیزی: گریه تلخ (درآمیختن حس‌های بینایی / شنوایی و چشایی)

۱۰۰ - گزینه ۴ مرغ دل / دام زلف / دانه خال / طایر اندیشه / دام هوس، تشبیه در این گزینه از سایر گزینه‌ها بیشتر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «خار بلا / گلچهره» ← چهره مانند گل

گزینه ۲: «سیل اشک / خاک وجود»

گزینه ۳: «سرو قامت / عارض ماه»



پاسخنامه کلیدی

۱ - ۱	۱۶ - ۲	۳۱ - ۱	۴۶ - ۴	۶۱ - ۴	۷۶ - ۴	۹۱ - ۴
۲ - ۴	۱۷ - ۳	۳۲ - ۳	۴۷ - ۳	۶۲ - ۱	۷۷ - ۴	۹۲ - ۴
۳ - ۲	۱۸ - ۲	۳۳ - ۴	۴۸ - ۳	۶۳ - ۴	۷۸ - ۱	۹۳ - ۱
۴ - ۱	۱۹ - ۲	۳۴ - ۴	۴۹ - ۳	۶۴ - ۲	۷۹ - ۳	۹۴ - ۴
۵ - ۱	۲۰ - ۲	۳۵ - ۲	۵۰ - ۱	۶۵ - ۴	۸۰ - ۱	۹۵ - ۳
۶ - ۳	۲۱ - ۴	۳۶ - ۳	۵۱ - ۴	۶۶ - ۲	۸۱ - ۴	۹۶ - ۱
۷ - ۲	۲۲ - ۴	۳۷ - ۲	۵۲ - ۲	۶۷ - ۴	۸۲ - ۲	۹۷ - ۴
۸ - ۱	۲۳ - ۲	۳۸ - ۲	۵۳ - ۱	۶۸ - ۳	۸۳ - ۳	۹۸ - ۲
۹ - ۱	۲۴ - ۳	۳۹ - ۴	۵۴ - ۳	۶۹ - ۳	۸۴ - ۲	۹۹ - ۴
۱۰ - ۳	۲۵ - ۴	۴۰ - ۴	۵۵ - ۴	۷۰ - ۴	۸۵ - ۱	۱۰۰ - ۴
۱۱ - ۱	۲۶ - ۳	۴۱ - ۲	۵۶ - ۲	۷۱ - ۱	۸۶ - ۲	
۱۲ - ۳	۲۷ - ۱	۴۲ - ۲	۵۷ - ۱	۷۲ - ۴	۸۷ - ۱	
۱۳ - ۳	۲۸ - ۴	۴۳ - ۳	۵۸ - ۴	۷۳ - ۳	۸۸ - ۴	
۱۴ - ۴	۲۹ - ۲	۴۴ - ۲	۵۹ - ۴	۷۴ - ۲	۸۹ - ۲	
۱۵ - ۴	۳۰ - ۲	۴۵ - ۱	۶۰ - ۲	۷۵ - ۲	۹۰ - ۱	